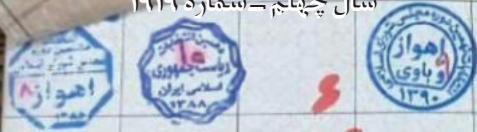


۴۵۳

کیمپان

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۸ تا ۲۴ اسفندماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۹



رای
بی
رای

توضیحات:

تاریخ: روز _____ ماه _____ سال _____
 محل: شهرستان _____
 شهرستان _____
 شماره ثبت: _____
 تاریخ ثبت: روز _____ ماه _____ سال _____
 شهرستان _____
 شهرستان _____
 نام و نام خانوادگی: _____
 شماره: _____

از «نه» مردم تاریزش «خودی»ها

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

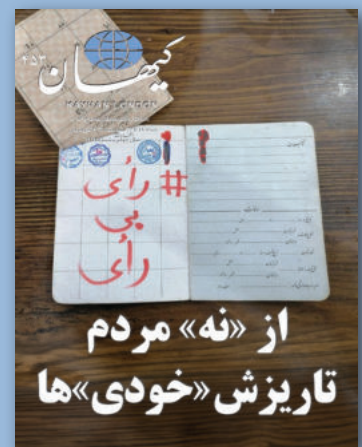
- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۱۹ (۴۵۳)

جمعه ۱۸ تا ۲۴ اسفندماه ۱۴۰۲
۸ تا ۱۴ مارس ۲۰۲۴



از «نه» مردم
تاریزش «خودی»ها

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سر دبیری:
editorial@kayhan.london

پرواز فرشته‌ای به بلندای آسمان

با قلبی آکنده از تأثر و اندوه، درگذشت



مهربانو سیمین آجودانی

را به اطلاع دوستان و جامعه ایرانیان لندن می‌رسانیم.
ایرانیان مقیم لندن، **سیمین آجودانی** و شخصیت والای او را به خوبی می‌شناختند و وجودش را ارج می‌نهادند.
سیمین آجودانی بیش از چهار دهه زندگی اجباری در لندن را سپری کرد بدون آنکه غم دوری ایران عزیز، قلب شکسته‌اش را رها کند. اما او با وجود بیماری سخت و طولانی همواره با لبی خندان و دلی پر امید، نه تنها دست از کوشش برای ترویج زبان و فرهنگ پارسی برداشت، بلکه چون فرشته‌ای مهربان و دلسوز به یاری هر آن کس که از بیماری رنج می‌برد می‌شتافت و همچنان در برگزاری برنامه‌های کانون ایران (پارس) فعالیت می‌کرد و غیر ممکن بود که در جلسات مختلف آن شرکت نکنند. آن شادروان که روابط بسیار دوستانه و صمیمانه‌ای با همکاران قدیمی کیهان لندن داشت، همیشه به امید بازگشت به میهن دلبندش تحت سلطنت خاندان پهلوی امیدوار و روزشماری می‌کرد. افسوس که این آرزو در زمان حیاتش برآورده نشد.
سیمین آجودانی، مهربانویی فرهیخته، نیک‌پندار، نیک‌گفتار و نیک‌کردار بود که در زندگی بسیاری اثر جاودانه‌ای از خود به جای گذاشت.
روانشان شاد و غرق آرامش، نام نیک‌شان پیوسته گرامی و ابدی باد.

کیهان لندن، سوگ وارده را به **خاندان محترم آجودانی** بخصوص یگانه دختر زنده یاد، دوستان و بستگان صمیمانه تسلیت می‌گوید.

اطلاعه
کانون

شبه دوم تاریخ ۲۳ تا ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ خورشیدی



کانون فرهنگی پارس (ایران) بنیادیت هفت درگذشت
سیمین آجودانی

از اعضای بنیاد ایرانی و ایرانیان پارس (ایران) بنا بر همکاری و اطلاع دوستان و همکاران خودی رسانند.
مراسم یادبود این بانوی زین دو ست گزری را سادانه و با گل و شمع و سایر وسایل مناسبی
و خدمت کانون ایران و فعالیت‌های خیریه آن گذارند.
روز چهارشنبه ظهر ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ در منزل آقای محمد کزکز کونگر کزازی شود.

COPTHORNE TARA HOTEL
SCARSDALE PLACE KENSINGTON LONDON W8 5SY

کیهان

*** فهرست مطالب ***

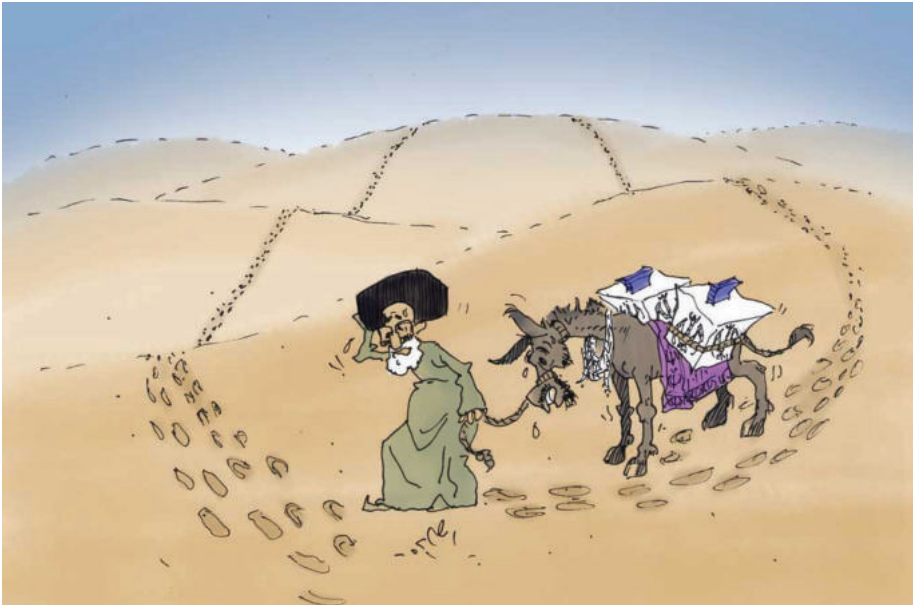
سرمقاله - سیل در سیستان و بلوچستان تکرار ناکارآمدی و تخریب / الاهی بقراط ۴
تیر هفته - از «نه» مردم تاریزش «خودی» ها ... / روشنگر آسترکی ۴-۵

روزنامه «تایمز»: چرا جوانان ایران از بازگشت رضا پهلوی استقبال خواهند کرد؟! ... / ۶-۷
وزیر دفاع بریتانیا: هر کجای دنیا مشکل وجود داشته باشد جمهوری اسلامی آنجا ... / ۷
مشارکت پایین و بیستازی «آرای باطله» ... / ۸-۹
«مؤسسه پژوهش و پیش بینی تجربی»: عدم اعتماد به رژیم بعدم مشارکت در ... / ۹
امدادسانی لاک پشتی جمهوری اسلامی به سیل زدگان سیستان و بلوچستان ... / ۱۰-۱۱
تکرار تاریخ ... / خیراندیش (احمد احرار) ۱۱
سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۶) ... / ۱۲-۱۴
هشتک «سیرک انتخابات»: کارزاری برای یک «نه» دیگر به جمهوری اسلامی ... / ۱۵
به لطف هندوستان شریک استراتژیک آمریکا، خزان روسیه برآز بول شده ... / ۱۶
مخالفت دولت بایدن با صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام ... / ۱۶-۱۷
«درگیری های کنترل شده در خاورمیانه» ارزش سهام شرکت های نظامی ... / ۱۷
دروغ مورد توافق جمهوری اسلامی و طالبان به مردم ایران ... / فیروز نور دستروم ۱۸
افزایش ۴۳ درصدی اعدام ها در سال ۲۰۲۳ میلادی در جمهوری اسلامی ... / احمد رأفت ۱۹
الکساندر دوگین مشاور پوتین: لیبی الیسم «پروژه شیطانی» و تمدن غربی ضد مسیح است ... / ۲۰
تقلب در انتخابات یازدهم اسفند: قهر نمایندگان بازنده «سیرک انتخابات» از ... / ۲۱
تهدید اسرائیل به «فصاح» در مراسم تشییع جنازه سرهنگ رضازاری ... / ۲۲
شبه نظامیان حوثی: حمله به کشتی های بریتانیایی ادامه خواهد داشت ... / ۲۲-۲۳
توقیف محموله نفتی کشتی آمریکایی «ادونتیک سویت» در پوشش «رسدگی به» ... / ۲۳
بحران آب و سدسازی در ایران در گفتگو با نیک آهنگ کوثر ... / فیروز نور دستروم ۲۴-۲۵
آرای باطله برنده مطلق در بین نامزدها! ... / کارتون های بهنام محمدی ۲۵
شکست رژیم با پیروزی مخالفین؟! ... / بهرام فرخی ۲۶-۲۷
بیانیه آمریکادار شورای حکام: جمهوری اسلامی باید تمام ذخیره اورانیوم ... / ۲۷
نامه وزارت بهداشت برای جلوگیری از واردات داروی بیمار «SMA» ... / ۲۸-۲۹
نمایندگی برای تغییر در ایران ... / بیژن کبان و سام کرمانیان ۲۹
یک گام تا اعدام؛ وکیل عباس در ریس از ایرادات پرونده موکل اش می گوید ... / ۳۰
محکومیت شروین حاجی پور به زندان، ممنوع الخروجی، رونویسی کتاب های ... / ۳۱
پدیدم خودکشی و دیگر کشتی سربازان ... / ۳۲-۳۳
سرباز کشتی دستاورد جمهوری اسلامی ... / ۳۳
خودکشی یک سرباز در بم هنگام نگهداری ... / ۳۳
فریدون رهنما، انسانی یگانه در میان ناسان های زمانه (۱) ... / فیروزه خطیبی ۳۴-۳۵
عکاسان زن ایران و «جنس مهسا» ... / ۳۶-۳۷
گزارش روزنامه سوئدی درباره فیلم مستند «کودکان کمپ اشرف» و حواشی آن ... / ۳۸
اقتصاد آشوب زده ایران؛ از دلار ۶۱ هزار تومانی تا گسترش فقر و ... / ۳۹
باور تکر دنی: جاماندن دو ورزشکار ایرانی از رقابت های جهانی به دلیل ... / ۴۰
یک تکه پلاستیک «پیروز» را به کشتن داد ... / ۴۱
افزایش قیمت هاد بازار ارز و طلا در فرادای «سیرک انتخابات» ... / ۴۲
تدوین «بسته ماندگاری پرستاران» به دستور خامنه ای با چاشنی سرکوب و ... / ۴۲-۴۳
«حفره آماری» در تجارت خارجی؛ ساختار مافیایی و رانتی اقتصاد جمهوری اسلامی ... / ۴۴
با وجود انکارها، گام جدید دولت برای حذف سهمیه بنزین دولتی ... / ۴۵
اعتصاب و اعتراض کارکنان شرکت نفت فلات قاره همزمان با «سیرک انتخابات» ... / ۴۶
محروریت همراه با سیل و زلزله در استان سیستان و بلوچستان ... / ۴۶-۴۷
اف بی آی در تعقیب دو مامور جمهوری اسلامی متهم به توطئه علیه مقامات آمریکایی ... / ۴۸
وال استریت ژورنال: فشار جمهوری اسلامی به سودان برای ایجاد یک پایگاه نظامی ... / ۴۹
بی خبری از زن جوانی که در اعتراض به سیرک انتخابات مقابل دوربین صداوسیما ... / ۵۰
موفقیت یک نوکیس مسیحی ایرانی در یک پرونده پناهندگی در ... / حنیف حیدر نژاد ۵۰-۵۱
سرهنگ رضازاری از فرماندهان «سپاه قدس» در حمله هوایی اسرائیل به بنیاس ... / ۵۱
چند استان ایران جزو کانون های خودکشی در جهان ... / ۵۲-۵۳
نظر سنجی «گالوپ»: اکثریت مردم آمریکا «تورور بسم سائیری» و «توسعه تسلیحات» ... / ۵۳
سیل سیستان و بلوچستان؛ سوخت بران و فعالان مدنی بار دولت را ... / ۵۴-۵۵
چند کشته و زخمی در انفجار تأسیسات «بالا نگاه نفت آفتاب» بندر عباس ... / ۵۵
سختگیری کویت در صدور ویزا برای بازرگانان ایرانی ... / ۵۶
پس از انقلاب ۵۷ سدهای بزرگی ساخته شدند که حدود ۲ هزار اثر تاریخی را ... / ۵۶-۵۷
خبر های کوتاه ... / ۵۸-۵۹
پشت جلد - عکس هفته / هشتم مارس روز جهانی زن ۶۰

بازنشر
بازنشر



از «نه» مردم تا ریزش «خودی»ها

سرمقاله
سیل در سیستان و بلوچستان
تکرار ناکارآمدی و تخریب

سیل و زلزله و برف و یخبندان و انواع سوانح طبیعی همیشه و همه جا روی می‌دهد. اما اینکه این رویدادها تا چه اندازه ناشی از دخالت بشر باشد و در هر کشوری چگونه در حد امکان پیش‌بینی و مدیریت شود تا خسارات مالی و جانی به حداقل برسد و همچنین پس از آن چگونه برای بازسازی مناطق



آسیب‌دیده برنامه‌ریزی کرد، موضوعی است که به مسئولیت انسان و حکومت‌ها برمی‌گردد.

در سال‌های اخیر از جمله در بهار ۹۸ و پاییز ۹۹ در خوزستان و در همان دوران در استان گلستان و دیگر استان‌های شمالی کشور و در سال‌های قبل و بعد نیز به تکرار در استان‌های مختلف در دو فصل بارانی، همواره این صحنه‌ها تکرار شده است: گرفتار شدن مردم، آسیب‌های مالی و جانی، تخریب زیرساخت‌ها، کمک‌های ناقص و معیوب نهادهای مسئول، حضور برخی مقامات برای تبلیغ و عکس یادگاری با محافظ و از راه دور و یا در هوا و هلی‌کوپتر، در کنار کمک‌های مردمی، و همراه با پیامدهایی مانند بیکاری و مهاجرت و حاشیه‌نشینی و آسیب‌های خانوادگی، و صدا البته استمرار ناکارآمدی مژمن در مدیریت بحران.

اینهمه در حالیست که موضوع تنها بر سر ناکارآمدی در مدیریت پس از وقوع حوادث نیست بلکه اقداماتی که در بسیاری موارد وقوع این سوانح را ممکن و همچنین خسارت آنها را بیشتر می‌کند نیز به سودجویی زمامداران حکومت و گروه‌های مافیایی آنها مربوط می‌شود؛ از برج‌سازی و ساختمان‌ها و مسکن‌سازی‌های غیراستاندارد در شهرهای مختلف که با زمین‌لرزه و یا حوادث دیگر مانند آتش‌سوزی بر سر مردم آوار می‌شوند تا عدم رسیدگی به مناطق محروم و بجایش سدسازی و نابودی جنگل‌ها و انحراف مسیرها برای زمین‌خواری و گرفتن پروژه‌های پول‌ساز و خطرناک که با اختلال در چرخه محیط زیست، تکرار سیل و خشکسالی و توفان ریزگرد و فرونشست زمین را تشدید و به بحران‌های جبران‌ناپذیر تبدیل می‌کند!

در این میان وضعیت استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان که اهالی با کمترین امکانات در سرپناه‌هایی به شدت ساده و غیرمقاوم زندگی می‌کنند به مراتب بیشتر ضدا انسانی و نکان‌دهنده است. آنهم در حالی که زندگی آنان به کشت‌های کوچک و دام وابسته است و در شرایطی که حقایق این منطقه از رودخانه هیرمند توسط طالبان به گروگان گرفته شده، باران‌های فصلی می‌تواند به منبع ذخیره‌ی آب تبدیل شود. اما بجایش سیل می‌شود و تمام خان و مان آنها را با خود می‌برد.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی خودش یک سانحه‌ی غیرطبیعی است که از پیش‌بینی و پیشگیری و مدیریت سوانح طبیعی عاجز است. با یک جستجوی ساده در اینترنت می‌توان دید که چگونه هربار سیل و زلزله و ریزگرد و یخبندان و فرونشست زمین بدتر از پیش تکرار می‌شود بدون آنکه در کاهش پیامدهای آنها هیچ اقدام بنیادی انجام شده باشد. به این ترتیب دامنه تخریب محیط زیستی با پیامدهای اقتصادی و اجتماعی در یک دایره‌ی شیطانی هربار گسترده می‌شود و در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان ابعادی فجیع و ضدبشری پیدا می‌کند.

● از فردای یازدهم اسفند جریان‌های امنیتی و مقامات ارشد حکومتی درباره «انسدادزادی» و مشروعیت از دست رفته نظام کاسه «چه کنم؟» در دست گرفته‌اند.

شد تا رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران وابسته به جریان‌های مغلوب از موضوع «عدم مشارکت» برای «زدن» رقبا سوء استفاده کنند.

آمار «عدم مشارکت»: آنها که «نه» گفتند!

در آنسو اما حکومت تا توانست آمارسازی کرد و در این دوره از انتخابات انواع راه‌حل‌های متقلبانه و پوپولیستی از جمله توزیع پول نقد، پولپاشی و اجاره شناسنامه را در دستور کار قرار داد و در نهایت مدعی شد که مشارکت ۴۱ درصد بوده و ۲۵ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند.

به بیان دیگر ترفندهای حکومت برای شرکت هرچه بیشتر مردم در انتخابات، و البته فرصت‌آفرینی برای تقلب بیشتر مانند امکان رأی دادن با چهار کارت شناسایی دیگر غیر از شناسنامه و یا حتی شناسنامه بدون عکس هم نتوانست آمار مشارکت را بالا ببرد.

با فرض محال درست بودن ادعای مشارکت ۴۱ درصدی و حضور حدود ۲۵ میلیون نفر پای صندوق رأی، همین ارقام نیز به این معناست که حدود ۴۰ میلیون نفر از ۶۱ میلیون و اندی واجد شرایط، پای صندوق‌ها حاضر نشدند. این در حالیست که گزارش‌ها از شمار قابل توجه و بی‌سابقه آرای باطله در ۱۱ اسفند حکایت دارد که اگر آرای باطله هم به آمار تحریم‌کنندگان افزوده شود دست‌کم دو سوم واجدین شرایط به رژیم «نه» گفته‌اند...

همچنین اگر رقم ۴۱ درصد برای مقامات ارشد حکومت میزانی معقول و منطقی به نظر می‌رسد که از تریبون‌ها نیز اعلام کردند، اما مقایسه این رقم با ادعاهای مشارکت ۶۰ و ۷۰ درصدی در دوره‌های پیشین، حاوی پیامی مهم درباره از دست رفتن مشروعیت حکومت است.

برای نمونه در پایتخت که کانون تمرکز نهادهای اصلی قدرت و وزارتخانه‌ها، و مرکز پروپاگاندا حکومت است و شمار نیروهای مدافع یا منتفع از حکومت در آن قابل توجه است، مشارکت در انتخابات به شدت پایین و حتی بر اساس آمارهای حکومتی پایین‌تر از میانگین کشوری و در

حدود ۲۴ درصد بود. این میزان مشارکت با احتساب

مهم‌ترین پیام دو رأی‌گیری یازدهم اسفندماه، باخت اصل و بنیاد جمهوری اسلامی به اراده و خواست جمعی مردم ایران بود. حتی بر اساس آمار رسمی نیز حدود ۴۰ میلیون شهروند، برابر با دو سوم واجدین شرایط رأی دادن، در انتخابات شرکت نکردند و به جمهوری اسلامی «نه» گفتند. با گذاشتن نقطه پایان پای «اصلاحات» از سوی مردم، معادلات قدرت میان جریان‌های اصولگرا به موضوع اصلی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی در عمل «تمام» شده و ته‌مانده‌های آن در لبه پرتگاه «فروپاشی» برای سهم بیشتر از «سفره انقلاب» یکدیگر را می‌دزدند.

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری، هفته گذشته و در یازدهم اسفند، بی‌رونق و سوت و کور برگزار شد. میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی چنان پایین بود که در اتفاقی بی‌سابقه در نیمی از کشور و در ۱۵ استان انتخابات به دور دوم کشیده شد.

همانطور که در گزارشی پیش از این انتخابات در «کیهان لندن» اشاره شده بود برخی رسانه‌های حکومتی در روز انتخابات به مدد «تصاویر آرشیوی» تیرهای پرطمطراق «حضور پرشور» و «مشارکت آحاد ملت» را به کار بردند؛ علی‌خامنه‌ای نیز که روزی مشارکت ۴۰ درصدی مردم آمریکا را «ننگ» و نشانه بی‌اعتنایی و ناامیدی مردم به نظام سیاسی کشورشان خوانده بود، مشارکت ۴۰ درصدی یازدهم اسفند را «جهاد» خواند.

میزان مشارکت ناچیز اما اینبار حتی با «رتوش تصاویر» و «تحریف آمارها» قابل ماستمالی نبود و برخی رسانه‌های داخلی مشارکت پایین مردم در انتخابات را پوشش دادند. خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه مدعی «شکست قطعی کمپین حداکثری تحریم انتخابات» شد و روزنامه «کیهان» چاپ تهران هم منت بر سر شهروندان گذاشت که مسئولان می‌توانستند آمار مشارکت در انتخابات را بالاتر اعلام کنند، اما نخواستند!

در این میان درگیری‌های بین‌جناحی و درون‌جناحی‌های مان‌انگیزه‌ای



در شرایطی که جمهوری اسلامی با ریزش بدنه حامی و تشدید اختلافات درون جناحی، متزلزل‌تر از گذشته مسیر فروپاشی را طی می‌کند، در آنسو تشکیل یک مجلس تندرو می‌تواند رشته‌های جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی را پنبه کند. اگرچه دولت‌های اصلاح‌طلب محمد خاتمی و حسن روحانی از امنیتی‌ترین دولت‌های جمهوری اسلامی بودند و سرکوب‌هایی چون قتل‌های زنجیره‌ای، کوی دانشگاه و کشتار دی ۹۶ و آبان ۹۸ در آن دولت‌ها صورت گرفت، اما سال‌ها عوامل و صادراتی‌های اصلاح‌طلبان در خارج کشور تصویر جعلی یک ساختار دوگانه از تندرو-اصلاح‌طلب را به غرب فروختند تا بتوانند توسط اصلاح‌طلبان برای استمرار حکومت امتیاز بگیرند. اکنون تشکیل مجلسی با اکثریت محوری شاگردان و عقبه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، در کنار دولتی که به «دولت قاضی مرگ» معروف است، روزنه‌های کوچک برای دریافت امتیاز از غرب را مسدود می‌کند.

عدم مشروعیت در داخل و بن‌بست در بازسازی روابط با غرب، جمهوری اسلامی را وارد فاز جدیدی از بحران خواهد کرد.

در این میان پتانسیل جدی از شهروندانی که انتخابات را برای نخستین بار تحریم کردند وجود دارد که مشخص نیست در تهدیدی جمهوری اسلامی برای جذب آنها، آیا اپوزیسیون مدافع دموکراسی می‌تواند با اعتمادسازی آنها را به خود جلب کند؟

نگاهی به شهرهایی که به دلیل مشارکت اندک مردم، انتخابات مجلس شورای اسلامی در آنها به دور دوم کشیده شده نشان می‌دهد غالب آنها شهرهای بزرگی هستند که تمرکز قشر متوسط در آنها بالا بوده است. قشرهای متوسط همواره در تحولات سیاسی نقشی برجسته و محوری داشته و اتفاقاً اصلاح‌طلبان در ربع قرن گذشته با اتکا بر همین قشر بوده که پایگاه اجتماعی ساختند و پروژه‌های «حفظ نظام» را پیش بردند.

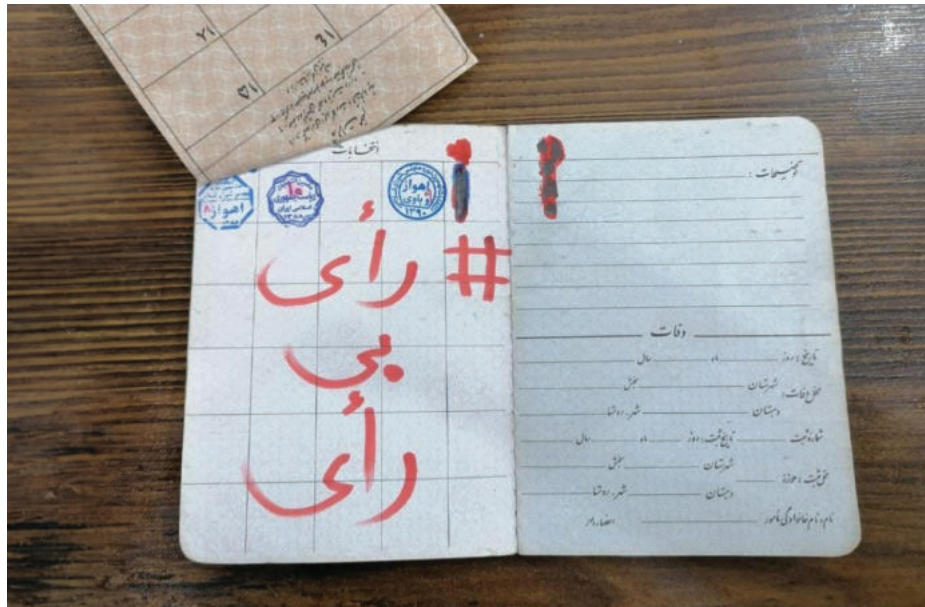
این قشر در سال‌های گذشته کم‌کم به جمعیت معترضان پیوست بطوری که شمار قابل توجهی از جانباختگان و بازداشت‌شدگان اعتراضات ۴۰۱ از قشر متوسط بودند. سال‌ها تباهاکاری و فساد جمهوری اسلامی، در کنار مشکلات اقتصادی و معیشتی که این قشر را نیز به جرگه تنگدستان و فقر کشاند، دست به دست هم داد تا در نهایت پیوندهای قشر متوسط با صندوق رأی حکومت قطع شود و سناریوهای سلبریتی‌سازی از شخصیت‌های سیاسی درون حکومتی با عباي شکلاتی و شال سبز و بنفش دیگر این قشر را هیجان‌زده و متأثر نکند.

برخی تحلیلگران معتقدند حضور میلیونی مردم در خیابان‌ها، تیشه آخر به ریشه پیکر فرسوده جمهوری اسلامی خواهد بود. حضور میلیونی اما تنها و تنها به مدد قشر متوسط در کلانشهرها امکان‌پذیر خواهد بود؛ همان شهروندانی که به عنوان قشر خاکستری شناخته می‌شوند و حالا شمار زیادی از آنها دیگر پیوندی با جمهوری اسلامی ندارند. این قشر ظرفیت ذخیره‌شده برای تحولات ساختاری در ایران به شمار می‌رود که به تحرک درآمد آن نیازمند روشن شدن فرمول گذار و چشم‌انداز روزهای پس از جمهوری اسلامی در ساختار سیاسی جدید کشور است.

با توجه به شواهد و تمایل مردم ایران در داخل به نظر می‌رسد ارائه‌ی الگویی ملی و دموکرات و شفاف، متناسب با ساختار فرهنگی و تاریخی ایران، با تضمین حفظ یکپارچگی کشور و امنیت سراسری می‌تواند قدرت قشر متوسط را در حمایت از نیروهای مدافع دموکراسی و حقوق بشر به میدان بیاورد و نقطه‌ی پایان بر عمر جمهوری اسلامی بگذارد.

روشنک آسترکی

اهمیتی ندارد اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی قبل و بعد از این روز متفاوت خواهد بود. این «انتخابات» بخشی از بدنه اجتماعی متصل به حکومت را با واقعیت «عدم



مشروعیت نظام» روبرو کرده و آنها را به سوی ریزش پیش خواهد برد.

اکنون، پس از برگزاری انتخابات نیز مشخص شده که جمهوری اسلامی بیش از پیش تهی شده و تحریم گسترده انتخابات حتی از سوی بخشی از «خودی»‌ها یا شهروندانی که سال‌ها، برای تکرار یک نوستالژی، پای صندوق رأی حکومت ایستاده بودند به چالش مهم اتاق فکر امنیتی‌های حکومت تبدیل شده است.

تغییر دیدگاه رأی‌دهندگان سابق و ایستادن آنها کنار تحریم‌کنندگان انتخابات حتی در آرای نامزدهای مجلس خبرگان رهبری نیز مشخص است. برای نمونه احمد جنتی در انتخابات پنجمین دوره خبرگان رهبری در سال ۱۳۹۴، به عنوان آخرین نفر از شانزده نماینده برگزیده تهران یک میلیون و ۳۲۰ هزار رأی آورده بود. در انتخابات این دوره اما علیرضا اعرافی به عنوان نخستین نامزد تهران فقط ۸۸ هزار رأی آورده است. این اختلاف گسترده که طی هشت سال گذشته ایجاد شده، چیزی جز ریزش شهروندان معتقد یا حامی صندوق رأی نظام نیست.

قابل توجه اپوزیسیون جمهوری اسلامی!

تحریم گسترده انتخابات از سوی مردم را می‌توان «کم‌هزینه‌ترین کنش سیاسی» از سوی جامعه‌ای معترض ارزیابی کرد که شهروندان توانستند آن را به خوبی پیش برده و در آن پیروز شوند.

از سوی دیگر ساختار معیوب جمهوری اسلامی چنان به بن‌بست رسیده و بی‌راهکار مانده که حتی بخش زیادی از «خودی»‌ها نیز ترجیح دادند در انتخابات شرکت نکنند. مهم نیست که محمد خاتمی علت عدم شرکت‌اش را «آگاهانه و با هدف مصالحه برای مسدود کردن راه براندازی» عنوان کرده و ده‌ها نماینده کنونی مجلس اسلامی در روزهای پس از انتخابات با بهانه «مرخصی استعلاجی» قهر کردند و نشست صحن علنی را از حد نصاب انداختند؛ مهم اینست که از فریاد یازدهم اسفند جریان‌های امنیتی و مقامات ارشد حکومتی برای «انسدادزایی» و مشروعیت از دست رفته نظام کاسه «چه کنم؟» در دست گرفته‌اند.

آرای باطله که در پایتخت نیز رقم بالایی از مجموع آرا را به خود اختصاص داده بود، بیانگر ریزش شدید در بدنه حکومت است.

در یک مورد، آرای سردار پاسدار محمد قالیباف نسبت به انتخابات چهار سال پیش با ریزش ۸۱۷ هزارتایی روبرو شد و از عدد رسمی یک میلیون و ۲۰۰ هزار رأی در انتخابات پیشین به کمتر از ۴۴۸ هزار رأی در انتخابات هفته گذشته رسید. آرای ریزشی قالیباف اما به صندوق رقبای او ریخته نشد و حتی نفر نخست در شهر تهران، محمود نوبیان، فقط ۵۹۷ هزار رأی آورد؛ یعنی فقط ۶ درصد! و تنها نامزدی در تهران است که با بیش از ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار شهروند واجد شرایط رأی دادن، کمی بیش از نیم میلیون رأی آورد!

عدم مشارکت اکثریت واجدین شرایط به معنای شکست بزرگ دیگری برای جمهوری اسلامی در رویایی با مردم ایران است. عدم مشارکت مردم همچنین نشان می‌دهد اگرچه جمهوری اسلامی توانسته با سرکوب و اعدام و کشتار و زندان و انواع فشارهای امنیتی اعتراضات خیابانی را در ماه‌های گذشته مهار کند اما اعتراضات همچنان زیر پوست جامعه در جریان است و مردم ۱۱ اسفند را به فرصتی برای نشان دادن مخالفت خود با جمهوری اسلامی تبدیل کردند.

جمهوری اسلامی پیش و پس از یازدهم اسفند ۱۴۰۲

نتایج دستکاری شده‌ی انتخابات یازدهم اسفندماه، بیانگر بضاعت ناچیز و مشروعیت از دست رفته‌ی حکومتی است که سال‌هاست لاف «اقتدار» می‌زند و هموار حضور مردم پای صندوق رأی را به عنوان «مشروعیت» برای خارجی‌ها نمایش می‌داده است.

۱۱ اسفند نشان داد عمق استیصال در حکومت مدعی «عمق نفوذ» به آنجا رسیده که حتی دیگر توان «مهندسی سیرک انتخابات» را هم ندارد؛ و با همه فشارها به اقشاری چون سربازان و کارمندان، قومی کردن سیرک انتخابات در استان‌های غربی و شمال غرب، باز هم مردم نیامدند. همچنین استیصال نظام تا آنجاست که تعداد ناچیز شرکت‌کننده نیز از سوی رهبر و مقامات ارشد حکومت «جهاد» و مشارکت «پرشور» خوانده می‌شود.

در گزارش «کیهان لندن» که هفته گذشته و ساعاتی پیش از برگزاری انتخابات منتشر شد، تأکید شده بود که «انتخابات یازدهم اسفند هرچند برای عموم مردم ایران

روزنامه «تایمز»: چرا جوانان ایران از بازگشت رضا پهلوی استقبال خواهند کرد؟

یک نفر می‌تواند این اهداف را تأمین کند: ولیعهد ایران رضا پهلوی، پسر شاه فقید.

رژیم ایران می‌داند تا وقتی صحبت از جدایی طلبی قومی یا محدود به حقوق زنان باشد سقوط نخواهد کرد اما همه در ایران می‌دانند که حکومت واقعاً از چه چیزی می‌ترسد: بازگشت خاندان پهلوی که از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۹ در ایران حکومت می‌کردند. حکومت نیز در مورد پهلوی‌ها سکوت خود را شکست و بازگشت آن را بزرگترین تهدید برای صلح و امنیت در ایران نامید.

نویسنده با اشاره به اینکه «در ایران نظرسنجی‌های رسمی وجود ندارد و دسترسی به جامعه آماری به شدت محدود است»، می‌نویسد، «اخیراً یک نظرسنجی توسط محققان در ایالات متحده در میان شهروندان ایرانی انجام شده است که نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان از رضا پهلوی به عنوان رهبر کشور حمایت می‌کنند. بر اساس نظرسنجی دو نفر از دانشگاهیان ایرانی در هلند ولیعهد ایران، در صدر فهرست ۲۴ نفره‌ای قرار دارد که از آنها به عنوان چهره‌های برجسته مخالف رژیم نامبرده می‌شود.»

بر اساس گزارش منابع حکومتی، اکثریت بازداشت‌شدگان در اعتراضات سال ۱۴۰۱ مشروطه‌خواه بودند. بسیاری از زندانی‌ها یا اعدام‌شدگان نماد پرچم «شیرخورشید» را با خود داشتند. یکی از کسی که بعد از اعتراضات سال ۱۴۰۱ اعدام شد [مجیدرضا رهنورد] روی دست خود نشان شیرخورشید را خالکوبی کرده بود. این پرچم اکنون به عنوان نمادی برای احیای پادشاهی مشروطه به شمار می‌رود. جوانان با به خطر انداختن جان خود، آن را بر فراز بزرگراه‌ها برافراشته می‌کنند، یا روی دیوارهای شهر می‌آویزند و بر دیوارها شعارهایی مثل «جاوید شاه» می‌نویسند.

مریم اصلانی پرسیده، «چگونه معترضان که عمده آنها از نسل جوان‌اند می‌توانند اینقدر مشتاق گذشته باشند؟» و سپس توضیح می‌دهد، «پاسخ روشن است. آنها مثل جوانان در هر جای دیگر دنیا، خواهان فرصت‌های اقتصادی، آزادی اجتماعی، صلح بین‌المللی و حفظ محیط زیست هستند و اعتقاد دارند بهترین الگو برای رسیدن به این اهداف نظام پادشاهی مشروطه است.»

جوانان در ایران هیچ امیدی ندارند که جمهوری اسلامی بتواند در این حوزه‌ها درست عمل کند. رژیم با دموکراسی، آزادی مذهب، آزادی جنسی یا برابری جنسیتی مخالف است و در عین حال به دنبال نابودی نهادهای اصیل فرهنگی مردم است که ریشه در باورهای هویتی و ملی ایرانیان دارد.

در بخش دیگری از این مقاله آمده، «جمهوری اسلامی برای ایران یک فاجعه اقتصادی به بار آورده است. بی‌کفایتی مدیریتی، فساد، حمایت از تروریسم بین‌المللی و تحریم‌های ناشی از آن، نیمی از جمعیت ایران را به زیر خط فقر رسانده است. طی ۴۵ سال که از عمر این حکومت می‌گذرد، تولید ناخالص داخلی دچار رکود شده و هرگز به میزانی که در دهه ۱۹۷۰ بود نرسید. با میانگین تورم نزدیک به ۲۱ درصد در مدت مشابه، ارزش پول ایران از بین رفت. از سال ۱۹۷۹ تا کنون ارزش پول ایران حدود ۷/۹۹ درصد سقوط کرده است. پیش از انقلاب طبقه متوسط در ایران از رفاه نسبی برخوردار بود و امکان سفر یا حضور در تجارت خارجی را داشت.»

نویسنده با اشاره به اینکه «جوانان ایران از اینکه رژیمی منحوس و جنگ‌طلب حامی تروریسم در ایران حاکم



شاهزاده رضا پهلوی

امینی آغاز شد، هیچ تنوع فکری [بین نامزدها] وجود ندارد و همه آنها از فیلتر شورای نگهبان گذشته‌اند. شورایی که متشکل از ۱۲ آخوند است که همگی منصوب علی‌خامنه‌ای هستند... در واقع برگزاری انتخابات ابزاری برای نشان دادن مشروعیت نظام بوده اما منتخبان آن به معنای واقعی نفوذ بسیار کمی در سیاست دارند.»

در ادامه این مقاله آمده، در مقابل، مخالفان رژیم با تحریم انتخابات به دنبال نشان دادن عدم مشروعیت نظام بودند. در نقاطی از کشور پوسترها و بنرهای انتخاباتی را به آتش کشیدند. در شبکه‌های اجتماعی کارزارهایی برای تحریم انتخابات به راه افتاد و اعلام کردند شرکت در انتخابات «انگشت زدن در خون» کشته‌شدگان است. بر اساس اعلام منابع حکومتی نیز این دور از انتخابات کمترین میزان مشارکت مردم ثبت شده است.

نویسنده تأکید کرده، اعتراضاتی که بطور گسترده در غرب به عنوان یک جنبش علیه حجاب اجباری معرفی می‌شد، در واقع یک هدف گسترده‌تر داشت: «نابودی جمهوری اسلامی». تثبیت این هدف در بطن جامعه برای رژیم تبدیل به یک کابوس بزرگ شده است. میزان بالا بودن مخاطرات اعتراض مردم را می‌توان در شمار اعدام‌ها و بازداشت‌های سیاسی طی سال گذشته و در تشدید تنش‌های منطقه توسط شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در فلسطین، یمن و لبنان مشاهده کرد. پاسخ کسانی که می‌پرسند «چه کسی از فاجعه‌ای که در غزه اتفاق افتاد سود می‌برد؟» روشن است: جمهوری اسلامی که با هر اقدام تلافی‌جویانه جدید اسرائیل، اعتبارش بیشتر از بین می‌رود.

مریم اصلانی در ادامه می‌نویسد، «اما مردم ایران به عنوان جایگزین این رژیم چه می‌خواهند؟ برای مخاطبان غربی که پیچیدگی احساسات شرقی خاورمیانه را باورکردند، پاسخ به طرز عجیبی عادی است. آنها خواهان دموکراسی، سکولاریسم، تمامیت ارضی، آزادی مدنی و سیاسی و احیای هویت و فرهنگ ملی خود هستند. اکثریت باوردارند، فقط

روزنامه «تایمز» در مقاله‌ای با عنوان «چرا جوانان ایران از بازگشت رضا پهلوی استقبال خواهند کرد؟» که یکشنبه سوم مارس (۱۳ اسفندماه) منتشر شد به توضیح دلایل حمایت مردم ایران به ویژه نسل جوان از شاهزاده رضا پهلوی به عنوان پرچمدار مبارزه علیه جمهوری اسلامی پرداخته است. نویسنده تأکید کرده، اعتراضاتی که بطور گسترده در غرب به عنوان یک جنبش علیه حجاب اجباری معرفی می‌شد، در واقع یک هدف گسترده‌تر داشت: «نابودی جمهوری اسلامی.»

بر اساس گزارش منابع حکومتی، اکثریت بازداشت‌شدگان در اعتراضات سال ۱۴۰۱ مشروطه‌خواه بودند. بسیاری از زندانی‌ها یا اعدام‌شدگان نماد پرچم «شیرخورشید» را با خود داشتند. یکی از کسانی که بعد از اعتراضات سال ۱۴۰۱ اعدام شد، روی دست خود نشان شیرخورشید را خالکوبی کرده بود. این پرچم اکنون به عنوان نمادی برای احیای پادشاهی مشروطه به شمار می‌رود. جوانان با به خطر انداختن جان خود، آن را بر فراز بزرگراه‌ها برافراشته می‌کنند، یا روی دیوارهای شهر می‌آویزند و بر دیوارها شعارهایی مثل «جاوید شاه» می‌نویسند.

مریم اصلانی نویسنده این مقاله پرسیده، «چگونه معترضان که عمده آنها از نسل جوان‌اند می‌توانند اینقدر مشتاق گذشته باشند؟» و سپس توضیح می‌دهد، «پاسخ روشن است. آنها مثل جوانان در هر جای دیگر دنیا، خواهان فرصت‌های اقتصادی، آزادی اجتماعی، صلح بین‌المللی و حفظ محیط زیست هستند و اعتقاد دارند بهترین الگو برای رسیدن به این اهداف نظامی پادشاهی مشروطه است.»

به باور نویسنده، «برای برخی هنوز ممکن است بازگشت پادشاهی به عنوان خواسته‌ی جنبش جوانان تعجب‌آور باشد اما برای جوانان ایران، جمهوری‌های همسایه مانند عراق یا سوریه به طور قابل توجهی ناامیدکننده‌تر از پادشاهی‌های خاورمیانه هستند. با توجه به سنت‌های سیاسی کهن که بخشی از هویت ملی آنهاست، ایرانیان همچنین امیدوارند که از معایب سایر پادشاهی‌های منطقه دوری کنند: در واقع نزدیک‌تر بودن به شکل پادشاهی در بریتانیا تا عربستان سعودی.»

روزنامه «تایمز» در مقاله‌ای با عنوان «انتخابات ایران: چرا جوانان ایران از بازگشت رضا پهلوی استقبال خواهند کرد؟» که یکشنبه سوم مارس (۱۳ اسفندماه) منتشر شد، به توضیح دلایل حمایت مردم ایران به ویژه نسل جوان از شاهزاده رضا پهلوی به عنوان پرچمدار مبارزه علیه جمهوری اسلامی پرداخته است.

نویسنده این مقاله، مریم اصلانی جامعه‌شناس اقتصادی در توسعه بین‌المللی و پژوهشگر دانشگاه آکسفورد تأکید می‌کند، ایرانیان پیشرفت و ترقی کشور در دوران پهلوی‌ها در زمینه اقتصادی و اجتماعی را به خاطر دارند و امیدوارند که در دوران پهلوی جدید، آن وضعیت دوباره از سر گرفته شود. وی تأکید کرده، «محبوبیت رضا پهلوی در ایران تا حدی ناشی از ارتباطی است که او با روند گمشده پیشرفت سیاسی و در واقع هویت ملی از دست رفته تداعی می‌کند.» در مقدمه این مقاله به گزارش خبرنگار سی‌ان‌ان در تهران در مورد وضعیت انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی اشاره شده و عنوان کرده، «این انتخابات اولین انتخابات حکومت پس از تظاهرات سراسری بود که با مرگ مهسا



گرات شاپس / عکس: رویترز

وزیر دفاع بریتانیا: هرکجای دنیا مشکل وجود داشته باشد جمهوری اسلامی آنجا نقش دارد یا آن را تغذیه می کند!

متعدد در این مورد منتشر شده که نشان می دهد رژیم از طریق دریای خزر و رودخانه ولگا و همچنین با هواپیما محموله تسلیحاتی به روسیه منتقل می کند. همچنین عوامل جمهوری اسلامی با همکاری روس ها در برخی مناطق از جمله تاتارستان اقدام به تأسیس کارخانه های تولید پهپاد کرده اند. دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» که ۲۴ دسامبر ۲۰۲۳ (سوم دی ماه) منتشر شد، گفته بود، «باید به جمهوری اسلامی فهماند که اقدامات بدخواهانه را تحمل نمی کنیم.» یک ماه بعد از این مصاحبه، ژنرال سندرز فرمانده ارتش بریتانیا ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن ماه) در جریان یک سخنرانی در نمایشگاه بین المللی ادوات زرهی در لندن هشدار داد که مردم بریتانیا باید «آمادگی ذهنی» جنگ با روسیه را داشته باشند.

گرات شاپس وزیر دفاع بریتانیا ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴ (۲۵ دی ۱۴۰۲) در یک سخنرانی با اشاره به اینکه جهان در مرحله «پیش از جنگ» قرار دارد با هشدار نسبت به احتمال وقوع «جنگ سوم جهانی» گفت، بریتانیا در پنج سال آینده با جنگ هایی در روسیه، چین، ایران و کره شمالی روبرو خواهد شد. وی در بخشی از سخنانش گفت، «امروز، روسیه و چین قدرت های هسته ای هستند و کره شمالی تهدید می کند زرادخانه هسته ای خود را گسترش دهد و جمهوری اسلامی ایران نیز سطح غنی سازی اورانیوم را تا ۷/۸۳ درصد (هشتاد و سه و هفت دهم) افزایش داده است، سطحی که هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.»

سخنرانی وزیر دفاع بریتانیا حاوی دو هشدار اساسی بود: ۱) گرات شاپس تأکید کرد «در دوران جنگ سرد ما با بازیگران منطقی سر و کار داشتیم اما این قدرت های جدید بسیار ناپایدارتر و غیرمنطقی تر هستند.»

۲) وی ابراز تأسف کرد که راهبرد «نابودی متقابل تضمین شده» (موازنه قدرت) در گذشته جنگ ها را متوقف می کرد، اما اکنون با وجود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا کره شمالی این راهبرد کارآیی خود را از دست داده است. گرات شاپس تأکید کرد «می ترسم نتوانیم جنگ ها را متوقف کنیم... به ویژه آنکه اکنون ملاحظات نگران کننده جدیدی وجود دارد: دشمنان ما اکنون با یکدیگر ارتباط بیشتری دارند به عنوان مثال، ما دیدیم که چگونه نیروهای نیابتی [رژیم] ایران از اسرائیل تا دریای سرخ ویرانی به بار آورده اند.»

با وجود هشدارهای مداوم بین المللی اما مقامات تهران همچنان به ارسال تسلیحات به روسیه ادامه می دهند. بسیاری تحلیلگران معتقدند این روند نتیجه «مماشات» دولت های غربی با ملامت و آنها پیام های غرب را جدی نمی گیرند.

● وزیر دفاع بریتانیایی گوید، جمهوری اسلامی موشک های بالستیک به روسیه داده است. این مقام ارشد دفاعی ارائه موشک ها به روسیه را تأیید کرد اما به جزئیات نپرداخت. گرات شاپس در مصاحبه با وبسایت «PoliHome» که پنجم مارس (۱۵ اسفندماه) منتشر شد گفت، «می بینیم هر جای دنیا مشکلی وجود داشته باشد اغلب یا رد پای جمهوری اسلامی دیده می شود یا آن را با ارسال موشک یا پهپاد تغذیه می کند... آنها نه تنها در منطقه خود، بلکه در این مورد در اروپا نیز تأثیر منفی دارند.» ● چند مقام آمریکایی هشدار داده بودند در صورت صحت این موضوع، جمهوری اسلامی با پاسخ «سخت» جامعه بین المللی روبرو خواهد شد.

وزیر دفاع بریتانیا می گوید، جمهوری اسلامی موشک های بالستیک به روسیه داده است. این مقام ارشد دفاعی انگلیس ارائه موشک ها به روسیه را تأیید کرده اما از وارد شدن به جزئیات آن خودداری کرده است.

گرات شاپس در مصاحبه با وبسایت «PoliticsHome» که پنجم مارس (۱۵ اسفندماه) منتشر شد گفت، «می بینیم هر جای دنیا مشکلی وجود داشته باشد اغلب یا رد پای جمهوری اسلامی دیده می شود یا آن را با ارسال موشک یا پهپاد تغذیه می کند... آنها نه تنها در منطقه خود، بلکه در این مورد در اروپا نیز تأثیر منفی دارند.»

خبرگزاری رویترز، سوم اسفندماه به نقل از شش منبع گزارش داده بود که جمهوری اسلامی حدود ۴۰۰ فروند موشک شامل موشک های بالستیک کوتاه برد «فاتح ۱۱۰-» از جمله موشک «ذوالفقار» به روسیه ارسال کرده است. کارشناسان می گویند این موشک با لانچر متحرک قادر است نقاطی را در فاصله بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتری هدف قرار دهد. جان کریبی سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید در اوایل ژانویه ۲۰۲۴ گفته بود که ایالات متحده نگران است که روسیه علاوه بر موشک هایی که قبلاً از کره شمالی تهیه کرده بود، تسلیحات بالستیک کوتاه برد از ایران دریافت کند. یک مقام آمریکایی به رویترز گفته بود واشنگتن شواهدی از پیشروی مذاکرات دیده اما هنوز هیچ نشانه ای مبنی بر موفقیت این مذاکرات وجود ندارد اما چند مقام آمریکایی هشدار داده بودند در صورت صحت، جمهوری اسلامی با پاسخ «سخت» جامعه بین المللی روبرو خواهد شد.

شاپس وزیر دفاع بریتانیا با تأکید بر اینکه «در بیان جزئیات بیشتر در مورد شناسایی محموله های موشک محدودیت وجود دارد» تأکید کرده «اما قابل تأیید است.» اگرچه جمهوری اسلامی در محافل بین المللی به صورت رسمی ارسال سلاح به روسیه را انکار می کند اما گزارش های

است خسته شده اند»، عنوان می کند، «بیشتر مردم ایران مثل سایر مردم دنیا به فاجعه کنونی اسرائیل و غزه به چشم ناامیدی نگاه می کنند. جوانان در ایران مثل بقیه هم سن و سال های خود به مسائل زیست محیطی آگاهند و از بحرانی که رژیم برای آنها به ارث می گذارد بیم دارند. از آنجا که جوانان ایران به دنبال جایگزین برای رژیم فعلی می گردند، طبیعتاً شیفته پیشرفت های دهه های قبل از ۱۹۷۹ هستند.» وی در توضیح علت علاقه جوانان به پهلوها شرح می دهد که «پس از یک دوره طولانی فروپاشی، خاندان پهلوها ایران را دوباره متحد کرد، حاکمیت قانون را برقرار نمود و نهادهای مدرن مثل پارلمان را تأسیس کرد. دوران پادشاهی محمدرشاه پهلوی ایران شاهد توسعه اجتماعی چشمگیری بود: افزایش سطح سواد، آزادی مذهب، حقوق و حمایت از زنان و کودکان. این حمایت ها در سال ۱۹۷۹ با وقوع انقلاب اسلامی در ایران متوقف شد و شیوه های غیرقانونی مثل کودک همسری، چندهمسری و طلاق های اجباری توسط مردان دوباره مجاز شد. ایران تحت حکومت شاه مانند دیگر دموکراسی های نوپای آن زمان کمتر از بریتانیا دموکراتیک بود اما بی اندازه از چیزی که جایگزین آن شد آزادتر بود.»

در آن دوران پروژه های زیربنایی بزرگ، ملی شدن جنگل ها و مراتع، تقسیم سود سهام بین کارگران واحدهای صنعتی و اصلاحات ارضی، باعث رشد سریع اقتصادی در ایران شد: تولید ناخالص داخلی بطور متوسط ۸/۸ درصد رشد کرد و در بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸ سه برابر شد. اما این پیشرفت بطور ناگهانی در سال ۱۹۷۹ متوقف شد. ایرانیان امیدوارند که در دوران پهلوی جدید، این دوره از ترقی از سر گرفته شود. محبوبیت ولیعهد تا حدی ناشی از ارتباطی است که او با روند گمشده پیشرفت سیاسی و در واقع هویت ملی از دست رفته تداعی می کند. معترضان از هر طیف سیاسی پشت طرح های او برای رسیدن به یک ایران سکولار و دموکراتیک جمع شدند. او وعده «صلح و آشتی» را برای گذار مسالمت آمیز و برگزاری رفراندوم می دهد که در آن همه مردم ایران، صرف نظر از دیدگاه های مذهبی و سیاسی، بتوانند شکل مطلوب حکومت خود را انتخاب کنند. مریم اصلانی در بخش دیگری از این مقاله عنوان کرده، «پهلوی فقط نماد یک دوره قدیم نیست. سفر صلح او به اسرائیل در آوریل ۲۰۲۳ بسیاری از ایرانیان را متقاعد کرد که او ممکن است بتواند به یکی از دشمنی های بنیادین خاورمیانه پایان دهد و بنابراین سهمی تعیین کننده در صلح قرن بیست و یکم ایفا کند. علاقه او به صرفه جویی در منابع آب و طرح انرژی پاک بجای استفاده از سوخت های فسیلی، بسیاری را متقاعد می کند که می تواند حکومت آینده ایران و نه گذشته را بنیاد نهاد.»

به باور نویسنده، «برای برخی هنوز ممکن است بازگشت پادشاهی به عنوان خواسته ی جنبش جوانان تعجب آور باشد اما برای جوانان ایران، جمهوری های همسایه مانند عراق یا سوریه بطور قابل توجهی نامیدکننده تر از پادشاهی های خاورمیانه هستند. با توجه به سنت های سیاسی کهن که بخشی از هویت ملی آنهاست، ایرانیان همچنین امیدوارند که از معایب سایر پادشاهی های منطقه دوری کنند: در واقع نزدیک تر بودن به شکل پادشاهی در بریتانیا تا عربستان سعودی.» وی در پایان تأکید کرده است «با توجه به انتخابات های پیشی این هفته، بعید است که جمهوری اسلامی در برابر یک خیزش سراسری دیگر توان مقاومت داشته باشد. ایرانیان به دنبال جایگزینی هستند که بتواند کشور را زیر پرچم دموکراسی سکولار متحد کند. تا زمان نگارش این مقاله، تنها یک نامزد برای چنین مسئولیتی وجود دارد، اگرچه شاید برای خود او هم این موضوع شگفت انگیز باشد.»

مشارکت پایین و پیشتازی «آرای باطله»؛ سیرک انتخابات در نیمی از استان‌ها به دور دوم کشیده شد



● به نظر می‌رسد مشارکت پایین و شمار بالای آرای باطله در انتخابات یازدهم اسفند، جمهوری اسلامی را به شدت شوکه کرده بطوری که روند شمارش و اعلام نتایج انتخابات نسبت به دوره‌های پیشین به گندی پیش می‌رود حال آنکه به همین دلیل می‌بایست سریع‌تر انجام شود!

● میزان مشارکت پایین مردم در تهران با توجه به تمرکز نیروهای حکومتی و وزارتخانه‌ها و دیگر نهادهای مهم در پایتخت قابل توجه است.

● تا کنون انتخابات در استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، البرز، تهران، «خراسان جنوبی»، «خراسان رضوی»، خوزستان، زنجان، فارس، کرمانشاه، گلستان، لرستان، مازندران و همدان به دور دوم کشیده شده است.

● در این میان اصلاح‌طلبان که فراخوان نیز برای شرکت در سیرک انتخابات داده بودند تا «روزنه‌گشایی» کنند، تلاش می‌کنند تا این سطح مفتضح از مشارکت در رأی‌گیری را چنین قلمداد کنند که گویا به دلیل رد صلاحیت افراد متعلق به جریان آنها بوده است! حال آنکه در سیرک انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نیز عبدالناصر همتی نامزد مورد حمایت آنها از آرای باطله و محسن رضایی هم کمتر رأی آورد و از همان زمان به «۳درصدی» مشهور شدند.

بسیاری از حامیان دپروز حکومت، در انتخابات این دوره مشارکت نکردند. حسین قدیانی نویسنده و سرمقاله‌نویس سابق روزنامه «کیهان» چاپ تهران که مدتی است به چهره منتقد حکومت تبدیل شده نوشته «آمار قابل تأملی است. این یعنی تحریم انتخابات حتی توسط طیف انقلابی میانه‌رو!» روزنامه «فرهیختگان» روز گذشته در مطلبی با عنوان «سونامی آرای باطله» با اشاره به جزئیات آرای باطله حوزه تهران، نوشت تعداد آرای باطله مأخوذه از شمارش بیش از ۴۹۰۰ صندوق رأی بوده که بر اساس آن تعداد رأی باطله مأخوذه ۲۷۶۴۵۸ عدد بوده است.

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عدم مشارکت مردم در انتخابات را گردن «رسانه‌ها» انداخته و نوشته که «رسانه‌ها در قانع کردن مرددین ضعیف عمل کردند».

خبرگزاری «فارس» مدعی شده که «چالش بزرگ انتخابات اخیر افزایش مرددین برای حضور در انتخابات بود، دستگاه رسانه‌ای و سیاسی کشور در قانع کردن این مرددین که حدود سی درصد بودند، ضعیف عمل کرد و ابرگفتمان انتخاباتی شکل گرفته در فضای انتخابات نیز متناسب برای ایجاد انگیزه حضور در مرددین نبود. ضمن اینکه کنش فعالین سیاسی و برخی جریان‌های سیاسی نیز به گونه‌ای نبود که برای مرددین انگیزه حضور تولید کند. برخی از جریان‌های سیاسی و چهره‌های فعال در انتخابات کسب قدرت و پیروزی در انتخابات را بر نقش آفرینی و بازی در قواعد افزایش مشارکت ترجیح دادند، بلکه بعضاً برخلاف آن نیز عمل کردند».

میزان مشارکت پایین مردم در تهران با توجه به تمرکز نیروهای حکومتی و وزارتخانه‌ها و دیگر نهادهای مهم حکومتی در پایتخت قابل توجه است. خبرگزاری «مهر» میزان مشارکت مردم پایتخت در انتخابات را ۲۴ درصد اعلام کرده است.

یاسر جبرائیلی از چهره‌های سیاسی نزدیک به دولت ابراهیم رئیسی در شبکه «ایکس» نوشته که در تهران تنها یک

که به دلایلی مجبور به شرکت در سیرک انتخابات بوده‌اند، در انتخابات این دوره نیز قابل توجه بوده و به همین دلیل تحلیلگران معتقدند مشارکت خیلی پایین‌تر از ارقام مورد ادعای جمهوری اسلامی بوده است.

بر اساس اعلام رسانه‌های داخل ایران، در یزد میزان آرای باطله ۲۹ هزار و ۳۰۳ رای اعلام و به عبارتی دوم شده است. از این شهر، محمد صالح جوکار با تعداد ۸۱ هزار و ۶۳۴ رای به مجلس راه یافته است. کاندیداهای بعدی با اختلاف زیاد، تنها از ۱۹ هزار تا سه هزار رای آورده‌اند.

به نظر می‌رسد مشارکت پایین و شمار بالای آرای باطله در انتخابات یازدهم اسفند، جمهوری اسلامی را به شدت شوکه کرده است بطوری که روند شمارش و اعلام نتایج انتخابات نسبت به دوره‌های پیشین به گندی پیش می‌رود. حال آنکه به همین دلیل می‌بایست سریع‌تر انجام شود!

با اینهمه مقامات حکومت از اعلام آمار تفکیکی از جمله آمار آرای باطله در هر شعبه اخذ رأی خودداری کرده‌اند. علی باقری مدیرکل سیاسی پیشین وزارت کشور در دولت محمد خاتمی در شبکه «ایکس» نوشته «نکات جالب و بی‌سابقه در اعلام نتایج انتخابات تهران: اساساً تعداد آرای مأخوذه، صحیح و باطله مأخوذه و غیرمأخوذه اعلام نمی‌شود. آمار اعلامی، به غیر از یک مورد، از طرق غیررسمی، منتشر می‌شود».

محمد مهاجری روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی حکومتی با انتشار پستی در شبکه «ایکس» نوشت: «نتیجه انتخابات مجلس در اکثر شهرها حتی کلانشهرها و از جمله تهران، عجیب و جالب است. یعنی نفر اول و یا دوم، آرای باطله است. جا دارد به اعضای محترم شورای نگهبان به خاطر این کاردستی هزمنده تریک بگوییم».

سعید شریعتی فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز با انتشار پستی در شبکه «ایکس» خبر از دوم شدن آرای باطله در تهران داد و تعداد این آرا را بیش از ۵۰۰ هزار رای و ۲۷ درصد از آرای مأخوذه اعلام کرد.

برخی دیگر از تحلیلگران جمهوری اسلامی نیز اعتراف کردند

انتخابات دوازدهمین دور مجلس شورای اسلامی در حالی روز جمعه یازدهم اسفندماه برگزار شد که سطح پایین مشارکت مردم و پیشتازی آرای باطله ریخته شده در صندوق‌ها سبب کشیده شدن انتخابات به دور دوم در ۱۵ استان کشور شده است. در تهران نیز انتخابات ۱۶ نماینده از ۳۰ نماینده مجلس اسلامی به دور دوم کشیده شده است. برگزاری دو انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری شکست دیگری برای جمهوری اسلامی در پی داشت و عدم مشارکت مردم «نه» بزرگی به جمهوری اسلامی و مشروعیت‌اش را رقم زد. بر اساس آخرین گزارش‌های ستاد انتخابات کشور، رأی‌گیری در دست کم ۱۵ استان یعنی در حدود نیمی از استان‌ها به دور دوم کشیده شده است. در پایتخت نیز آرای بیش از نیمی از نامزدهای گزینش‌شده به حد نصاب نرسیده و بر این اساس ۱۶ نماینده برای رسیدن به کرسی مجلس شورای اسلامی باید در دوم انتخابات تعیین تکلیف شوند.

بر اساس اعلام رسانه‌های داخلی در ایران، استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، البرز، تهران، «خراسان جنوبی»، «خراسان رضوی»، خوزستان، زنجان، فارس، کرمانشاه، گلستان، لرستان، مازندران و همدان به دور دوم کشیده شده است.

برخی دیگر از رسانه‌های داخلی مدعی هستند در مجموع ۲۵ میلیون نفر از ۶۱ میلیون نفر واجدین شرایط در انتخابات شرکت کرده و مشارکت ۴۱ درصد بوده است. مقامات و رسانه‌های حکومتی در حالی بر مشارکت ۴۱ درصدی، با وجود ابهام در درستی این رقم، مانور تبلیغاتی می‌دهند که آنسوی این رقم، یعنی عدم مشارکت ۶۰ درصد از واجدین شرایط که جمعیتی بالغ بر ۳۶ میلیون نفر از شهروندان را شامل می‌شوند نادیده می‌گیرند!

از سوی دیگر میزان آرای باطله که به احتمال زیاد مرتبط با کارمندان و کارکنان دولت و «خودی‌ها» و شهروندانی است

➔ میلیون و ۸۱۳ هزار نفر رأی داده‌اند.

بر اساس آمارهای منتشر شده در پایتخت حدود ۹ میلیون نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات هستند اما آرای اعلام شده از نامزدها نشان می‌دهد حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در انتخابات تهران شرکت کردند. اگر حتی این آمار حکومتی درست باشد، باز هم با توجه به ۵ هزار شعبه رأی در کشور، تنها ۳۶۰ نفر در هر شعبه انتخاباتی پایتخت در انتخابات شرکت کردند که رقمی به شدت ناچیز، حتی در مقایسه با دیگر انتخابات حکومتی، است!

روزنامه «اعتماد» وابسته به جناح اصلاح‌طلبان جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ طی گزارشی نوشته است: «می‌توان با قطعیت نسبی اعلام کرد که برای نخستین بار در انتخابات مجلس شورای اسلامی هر کرسی تهران در مجلس در دور دوم انتخابات تعیین تکلیف می‌شود.»

روزنامه «هم‌میهن» امروز دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲ و سه روز پس از برگزاری انتخابات در گزارشی به آمارهای انتخاباتی پایتخت پرداخته و نوشته که «حوزه انتخابیه تهران با ۳۰ کرسی به‌عنوان پایتخت و اطراف آن، عجیب‌ترین نتایج انتخابات را به خود دید. بر اساس آمارهای غیررسمی که رسانه‌های دولتی منتشر کردند، سید محمود نبویان نماینده جنجالی ضدبرجام و عضو جبهه پایداری در جایگاه اول، حمید رسایی چهره تندرو دیگر و عضو سابق پایداری در جایگاه دوم، امیرحسین ثابتی مجری شبکه افق در جایگاه سوم و محمدباقر قالیباف نماینده و رئیس فعلی مجلس شورای اسلامی در جایگاه چهارم است. کاهش میزان رأی در حوزه انتخابیه تهران کاملاً محسوس است.»

این گزارش افزوده که «علی‌خضریان دیگر چهره تندرو عضو جبهه پایداری که در انتخابات ۹۸ با ۷۴۰ هزار رأی به عنوان نماینده بیست و چهارم به مجلس یازدهم رفته بود، بر اساس گزارش دیروز رسانه‌ها، کمی بیشتر از ۳۰۰ هزار رأی آورد. رأی هیچ نامزد انتخاباتی مثل محمدباقر قالیباف کاهش نداشته است.»

این گزارش ادامه داده که سردار پاسدار محمدباقر قالیباف به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های اصولگرا با کارنامه‌ای از دوران جنگ تا امروز که چهار سال گذشته را بر صندلی ریاست مجلس تکیه زده بود، حدود یک میلیون رأی کمتر از انتخابات سال ۹۸ به دست آورد و پایین‌تر از مجری شبکه افق ایستاد.

در مجموع سید محمود نبویان، حمید رسایی، امیرحسین ثابتی، محمدباقر قالیباف، رضا تقی‌پورانوری، روح‌اله ایزدخواه، مرتضی آقاپطهرانی، منوچهر متکی، اسماعیل کوثری، مهدی کوچک‌زاده، سیدعلی یزدی‌خواه، علی خضریان، مالک شریعتی‌نیاسی، کامران غضنفری و احمد نادری ۱۵ نماینده‌ای هستند که در مرحله اول به مجلس راه یافتند و تکلیف ۱۵ نماینده بعدی حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مرحله دوم مشخص می‌شود.

«کیهان لندن» روز گذشته در مطلبی منتشر شده در شبکه «ایکس» نوشت جمهوری اسلامی در دور دوم هم پاسخی بهتر از آنچه در یازدهم اسفند ۱۴۰۲ از مردم دریافت کرد، نخواهد گرفت تا بیش از پیش و با آمار و ارقام خود رژیم ثابت شود که یک گروه اقلیت مافیایی با سرکوب و خشونت بر اکثریت مردم حکومت می‌کند و مملکت را از ظرفیت‌های مادی و معنوی خود محروم کرده است.

اینهمه در حالیست که حکومت پیشاپیش برای بالا بردن آمار شرکت‌کنندگان یکسری «تسهیلات» از جمله رأی دادن با انواع اوراق هویتی و شناسنامه بدون عکس هم در نظر گرفته بود! همچنین بسیاری از افغانستانی‌های مقیم ایران برای شرکت در سیرک انتخابات بسیج شدند و ویدئوها و

«مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی»:

عدم اعتماد به رژیم با عدم مشارکت در انتخابات رابطه مستقیم دارد



کردن رابطه‌ی بین نگرش‌های مختلف در ارتباط با رژیم و مشارکت در رأی‌گیری بر اساس داده‌های این نظرسنجی بوده است. درک این پویایی‌ها می‌تواند مشروعیت ساز و کارهای انتخاباتی را در ارتباط با تغییر دیدگاه‌های سیاسی روشن کند.» دانشمندان «ارفی» می‌گویند: «مجموعه داده‌های ما شامل اولویت‌های مشارکت است که توسط یک نمونه سراسری و بطور تصادفی انتخاب شده که بیانگر موضع ۸۱ بزرگسال ایرانی در سه سناریوی حمایت از رژیم است: ۳۵ درصد (بهترین حالت برای رژیم)، ۷ درصد (ادعا شده توسط تحلیلگران)، ۳ درصد (واقعیت و بدترین حالت برای رژیم).

● «مدل‌های سنجش ما نشان می‌دهد که وقتی حمایت از رژیم کاهش پیدا می‌کند، مشارکت در انتخابات نیز پایین می‌آید و بر همین اساس تنها ۳/۷ درصد از واجدان شرایط رأی دادن در انتخابات ۱۱ اسفند شرکت می‌کنند.»

«مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) مستقر در آمریکا در ارتباط با «انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲» در ایران پیش‌تر طی یک اطلاعیه مطبوعاتی اعلام کرده بود که بر اساس نظرسنجی جدیدی که با هدف اندازه‌گیری میزان مشارکت در این انتخابات به عمل آورده، به این نتیجه رسیده است که میزان تحریم و عدم مشارکت در ۱۱ اسفند بسیار بالا خواهد بود.

«ارفی» در این اطلاعیه نوشته است: «بررسی‌های پیشین فقط چشم‌انداز محدودی را از میزان تأثیر احتمالی حمایت مردم از نظام سیاسی حاکم بر مشارکت آنها در این انتخابات ارائه کرده بود. هدف سنجش و پیش‌بینی اخیر اما روشن

گزارش‌هایی نیز از این موضوع در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که کد ملی برخی شهروندان پیش از آنکه رأی دهند در سیستم به عنوان رأی‌دادگان ثبت شده بود!

در این میان شماری از اصلاح‌طلبان که فراخوان نیز برای شرکت در سیرک انتخابات داده بودند تا «روزنه‌گشایی» کنند، تلاش می‌کنند تا این سطح مفتضح از مشارکت در رأی‌گیری را چنین قلمداد کنند که گویا به دلیل رد صلاحیت افراد متعلق به جریان آنها بوده است! حال آنکه در سیرک انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نیز عبدالناصر همتی نامزد مورد حمایت آنها از آرای باطله و محسن رضایی هم کمتر رأی آورد و از همان زمان به «۳۰درصدی» مشهور شدند.

شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیامی که یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ با اشاره به «سیرک انتخابات» و اتحاد مردم ایران در یک نافرمانی مدنی برای بایکوت آن منتشر شد نوشت: «ما مردم ایران روز جمعه ۱۱ اسفند، با اتحادی کم‌نظیر، بزرگترین نافرمانی مدنی تاریخ خود را رقم زدیم. اینبار، اکثریت قاطع ما در کنار هم ایستادیم، و بجای همدستی با قاتلان عزیزانمان، بایکوت را انتخاب کردیم. این فقط یک سکوت اعتراضی علیه رژیم ضدایرانی جمهوری اسلامی نبود، بلکه نقطه عطفی بود مهم در مسیر و شیوه مبارزه‌مان برای بازپس‌گیری ایران؛ باور به اینکه قدرت و تعداد ما بسیار بسیار بیشتر از نیروی سرکوب رژیم است. من به تک‌تک شما که در این نافرمانی مدنی بزرگ همراه شدید، افتخار می‌کنم. بدانید که آنچه رقم زدید، چراغ راه پیش روی ماست.»

گزارش‌هایی نیز از این موضوع در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که کد ملی برخی شهروندان پیش از آنکه رأی دهند در سیستم به عنوان رأی‌دادگان ثبت شده بود!

در این میان شماری از اصلاح‌طلبان که فراخوان نیز برای شرکت در سیرک انتخابات داده بودند تا «روزنه‌گشایی» کنند، تلاش می‌کنند تا این سطح مفتضح از مشارکت در رأی‌گیری را چنین قلمداد کنند که گویا به دلیل رد صلاحیت افراد متعلق به جریان آنها بوده است! حال آنکه در سیرک انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نیز عبدالناصر همتی نامزد مورد حمایت آنها از آرای باطله و محسن رضایی هم کمتر رأی آورد و از همان زمان به «۳۰درصدی» مشهور شدند.

شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیامی که یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ با اشاره به «سیرک انتخابات» و اتحاد مردم ایران در یک نافرمانی مدنی برای بایکوت آن منتشر شد نوشت: «ما مردم ایران روز جمعه ۱۱ اسفند، با اتحادی کم‌نظیر، بزرگترین نافرمانی مدنی تاریخ خود را رقم زدیم. اینبار، اکثریت قاطع ما در کنار هم ایستادیم، و بجای همدستی با قاتلان عزیزانمان، بایکوت را انتخاب کردیم. این فقط یک سکوت اعتراضی علیه رژیم ضدایرانی جمهوری اسلامی نبود، بلکه نقطه عطفی بود مهم در مسیر و شیوه مبارزه‌مان برای بازپس‌گیری ایران؛ باور به اینکه قدرت و تعداد ما بسیار بسیار بیشتر از نیروی سرکوب رژیم است. من به تک‌تک شما که در این نافرمانی مدنی بزرگ همراه شدید، افتخار می‌کنم. بدانید که آنچه رقم زدید، چراغ راه پیش روی ماست.»

امدادرسانی لاک پشتی جمهوری اسلامی به سیلزدگان سیستان و بلوچستان



سیل سیستان و بلوچستان / اسفند ۱۴۰۲

روزنامه «هم‌میهن» نیز با اشاره به مناطق «خاش»، «سیب و سوران»، «فنج»، «ایران‌شهر»، «میرجاوه»، «نیکشهر»، «دلگان»، «چابهار»، «سراوان»، «زاهدان»، «نیمروز»، «سرباز»، «کنارک» و «مهرستان» و «دشتیاری» که از این سیل آسیب دیده‌اند نوشته است: «همه می‌گویند وضعیت دشتیاری و «تلنگ» وخیم‌تر است. مردم می‌گویند تا امروز که شش روز از سیل گذشته، چرا هیچ مسئولی نیامده؟ گله دارند که صندوق‌های رأی را برای ما آوردید، رأی ما را در این باران گرفتید، ولی کسی برای امداد نیامد. فرماندار یک شب توانست خودش را تا اینجا برساند و یک ساعت از منطقه بازدید کند؛ اما در مرکز شهرستان انتخابات بود و باید می‌رفت. صندوق‌ها را هرطوری شد در گل و لای منتقل کردند، حتی بعضی‌ها را با قایق آوردند. بعضی نقاط مثل دریا شده بود، ولی قایق‌ها با سرعت زیاد می‌رفتند.»

ایوب آبیاری معلم و فعال اجتماعی تعریف می‌کند که دو هفته پیش هم هشدار سطح نارنجی اعلام شد، اما بارندگی اتفاق نیفتاد. هفته قبل هم دوباره این هشدار مطرح شد ولی ستاد مدیریت بحران، سد «زیردان» را مدیریت نکرد: «این سد می‌تواند نزدیک به ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب را ذخیره و جلوی سیلاب را بگیرد، اما آنها به هشدارهای هواشناسی توجه نکردند تا یک هفته جلوتر سد را تخلیه کنند. سرچشمه رودخانه کاجور که از منطقه دشتیاری رد می‌شود، تا نزدیک ایران‌شهر هم می‌رسد. بارانی که در کل منطقه رخ می‌دهد، در دشتیاری پخش می‌شود و تمام خشم آب در سرایشی کوهستان‌ها به دشتیاری می‌رسد. اگر سد زیردان را تخلیه می‌کردند، این میزان خسارت ایجاد نمی‌شد. آبی که از طرف کوه‌های قصرقند و ایران‌شهر می‌آمد، می‌توانست در سد ذخیره شود.»

سیل‌زده در جنوب سیستان و بلوچستان فقط ارزیابی خسارات ۱۵۰ روستا انجام شده است. روزنامه «هم‌میهن» نیز در گزارشی با اشاره به تداوم بارندگی‌ها در این استان نوشته است: «راه‌ها بسته است، آب آشامیدنی پیدا نمی‌شود، خوراکی مغازه‌ها تمام شده، شش روستا برق ندارند. در روستای تلنگ، کپسول گاز پیدا نمی‌شود و مردم با هیزم آشپزی می‌کنند اما همانهم روشن نمی‌شود.»

روزنامه «پیام ما» نیز با اشاره به اینکه حدود دو هزار روستای سیستان و بلوچستان در سیلاب هستند نوشته است: «امدادرسانی به آنان به کندی و بی‌نظمی پیش می‌رود. مردم سیل‌زده می‌گویند در این سرما بی‌خانه، غذا و آب هستند و مسئولان می‌گویند با تمام توان کارمان را پیش می‌بریم، اما مسیرهای دسترسی مسدود است. بر اساس گفته‌های اهالی و تأیید مسئولان جمعیت هلال احمر مستقر در مناطق سیل‌زده عمده‌ی کار رساندن اقلام ضروری بر دوش خود مردم است و با قایق‌های محلی انجام می‌شود. مسیر دسترسی بیش از ۷۰ روستا در حالی همچنان مسدود است که سامانه‌ی بارشی دیگری بر فراز این استان در راه است.»

بر اساس این گزارش «با وجود محدودیت نیروهای دولتی، فقط یک تشکل مردمی مجوز فعالیت در منطقه و برای ۱۰ روستا از مجموع دو هزار روستا را اخذ کرده است. بنا به اعلام معاون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ارزیابی از خسارت ۱۵۰ روستا انجام شده است. اطلاع دقیقی از وضعیت سایر مناطق سیل‌زده در دسترس نیست و آنت‌دهی ضعیف تلفن همراه و اینترنت دستیابی به اخبار موثق را دشوار کرده است.»

● از مجموع این ۲ هزار روستای سیل‌زده، اکیپ اعزامی بنیاد مسکن تنها از ۱۲۵ روستای مناطق سیل‌زده بازدید کرده است.

● «بر اساس گفته‌ی اهالی و تأیید مسئولان جمعیت هلال احمر مستقر در مناطق سیل‌زده عمده‌ی کار رساندن اقلام ضروری بر دوش خود مردم است و با قایق‌های محلی انجام می‌شود.»

● یک معلم و فعال اجتماعی: اگر به هشدارهای هواشناسی توجه کرده و «سد زیردان را تخلیه می‌کردند، این میزان خسارت ایجاد نمی‌شد. آبی که از طرف کوه‌های قصرقند و ایران‌شهر می‌آمد، می‌توانست در سد ذخیره شود.»

● وضعیت نابسامان سیل‌زدگان در استان سیستان و بلوچستان در حالیهست که به گزارش سازمان هواشناسی، سامانه بارشی جدید دیگری نیز از روز سه‌شنبه ۱۵ اسفندماه وارد این استان خواهد شد و مناطق سیل‌زده را بیش از پیش با مشکل روبرو خواهد کرد.

در حالی که مردم ۱۶ شهرستان و نزدیک به دوهزار روستای استان سیستان و بلوچستان بدون آب آشامیدنی، برق، گاز و غذا و امکانات پزشکی در محاصره سیلاب گرفتار شده‌اند، مسئولان بنیاد مسکن و «هلال احمر» می‌گویند به دلیل آبرگرفتگی‌های فراوان، دسترسی به بیش از دو سوم روستاها و شهرستان‌های این استان امکان‌پذیر نیست.

با اینهمه از مجموع این ۲ هزار روستای سیل‌زده، اکیپ اعزامی بنیاد مسکن تنها از ۱۲۵ روستای مناطق سیل‌زده بازدید کرده است.

روزنامه «پیام ما» نوشته است: «از دو هزار روستای

تکرار تاریخ

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۶۲) تیرماه ۱۳۸۴

بازنشتم



که در خارج منعکس بشود که شما یک مردمی هستید که تربیت اسلامی ندارید. شما یک مردمی هستید که با هم سر دنیا نزاع می‌کنید. ریاست جمهوری چیزی نیست که شما به آن اهمیت بدهید. خیلی در صدد این نباشید که برای خاطر این که یکی بیشتر می‌خواهد رأی ببرد، یکی کمتر می‌خواهد رأی × ببرد، به هم بریزید و جنگ و نزاع باشد...»

نهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران در ابتدای قرن بیست و یکم برگزار شد. یک ربع قرن تجربه «مردمسالاری دینی» ترتیبات مناسبتری را برای انتخابات ایجاد می‌کرد. از میان ۱۰۱۴ داوطلب، شش نفر توسط شورای نگهبان گزینه شدند که با وساطت امام ناصب جمع آنها به هشت نفر رسید. بعد دو نفر تحلیل رفتند. شش تای باقیمانده در میدان رقابت تاختند. روز آخر جبرئیل امین پیام مربوطه را به جاهای لازم رساند و «مقام معظم رهبری» طی بیاناتی فرمودند:

«ملت آگاه ایران برای صیانت کشور، حفظ منافع خود و تزریق خون تازه در رگهای نظام استوار جمهوری اسلامی به پای صندوقهای رأی می‌آید... هر کدام از این هشت نفر رئیس جمهور شد همه موظفند با او همدلی و همکاری کنند. همه این کدورت‌های احتمالی باید روز جمعه پایان یابد چرا که هر کس با رأی مردم انتخاب شود رئیس جمهور همه مردم خواهد بود، چه کسانی که به او رأی داده‌اند، چه افرادی که به دیگر کاندیداها رأی داده‌اند و چه کسانی که به علل مختلف فرصت شرکت در انتخابات پیدا نکرده‌اند...»

هگل عقیده داشت حوادث تاریخ دو بار تکرار می‌شوند و شخصیت‌های تاریخ‌ساز دو بار به دنیا می‌آیند. مارکس نوشت آری، چنین است. اما این حوادث بار اول به صورت تراژدی ظاهر می‌شوند و دفعه دوم به شکل کمدی. مخلص عرض می‌کند عکس قضیه هم ممکن است که بار اول کمدی باشد و بار دوم تراژدی!

نخستین انتخابات ریاست جمهوری ایران در اواخر قرن بیستم تجربه شد. بی آن که کاندیداهای مورد نظر از سوی شورای نگهبان گزینش شوند، میدان برای رقابت «فرزندان امام» که از شکم انقلاب سردرآورده بودند باز گذارده شد. چپگرا و راستگرا، نظامی و غیر نظامی داخل میدان شدند و به زورآزمایی پرداختند به‌تصور آنکه حضرت امام نظر خاصی - منفی یا مثبت - نسبت به هیچکدام ندارد. در روزهای آخر، جبرئیل امین پیغام محرمانه از درگاه ربوبی به ائمه بلا رسائید که همه کاندیداها البته فرزندان معنوی امام محسوب می‌شوند اما بجز یکی، بقیه اولاد سیغه‌اند. نظر مبارک امام این است که تنها فرزند عقدی - آیت‌الله‌زاده آقا سید ابوالحسن بنی‌صدر - انتخاب شود.

حضرت امام، در آستانه رأی‌گیری بیاناتی ایراد فرمودند از این قرار:

«فردا همه ملت بی استثنا به پای صندوقهای رأی بروند. بی‌عنایتی نکنند به یک مطلبی که کشور به آن احتیاج دارد. سرنوشت ملت و اسلام به او بسته است. همچو نباشد که اگر یک کسی مثلاً میل داشت رئیس جمهور بشود و حالا احتمال می‌دهد که نشود، کنار برود. یا اشخاصی که با او رفیق هستند کنار بروند و رأی ندهند. بهتر این است که آنهايي که می‌دانند که نمی‌شوند آنها متصل بشوند به بعضی آنهايي که می‌دانند می‌برند. تا ان‌شاءالله یک رأی کافی تحقق پیدا کند و ما سرشکسته نشویم به این که ملت اعتنائی به این مسائل ندارد. اعتنائی به سرنوشت خودش و سرنوشت اسلام ندارد. همه با هم به پای صندوق بروید.

مطلب دیگر این که پای صندوقها که می‌روید اینطور نباشد که با هم اختلاف پیدا نکنید. هر یک از اینها که بپردازند برای کشور لایذ خدمت خواهند کرد و اگر خدمت نکردند ملت هست و آنها را برکنار خواهد کرد. از این جهت به‌طور خصمانه با هم رفتار نکنید. برادر باشید با هم. اگر یکی رئیس جمهور شد شما هم به او اعانت کنید. اینطور نباشد

➔ به گفته این معلم، «در سال ۹۸ هم این اتفاق افتاد اما هشدارها جدی گرفته نشد. سد قبلاً پر و نزدیک به سرریز شدن بود و بعد از بارندگی این حجم از آب به منطقه وارد شد. بعد هم دریاچه سد را باز کردند و بین یک تا یک و نیم متر هم از بالای سد سرریز کرد. اگر سد را جلوتر از این هشدارها تخلیه می‌کردند، می‌توانستند این حجم آب را کنترل کنند.»

اینهمه در حالیکه تیم‌های امدادسانی مردمی که در قالب «سمن»ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) به استان سیستان و بلوچستان رفته‌اند تا اقلام مورد نیاز سیل‌زدگان را به آنها برسانند با مشکل تامین بنزین در منطقه روبرو شده‌اند. رانندگان ماشین‌های امدادسانی می‌گویند که با شرکت نفت نیز تماس گرفتند و پاسخی که شنیدند این بود که فقط مجاز به دریافت همان ۳۰ لیتر بنزین هستیم.

در همین ارتباط، هاشمی‌نژاد رئیس حوزه دبیرکل جمعیت «هلال احمر» با بیان اینکه خیران بهتر است با گروه‌های امدادی «هلال احمر» همراه شوند تا طبق برنامه‌ریزی، کمک‌رسانی با عدالت بین روستاها انجام شود خطاب به افرادی که با کمک‌های مردمی به منطقه آمده‌اند گفته است: «اگر خودروهای آنها نیازمند بنزین است به مقر جمعیت هلال احمر چابهار مراجعه کنند. بعد از هماهنگی های لازم، مجوز دریافت بنزین بیشتر برای آنها صادر خواهد شد.»

در ارتباط با سنگ‌اندازی شرکت نفت از ارائه سوخت به ماشین‌های امدادی بلوچستان برای انتقال کمک‌ها به سیل‌زدگان کمپین فعالین بلوچ نوشت: «روز ۱۳ اسفندماه برخی از جایگاه‌های سوخت در چابهار از دادن سوخت به خودروهای امدادی برای انتقال کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان دشتیاری خودداری کردند.»

از سوی دیگر اما میزان سیل به اندازه‌ای است که نیروهای امدادی «هلال احمر» توان رسیدن به بسیاری از روستاهای محاصره‌شده در سیلاب را ندارند.

بر اساس گزارش کمپین فعالین بلوچ، منصور پاد و عیدی سربازی در ویدیویی که منتشر کردند می‌گویند که مسئولان جایگاه سوخت چابهار اعلام کردند که تنها ۳۰ لیتر بنزین به آنها می‌دهند که با توجه به سوخت بالای خودروها و صعب‌العبور بودن مسیر، این سوخت به هیچ کاری نخواهد آمد. به گفته عیدی سربازی، «ما قرار نیست این سوخت را به مرز منتقل کنیم و بفروشیم، ما برای کمک به سیل‌زدگان سوخت می‌خواهیم و شما بجای همکاری در حال سنگ‌اندازی هستید.»

کمپین فعالین بلوچ اضافه کرده است: «امدادگران بلوچستان بدون کمک از جمهوری اسلامی اعلام کردند که منت نخواهیم کشید و از بازار آزاد بنزین خرید کرده و به کمک سیل‌زدگان خواهیم رفت.»

این کمپین همچنین روز یکشنبه ۱۳ اسفند با انتشار ویدیویی نوشت که نیروهای «هلال احمر» منطقه تلنگ و قصرقند را که بسیاری از روستاهای آن در محاصره سیل بوده و هستند، بدون امدادسانی و پس از گرفتن عکس یادگاری رها کردند. این در حالیکه بسیاری از روستاهای دشتیاری و قصرقند در محاصره سیل قرار دارند و سیل‌زدگان در شرایط بحرانی بسر می‌برند و هیچگونه امدادی از سوی نهادهای مسئول جمهوری اسلامی انجام نمی‌شود.

وضعیت نابسامان سیل‌زدگان در استان سیستان و بلوچستان در حالیکه به گزارش سازمان هواشناسی، سامانه بارشی جدید دیگری نیز از روز سه‌شنبه ۱۵ اسفندماه وارد این استان خواهد شد و مناطق سیل‌زده را بیش از پیش با مشکل روبرو خواهد کرد.

«بچه‌های رضاشاهی» بازار کار ایران را از کارشناسان خارجی بی‌نیاز کردند

وقتی اصل ۴ می‌خواست برنامه‌های بهداشتی خود را به اجرا بگذارد در ایران فقط یک مهندس بهداشت وجود داشت!

بازنشسته

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن‌ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم‌گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشینو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقبال در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجا رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.

● برنامه «عدم تمرکز» اگر با پیش‌بینی‌ها و تدارکات لازم اجرا نشود زیان‌ش بر سودش خواهد چربید

ع.ع - نکته دیگری که همکارانم و من همه اعتقاد داشتیم، و سعی کردیم که در آن راه پیش برویم، این بود که این قدر خارجی خارجی نگوئیم یعنی اولاً فکر نکنیم که اگر یک کاری را خارجی می‌کند، این واقعا یک چیز فوق العاده‌ای است که فقط آنها می‌توانند انجام بدهند. بعد هم برای هر کاری نرویم از بقیه بی‌رسیم که چگونه باید کارمان را انجام بدهیم. باید یک مقداری خودمان هم دست اندرکار باشیم. این برداشت خیلی غیر عادی بود، برای اینکه همه ما با اطمینان و اعتقاد فوق‌العاده‌ای کارهای تازه را شروع می‌کردیم. به خاطر تحصیلاتی که کرده بودیم یک اطلاعات کلی از کارها داشتیم، ولی در عمل هیچکدام آنها را نه ما و نه کس دیگری در داخل ایران اجرا نکرده بود. ما بجای اینکه برویم کارشناس بیایوریم، خودمان راه حل برای خودمان پیدا می‌کردیم. به عنوان نمونه، من همان ابتدا که در وزارت اقتصاد بودم و سعی می‌کردیم با رکود اقتصادی بیکارکنیم، دیدم یکی از گرفتاریهای ما صنعت سیمان ما است. به خاطر رکود اقتصادی، فعالیت‌های عمرانی و ساختمانی فوق‌العاده کاهش پیدا کرده بود و در نتیجه تولید کنندگان سیمان جنس خودشان را نمی‌توانستند بفروشند. از طرف دیگر برایشان صرف نداشت که کارخانه را تعطیل بکنند، چون شما نمی‌توانید کارگران را بیکار کنید و بعد از ۶ ماه دومرتبه بروید دنبال کارگر. در نتیجه سیمان خام تولید می‌کردند و در محوطه کارخانه می‌ریختند و انباشته می‌کردند تا بعداً ببینند چه بلائی باید به سرش بیآورند. یک بار مرحوم مهندس احمد علی ابتهاج، برادر ابوالحسن ابتهاج، نزد من آمد و این وضع را در مورد سیمان تهران خودش توضیح داد. من یک روز صبح با او رفتم به سیمان تهران و دیدم که تمام درختان چنار نازنینی که چند سال بود کاشته بودند، تا گردن



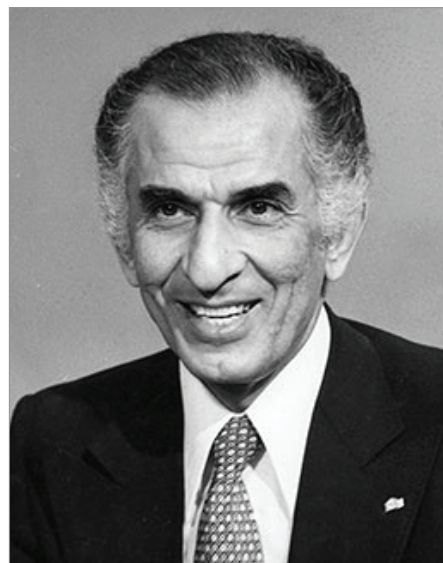
سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران
(بخش ۶)
خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

بود در ۱۲۰ تومان تثبیت کنیم و اتحادیه (یا در واقع کارتل) تولید کنندگان سیمان به هر کارخانه به نسبت ظرفیت آن سهمیه تولید بدهد.

● یعنی دوبار تقریباً؟

– تقریباً. چون دیدیم که سیمان را به ضرر می‌فروختند. قیمت را بالا بردیم که اولاً کارخانه‌ها سود داشته باشند. بعد گفتیم از این میزان سود، یک مبلغی را، که الان خاطر من نیست چقدر بود، کنار می‌گذاریم و با آن سیمان‌هایی را که اضافه بر ظرفیت جذب بازار بود، صادر می‌کنیم. با راه آهن هم صحبت کردم. در آن موقع وزیر راه معینان بود، مردی فوق‌العاده مثبت. او هم گرفتای داشت، به خاطر اینکه در برابر هریک تن کالائی که از جنوب وارد کشور می‌شد، یک سوم یا یک چهارم تن کالا از شمال به جنوب می‌رفت برای صادرات. بنابراین واگنها خالی بر می‌گشتند. با او صحبت کردم که برای او هم صرف می‌کند که قیمت حمل کالا را از شمال به جنوب بشکنند. در نتیجه ما با بهای خیلی پائینی می‌توانستیم سیمان را به بندرهای خودمان در خلیج فارس و بویژه خرمشهر و بندر شاهپور برسانیم. شروع کردیم به صادرات سیمان به منطقه خلیج فارس و سیمانی که از جاهای دیگر دنیا می‌آمد را ما کاملاً شکست دادیم و در عرض مدت کوتاهی کارخانه‌های سیمان ما با ظرفیت کامل کار می‌کردند. یک شورا هم درست کرده بودیم به نام شورای تولید و صادرات سیمان که همه تولید کنندگان عضو آن بودند. سهمیه هر کس روشن بود، مقدار پولی که باید می‌گرفتند روشن بود، زیر دست خودشان اداره می‌شد، ما فقط نظارت می‌کردیم. بنابراین یک کاری بود که هیچ جنبه دولتی نداشت. دولت فقط ناظر بود در کاری که انجام می‌دادند. در عرض یک سال نه فقط تمام مسائل سیمان حل شد، بلکه خود آن فعالیت کارخانه‌های سیمان یکی از عامل‌هایی بود که کمک کرد به بیکار با رکود و تغییر دادن جهت وضع بازار...

غرق بودند در آن سیمان خامی که در محوطه ریخته بودند. دیگر تولید کنندگان نیز وضع مشابهی داشتند و همه به علت فشار مالی با یکدیگر رقابت کرده و سیمان را زیر بهای تمام شده می‌فروختند. دیدم پایین آوردن قیمت هیچ اثری بر افزایش تقاضا ندارد و در آن شرایط بازار راکد تقاضا کم و بیش فاقد elasticity نسبت به قیمت است. به فکر افتادم



در ایران تنها یک مهندس بهداشت وجود داشت به نام جمشید آموزگار!

که از تولید کنندگان سیمان کارتلی تشکیل دهیم. خوب، شنیده بودم و خوانده بودم کارتل چیست ولی هیچ وقت خودم با آن سر و کار نداشتم. با همکارانم مشورت کردم که قیمت سیمان را که آن موقع چیزی در حدود ۶۰ یا ۷۰ تومان



→ قضیه جان موگ

● دهه قبل از این دورانی که مورد بحث ماست، یعنی دهه ۵۰ میلادی، دوران ابتهاج بود، از نظر برنامه‌های اقتصادی مملکت، از نظر اندیشه کردن راجع به توسعه و غیره. ابتهاج، حداقل در آن زمانی که او کار می‌کرد، به کارشناسان خارجی توجه داشت. شاید به این دلیل که در داخل، منابع انسانی کافی وجود نداشت. ولی از نظر فلسفی به نظرم می‌آید که موضع او با حرفی که شما می‌نیزید تعارض دارد. ممکن است نظراتان را در این زمینه بدهید؟

— ابتهاج اصولاً حرفش درست بود. یعنی روبرو شده بود با اینکه اگر شما می‌خواهید یک راهسازی درست بکنید، در کشور مهندسی که بتوانند این کار را انجام بدهند ندارید و می‌بایست از خارج کسانی را بیاورید که این کار را بکنند تا شما یاد بگیرید و بعد بتوانید خودتان انجام بدهید. یک مورد خیلی معروفش مورد شرکت انگلیسی جان موگ است که به ایران آمده بود. برای اولین بار در ایران متوجه شدند که این شرکت لابراتوارهای کوچک در بیابان درست کرده و خاکها و فشار خاک را اندازه گیری می‌کند و نوع سنگ ریزه‌ای را که می‌بایست به عنوان زیر ساخت جاده‌ها بگذارند معین می‌کند چند سانتیمتر باید باشد. مردم می‌خندیدند به این حرفها و این نوع برنامه‌هایی که ابتهاج داشت. بعد ابتهاج مورد ایراد قرار می‌گرفت، آن چنان که سرانجام ناچار شد قسمتی از راه‌هایی را که می‌خواستند بسازند، بدهند به یکی از مهندسين ایرانی که خیلی خوب صحبت می‌کرد و جلب توجه همه را کرده بود. خوب، جاده‌ای که ساختند هیچ خوب نبود، با تمام ادعایی که می‌کردند. بنابراین آنجا ابتهاج حق داشت، و کاری که او کرد باعث شد که بعداً مهندسين ایرانی و شرکت‌های مقاطعه کاری ایرانی همان کار را خوب فرا بگیرند، و نه تنها در داخل ایران آن کار را اجرا بکنند، بلکه در دهه 70 به تدریج شرکت‌های بزرگ ساختمانی ایران شروع کردند به کار کردن در منطقه خاورمیانه. من خودم می‌دانم یکی از آن شرکتها در عربستان سعودی به عنوان مهندس مشاور کار می‌کرد. یعنی همان کاری را که جان موگ در دهه 50 در ایران کرده بود ما در دهه 70 در کشورهای دیگر می‌کردیم. پس در این مورد ابتهاج کارش درست بود. یا فرض بکنید در مورد سازمان آب و برق خوزستان، وقتی آدم گزارش را می‌خواند خیلی ساده به نظر می‌آید. خوب، بله، باید این کار را می‌کردیم. اما وقتی شما هیچگونه اطلاعی ندارید و می‌خواهید از صفر شروع بکنید، و یک گزارشی را با کمک خارجی‌ها با تجربه تهیه می‌کنید و اجرا می‌کنید، این را باید آفرین گفت. چند سال بعد، در آخر دهه 60، یعنی حالا ده سال پس از اجرای برنامه ابتهاج، وقتی من در بخش خصوصی بودم، همان کسی که برنامه خوزستان را اجرا کرد، آقای لیلی‌نتال، با من تماس گرفت و به من پیشنهاد کرد با هم شریک بشویم و کار بکنیم. البته من اصولاً نمی‌خواستم کار مهندسی مشاور بکنم با سازمان برنامه و دولت. ولی یکی از چیزهایی که در نامه خودش به من نوشت این بود که خیلی مایلم با شما همکاری بکنم و شما بشوید شریک اصلی، به خاطر اینکه آن روزی که من در ایران شروع به کار کردم، ایران کسی را نداشت، اما امروز شما خیلی آدم‌هایی دارید که به فنون مختلف آشنائی دارند، که اینها همه رفتند بهترین تحصیلات را کردند و برگشتند و در نتیجه امکاناتی که امروز کشور شما دارد با امکانات دوازده سیزده سال پیش که من شروع کردم فرق دارد. بنابراین، ابتهاج وقتی شروع کرده بود که در کشور ما کارشناس به اندازه کافی نداشتیم.

(warne) را در باره فعالیت اصل چهار در ایران خواندم. وارن رئیس اصل 4 بود در ایران. کتاب فوق‌العاده جالبی است. او در این کتاب ذکر می‌کند که برای برنامه‌های بهداشتی خود نیازمند مهندس بهداشت بودند ولی متوجه شدند در این کشور هیچکس نشنیده که یک حرفه‌ای به نام مهندسی بهداشت وجود دارد. وارن می‌نویسد که ما گیر کرده بودیم برای مهندسی بهداشت چه کار بکنیم. آیا باید حتماً آمریکائی بیاوریم که اینجا کار بکنند؟ تا اینکه یک روز یک جوانی آمد که تحصیلات خود را در رشته مهندسی بهداشت در امریکا کرده بود و خیلی خوب هم برای ما کار کرد و خیلی هم موفق شد. اسمش بود جمشید آموزگار. وارن، البته، فوق‌العاده از آموزگار تعجب می‌کند. کاری که او در آن مدت کرد گویا خیلی چشمگیر بود. ولی یک کشور بود با یک مهندس بهداشت به نام جمشید آموزگار. این را حالا شما مقایسه بکنید به اینکه ده سال

● بچه‌های رضا شاهی و نسل پیش از آنها
 در آن هنگام ما نه تجربه در کار توسعه داشتیم و نه آدم کارکشته، اما نداشتن اطلاعات دلیل نمی‌شد که به خودمان متکی نباشیم. این را نمی‌بایستی از ابتهاج توقع داشته باشیم. آنرا باید از نسل بعدی توقع داشته باشیم. من نسل خودمان را همیشه به عنوان بچه‌های رضا شاه می‌شناسم. یعنی معتقدم که ما در یک زمانی رفتیم به دبستان که این مرد بزرگ در ما این روحیه را ایجاد کرد که گمان داشتیم بزرگترین تاریخ دنیا مال کشور ما بوده و درخشانترین تمدن ما را داشته‌ایم. درست یا غلط بودن این حرفها، مطلقاً مطرح نیست. آن چیزی که مهم است ایمان و اعتقادی بود که ما به کشور و خودمان و به گذشته‌مان داشتیم و فکر می‌کردیم با آن گذشته درخشان دلیل ندارد که نتوانیم آینده



از چپ: جمشید آموزگار نخست‌وزیر، جعفر شریف‌امامی رئیس سنا، عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی و سید حسن امامی امام جمعه تهران. اسفند ۱۳۵۶، شهر ری، مراسم یکصدمین سال تولد رضاشاه کبیر

درخشانی را درست بکنیم. به صورت دیگری عرض بکنم، ما هیچوقت فکر نمی‌کردیم که اروپائی چون صنعت دارد، درآمدش بالاتر است، از ما برتر است. خودمان را برابر با هر کس می‌دانستیم. این طرز فکر در نسل پیش از ما نبود. چون نسل پیش از ما نسلی بود که تنها ارتش متحدالشکلش را قزاقهای روسی اداره می‌کردند، دستور را از فرماندهی نظامی روسیه در قفقاز در تفلیس می‌گرفتند، نه از ستاد ارتش ایران. یعنی اصولاً ستاد ارتشی در کار نبود. حالا، با این همه بدبختی‌ها، یک اشخاص خدمتگزاری مثل ابتهاج و یا پیش از او داور، با روحیه مثبت و امکاناتی که در اختیار داشتند، آن چه توانستند کردند، ولی از آخر دهه 50 و آغاز دهه 60 میلادی کودکان دوره رضا شاهی به تدریج از دانشگاه‌های داخل و خارج بیرون آمدند و یک باره ریختند در بازار کار ایران و اصولاً دانش فنی کشور را دگرگون کردند. یعنی در آن ده سال، دهه 60، یک تغییر کیفی خیلی اساسی در ایران رخ داد که آن وقت همین تغییر کیفی اساسی، با ریتم خیلی سریعتری، در دهه 70 ادامه یافت. من خودم از وزارت علوم خواش کرده بودم که برای من آمار متخصصان رشته‌های مختلفی را که ←

بعد شما در خود دانشگاه تهران و یا شاید در دانشگاه‌های دیگر مهندس بهداشت ترتیب می‌کردید، و مطمئن هستم که امروز صدها یا هزارها مهندس بهداشت در داخل کشور هستند و کاری کرده‌اند که مملکت ما امروز با تمام گرفتاریهایی که دارد از نقطه نظر آب آشامیدنی از ترکیه و بسیاری کشورهای دیگر خیلی جلوتر است. چرا؟ به خاطر اینکه حالا مهندس بهداشت را ما داریم که می‌فهمد چه باید بکند. موقعی که ابتهاج شروع کرد به این صحبتها ما هیچکدام از این امکانات را نداشتیم. جلو کشیدن این حرفها که ابتهاج شیفته کارشناسان خارجی بود یک مقدار در واقع به خاطر واکنش بی‌ربطی بود که اشخاص نادان و یا متعصب از خود نشان می‌دادند برای ایراد گرفتن بی‌جهت به ابتهاج، و یک مقدار هم خود ابتهاج بود که، چون گرم شده بود، زیاده‌روی کرد. همیشه همین طور است. وقتی که انسان در یک راهی می‌افتد و به هیجان می‌آید، احیاناً گزافه می‌گوید. بخصوص آنکه ابتهاج مرد بسیار بزرگ و خدمتگزار استثنایی در کشور بود. وقتی خودش را در برابر اشخاص مغرض می‌دید، او هم شاید کمی بیش از حد زیاده روی می‌کرد. اما در اصل حق با

که با این واقعیت روبرو شده‌ایم، کاری که می‌توانیم بکنیم این است که به شرکتها يك فرجه‌ای بدهیم، بگوئیم ما برای طرحهای عمرانی که بیش از مبلغ معینی نیست فقط از شرکتهائی دعوت می‌کنیم که مقیم کرمان باشند یا مقیم فارس باشند یا مقیم آذربایجان باشند. از بقیه دعوت نمی‌کنیم، که دستکم اگر این شرکت مقیم سیرجان نیست، مقیم کرمان یا يك شهر دیگر آن استان باشد. به این ترتیب به تدریج اینها را گرایش بدهیم که مرکز فعالیت خود را به استانها منتقل کنند. ولی خود آنها هم باز يك مقدار مشکلات دیگر برای ما ایجاد می‌کرد. می‌گفتند، خوب، مهندسی که شما می‌خواهید به این منطقه بفرستید با زن و بچه‌اش، بچه‌هایش احتیاج به مدرسه خوب دارند، یا احتیاج به رفاهی در زندگیشان دارند که احيانا شما در فلان شهر تامین نکرده‌اید. پس مرتب با مشکلات روبرو می‌شید. آنجاست که من می‌گفتم آن دلیل نمی‌شود که کاری انجام ندهید. برای اینکه باید يك مقداری این مشکلات را به تدریج از بین ببرید و حل بکنید. اگر يك تصمیم قاطعی می‌گرفتیم در همان موقع که ما تا سه سال دیگر به این صورت عمل می‌کنیم، شما مطمئن باشید يك عده‌ای ناچار می‌شدند که بروند به استانها کار بکنند. بنابراین ما می‌توانستیم به تدریج در آن راه قدم برداریم. ولی کاری که حتما خیلی خطرناک می‌بود، این بود که بدون داشتن پایه‌های محکم اساسی اجازه بدهیم که به آن صورتی که خوزستانها پیشنهاد کرده بودند پول نفت را در اختیار خودشان بگذاریم. این مثال قابل تصور نیست. چون آن دانش فنی کافی را تازه در خود سازمان برنامه، با تمام کارشناسانی که توانسته بود جمع بکنند، به زحمت داشتند. حالا شما این را می‌خواهید برپید بگذارید در اختیار کسانی که مطلقاً افراد فنی در اختیار ندارند. این مسائل را باید در بافتار زمانی و مکانی خودش انسان در نظر بگیرد. يك چیزی در يك زمان مشخصی می‌تواند کم و بیش درست باشد، ولی در زمان دیگر درست نباشد. ایرادی که می‌شود گرفت این است: آیا شما متوجه تحول هستیید و آیا سعی می‌کنید که گام بردارید به سوی يك شرایط دیگری یا نه.

(ادامه دارد)

برای عدم تمرکز ایجاد بکنید. ولی باید خیلی مواظب باشید، به خاطر اینکه اولاً عدم تمرکز لازمه‌اش داشتن افراد با صلاحیت در سطح آن محل...

● مگر خود شما چند لحظه پیش نگفتید باید کار کرد تا کار یاد گرفت؟

نه، نه. حالا به تدریج می‌گویم حضورتان. اولش داشتن افراد مسلط است در محل. به عبارت دیگر، اگر شما می‌خواهید طرحهائی را، بجای اینکه در مرکز تصمیم بگیرید، در آبادان یا اهواز انجام بدهید، به افراد با صلاحیت در رشته آمار، طراحی اقتصادی، مهندسی، و غیره، احتیاج دارید، وگرنه نمی‌توانید این کار را بکنید. از طرف دیگر می‌بایستی يك مکانیسم خیلی دقیقی داشته باشید برای کنترل و نظارت بر این اشخاص. اگر این کارها را نکنید، تجربه خیلی از کشورهای دیگر هم نشان داده. پولهای کشور را به هدر می‌دهید، و زبانی که می‌رسانید به مراتب بیشتر از سودی است که می‌توانستید در آغاز کار گمان ببرید. ابتهاج وقتی که شروع به کار کرد حق با او بود. مطلقاً ما آدم به اندازه کافی نداشتیم و گرفتاری این است که با ریتم توسعه اقتصادی کشور پیدا کردن این آدمها خیلی سخت بود. من خاطرم می‌آید، در دهه 60 سازمان برنامه تصمیم گرفت يك گونه‌ای عدم تمرکز انجام بدهد. شهرداریهای محل، به حق، می‌گفتند آقا من که می‌خواهم يك مناقصه بگذارم برای لوله‌کشی شهر یا برای اسفالت خیابانها، پولش را شما سازمان برنامه می‌دهید، اما این دلیل نیست که پاکتهای مناقصه را در دفتر سازمان برنامه در تهران باز کنند. شما بیائید این مناقصه را ما در اینجا عمل بکنیم. سازمان برنامه هم گفت بسیار خوب، از این به بعد اگر ما می‌خواهیم در سیرجان یا در ابرقو کارهای عمرانی در شهر بکنیم، مناقصه را در آن شهر می‌گذاریم. ولی نتیجه چه شد؟ مقاطعه‌کاران از تهران سوار هواپیما می‌شدند می‌رفتند به آن شهر معین در آن روز معین، پاکتها را باز می‌کردند، برنده روشن می‌شد. دو مرتبه هواپیما می‌گرفتند و بر می‌گشتند می‌آمدند تهران. من با دوستان خودم در سازمان برنامه صحبت کردم که حالا

دیلیمشان مورد تایید وزارت علوم قرار گرفته بود بفرستند، چون شمار کسانی که در دانشگاه‌های ایران و خارج درس می‌خواندند به صورت چشمگیری بالا رفته بود. قابل مقایسه با آن سالهای اول ما نبود. ولی از آن جالبتر رشته‌هایی بود که من در نهایت فروتنی باید بگویم با اینکه خودم دو سال رئیس دانشگاه بودم حتی نمی‌دانستم چنین رشته‌هایی در دانشگاهها وجود دارد. اما حالا متخصص این رشته‌ها را داشتیم که برگشته بودند به ایران و می‌خواستند کار بکنند. یعنی می‌خواهم به شما بگویم این تغییری که در کشور به وجود آمد قابل فهم نبود در دهه 50. و شما وقتی در باره ابتهاج داوری می‌کنید می‌بایست در بافتار دهه 50 او را بسنجید. باز هم تکرار می‌کنم، ریتم تحول کشور به قدری سریع بود که که 5، 6 سال بعد، یا ده سال بعد، حرفی که ما می‌زدیم به ظاهر فرق داشت با حرفی که ابتهاج زده بود، ولی در واقع در دو بافتار متفاوت بود و هر دو می‌توانست صحیح باشد.

● ابتهاج در خاطراتش می‌نویسد روزی من نشسته بودم، استاندار خوزستان، سپهبد کمال، و سناتوهای خوزستان، ناصری و نظام‌السلطنه مافی، و چند نفر از وکلای مجلس به دفتر آمدند و به من گفتند که شما دارید برنامه دوم را تهیه می‌کنید، اجازه بدهید که ما، در قالب نیازمندیهای خوزستان، و آنچه که به ما تعلق می‌گیرد، تصمیم بگیریم و عمل کنیم. ابتهاج می‌گوید که شما برای این کار باید از روی نعش من رد شوید و به هیچوجه با چنین چیزی موافق نیستم. و بعد به آنها می‌گوید اگر من این کار را بکنم، فردا از خراسان می‌آیند می‌گویند همین را می‌خواهیم، از کرمان و از جاهای دیگر هم می‌گویند همین را می‌خواهیم. موضع ابتهاج از يك نظر مبین مساله تصمیم‌گیری در ایران در باره تمرکز و عدم تمرکز است. یعنی می‌شد، شاید، در این زمان نشست و در باره شیوه برنامه‌ریزی بحث کرد. ولی ابتهاج بکلی جلوی این راه را می‌بندد. شما وقتی وارد این برنامه شدید، در ارتباط با تمرکز و عدم تمرکز تصمیم‌گیری و اجرا چطور فکر می‌کردید؟

من در این مورد يك مقدار با Background تئوریکي که در کارهای اقتصادیما داشتیم روبرو می‌شدم و همان اشاره‌ای است که به فضای اقتصادی کشور کردم. به خاطر اینکه این عدم تعادلی که ایجاد شده بود بویژه به همین دلیل بود. شما وقتی که تصمیمات را در مرکز کشور می‌گیرید به تدریج اشخاص فعال و سرمایه‌ها را می‌کشاید به طرف آنجائی که مرکز تصمیم‌گیری است. در ایران دوره قاجاریه درست است که کشور فوق‌العاده عقب افتاده بود، ولی بطور یکسان عقب افتاده بود. در زمان رضا شاه، وقتی که حکومت مرکزی درست شد مقررات گذراندند برای سهمیه صادرات و سهمیه واردات و ارز. شما وقتی که ارز می‌خواستید بگیرید، باید می‌رفتید به تهران. از یزد یا کرمان اگر می‌رفتید چندین بار به تهران، دفعه دهم یا یازدهم تصمیم می‌گرفتید که تهران بمانید و سرمایه خودتان و خویشاوندان و دوستانتان را که در آن شهرها مصرف می‌شد، می‌آوردید تهران. در نتیجه به جای اینکه کارخانه در یزد یا کرمان ایجاد بکنید، کارخانه را در تهران ایجاد می‌کردید و این باعث تمرکز می‌شد. این تمرکز در چند شهر ایران اتفاق افتاد، مثل اصفهان و تهران، و نیروی کار و نیروی جوان و نیروی فعال، و آدمهای خوش فکر و سرمایه‌ها می‌آمد به این چند نقطه و بقیه کشور فراموش می‌شد و این عدم تعادل فضای اقتصادی کشور را ایجاد می‌کرد. پس حالا که شما می‌خواهید برگردید و يك کاری بکنید که فضای اقتصادی کشور متعادل بشود، که بعداً عین همین ایده را به صورت آزمایش سرزمین پیش آوردند، که در واقع ایده ابتدا از آن فرانسویها بود، این لازمه‌اش این است که شما مکانیسمی

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green,
NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda,
MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30
Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris,
FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24,
50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

هشتگ «سیرک انتخابات»؛ کارزاری برای یک «نه» دیگر به جمهوری اسلامی



● استفاده از هشتگ «#سیرک_انتخابات» از سوی شاهزاده رضا پهلوی با استقبال کاربران ایرانی در شبکه «ایکس» روبرو شد و از یک روز مانده به برگزاری این سیرک در جایگاه ترند نخست این شبکه اجتماعی قرار گرفت.

● در شش ویدئوی منتشرشده در حساب‌های کاربری شاهزاده رضا پهلوی در شبکه‌های اجتماعی، دلگی در سیرک بی‌ماشای در تلاش برای جلب توجه به کارهای مختلف دست می‌زند، در حالی که بخشی از سخنان انتخاباتی علی خامنه‌ای روی حرکات وی شنیده می‌شود.

● همزمان کاربران با اشاره به سرکوب عمومی و یادآوری نام و یاد جانب‌خاستگان و قهرمانان اعتراضات جنبش ملی و خانواده‌های دادخواه که شماری از آنها به جرم دادخواهی در زندان بسر می‌برند، از ضرورت عدم شرکت در سیرک انتخابات می‌نویسند.

ساعتی مانده به آغاز رأی‌گیری دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، هشتگ «سیرک انتخابات» با بیش از ۲۸۸ هزار بار نشر به ترند نخست شبکه «ایکس» تبدیل شد. این هشتگ نخستین بار از سوی شاهزاده رضا پهلوی و به همراه انتشار ویدئوهایی کوتاه با همین عنوان مورد استفاده قرار گرفت.

در روزهای منتهی به جمعه یازدهم اسفندماه، جمهوری اسلامی همه توان خود را برای جلب مشارکت مردم در این رأی‌گیری به کار گرفت. این تلاش در حالی بود که نظرسنجی‌هایی حتی از سوی خود حکومت نیز حکایت از عدم تمایل مردم به شرکت در انتخابات و عدم اهمیت پیش از نیمی از جامعه به برگزاری این انتخابات نمایی داشت. شاهزاده رضا پهلوی نیز از چند روز مانده به ۱۱ اسفند با انتشار شش ویدئوی کوتاه در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «سیرک انتخابات»، مانند تمامی سال‌های گذشته، ماهیت آنچه را به عنوان انتخابات در جمهوری اسلامی برگزار می‌شود باز به پرسش کشید.

در شش ویدئوی منتشرشده در حساب‌های کاربری شاهزاده رضا پهلوی در شبکه‌های اجتماعی، دلگی در سیرک بی‌ماشای در تلاش برای جلب توجه به کارهای مختلف دست می‌زند، در حالی که بخشی از سخنان انتخاباتی علی خامنه‌ای روی حرکات وی شنیده می‌شود؛ دلگی که از دید بسیاری از مخاطبان رهبر جمهوری اسلامی است که در حال برگزاری «سیرک انتخابات» است. استفاده از هشتگ «#سیرک_انتخابات» از سوی شاهزاده رضا پهلوی با استقبال کاربران ایرانی در شبکه «ایکس» روبرو شد و از یک روز مانده به برگزاری این سیرک در جایگاه ترند نخست این شبکه اجتماعی قرار گرفت.

در روز جمعه یازدهم اسفندماه و همزمان با برگزاری انتخابات نمایی در ایران نیز این هشتگ با بیش از ۲۸۸ هزار بازنشر در صبح جمعه، ترند نخست «ایکس» است. کاربران با استفاده از هشتگ «سیرک انتخابات» برگزاری رأی‌گیری در جمهوری اسلامی را «نمایش مضحک» خوانده و از بی‌اثر بودن رأی مردم در مهره‌چینی‌های حکومت نوشتند.

برخی خانواده‌های دادخواه و نزدیکان کشته‌شدگان اعتراضات سراسری و قربانیان نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی نیز خواهان تحریم انتخابات شده‌اند. مژگان افتخاری مادر مهسا (ژینا) امینی که ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در بازداشت گشت ارشاد کشته شد، در یک روایت اینستاگرامی نوشته است: «آنجا که آزادی نیست، اگر رأی دادن چیزی را تغییر می‌داد، اجازه نمی‌دادند که رأی بدهید.»

«کیهان لندن» صبح جمعه یازدهم اسفندماه در گزارش تحلیلی هفته در مطلبی با عنوان «مردم و صندوق رأی نظام؛ دو خط موازی!» نوشت امروز برای مردم روشن است حکومتی که نهادهای کانال توزیع رانت و فرصت و فساد میان «خودی»هاست و حکومتی که تاب اعتراضات مسالمت‌آمیز و بدون خشونت و بی‌اسلحه‌ی شهروندان در خیابان را ندارد و هر انتقاد و اعتراضی را با اسلحه و طناب دار پاسخ می‌دهد، قطعاً نسبتی با «حق رأی مردم» و «دموکراسی» و «مردم‌سالاری» ندارد.

این گزارش افزوده که عموم مردم چنان در برابر سیرک انتخابات ایستاده‌اند که حتی افرادی که در داخل و خارج ایران به عنوان «فعال مدنی»، «هنرمند» یا «منتقد» در دوره‌های پیشین انتخابات مجلس و ریاست جمهوری اسلامی، مشارکت در انتخابات را فشاری از پایین به بالا ارزیابی کرده و از نامزدهای اصلاح‌طلبان حمایت می‌کردند، اکنون رُخ تحریمی گرفته و از «انگشت» نزدن در «خون جانب‌خاستگان اعتراضات» می‌گویند؛ آندسته که قلب‌شان بیشتر در گرو نظام است نیز همه چیز را گردن «رهبر» جمهوری اسلامی انداخته و معتقدند او برای حفظ قدرت مطلقه‌اش نمی‌گذارد انتخابات نقشی در ایجاد تغییرات یا اصلاحات ساختاری ایفا کند!

کاربران همچنین با اشاره به سرکوب عمومی و یادآوری نام و یاد جانب‌خاستگان و قهرمانان اعتراضات جنبش ملی و خانواده‌های دادخواه که شماری از آنها به جرم دادخواهی در زندان بسر می‌برند، از ضرورت عدم شرکت در سیرک انتخابات می‌نویسند.

بیان مشکلات و آمارهای فاجعه‌بار اقتصادی، فساد و رانت ساختاری در جمهوری اسلامی و چندین سال بازی با افکار عمومی از سوی جناحین حکومت برای جلب مشارکت انتخاباتی از دیگر مواردیست که از سوی کاربران مخالف شرکت در رأی‌گیری با استفاده از هشتگ «سیرک انتخابات» برجسته شده است.

برخی کاربران نیز با استفاده از این هشتگ سناریوهای حکومت برای اثرگذاری بر افکار عمومی از جمله سوء استفاده از واژه «وطن» در تبلیغات سیرک انتخابات را زیر سوال برده‌اند.

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری که امروز جمعه یازدهم اسفند و با عدم استقبال مردمی در حال برگزاری است، با اعلام تحریم گسترده روبرو شده است. جدا از جریانات و چهره‌های شناخته شده اپوزیسیون جمهوری اسلامی، شماری از تشکل‌های صنفی و دانشجویی درون ایران از جمله شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و ده‌ها تشکل دانشجویی در بیانیه‌هایی انتخابات را تحریم کرده‌اند.

کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در بیانیه خود تأکید می‌کنند «انگشت در خون عزیزان خود نمی‌زنیم!» چند تشکل دانشجویی نیز در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند «رأی ما سرنگونی جمهوری اسلامی است.»

به لطف هندوستان شریک استراتژیک آمریکا، خزانه روسیه پر از پول شده



از دیدارهای ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه و نارندرامودی نخست وزیر هند

● بر اساس گزارش مؤسسات تحقیقاتی، روسیه با حجم بی‌سابقه‌ای از پول در خزانه خود وارد سومین سال جنگ با اوکراین می‌شود. تخمین زده می‌شود با وجود تحریم‌های گسترده بین‌المللی، درآمد روسیه از فروش نفت به هندوستان در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۳۷ میلیارد دلار رسید که رقمی بی‌سابقه است.

● هندوستان این نفت را تبدیل به فرآورده‌ها و میعانات نفتی می‌کند و با سود مضاعف آن را به فروش می‌رساند. نکته اساسی اینجاست که در همین مدت هند بیش از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار فرآورده نفتی به ایالات متحده صادر کرده است. درواقع آمریکا به واسطه هندوستان بخشی از زنجیره تأمین مالی روسیه است.

● بر اساس تجزیه و تحلیل «مرکز تحقیقات انرژی و هوای پاک» (CREA) درآمد نفتی روسیه به دلیل افزایش خرید نفت توسط هندی‌ها ۱۳ برابر بیشتر از درآمد این کشور پیش از جنگ با اوکراین شده است. این تحلیل نشان می‌دهد دهلی نو به عنوان شریک استراتژیک ایالات متحده جایگزین خریداران غربی نفت روسیه شده که با تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه خرید نفت و گاز از این کشور را به شدت محدود کرده‌اند.

● با وجود تحریم‌های بین‌المللی اما روسیه حتی در برخی کشورهای اروپایی برای جابجایی نفت خود شرکایی دارد. خبرگزاری سی‌ان‌ان اوایل ماه فوریه ۲۰۲۴ (بهمن ۱۴۰۲) گزارش داده بود که دو نفتکش گول‌پیکر در بندر Gythio یونان اقدام به انتقال کشتی به کشتی نفت روسیه کردند.

بر اساس گزارش مؤسسات تحقیقاتی، روسیه با حجم بی‌سابقه‌ای از پول در خزانه خود وارد سومین سال جنگ با اوکراین می‌شود. تخمین زده می‌شود با وجود تحریم‌های گسترده بین‌المللی، درآمد روسیه از فروش نفت به هندوستان در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۳۷ میلیارد دلار رسید که رقمی بی‌سابقه است.

هندوستان این نفت را تبدیل به فرآورده‌ها و میعانات نفتی می‌کند و با سود مضاعف آن را به فروش می‌رساند. نکته اساسی اینجاست که در همین مدت هند بیش از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار فرآورده نفتی به ایالات متحده صادر کرده است. درواقع آمریکا به واسطه هندوستان بخشی از زنجیره تأمین مالی روسیه است.

بر اساس تجزیه و تحلیل «مرکز تحقیقات انرژی و هوای پاک» (CREA) درآمد نفتی روسیه به دلیل افزایش خرید نفت توسط هندی‌ها ۱۳ برابر بیشتر از درآمد این کشور پیش از جنگ با اوکراین شده است. این تحلیل نشان می‌دهد دهلی نو به عنوان شریک استراتژیک ایالات متحده جایگزین خریداران غربی نفت روسیه شده که با تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه، خرید نفت و گاز از این کشور را به شدت محدود کرده‌اند.

روسیه برای دور زدن تحریم‌های بین‌المللی از همان روشی استفاده می‌کند که جمهوری اسلامی تجربه آن را داشته است. یعنی استفاده از «ناوگان کشتی‌های شبح» که موقعیت یاب خود را خاموش می‌کنند تا پنهانی نفت را در دریاها منتقل کنند. برخی موارد نیز دور زدن تحریم‌ها از طریق انتقال نفت با روش کشتی به کشتی (پهلوی به پهلوی)

مخالفت دولت بایدن با صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی



جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا

● یک دیپلمات غربی به خبرگزاری رویترز گفت که صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در جلسه شورای حکام آژانس «بسیار خطرناک» خواهد بود.

● این دیپلمات توضیح داد، «منطقه در وضعیت به شدت هشداردهنده قرار دارد. شما آتش‌بس یا قطعنامه‌ای در مورد غزه ندارید، ما چشم‌انداز هیچ نوع راه حل هسته‌ای نداریم و... آمریکا هم به سوی انتخابات ریاست جمهوری می‌رود.»

● رویترز نوشت که سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) پیش‌نویس یک قطعنامه علیه جمهوری اسلامی را تنظیم کرده بودند اما واشنگتن ماه‌هاست که با صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت می‌کند.

نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حالی از روز دوشنبه چهارم مارس (۲۴ اسفندماه) آغاز شد که به گفته دیپلمات‌ها، قدرت‌های غربی بار دیگر از برخورد جدی با جمهوری اسلامی به دلیل عدم همکاری با آژانس خودداری کردند.

بیش از یک سال است که ۳۵ کشور عضو شورای حکام قطعنامه‌ای را تصویب کرده‌اند که به جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند که همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره علت وجود ذرات اورانیوم غیرمجاز کشف شده در

در دریا یا کنار بندر صورت می‌گیرد.

با وجود تحریم‌های بین‌المللی اما روسیه حتی در برخی کشورهای اروپایی برای جابجایی نفت خود شرکایی دارد. خبرگزاری سی‌ان‌ان اوایل ماه فوریه ۲۰۲۴ (بهمن ۱۴۰۲) گزارش داده بود که دو نفتکش گول‌پیکر در بندر Gythio یونان اقدام به انتقال کشتی به کشتی نفت روسیه کردند.

در بسیاری موارد رهگیری کشتی‌های شبح بسیار دشوار است. مؤسسه Pole Star Global که در این زمینه فعال است گزارش داد، تعداد زیادی کشتی مشکوک از مبدأ روسیه شناسایی شدند که از طریق «خلیج لاگونی» (یونان) به سمت هند حرکت می‌کرده‌اند. بر اساس گزارش این مؤسسه انگیزه همه این کشتی‌ها احتمالاً دور زدن تحریم‌ها به نفع روسیه بود اما مسئله این است که «تقریباً همه این کشتی‌ها» با ایالات متحده یا اتحادیه اروپا ارتباط دارند.

مدیرعامل مؤسسه «ویندوارد» می‌گوید، «آنچه اکنون شاهد آن هستیم، تنها قسمتی از تلاش مسکو برای ایجاد ابهام بیشتر در تجارت نفت است... ناوگان شبح به روسیه این امکان را داده است که ساختار کشتیرانی موازی ایجاد کند که بتواند با تغییر تاکتیک‌ها و تمرکز تحریم‌های غرب، با صدها نفتکش با مالکیت غیرشفاف، از مسیرهای پیچیده عبور کند. تخمین زده می‌شود این ناوگان در سال ۲۰۲۳ به ۱۸۰۰ کشتی افزایش پیدا کرد.»

سی‌ان‌ان گزارش داده کل درآمدهای روسیه در سال ۲۰۲۳ به رکورد ۳۲۰ هزار میلیارد دلار رسید و همچنان در حال افزایش است. به گفته برخی تحلیلگران، تقریباً یک سوم این پول در سال گذشته برای جنگ در اوکراین هزینه شده است و بخش بیشتری از آن نیز برای تأمین مالی جنگ در سال ۲۰۲۴ تعیین شده است. تحلیلگران معتقدند این حجم درآمد، مسکو را در موقعیت بهتری برای ادامه یک جنگ طولانی در مقایسه با کویف قرار می‌دهد که در تلاش است منابع مالی و تسلیحاتی خود را از غرب تأمین کند.

برآوردهای منابع روسی نشان می‌دهد درآمد این کشور در سال ۲۰۲۳ به بالاترین حد خود رسیده است.

هند خرید نفت از روسیه را به عنوان ابزاری برای پایین نگه داشتن قیمت‌های جهانی توجیه کرده زیرا با کشورهای غربی برای خرید نفت خاورمیانه رقابت نمی‌کند. هاردیپ سینگ پوری وزیر نفت و گاز هند گفته بود «اگر برای تأمین نفت هند سراغ فروشندگان خاورمیانه برویم، قیمت نفت از ۷۵ دلار به ۱۵۰ دلار می‌رسد.»



عکس: کیهان لندن

«درگیری‌های کنترل شده در خاورمیانه» ارزش سهام شرکت‌های نظامی آمریکایی و اروپایی را افزایش می‌دهد

در غزه و همچنین ادامه عملیات نیروهای ائتلاف علیه حوثی‌ها به رهبری آمریکا، روزنامه «فایننشال تایمز» روز دوشنبه چهارم فوریه (۱۴ اسفندماه) گزارش داد که اختلاف سیاسی در آمریکا میان کنگره و دولت بر سر بودجه دفاعی در سال ۲۰۲۴ به ارزش سهام شرکت‌های نظامی پیمانکار لطمه زده و این مسئله سهامداران را نگران کرده است.

سهامداران این شرکت‌ها از مقامات آمریکایی خواسته‌اند سریع‌تر تکلیف بودجه نظامی در سال ۲۰۲۴ و همچنین میزان کمک‌ها به اوکراین و اسرائیل را تعیین کنند.

برخی تحلیلگران معتقدند استمرار درگیری‌ها «در سطح کنترل‌شده» و به شکل فعلی به معنای تداوم افزایش ارزش سود و سهام شرکت‌ها و کارخانجات نظامی در آمریکا و اروپاست.

جرج وایکوف فرمانده نیروی دریایی فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) و فرمانده جدید ناوگان پنجم روز دوشنبه ۱۴ اسفندماه گفت، مأموریت آمریکا در دریای سرخ علیه حوثی‌ها نجات «زندگی و معیشت» است.

وی توضیح داده، پرسنل ناوگان پنجم با سرعت و در بالاترین سطح حتی بیشتر از دوران «جنگ نفتکش‌ها» میان آمریکا و رژیم ایران در دهه ۱۹۸۰ در تلاش‌اند.

این وضعیت درحالیست که دولت بایدن با صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس مخالفت کرده است آنهم با این استدلال که احتمال افزایش درگیری‌ها در منطقه را به دنبال خواهد داشت که «بسیار خطرناک است».

حال آنکه چنین موضعی به معنی آن است که استمرار درگیری‌ها در خاورمیانه به صورت «کنترل‌شده» و در سطح فعلی به سود شرکت‌های تسلیحاتی آمریکایی و اروپایی است.

یک دیپلمات غربی در اینباره به رویترز گفته بود، «منطقه در وضعیت به شدت هشداردهنده قرار دارد. شما آتش‌بس یا قطعنامه‌ای در مورد غزه ندارید، ما چشم‌انداز هیچ نوع راه حل هسته‌ای نداریم و... آمریکا هم به سوی انتخابات ریاست جمهوری می‌رود».

در واکنش به عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) پیش‌نویس یک قطعنامه علیه جمهوری اسلامی را تنظیم کرده‌اند اما واشنگتن ماه‌هاست که با صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت می‌کند.

● پس از حمله مرگبار حماس به اسرائیل و آغاز عملیات تلافی‌جویانه ارتش اسرائیل در غزه، ارزش سهام شرکت‌های نظامی آمریکا از جمله «نورثروپ گرومن»، «لاکهد مارتین» و «رتیون» (RTX) بیش از ۱۰ درصد افزایش پیدا کرد. این رشد با آغاز عملیات نظامی آمریکا علیه شبه‌نظامیان حوثی همچنان ادامه دارد. این در حالیست که سهام هر دو شرکت دو سال قبل، پس از حمله روسیه به اوکراین به ترتیب ۱۰ و ۹ درصد کاهش پیدا کرده بود.

● همچنین سهام شرکت «لئوناردو» ایتالیا ۹۱ درصد و سهام شرکت «راین متال» آلمان ۷۸ درصد افزایش یافته است.

● روزنامه «فایننشال تایمز» چهارم فوریه (۱۴ اسفندماه) گزارش داد که اختلاف سیاسی در آمریکا میان کنگره و دولت بر سر بودجه دفاعی در سال ۲۰۲۴ به ارزش سهام شرکت‌های نظامی پیمانکار لطمه زده و این مسئله سهامداران را نگران کرده است.

● سهامداران این شرکت‌ها از مقامات آمریکایی خواسته‌اند سریع‌تر تکلیف بودجه نظامی در سال ۲۰۲۴ و همچنین میزان کمک‌ها به اوکراین و اسرائیل را تعیین کنند.

● برخی تحلیلگران معتقدند استمرار درگیری‌ها «در سطح کنترل‌شده» و به شکل فعلی به معنی تداوم افزایش ارزش سود و سهام شرکت‌ها و کارخانجات نظامی در آمریکا و اروپاست.

● جرج وایکوف فرمانده نیروی دریایی فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) و فرمانده جدید ناوگان پنجم روز دوشنبه ۱۴ اسفندماه گفت، مأموریت آمریکا در دریای سرخ علیه حوثی‌ها نجات «زندگی و معیشت» است.

پس از حمله مرگبار حماس به اسرائیل و آغاز عملیات تلافی‌جویانه ارتش اسرائیل در غزه، ارزش سهام شرکت‌های نظامی آمریکا از جمله «نورثروپ گرومن»، «لاکهد مارتین» و «رتیون» (RTX) بیش از ۱۰ درصد افزایش پیدا کرد. این رشد با آغاز عملیات نظامی آمریکا علیه شبه‌نظامیان حوثی همچنان ادامه دارد. این در حالیست که سهام هر دو شرکت دو سال قبل، پس از حمله روسیه به اوکراین به ترتیب ۱۰ و ۹ درصد کاهش پیدا کرده بود.

همچنین سهام شرکت «لئوناردو» ایتالیا ۹۱ درصد و سهام شرکت «راین متال» آلمان ۷۸ درصد افزایش یافته است.

اکنون با گذشت حدود ۱۵۰ روز از آغاز عملیات اسرائیل

سایت‌های اعلام‌نشده «ضروری و فوری» است اما مقامات تهران از پاسخگویی طفره می‌روند.

سه یا چهار مکانی که پس از سرقت آرشيو اتمی جمهوری اسلامی توسط موساد در سال ۱۳۹۷ لو رفت، پارچین، لویزان (شمال شرق تهران)، تورقوزآباد (ورامین) و آباده بوده‌اند. حتا گفته شد که در آنها «آزمایش انفجاری» انجام شده است.

از آن زمان، فقط پرسش‌های آژانس در مورد یکی از این سایت‌ها برطرف شد اما جمهوری اسلامی هنوز پاسخی در مورد علت وجود ذرات اورانیوم غیرمجاز در سایر موارد نداده است. از سوی دیگر بر اساس گزارش آژانس، مقامات جمهوری اسلامی اجازه نصب دوربین‌ها در چند سایت را صادر نمی‌کنند. آنها همچنین به بازرسان اجازه دسترسی به محتوای ضبط شده دوربین‌ها را هم نداده‌اند.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست هیئت مدیره این نهاد گفت: «من عمیقاً متأسفم که ایران هنوز تصمیم خود را برای لغو مجوز چند بازرس باتجربه آژانس لغو نکرده است».

وی تأکید کرد، «تنها از طریق تفاهم سازنده و معنادار می‌توان به همه این نگرانی‌ها رسیدگی کرد و بار دیگر از ایران می‌خواهم که بطور کامل و بدون ابهام با آژانس همکاری کند».

وی سپس به باقی ماندن مشکلات با ایران بر سر مسائل پادمانی و موضوعات مرتبط با ان‌پی‌تی اشاره کرد و یادآور شد که تهران همچنان از ارائه توضیحات معتبر فنی در مورد ذرات اورانیوم کشف شده در دو سایت ورامین و تورقوزآباد خودداری می‌کند و اطلاعات تکمیلی دیگری درباره مکان‌های فعلی مواد هسته‌ای یا تجهیزات آلوده ارائه نکرده است.

برخی منابع می‌گویند با وجود عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس اما آمریکا به عنوان عضو پرنفوذ شورای حکام از صدور قطعنامه جدی علیه رژیم ایران جلوگیری کرده است.

دیپلمات‌ها می‌گویند، ادامه حمله نظامی اسرائیل به غزه در پاسخ به حملات مرگبار «هفت اکتبر» حماس و همچنین نگرانی از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه، از دلایلی است که باعث شد آمریکا نخواهد با فشار آوردن برای صدور قطعنامه علیه رژیم ایران به خطر افزایش تنش با جمهوری اسلامی دامن بزند.

یک دیپلمات غربی با استناد به عوامل مختلف گفت: «اگر شما در این شرایط به عنوان عضوی از شورای حکام قطعنامه‌ای صادر کنید که یک پیام اشتباه باشد می‌تواند منجر به یک اشتباه محاسباتی شود، که بسیار خطرناک است».

دیپلمات‌ها می‌گویند، «منطقه در وضعیت به شدت هشداردهنده قرار دارد. شما آتش‌بس یا قطعنامه‌ای در مورد غزه ندارید، ما چشم‌انداز هیچ نوع راه حل هسته‌ای نداریم و... آمریکا هم به سوی انتخابات ریاست جمهوری می‌رود».

برخی دیپلمات‌ها قبل از نشست شورای حکام گفته بودند که سه قدرت اروپایی که آخرین قطعنامه را بطور مشترک با ایالات متحده پیشنهاد کرده بودند و عموماً با هماهنگی واشنگتن عمل می‌کنند پیش‌نویس یک قطعنامه را تدوین کرده‌اند.

رویترز نوشت که سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تنظیم کرده‌اند اما واشنگتن ماه‌هاست که با صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت می‌کند.

اینهمه در حالیست که برای ساخت هر مپ اتم تقریباً ۴۲ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده نیاز است که بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رژیم ایران سه برابر این مقدار را در اختیار دارد.

دروغ مورد توافق جمهوری اسلامی و طالبان به مردم ایران

تصمیم‌گیری می‌شد. از این منظر بند انحرافی کمال خان اساساً نمی‌بایست اجرا شود، اما نه تنها اجرا شد بلکه حتی مازاد بر مصرف آن را هم به شنزراهی حوالی آن منحرف کردند تا به ایران نرسد.

مهندس بندری اضافه می‌کند: «حالا پس از گذشت بیش از چهل سال دولت رئیسی مدعی حقایق به بند کمال خان شده و بجای کمیته مشترک دائمی، برای یکبار طالبان پذیرفت که کارشناسان ایران سطح آب سد کجکی را اندازه بگیرند. هم جمهوری اسلامی و هم طالبان عملاً توافقنامه سال ۱۳۵۱ را زیر پا گذاشته‌اند و حالا رئیسی که توافق بسیار قوی دولت هویدا را به طالبان بخشید، سینه سپر کرده که حقایق ایران را می‌گیرد! البته می‌گوید از سد انحرافی کمال خان! حداکثر اتفاقی که خواهد افتاد رها کردن سیلاب‌های پس از سد کمال خان به سمت ایران است و نه بیشتر.»

وی در ادامه توضیح می‌دهد: «به تازگی یک هیئت از مقامات حکومتی نه از سد مخزنی کجکی و نه حتی از بند کمال خان بلکه از یک ایستگاه آب‌سنجی در بالادست سد به نام دهرود (ده‌رود) بازدید کرده؛ محمد جوانبخت معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا در این ارتباط گفته بود که اجازه بازدید از مخزن سد کجکی را به آنها نداده و فقط از ایستگاه آب‌سنجی بازدید و در این بازدید، مشاهده کرد که جریان آب به سمت سد کجکی برقرار است. همین مقدار نشان می‌دهد که جهانبخت چیزی از هیدرولوژی نمی‌داند. در ایستگاه‌های آب‌سنجی، خط‌کشی بر کناره آب کوبیده می‌شود که عددی برای ارتفاع را نشان می‌دهد و متناسب با شکل مقطع و سرعت آب در محل اندازه‌گیری معادله‌ای تهیه و منحنی تغییرات حجم جریان آب مشخص می‌شود. این منحنی، میزان آب عبوری در یک سال آبی را نشان می‌دهد و فقط یک هیدرولوژیست با تجربه با استفاده از پارامترهای متعدد از جمله جایگاه آن سال آبی نسبت به سال‌های طولانی گذشته و مدل‌سازی آینده انتظار از میزان ذخیره و حجم رهاسازی را گزارش می‌کند اینکه فردی با بازدید از فقط یک ایستگاه و دیدن اینکه آب در آن جریان داشت، نظر کارشناسی می‌دهد یعنی کمترین درکی از هیدرولوژی ندارد.»

به گفته مهندس بندری، «اساساً بازدید از یک محل، بی‌معنی است. آنچه یک کارشناس لازم دارد منحنی و معادله تمام، نه از یک ایستگاه بلکه از ایستگاه‌های آب‌سنجی در چند سال آبی است و بس. چون یک کارگر بومی باید هر روز ارتفاع آب را بخواند؛ گاهی لازم می‌شود رفت و دید که آن کارگر واقعا هر روز اندازه‌گیری می‌کند یا نه. حتی در همین حد هم کار هر کسی نیست. به این دلایل به جرأت می‌توان گفت هم جمهوری اسلامی و هم طالبان به مردم نیازمند به آب در سیستان و بلوچستان دروغ می‌گویند.»

اما چه باید کرد؟ این پژوهشگر مدیریت آب در این ارتباط معتقد است: «چون حقایق ایران در قرارداد ۱۳۵۱ نسبتی از حجم آب قابل مصرف است، با وجود خشکسالی، افغانستان باید سهم هامون و بخش کشاورزی ایران را بدهد. بند کمال خان، کمتر از ۵۰ کیلومتر از مرز ایران فاصله دارد و بر اساس معاهده ۱۳۵۱ تا عمق ۵۰ کیلومتری داخل خاک افغانستان هیچگونه سازه آبی نباید ساخته شود. پس آن بند باید تخریب شود یا به ایران برسد. در نهایت اما با وجود چنین حکومتی در ایران، شانس رساندن آب به هامون و مردم سیستان و بلوچستان وجود ندارد.»



بودن جریان آب در ایستگاه آب‌سنجی دهرود، افغانستان موظف است حقایق ایران برای مصارف آشامیدنی و زراعت را به میزان متوسط ۲۶ مترمکعب بر ثانیه بدهد.

بر اساس ماده ۵ پروتکل یک این معاهده، در سال‌هایی که طرف افغان ادعای خشکسالی و سال غیرنرمال داشته باشد و طرف ایران درخواست اطلاعات ایستگاه دهرود را ارائه کند، افغانستان باید آمار را به ایران بدهد. پروتکل معاهده تاکید می‌کند در صورت تقاضای کمیسیون ایرانی، کمیسیون افغانستانی با وی همکاری می‌کند تا جریان آب را در دستگاه دهرود مشاهده و اندازه‌گیری کند.

مهندس خسرو بندری کارشناس مدیریت آب با اشاره به این نکته که توافق زبانی اخیر بین جمهوری اسلامی و طالبان دروغی برای تحمیل مردم ایران است و نه چیزی بیش از این، به کیهان لندن می‌گوید: «در قرارداد ۱۳۵۱ هدف، حفظ تالاب بین‌المللی هامون، حفظ رودخانه هیرمند و تامین آب کشاورزی سیستان از سد کجکی بود و نوشته شده که در سال‌های کم‌آبی هم نسبتی از آب همچنان به ایران وارد خواهد شد. با آغاز بهره‌برداری از سد کجکی در سال ۱۳۵۳ قرارداد اجرا شد اما دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی اجرای این قرارداد از طرف افغانستان متوقف شد.»

به گفته این پژوهشگر آب، از دیرباز سیلاب‌های هیرمند (هلمند) به ایران وارد می‌شد و در بستر کم‌شیب آن، رودخانه را چنان پهن می‌کرد که عرض رودخانه در برخی نقاط به چند کیلومتر می‌رسید. با اجرای سد کجکی و کنترل سیلاب‌ها، دولت هویدا در نظر داشت همزمان مسیر رودخانه در ایران را اصلاح و عرض هیرمند را به حداقل ممکن برساند ولی با سقوط دولت هویدا و فضای ناآرام سال‌های ۵۶-۵۷ این طرح به تعویق افتاد. طبق همان قرارداد می‌بایست هرگونه تغییر رودخانه در پایین‌دست سد کجکی از سوی کمیته مشترک ایران و افغانستان، بررسی و تایید یا رد شود، تمام سیلاب رهاشده از سد در سال‌های پرآب می‌بایست به هامون برسد، از طرفی هر نوع سهمیه‌بندی در سال‌های کم‌آب توسط همان کمیته

● مهندس خسرو بندری کارشناس مدیریت آب: «چون حقایق ایران در قرارداد ۱۳۵۱ نسبتی از حجم آب قابل مصرف است، با وجود خشکسالی افغانستان باید سهم هامون و بخش کشاورزی ایران را بدهد. بند کمال خان کمتر از ۵۰ کیلومتر از مرز ایران فاصله دارد و بر اساس معاهده ۱۳۵۱ تا عمق ۵۰ کیلومتری داخل خاک افغانستان هیچگونه سازه آبی نباید ساخته شود، پس آن بند، باید تخریب شود یا به ایران برسد.»

● «در قرارداد ۱۳۵۱ هدف، حفظ تالاب بین‌المللی هامون، حفظ رودخانه هیرمند و تامین آب کشاورزی سیستان از سد کجکی بود و نوشته شده که در سال‌های کم‌آبی هم نسبتی از آب همچنان به ایران وارد خواهد شد. با آغاز بهره‌برداری از سد کجکی در سال ۱۳۵۳ قرارداد اجرا شد اما دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی اجرای این قرارداد از طرف افغانستان متوقف شد.»

فیروزه نوردستروم- در حالی که دولت گروه تروریستی طالبان تا کنون به هیچیک از تعهدات خود در قبال ایران از جمله حقایق هیرمند پایبند نبوده، جمهوری اسلامی با نادیده‌گرفتن این موضوع پای افغانستان را به پروژه ۳۵ میلیون دلاری چاپهار باز کرده است. اتفاقی که باعث می‌شود دست طالبان برای سرازیر کردن مهاجران غیرقانونی خود به ایران بیش از پیش باز شود.

در همین ارتباط معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست نیز ۷ اسفند با بیان اینکه نه تنها حقایق محیط زیستی تامین نمی‌شود بلکه حقایق آب آشامیدنی مردم هم تامین نشده به خبرگزاری ایسنا گفته بود: «در این شرایط نیاز به اقدامات دیپلماتیک است. با توجه به دستور رئیس جمهوری، پیگیری این موضوع بطور مستقیم بر عهده وزارت امور خارجه است.»

وی درباره آخرین رایزنی‌های انجام شده برای تامین حقایق هامون توضیح داده بود: «در جلسه‌ای که با مقامات افغانستانی داشتیم قول مساعد دادند که در صورت بارش مناسب و ذخیره مناسب آب در پست سدها، حقایق ایران رها شود.»

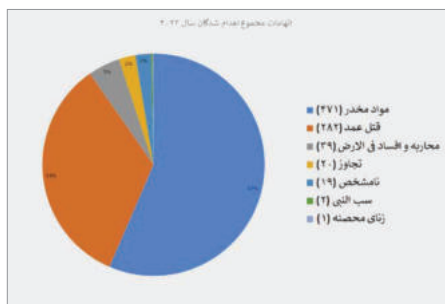
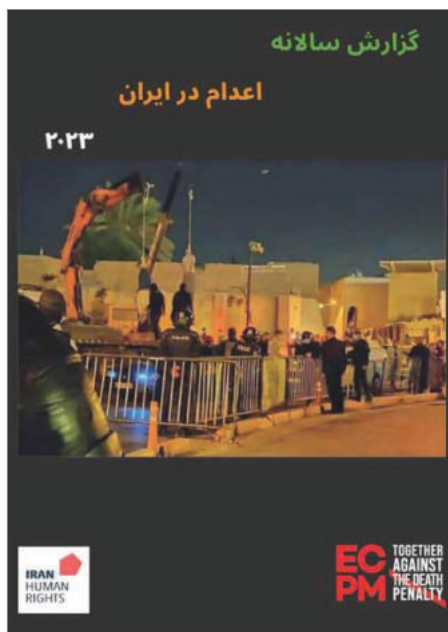
از سوی دیگر نشست فرستادگان ایران و افغانستان در مورد آب هیرمند ۲۹ بهمن‌ماه با حضور نمایندگان دو کشور در شهر زابل برگزار شد و بدون نتیجه پایان یافت.

در این نشست، بر اتخاذ تصمیمات لازم برای رفع موانع و ارائه برنامه زمان‌بندی رها ساختن آب برای تأمین حقایق، همچون نشست‌های چند سال اخیر به دلیل دیپلماسی ضعیف مقامات جمهوری اسلامی به نتیجه نرسید در حالی که تنش آبی در شمال بلوچستان به یک مشکل جدی برای شهروندان تبدیل شده و مقامات جمهوری اسلامی تا کنون نتوانسته‌اند حقایق هیرمند را از افغانستان بگیرند.

در فروردین سال ۱۴۰۰، زمانی که قرار بود سد کمال‌خان در افغانستان افتتاح شود، اشرف غنی رئیس جمهوری وقت افغانستان در مراسم بازگشایی این سد از دریافت نفت در برابر آب گفت اما تاکید کرد که بر معاهده سال ۱۳۵۱ میان این دو کشور که برای حقایق هیرمند امضا شده، پایبند است.

طبق بند ج ماده یک معاهده سال ۱۳۵۱، معیار یک سال نرمال، ایستگاه آب‌سنجی دهرود در بالادست سد کجکی است و آمار ثبت‌شده این ایستگاه به عنوان شاخص محاسبه جریان آب باید ملاک قرار گیرد. در صورت نرمال

افزایش ۴۳ درصدی اعدام‌ها در سال ۲۰۲۳ میلادی در جمهوری اسلامی



● در سال ۲۰۲۳ میلادی دست‌کم ۸۳۴ حکم اعدام در جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شد. در مقایسه با سال ۲۰۲۲ میلادی اعدام‌ها در جمهوری اسلامی در سال گذشته افزایش ۴۳ درصدی داشته است.

● در سال گذشته میلادی ۸ معترض نیز از جمله ۶ نفر که در جریان خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» بازداشت شده بودند، اعدام شدند.

● در بین اعدام‌شدگان سال ۲۰۲۳ میلادی نام دو کودک که هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند نیز دیده می‌شود.

احمد رأفت - «سازمان حقوق بشر ایران» روز سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲ در پاریس از شانزدهمین گزارش سالانه خود در رابطه با اعدام در جمهوری اسلامی که اینبار مربوط به سال ۲۰۲۳ میلادی می‌شود و در همکاری با سازمان فرانسوی «با هم علیه مجازات اعدام» (ECPM) تهیه شده، رونمایی کرد. در سال ۲۰۲۳ میلادی دست‌کم ۸۳۴ حکم اعدام در جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شده است.

این میزان اعدام در جمهوری اسلامی در مقایسه با سال ۲۰۲۲ میلادی طی سال گذشته افزایش ۴۳ درصدی داشته است. از این شمار اعدام‌ها، ۴۷۱ مورد در رابطه با جرائم مربوط به مواد مخدر بوده است. در سال ۲۰۲۲ میلادی ۲۵۶ نفر با همین اتهامات اعدام شده بودند.

۳۳/۸ درصد از احکام اعدامی که در سال ۲۰۲۳ به اجرا گذاشته شدند با حکم قصاص بوده است. در همین سال ولی در ۸۵۷ مورد اولیای دم محکومین به اعدام را بخشیدند و حاضر نشدند شریک قتل‌های دولتی بشوند.

در سال ۲۰۲۳ میلادی ۳۹ نفر نیز که از سوی دادگاه‌های انقلاب برای جرائم به اصطلاح امنیتی محکوم شده بودند، اعدام شدند که ۸ نفر از آنها معترضین بودند که در جریان اعتراضات ۹۸ و خیزش «زن، زندگی، آزادی» در جنبش سراسری ۱۴۰۱ دستگیر شده بودند.

سال گذشته میلادی دو حکم اعدام به اتهام توهین به مقدسات یا «سب‌النبی» هم به اجرا درآمد. بیش از ده سال بود که سر کسی به این اتهام بالای چوبه دار نمی‌رفت.

در بین اعدام‌شدگان سال ۲۰۲۳ میلادی همچنین نام دو کودک که هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند و همچنین ۲۲ زن دیده می‌شود.

در سال ۲۰۲۳ میلادی ۸ معترض، از جمله ۶ نفر که در جریان خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» بازداشت شده بودند و در دادگاه‌های به شدت ناعادلانه و فاقد بدیهی‌ترین اصول دادرسی به مرگ محکوم شده بودند نیز اعدام شدند. با اینکه اعدام معترضان در اوایل سال ۲۰۲۳ میلادی با واکنش جدی بین‌المللی روبرو شد، در نیمه دوم این سال سطح واکنش و محکومیت جهانی علیه این اقدام کاهش یافت. ارتباط میان فقدان توجه جهانی و افزایش اعدام‌ها در ایران، به ویژه پس از حمله ۱۵ مهر ۱۴۰۲ حماس به اسرائیل و آغاز جنگ در غزه، بیشتر مشهود می‌شود. میانگین اعدام‌های روزانه از دو اعدام در روز پیش از آغاز جنگ غزه، بلافاصله به سه تا چهار اعدام در روز های پس از شروع این جنگ رسید. محمود امیری‌مقدم مدیر «سازمان حقوق بشر ایران»، در مراسم رونمایی از این گزارش در پاریس به کیهان لندن می‌گوید: «این گزارش به خوبی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی از اعدام به عنوان ابزار سرکوب سیاسی استفاده

وابسته به سازمان ملل و جمهوری اسلامی ایران باشد.» زرخاتون مزارزهی یک زن بیوه ۴۶ ساله بلوچ بود که تنها نان‌آور خانواده‌اش به شمار می‌رفت. او بدون آنکه به وکیل مدافع دسترسی داشته باشد، با وجود رد تمام اتهامات، در دادگاه انقلاب به اتهام مشارکت در قاچاق مواد مخدر به مرگ محکوم و اعدام شد.

در سال ۲۰۲۳ میلادی، تعداد اعدام‌ها در ملاء عام در ایران نیز سه برابر سال ۲۰۲۲ بود. هفت نفر در محوطه‌های عمومی، از جمله یک پارک ساحلی، به دار آویخته شدند. مقامات جمهوری اسلامی با اعدام کودک-مجرمان به نقض تعهدات بین‌المللی خود ادامه می‌دهند. دست‌کم دو کودک-مجرم در سال ۲۰۲۳ اعدام شدند که سن یکی از آنها حتی در زمان اجرای حکم نیز فقط ۱۷ سال بود.

در این نشست رسانه‌ای یادآوری شد که در ماه جاری میلادی، در پنجاه و پنجمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته حقیقت‌یاب این نهاد نتایج بررسی‌های خود را در مورد جنایاتی که مأموران جمهوری اسلامی از آغاز اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» مرتکب شدند اعلام خواهد کرد. در همین نشست وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی مورد بررسی ادواری نیز قرار خواهد گرفت. پنجاه و پنجمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد باید در رابطه با تهدید ماموریت گزارشگر ویژه جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی نیز رای‌گیری کند.

در این گزارش سالانه به فهرست نگران‌کننده کسانی که به اتهامات سیاسی و عقیدتی به اعدام محکوم شدند نیز اشاره می‌شود. در حال حاضر عباس دریس، محمد جواد وفائی ثانی، رضا رسائی، سامان صیدی، منوچهر مهمان‌نواز، مجاهد کورکور، فرشید حسن‌زهی، علی مجدم، محمدرضا مقدم، حبیب دریس، معین خنفری، عدنان غیشاوی، سالم موسوی، انور خضری، خسرو بشرلت، کامران شیخه، نادعلی جوزانی، محمد خضرنژاد، احمدرضا جلالی و جمشید شاره‌مد در فهرست اعدام دادگاه‌های انقلاب جمهوری اسلامی قرار دارند و هر لحظه حکم علیه آنها می‌تواند به اجرا گذاشته شود.

می‌کند. ما با حکومتی سرکوبگر، ناکارآمد و فاسد مواجه هستیم که توان حل مشکلات روزانه مردم را ندارد و فقط برای ادامه بقای سیاسی خود در تلاش است. هراس‌افکنی در جامعه تنها راه این حکومت برای حفظ قدرت و مجازات مرگ مهم‌ترین ابزار برای این کار است. افزایش هزینه سیاسی اعدام‌ها از طریق بالا بردن فشار بین‌المللی می‌تواند از شتاب ماشین کشتار حکومت بکاهد. عدم واکنش مناسب به اعدام‌ها از سوی جامعه جهانی، پیام نادرستی به مقامات جمهوری اسلامی می‌فرستد.»

افزایش چشمگیر شمار اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر در سال ۲۰۲۳ که به ۴۷۱ مورد رسید، بنا بر آنچه در این گزارش آمده مایه نگرانی ویژه است. این آمار بیش از ۱۸ برابر تعداد اعدام‌های ثبت شده مرتبط با مواد مخدر در سال ۲۰۲۰ میلادی است. افرادی که با اتهامات مربوط به مواد مخدر اعدام می‌شوند، عمدتاً از ضعیف‌ترین اقشار جامعه و اقلیت‌های اقلیتی به ویژه بلوچ‌ها هستند. در میان اعدام‌شدگان مرتبط با مواد مخدر، بلوچ‌ها به نسبت جمعیت‌شان در ایران، درصد بالایی دارند.

این گزارش همچنین نشان می‌دهد که «دفتر مقابله با مواد مخدر و جرائم سازمانیافته سازمان ملل متحد» (UN-DOC) نه تنها سکوت نگران‌کننده‌ای در برابر این اعدام‌ها پیش گرفته، بلکه در حال امضای قرارداد همکاری جدیدی با جمهوری اسلامی برای حمایت از سیاست‌های این کشور در مبارزه با مواد مخدر است، بدون اینکه کاهش اعدام‌ها را شرط حمایت مالی در این همکاری برای مبارزه با جرائم مربوط به مواد مخدر قرار دهد.

رافائل شنوئیل هازان مدیر سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» در مورد افزایش هشداردهنده اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر به کیهان لندن می‌گوید: «واکنش نشان ندادن UNODC به افزایش گسترش اعدام‌های مربوط به مواد مخدر، و سکوت کشوری که به پرونده‌های این نهاد در ایران کمک مالی می‌کنند، پیام نادرستی به مقامات جمهوری اسلامی می‌رساند. لغو مجازات مرگ برای جرائم مرتبط با مواد مخدر باید پیش‌شرط هرگونه همکاری میان این دفتر

الکساندر دوگین مشاور پوتین: لیبرالیسم «پروژه شیطانی» و تمدن غربی ضد مسیح است؛ این مطابق تفکر خمینی و مأموریت انقلاب اسلامی است



الکساندر دوگین

ارتدوکس‌های روسی تمدن مدرن غربی را ضد مسیح می‌دانند دوگین در بخش پایانی این مصاحبه در اظهاراتی که یادآور تفکرات محمدتقی مصباح یزدی و حسین نوری همدانی است، تأکید کرد، «تمام رویدادها در دنیای مدرن مربوط به ظهور و آخرالزمان است. قطعاً مشخص است که حلقه ارتدوکس‌های روسیه تمدن مدرن غربی را ضد مسیح می‌دانند. این مطابق با ایده آیت‌الله خمینی در رابطه با همان مأموریت تاریخی انقلاب اسلامی در ایران است. بنابراین من فکر می‌کنم این مذهب خدانشناختی به عنوان یک پیشرو در سیاست‌های مدرن یک عنصر ضروری است و همچنین ژئوپلیتیک بسیار مهم است ما می‌توانیم معنی واقعی رویدادهای جهان و تغییر جهان را فقط با کنار هم قرار دادن ژئوپلیتیک و معادشناسی درک کنیم. زمان این است که دیدگاه ژئوپلیتیکی را با بعد مذهبی ترکیب کنیم.»

روسیه و جمهوری اسلامی در یک جبهه هستند

وی با ارزیابی آنچه توسط جمهوری اسلامی بر کشور تحمیل شده، «ایدئولوژی مدرن ایرانی» نامیده و تأکید کرده که با آنچه در روسیه پیش برده می‌شود همسو است. وی در همین ارتباط گفته «فکر می‌کنم ما باید در این جنگ معادشناسی در کنار یکدیگر بمانیم؛ روسیه و ایران، مسیحیت ارتدوکس روسیه و اسلام با دیدگاه جهانی مشابه در ژئوپلیتیک شیطان را در مجموعه غرب شناسایی کند. ما همچنین باید تفسیر و تشریح مذهبی از وضعیت جایگاه غرب به عنوان شیطان یا دجال به اشتراک بگذاریم که نشان دهنده انحراف اجتماعی و منفی‌گرایی‌های مذهبی است. پس پیوستن به این عناصر خیلی مهم است و من فکر می‌کنم که روسیه و ایران در یک جبهه هستند و به ارتش روشنی تعلق دارند که در مبارزه نهایی با ارتش تاریکی مبارزه می‌کنند.»

بسیاری از فرماندهان رده‌بالای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله حسین سلامی به شدت تحت تأثیر تفکرات دوگین قرار دارند. چنانکه این ارتدکس روس در مصاحبه با «مهر»، روسیه و چین و «مقاومت اسلامی» را نقطه مقابل تمدن غربی می‌بیند. فرمانده سپاه پاسداران نیز بارها همین حرف را در سخنرانی‌های خود تکرار کرده و معتقد است «انقلاب اسلامی و اسلام در حال تغییر ژئوپلیتیک جهان هستند.» البته سلامی گاهی از مرزهای توهم نیز عبور می‌کند و جمهوری اسلامی را بطور مستقل محور ایجاد نظم نوین اسلامی در جهان معرفی می‌کند و حتا از شیوه عملیات نظامی روسیه در اوکراین هم ایراد می‌گیرد.

گفت: «جمهوری اسلامی و روسیه در مقابل روند شیطانی غرب در یک جبهه قرار دارند.»

باید تمام اوکراین را در اختیار بگیریم

وی در ابتدای این مصاحبه با تأکید بر اینکه جنگ با اوکراین فاصله زیادی تا آتش‌بس دارد، گفت: «هدف عملیات ویژه نظامی، نازی‌زدایی و غیرنظامی کردن اوکراین بود. بنابراین پوتین به تازگی تأیید کرد که بدون دستیابی به این اهداف ما نمی‌توانیم مذاکرات صلح را آغاز کنیم. ما آماده آغاز مذاکرات صلح هستیم... اما به منظور حصول اطمینان از اینکه چنین اهدافی تحقق پیدا می‌کنند، ما باید کنترل تمام مناطق اوکراین را در اختیار بگیریم و بدون آن ما نمی‌توانیم مطمئن شویم که یک تغییر سیاسی در قسمت اصلی رژیم کی‌یف به وجود می‌آید و ما نمی‌توانیم مطمئن شویم که بعد از مذاکرات صلح یا بعد از صلح، اوکراین بر روی تلاش‌ها برای بازسازی قدرت نظامی متمرکز می‌شود یا خیر.»

وی افزود: «علاوه بر آن ما شاهد هستیم که زلینسکی در حال امضای توافق‌هایی با آلمان و فرانسه است تا بطور دقیق ارتش خود را تجدید قوا کند. بنابراین ما نمی‌توانیم پیش از اینکه اوکراین بطور کامل بی‌طرف شود یا اینکه تحت کنترل ما قرار گیرد، مذاکرات صلح را آغاز کنیم بدون آن ما واقعاً نمی‌توانیم مذاکرات صلح را آغاز کنیم.»

لیبرالیسم ایدئولوژی شیطانی است

دوگین در بخشی از این مصاحبه به بیان دیدگاه‌های خود درباره «لیبرالیسم» پرداخت و چند بار آن را یک ایدئولوژی شیطانی خواند. وی بیان کرد، «لیبرالیسم هرگونه روابط با هویت جمعی را قطع می‌کند. بنابراین این فردگرایی مطلق است. فردگرایی که سعی در رهایی فرد از هر نوع هویت جمعی دارد. پس فرد در مرکز قرار می‌گیرد.»

این مشاور مذهبی و ارتدکس پوتین، لیبرالیسم را یک پروژه برای گرفتن هویت انسانی از بشریت خوانده و گفته است، «لیبرالیسم مبتنی بر سکولاریسم است که یک روند شیطانی و یک ایدئولوژی ضد مسیحی است که در مرکز آن شخصیت دجال است که علیه خدا شورش ابدی به راه انداخته است و این موجود از طریق شبکه لیبرال سعی می‌کند انسان، تمام محتوای بشریت را نابود کند. این روند قدم به قدم منجر به هیچ‌گرایی (نیهیلیسم) مطلق و نابودی کامل بشریت شده است و از نظر مردم مذهبی، این طرح شیطان است.»

● الکساندر دوگین که از او به عنوان «مغز متفکر پوتین» یاد می‌کنند ۱۴ اسفندماه در مصاحبه با خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی گفت، روسیه تنها وقتی مذاکرات صلح را آغاز می‌کند که بطور کامل «نازی‌زدایی» کند و کنترل تمام مناطق اوکراین را به دست بگیرد و رژیم کی‌یف سقوط کند.

● وی همچنین گفت «لیبرالیسم یک پروژه شیطانی و ضد مسیح است.» دوگین همچنین تفکرات روح‌الله خمینی و انقلاب اسلامی در ایران را همسو با سیاست‌های روسیه خواند و گفت: «جمهوری اسلامی و روسیه در مقابل روند شیطانی غرب در یک جبهه قرار دارند.»

● دوگین در این مصاحبه در اظهاراتی که یادآور تفکرات محمدتقی مصباح یزدی و حسین نوری همدانی است، تأکید کرد، «تمام رویدادها در دنیای مدرن مربوط به ظهور و آخرالزمان است. قطعاً مشخص است که حلقه ارتدکس‌های روسیه تمدن مدرن غربی را ضد مسیح می‌دانند. این مطابق با ایده آیت‌الله خمینی در رابطه با همان مأموریت تاریخی انقلاب اسلامی در ایران است... ما می‌توانیم معنی واقعی رویدادهای جهان و تغییر جهان را فقط با کنار هم قرار دادن ژئوپلیتیک و معادشناسی درک کنیم. زمان این است که دیدگاه ژئوپلیتیکی را با بعد مذهبی ترکیب کنیم.»

● بسیاری از فرماندهان رده‌بالای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله حسین سلامی به شدت تحت تأثیر تفکرات دوگین قرار دارند. چنانکه این ارتدکس روس در مصاحبه با «مهر»، روسیه، چین و «مقاومت اسلامی» را نقطه مقابل تمدن غربی می‌بیند. فرمانده سپاه پاسداران نیز بارها همین حرف را در سخنرانی‌های خود تکرار کرده و معتقد است «انقلاب اسلامی و اسلام در حال تغییر ژئوپلیتیک جهان هستند.»

الکساندر دوگین که از او به عنوان «مغز متفکر پوتین» یاد می‌کنند ۱۴ اسفندماه در مصاحبه با خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی گفت، روسیه تنها وقتی مذاکرات صلح را آغاز می‌کند که بطور کامل «نازی‌زدایی» کند و کنترل تمام مناطق اوکراین را به دست بگیرد و رژیم کی‌یف سقوط کند.

وی در این مصاحبه به بیان دیدگاه‌های خود در باره «آخر زمان» گفت «لیبرالیسم یک پروژه شیطانی و ضد مسیح است.» دوگین همچنین تفکرات روح‌الله خمینی و انقلاب اسلامی در ایران را همسو با سیاست‌های روسیه خواند و

تقلب در انتخابات یازدهم اسفند؛ قهر نمایندگان بازنده‌ی «سیرک انتخابات» از صحن علنی مجلس‌شان!



● ساعاتی پس از برگزاری انتخابات، «دفتر ارتباطات مردمی» محمدرضا پورابراهیمی از «تخلفات گسترده در انتخابات ۱۱ اسفند در حوزه انتخابیه کرمان و راور» خبر داد. ● یک آخوند در شهرستان پلدختر در استان لرستان در ویدیویی نشان داد که «بازرس انتخابات» ده‌ها برگ تعرفه را به اسم یکی از نماینده‌ها به نام «حمید کاظمی» پرکرده و داخل صندوق انداخته است!

● شیوه‌های پیشین تقلب در انتخابات جمهوری اسلامی از جمله پر کردن فله‌ای تعرفه‌ها در شعب اخذ رأی امسال با توجه به آسان شدن قوانین رأی دادن، راحت‌تر قابل اجرا بود.

جلسه علنی مجلس شورای اسلامی امروز به دلیل به حد نصاب نرسیدن نمایندگان برگزار نشد. طی سه هفته گذشته نیز به دلیل حضور نمایندگان در رقابت‌های انتخاباتی در حوزه‌های انتخاباتی، جلسات علنی مجلس تعطیل بود! به گزارش رسانه‌های داخلی، نشست علنی مجلس شورای اسلامی امروز چهارشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۲ به دلیل عدم حضور نمایندگان در صحن به حد نصاب نرسید و برگزار نشد. برخی گزارش‌ها عدم حضور نمایندگان را «قهر» آنها به دلیل رأی نیارودن در انتخابات مجلس و اعتراض به تقلب در انتخابات ارزیابی کرده‌اند.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داده که تعداد بالایی از نمایندگانی که برای دوره آینده رای نیاروده یا کارشان به دور دوم رسیده در جلسه علنی حاضر نشده‌اند.

این گزارش افزوده که «مجلس یازدهم آخرین ماه‌های خود را می‌گذراند و اخیراً انتخابات دوازدهمین دوره مجلس انجام شد که بنا بر آمار اعلام شده، لاقلاً نیمی از نمایندگان فعلی نتوانستند رأی مردم را برای حضور در دوره آتی به دست آورند.»

خبرگزاری «تسنیم» در گزارش دیگری نوشته که امروز ۱۰۹ تن از نمایندگان یعنی ۳۸ درصد در مجلس حضور نیافتند و برای همین مجلس به حد نصاب نرسید.

احمد حسین فلاحي نماینده همدان در مجلس شورای اسلامی که در انتخابات یازدهم اسفندماه نامزد بوده اما رأی نیاروده به خبرگزاری «تسنیم» گفته «از سایر همکاران این انتظار می‌رفت که با حس مسئولیت‌پذیری بیشتری رفتار کنند و برای تشکیل مجلس به تهران بیایند. این تکلیف ما و حق مردم است که جلسات مجلس را تا روز آخر فعالیت آن

توجه به آسان شدن قوانین رأی دادن راحت‌تر قابل اجرا بود. حمید رسایی از جمله نامزدهای اصولگرایان در انتخابات این دوره مجلس در پایتخت که نام او از جمله ۱۴ نامزدی است که آرای آنها به حد نصاب رسیده، در روز انتخابات احتمال تقلب را مطرح کرد و در شبکه «ایکس» نوشت: «امیدوارم وزارت کشور و شورای نگهبان تاکیدات لازم را به عوامل اجرایی و نظارتی پای صندوق برای شمارش تک تک آرای مردم داشته باشند. متأسفانه در دوره قبل، گزارش‌هایی داشتیم که اگر چند نفر اول برگه رأی از یک لیست بودند، وقت شمارش به دلیل کمبود وقت، آن برگه به عنوان رأی به کل لیست شمرده می‌شد!»

همچنین یک کارزار آنلاین برای امضای شهروندان با عنوان «رسیدگی به تخلفات گسترده انتخاباتی مجلس در حوزه انتخاباتی شهرستان‌های بافت، رابر، ارزوئیه» منتشر شده که بیانگر تقلب گسترده در این حوزه انتخاباتی است. در متن این کارزار آمده که «ما شهروندان شهرستان‌های بافت، رابر و ارزوئیه درخواست خود را از این طریق با هدف رسیدگی به تخلفات گسترده‌ی انتخاباتی به نفع یک کاندیدای خاص همچون اخذ رأی با کد ملی و تاریخ تولد بدون حضور افراد، دخالت اعضای اجرایی در معرفی یک کاندیدا و دستکاری آرا به شورای محترم نگهبان، استانداری کرمان و هیئت نظارت بر انتخابات وزارت کشور ارسال می‌کنیم. امید که با رسیدگی شایسته به این درخواست، موجبات بازگشت اعتماد ما به عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران گردد.»

یک آخوند نیز در شهرستان پلدختر در استان لرستان در ویدیویی نشان داده که «بازرس انتخابات» ده‌ها برگ تعرفه را به اسم یکی از نماینده‌ها به نام «حمید کاظمی» پرکرده و داخل صندوق انداخته است!

این آخوند می‌گوید: «صدها تعرفه رو فقط ما گرفتیم، خدا میدونه چقدر تخلف شده!»

قابل توجه اینکه بر اساس اعلام ستاد انتخابات، سیدحمید کاظمی با ۲۲۱۸۲ رأی به عنوان نماینده به مجلس دوازدهم راه یافته است.

رسانه‌های محلی در شهر بابل نیز از تقلب انتخاباتی در این شهر خبر داده و نوشتند مهدی سعادت و حمید محمدنژاد و همچنین یک نامزد دیگر از حوزه انتخابیه بابل اعتراض رسمی خود را به نتایج و شمارش آرا و همچنین برخی حواشی در انتخابات تقدیم کردند.

بر اساس این گزارش‌ها در برگزاری انتخابات شهر بابل حاشیه‌هایی ایجاد شده و نامزدهای شاکي نسبت به نتایج اعلام شده از آرای ماخوذه اعتراض داشته و آرای صندوق‌ها را به تفکیک درخواست نموده‌اند.

مجازات خرید و فروش رأی و تقلب در اخذ رأی و شمارش آرا در انتخابات مجلس شورای اسلامی و نحوه برخورد قانونی با این تخلفات در مواد ۸۲ و ۸۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بیان شده است.

به موجب بند ۵ ماده ۸۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی «تقلب، جعل، دستکاری، تخریب، از بین بردن، جابه‌جایی، ربودن یا اخفای آراء، صورت‌جلسات، اسناد، مدارک، تجهیزات، برنامه‌ها، داده‌های رایانه‌ای و یا نتایج انتخابات در فضای مجازی یا واقعی جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازات درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی به استثنای حبس و محرومیت از داوطلبی در دو دوره نمایندگی مجلس محکوم می‌شود.

روابط عمومی دادستان شهرستان پاکدشت نیز اعلام کرده که در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی، فردی را که قصد داشت با استفاده از اسکناس‌های جعلی، آرای مردم را خریداری کند، در شهرستان دستگیر شد.

تشکیل دهیم ولو اینکه موفق به حضور دوباره در مجلس نشده باشیم.»

شماری از نمایندگان فعلی مجلس شورای اسلامی برای انتخابات دوازدهمین دوره مجلس نیز که روز جمعه یازدهم اسفندماه برگزار شد داوطلب شده بودند. برخی از آنها رد صلاحیت شدند و برخی دیگر پس از انتخابات از تقلب گسترده در حوزه انتخابی خود خبر دادند، یا پس از اعلام نتایج مشخص شد از رقبای انتخاباتی شکست خورده‌اند.

محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس یازدهم که سابقه چند دوره حضور در مجلس شورای اسلامی را دارد از جمله نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی است که از راه یافتن به مجلس دوازدهم باز مانده است.

ساعاتی پس از برگزاری انتخابات، «دفتر ارتباطات مردمی» این نماینده از «تخلفات گسترده در انتخابات ۱۱ اسفند در حوزه انتخابیه کرمان و راور» خبر داد و در بیانیه‌ای نوشت: «با توجه به لزوم صیانت از آرا مردم و برخورد قانونی با تخلفاتی همانند خرید و فروش رأی، اعطای هدایای گسترده به منظور تأثیر در نتیجه انتخابات و انجام تبلیغات خارج از ضوابط قانونی و سایر موارد که بخش عمده آن توسط دستگاه‌های نظارتی مشخص گردیده، دکتر پورابراهیمی طی نامه‌ای به شورای محترم نگهبان بررسی فوری و کامل تخلفات مذکور را درخواست نموده و با هماهنگی دستگاه‌های نظارتی اقدامات لازم را در دستور کار قرار داده است.»

تقلب در سیرک انتخابات جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته نیز در گزارش‌های رسمی و غیررسمی مطرح می‌شده است. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور همزمان با برگزاری انتخابات یازدهم اسفند مدعی شد که «هیچ مشکلی نداریم، همه چیز خوب و انتخابات در جریان است امکان تقلب وجود ندارد.»

برخلاف ادعای وزیر کشور جمهوری اسلامی از آنجا که ستاد انتخابات اعلام کرده بود که شناسنامه رأی‌دهندگان مهر نمی‌خورد و با ارائه هر یک از مدارک پنجگانه شناسنامه، کارت ملی، گواهینامه، کارت پایان خدمت و گذرنامه امکان رأی دادن وجود دارد، امکان تقلب گسترده در این انتخابات بیش از پیش فراهم شد؛ تقلبی که نیاز به ساز و کار پیچیده‌ای نداشت و هر شهروند می‌توانست در روز انتخابات با پنج مدرک شناسایی اقدام به رأی دادن کند.

شیوه‌های پیشین تقلب در انتخابات جمهوری اسلامی از جمله پر کردن فله‌ای تعرفه‌ها در شعب اخذ رأی نیز امسال با

تهدید اسرائیل به «قصاص» در مراسم تشییع جنازه سرهنگ رضا زارعی اعدام یک نفر در ایران به اتهام «جاسوسی برای موساد»



تشییع جنازه پاسدار رضا زارعی / اسفند ۱۴۰۲

شبه‌نظامیان حوثی: حمله به کشتی‌های بریتانیایی ادامه خواهد داشت

● به دنبال غرق شدن کامل کشتی انگلیسی «روییمار» در دریای سرخ حسین العزی معاون وزیر خارجه دولت خودخوانده حوثی‌ها روز یکشنبه سوم مارس (۱۳ اسفندماه) در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «یمن به غرق کردن کشتی‌های بریتانیایی بیشتری ادامه خواهد داد و هرگونه عواقب یا خسارات دیگر به فهرست مطالبات از بریتانیا اضافه خواهد شد.»

● وی تأکید کرد، بریتانیا «کشوری سرکش» است که به یمن حمله می‌کند و «با آمریکا در حمایت از جنایات جاری علیه غیرنظامیان در غزه شریک است.»

● دسترسی حوثی‌ها به سیستم‌های تسلیحاتی پدافند هوایی امنیت پروازها در آن مناطق را به شدت تهدید می‌کند.

● محمدعلی الحوثی از رهبران حوثی‌ها اعلام کرده، «اگر بریتانیا به کامیون‌های کمک‌رسانی اجازه ورود به غزه را بدهد، ما هم اجازه می‌دهیم تا کشتی غرق شده خود را بازیابی کند.»

به دنبال غرق شدن کامل کشتی انگلیسی «روییمار» در دریای سرخ، شبه‌نظامیان حوثی که از پشتیبانی نظامی جمهوری اسلامی برخوردار هستند اعلام کردند حمله به کشتی‌های بریتانیایی ادامه خواهد داشت.

حسین العزی معاون وزیر خارجه دولت خودخوانده حوثی‌ها روز یکشنبه سوم مارس (۱۳ اسفندماه) در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «یمن به غرق کردن کشتی‌های بریتانیایی بیشتری ادامه خواهد داد و هرگونه عواقب یا خسارات دیگر به فهرست مطالبات از بریتانیا اضافه خواهد شد.» وی تأکید کرد، بریتانیا «کشوری سرکش» است که به یمن حمله می‌کند و «با آمریکا در حمایت از جنایات جاری علیه غیرنظامیان در غزه شریک است.»

رسانه‌های عربی روز شنبه ۱۲ اسفندماه با انتشار ویدیویی گزارش دادند این کشتی با بیش از ۲۱ هزار تن و به روایتی دیگر ۴۱ هزار تن کود شیمیایی به زیر آب رفت که یک تهدید زیست محیطی برای دریای سرخ به شمار می‌رود. برخی منابع گزارش دادند این کود سولفات آمونیوم است که در صورت ورود آن به دریا یک فاجعه زیست محیطی را رقم خواهد زد.

با وجود ادامه عملیات نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و همکاری بریتانیا و همچنین آغاز مأموریت «آسپیدز» با همکاری دولت‌های اروپایی برای تأمین امنیت کشتی‌ها در دریای سرخ و خلیج عدن اما حملات حوثی‌ها همچنان ادامه دارد. در هفته‌های اخیر آنها در حملات خود تسلیحات جدید از جمله شهاب، موشک‌های پدافندی و موشک‌های زمین به هوا را به کار گرفتند.

دسترسی حوثی‌ها به سیستم‌های تسلیحاتی پدافند هوایی امنیت پروازها در آن مناطق را به شدت تهدید می‌کند.

شبه‌نظامیان حوثی ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن‌ماه) اعلام

جانمان را می‌دهیم.» پاسدار رضا زارعی به همراه سه نفر از فرماندهان حزب‌الله جمعه یازدهم اسفندماه در حمله هوایی به یک ویلا در بانیا سوریه کشته شد.

منابع نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش دادند وی ۲۰ سال سابقه خدمت در منطقه یکم نیروی دریایی سپاه پاسداران داشت.

درست در روزی که مراسم تشییع جنازه پاسدار زارعی انجام شد خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعلام کرد که حکم اعدام یکی از «عوامل موساد» اجرا شد، اما هیچ اشاره‌ای به هویت این فرد نکرده است.

طبق ادعای خبرگزاری قوه قضائیه، این فرد به‌اتهام نقش داشتن در انفجار کارگاه وزارت دفاع در اصفهان محکوم به اعدام شد. گفته شد این فرد اسفندماه سال ۱۳۹۸ «از طریق فضای مجازی با عوامل موساد» ارتباط برقرار کرد و در سال ۱۴۰۱ با «اجاره سوله و خرید یک نیسان و سه خودروی سواری، چند ریزپرنده را وارد کشور کرده است.»

در این گزارش به نقل از ریاست کل دادگستری اصفهان آمده است که فرد اعدام شده توسط مأموران امنیتی، «در یکی از کشورهای همسایه» بازداشت و به ایران بازگردانده شد. «میزان» مدعی شده این فرد «۱۳ روز بعد از حمله به مجتمع اصفهان، با هویت جعلی از کشور خارج شده بود.» اینکه به تلافی کشته شدن عوامل سپاه پاسداران در سوریه یا در داخل ایران، جمهوری اسلامی دست به اعدام افراد به اتهام همکاری آنها با موساد بزند دارای سابقه است.

پس از کشته شدن چند فرمانده سپاه در سوریه از جمله رضی موسوی مسئول تدارکات سپاه قدس در سوریه و «حاج صادق» مسئول اطلاعات سپاه قدس در سوریه و چهار نفر دیگر، اوایل دی‌ماه ۱۴۰۲ چهار تن از شهروندان در استان آذربایجان غربی به اتهام «خرابکاری» و «جاسوسی برای موساد» اعدام شدند.

● فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم تشییع جنازه سرهنگ رضا زارعی که در حمله موشکی اسرائیل به شهر بانیا سوریه کشته شد، تهدید کرد «اهل عقب‌نشینی در برابر دشمنان نیستیم و به باری خدا تقاص خون عزیزانمان را خواهیم گرفت.»

● درست در روزی که مراسم تشییع جنازه پاسدار زارعی انجام شد، خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعلام کرد که حکم اعدام یکی از «عوامل موساد» اجرا شد، اما هیچ اشاره‌ای به هویت این فرد نکرده است.

● طبق ادعای خبرگزاری قوه قضائیه، این فرد به‌اتهام نقش داشتن در انفجار کارگاه وزارت دفاع در اصفهان محکوم به اعدام شد. گفته شد این فرد اسفندماه سال ۱۳۹۸ «از طریق فضای مجازی با عوامل موساد» ارتباط برقرار کرد و در سال ۱۴۰۱ با «اجاره سوله و خرید یک نیسان و سه خودروی سواری، چند ریز پرنده را وارد کشور کرده است.»

● اینکه به تلافی کشته شدن عوامل سپاه پاسداران در سوریه یا در داخل ایران، جمهوری اسلامی دست به اعدام افراد به اتهام همکاری آنها با موساد بزند دارای سابقه است.

فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم تشییع جنازه سرهنگ رضا زارعی که در حمله موشکی اسرائیل به شهر بانیا سوریه کشته شد، تهدید کرد «اهل عقب‌نشینی در برابر دشمنان نیستیم و به باری خدا تقاص خون عزیزانمان را خواهیم گرفت.»

علیرضا تنگسیری روز یکشنبه ۱۳ اسفندماه در مراسمی که در «روستای کرمون» حوالی بندرعباس (زادگاه زارعی) برگزار شد، افزود «هرگز در برابر دشمنان سر خم نمی‌کنیم... ما را از مرگ نترسانید، از روزی که این لباس مقدس را بر تن کردیم، کفن ما بوده و برای دفاع از اسلام، امنیت و ناموس،



نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی اردیبهشت ۱۴۰۲
کشتی آمریکایی ADVANTAGE SWEET را توقیف کرد

توقیف محموله نفتی کشتی آمریکایی «ادونتج سویت» در پوشش «رسیدگی به شکایت بیماران پروانه‌ای»

ADVANTAGE SWEET در خلیج فارس را صادر کرد و محموله این کشتی توقیف شد.

خریداری فارس ارزش این محموله نفتی را بیش از ۵۰ میلیون دلار اعلام کرده اما مشخص نیست قرار است از این محل کمکی به این بیماران نیز بشود یا نه!

آمریکا در اردیبهشت سال ۱۴۰۲ نفتکش «سوئز راجان» را که حامل نفت ایران بود توقیف کرد. این کشتی عازم چین بود که آمریکا آن را توقیف نمود و نام آن را به «سن نیکلاس» تغییر داد. دو ماه بعد با حکم وزارت دادگستری آمریکا محموله آن مصادره شد. بر اساس همین حکم محموله کشتی در تگزاس تخلیه گشت.

به تلافی مصادره محموله نفتی ایران، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی دی‌ماه سال ۱۴۰۲ نفتکش «ادونتج سوئیت» را با این ادعا که به یک لنج ایرانی برخورد کرده، توقیف کرد. منابع داخلی اعلام کردند توقیف این کشتی به تلافی سرعت نفت ایران توسط آمریکا بود. کشتی «ادونتج سوئیت» نفت خام کویت را برای شرکت آمریکایی شورون حمل می‌کرد. منابعی که حرکت کشتی‌ها را رصد می‌کنند گزارش داده بودند این کشتی در واقع همان «سوئز راجان» است. خدمه کشتی همگی هندی بودند.

آن زمان منابع حکومتی ادعا کرده بودند کشتی «ادونتج سوئیت» در خلیج فارس به یک شناور ایرانی برخورد کرد که موجب مفقود شدن دو خدمه و زخمی شدن دو نفر دیگر شده و قصد فرار از خلیج فارس را داشت که در دریای عمان توقیف شد.

به نظر می‌رسد پس از گذشت بیش از دو ماه از آن رویداد، جمهوری اسلامی برای توقیف محموله این کشتی «ادله تراشی» کرده است. در شرایطی که واردات دارو به ایران تحریم نیست و فراتر از آن جان ایرانی‌ها از جمله بیماران کمترین اهمیتی برای حکومت ندارد، دادگاه‌های نظام در پوشش رسیدگی به شکایت «بیماران پروانه‌ای» محموله کشتی آمریکایی را مصادره کرده‌اند.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی در بهمن ۱۴۰۰ اعلام کرد خانواده ۳۰ تن از بیماران پروانه‌ای از آمریکا شکایت کرده‌اند.

● خریداری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چهارشنبه ۱۵ اسفندماه گزارش داد که ایران در پی شکایت «بیماران پروانه‌ای» از آمریکا محموله نفتی کشتی آمریکایی «ADVANTAGE SWEET» را توقیف کرد.

● در این گزارش آمده، «در پی تحریم‌های کشورهای غربی و بطور ویژه آمریکا که منجر به جلوگیری فروش داروهای مورد نیاز برای بیماران پروانه‌ای توسط یک شرکت سوئدی شده و صدمات شدید جسمانی و روحی را بر آنها وارد ساخته است، بیماران پروانه‌ای (EB) شکایتی را علیه آمریکا در دادگاه حقوقی روابط بین‌الملل (شعبه ۵۵) تهران انجام دادند.»

● خریداری فارس ارزش این محموله نفتی را بیش از ۵۰ میلیون دلار اعلام کرده اما مشخص نیست قرار است از این محل کمکی به این بیماران نیز بشود یا نه!

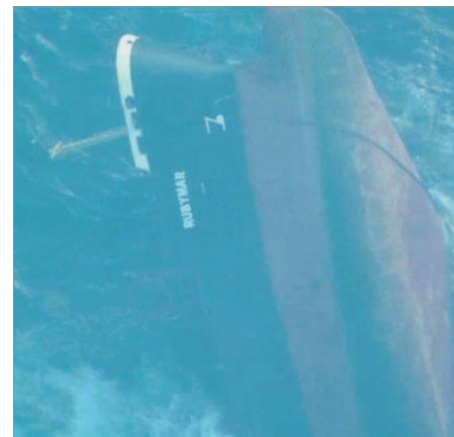
● به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی برای توقیف محموله این کشتی «ادله تراشی» کرده است. در شرایطی که واردات دارو به ایران تحریم نیست و جان ایرانی‌ها از جمله بیماران کمترین اهمیتی برای حکومت ندارد، مأموران نظام در پوشش رسیدگی به شکایت «بیماران پروانه‌ای» محموله کشتی آمریکایی را مصادره کرده‌اند.

خریداری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز چهارشنبه ۱۵ اسفندماه گزارش داد که ایران در پی شکایت «بیماران پروانه‌ای» از آمریکا محموله نفتی کشتی آمریکایی «ADVANTAGE SWEET» را توقیف کرد.

در گزارش این خریداری آمده، «در پی تحریم‌های کشورهای غربی و بطور ویژه آمریکا که منجر به جلوگیری فروش داروهای مورد نیاز برای بیماران پروانه‌ای توسط یک شرکت سوئدی شده و صدمات شدید جسمانی و روحی را بر آنها وارد ساخته است، بیماران پروانه‌ای (EB) شکایتی را علیه ایالات متحده آمریکا در دادگاه حقوقی روابط بین‌الملل (شعبه ۵۵) تهران انجام دادند، بر همین اساس، با پیگیری‌های حقوقی انجام‌گرفته توسط وکیل پرونده، در نهایت دادگاه حکم توقیف محموله نفتی آمریکایی کشتی

→ کردند کشتی باری «روبیما» در خلیج عدن هدف قرار گرفت و با خطر غرق شدن روبروست.

حوثی‌ها با پشتیبانی جمهوری اسلامی از ۱۴۰ روز پیش با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای عملیات اختلال در ترانزیت کالا در دریای سرخ و باب‌المندب را تحت عنوان حمایت از مردم فلسطین در مقابل اسرائیل آغاز کردند. رهبر جمهوری



کشتی «روبیما» در حال فرو رفتن به اعماق دریای سرخ / مارس ۲۰۲۴

اسلامی از دولت‌های عربی منطقه چند بار خواست که شریان‌های حیاتی اقتصاد اسرائیل را قطع کنند ولی با بی‌اعتنایی آنها روبرو شد.

طی روزهای اخیر نیروی دریایی آمریکا، آلمان و ایتالیا چندین موشک و پهپاد حوثی‌ها را هدف قرار دادند.

محمدعلی الحوثی از رهبران حوثی‌ها اعلام کرده، «اگر بریتانیا به کامیون‌های کمک‌رسانی اجازه ورود به غزه را بدهد، ما هم اجازه می‌دهیم تا کشتی غرق‌شده خود را بازیابی کند.»

موشک‌ها و پهپادهای حوثی‌ها کشتیرانی بین‌المللی در دریای سرخ را به شدت دچار مشکل کرده‌اند و زنجیره‌های بازرگانی و تأمین اقتصادی اروپا را تحت فشار قرار داده است. تخمین زده می‌شود حوثی‌ها تا کنون به ۷۰ کشتی حمله کرده‌اند. یعنی بطور میانگین طی ۱۴۰ روز گذشته در هر دو روز یکبار یک کشتی مورد تهدید قرار گرفته شده است. در این میان بیشترین خسارت به کشتی «روبیما» وارد آمد که بطور کامل در دریا غرق شد. هرچند مقامات بریتانیایی در ساعات اولیه اصابت موشک به این کشتی تلاش کردند این حمله را خفیف جلوه دهند.

اگرچه مقامات ارشد بریتانیا از جمله ریشی سوناک نخست وزیر این کشور بارها اعلام کردند که جمهوری اسلامی بطور مستقیم در حمله حوثی‌ها به کشتی‌های خارجی نقش دارد اما تا کنون اقدام مؤثری برای مقابله با منشاء اصلی این حملات نکرده‌اند.

هریت بالدوین از اعضای مجلس عوام انگلیس اواخر دی‌ماه ۱۴۰۲ در نشست ویژه با سوناک از وی پرسید که «لندن برای مقابله با پشتیبانی رژیم ایران از حوثی‌ها چه کاری کرده؟ آیا نخست وزیر به مجلس اطمینان خواهد داد که ما هر کاری که از دست‌مان بر می‌آید در این کشور انجام می‌دهیم تا مطمئن شویم این پول‌ها از طریق سیستم مالی بریتانیا نمی‌گذرد؟» سوناک اما پاسخ شفافی به او نداد. در این میان، اگرچه مقامات لندن بارها به نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گسترش تروریسم در منطقه تأکید کرده‌اند اما از تروریستی اعلام کردن این تشکیلات خودداری می‌کنند!

بحران آب و سدسازی در ایران در گفتگو با نیک آهنگ کوثر:

آب‌دزدک‌های حاکم، آب را از کارون دزدیده‌اند



رودخانه کارون

چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد را در بر می‌گیرد. هر کدام از این استان‌ها در حوضه کارون بزرگ، سهمی دارند و هر آبی که از این محدوده‌ها به حوضه‌های دیگر برده شود باعث کاهش بیشتر آب در رودخانه کارون می‌شود. کم شدن حجمی این آب، که نسبت به گذشته شورت‌تر و آلوده‌تر هم شده، تأثیرات منفی محیط زیستی خود را دارد. اما کاهش حجم و دبی رودخانه، باعث شده که آب شورت‌تر خلیج فارس امکان پیشروی پیدا کند که هم تعادل را بهم زده و هم آب‌های زیرزمینی جنوب خوزستان شورت‌تر شده که آثار منفی آن را در نخلستان‌ها و تالاب‌ها می‌بینیم. آبی هم که از برخی سدهای حوضه کارون به پروژه‌های بزرگ کشاورزی نیشکر منتقل می‌شود، زهابی شور دارد که دوباره به کارون می‌ریزد و کیفیت آب را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

وی به ساخته شدن سد «کارون ۳» اشاره می‌کند که آثار منفی بر زندگی مردم گذاشته است: «با ساخت سد «کارون سه» نزدیک به ۱۰ هزار نفر مجبور شدند آن منطقه را ترک کنند جایی که مخزن سد بود و این بی‌خامانی به بیکاری و بی‌سرانجامی و نهایتاً مهاجرت بسیاری از مردمان آن منطقه به حاشیه شهرهای اطراف از جمله ایذه یا حتی استان‌های دیگر شد.» این روزنامه‌نگار به افزایش شیوع خودکشی در طول سال‌های اخیر در منطقه ایذه نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «هرگاه یک اعتراض عمومی در کشور شکل می‌گیرد یکی از شهرهایی که همیشه کشته می‌دهد ایذه است. همه این مسائل را که کنار هم قرار می‌دهیم می‌بینیم که از سیاست‌های جمهوری اسلامی در حوضه آب که به نابودی محیط زیست منجر شده، عده‌ای نفع می‌برند و عده بسیار زیادی آسیب می‌بینند و از زندگی ساقط می‌شوند. موضوعی که از آن در چهارچوب «عدالت محیط زیستی» یاد می‌کنیم.»

این زمین‌شناس می‌گوید: «در ایران شش حوضه بزرگ داریم که بیشتر این حوضه‌ها با کشورهای همسایه به نحوی مشترک هستند، اما اغلب‌شان به زیرحوضه‌هایی تقسیم می‌شوند؛ در حوضه خلیج فارس و دریای عمان، زیرحوضه کارون یکی از آبریزهای اصلی است ولی جمهوری اسلامی در طول دهه‌ها با انتقال آب این زیرحوضه به بخش‌های حوضه فلات ایران مرکزی از جمله زیرحوضه



نیک آهنگ کوثر

زاینده‌رود، زیرحوضه سیرجان و زیرحوضه سیاه‌کوه باعث شده که شرایط در مناطق مختلف حوضه کارون بدتر شود. به عبارتی، آب‌دزدک‌های حاکم، آب را از کارون دزدیده‌اند.» وی اضافه می‌کند: «حوضه کارون بزرگ بخش‌هایی از استان‌های مرکزی، لرستان، اصفهان، فارس، خوزستان،

«با سدسازی در حوضه‌هایی که به خوزستان ختم می‌شوند، از جمله سد سیمره و سد کرخه در حوضه کرخه و پروژه‌های کشاورزی بزرگی که در طول این چند دهه اجرا شدند و همچنین پروژه‌های مشترک سپاه پاسداران و وزارت نفت برای استخراج نفت و گاز در کرخه، طی این چند سال، بخش‌هایی از هورالعظیم کاملاً و بطور عامدانه خشک شده‌اند.»

«سد گتوند در سال ۱۳۷۳ قبل از کامل شدن مطالعات، از سوی هاشمی رفسنجانی افتتاح شد. چگونه میسر است یک سد که هنوز مطالعات آن انجام نشده، افتتاح شود؟! این تصمیم گرفته شد چون منافع گروه‌های مختلف تأمین می‌شد.»

«ساخت سد کارون-۳ قبل از اینکه ببینند چه به سر مردم آن منطقه می‌آورد، تأیید شد... با پروژه قم‌رود که از سرچشمه‌های دز- کارون در محدوده لرستان و استان مرکزی است، آب را به قم بردند و سهم آب کارون را کم کردند.»

«برای آنها نه میراث فرهنگی اهمیت دارد، نه محیط زیست و نه سرنوشت مردم. عده‌ای که در ساختار حکومت هستند، هم اصلاح‌طلب و هم اصولگرا، سودشان در نابودی ایران بوده و هیچگاه هم پاسخگو نبوده‌اند.»

فیروزه نوردستروم-ایران جزو کشورهایی است که به دلیل تغییرات اقلیمی و خشکسالی در سال ۲۰۲۵ بیش از امروز مجبور است با بحران شدید آب دست و پنجه نرم کند و آنطور که توسط کارشناسان پیش‌بینی شده، اگر از هم‌اکنون چاره‌ای برای آن اندیشیده نشود تا سال ۲۰۴۰ به اوج کم‌آبی و بی‌آبی خواهد رسید. این موضوع به دلیل اینکه تغییرات اقلیمی یک مسئله جهانی است درباره کشورهای مختلف به ویژه در خاورمیانه و مناطق خشک زمین صادق است. در ایران اما حفاظت علمی و کارشناسی از محیط زیست به ویژه مدیریت منابع آبی از اولویت سیاسی و اقتصادی برخوردار نیست. هم‌اکنون منابع آبی ایران از نظر کمیت، کیفیت و برداشت بی‌رویه در وضعیت فوق بحرانی قرار دارد.

استان خوزستان یکی متعدد استان‌های ایران است که در بحران خشکسالی کشور، وضعیت فرابحرانی دارد و با کاهش ۸۵ درصدی مخازن سدها و کاهش ۴۰ درصدی آبی که وارد رودخانه‌ها می‌شود با یک فاجعه هولناک انسانی روبروست. برای بررسی وضعیت بحران آب در این استان، کیهان لندن با نیک آهنگ کوثر روزنامه‌نگار حوضه آب و زمین‌شناس گفتگو کرده است.

وی معتقد است: «با سدسازی در حوضه‌هایی که به خوزستان ختم می‌شوند، از جمله سد سیمره و سد کرخه در حوضه کرخه و پروژه‌های کشاورزی بزرگی که در طول این چند دهه اجرا شدند و همچنین پروژه‌های مشترک سپاه پاسداران و وزارت نفت برای استخراج نفت و گاز در کرخه، طی این چند سال، بخش‌هایی از هورالعظیم کاملاً و بطور عامدانه خشک شده‌اند. این خشک شدن باعث می‌شود بخشی از رسوباتی که در کف این تالاب جمع شده‌اند، با وزش هر باد قدرتمندی از سمت غرب به شرق، به صورت رسوبات دانه‌ریز به سمت مردمان آن منطقه فرستاده شود.»

سرنوشت مردم. عده‌ای که در ساختار حکومت هستند، هم اصلاح‌طلب و هم اصولگر، سودشان در نابودی ایران بوده و هیچگاه هم پاسخگو نبوده‌اند.»

این روزنامه‌نگار از چند ماه پیش کانال تلگرامی «گفت‌آب» را با هدف تبادل گفتگوهای محیط زیستی درباره آب برای فعالان و علاقمندان به این حوزه راه انداخته است.

در این کانال، تا کنون کارگاه‌های آموزشی مختلفی در حوزه‌هایی چون حفاظت از حوضه کارون بزرگ و مدیریت آب با حضور کارشناسان و روزنامه‌نگاران حوزه آب و محیط زیست و حقوق و روزنامه‌نگاری ارائه شده است.

یکی از تولیدات قابل توجه این کانال، انیمیشن‌های کوتاهی است که در آنها با نگاه طنزآمیز به مسائل مربوط به آب تلاش می‌شود مخاطبان با زوایای مختلف بحران آب آشنا شوند.

نیک‌آهنگ کوثر تهیه‌کننده این انیمیشن‌ها، هدف تولید این آثار را گسترش آگاهی‌های عمومی معرفی می‌کند، تا از یکسو مردم با حقوق بشری خود که آب و محیط زیست از مهم‌ترین آنها هستند آشنا شوند، و از سوی دیگر حساسیت بیشتری بر روی منابع حیاتی در ایران داشته باشند و سهم آینده فرزندان خود را بخواهند و از آن حفاظت کنند.

وی می‌گوید: «ما برای تولید محتوای این آثار، مثلاً ترانه «لب کارون» را تبدیل کردیم به داستانی که کارون چه بوده و الان عملاً به یک «بیابان» تبدیل شده؛ یا مثلاً با ترانه «خوابم یا بیدارم» گوگوش، مسئله‌ی تصفیه فاضلاب را کار کردیم. در عین حال یکسری کار هم در حال انجام است در ارتباط با اینکه در خود منطقه کارون چه نیازهایی وجود دارد. چه بلاهایی بر سر منابع آب آمده و متأسفانه مردم بسیاری از مناطق کشور از آنها آگاهی ندارند. ما از کارون شروع کردیم ولی امیدمان این است که بتوانیم میزان دانش و آگاهی عمومی مردم را به همه مناطق و حوضه‌ها سوق بدهیم.»

عبور می‌کردند، مجبور می‌شوند سوار یدک‌کش شوند. چند سال پیش یک یدک‌کش که مینی‌بوسی از زنان یک روستا را به آن طرف دریاچه سد کارون ۳ منتقل می‌کرد غرق شد و جان آن زنان از دست رفت.»

این زمین‌شناس معتقد است: «برای بهبود وضعیت باید بررسی کنیم، پیش از اینکه در سال ۱۳۳۰ آب از کوه‌رنگ به زاینده‌رود برده شود، وضعیت کارون و مردمانش چه بود و امروز چه هست و عوامل خطاهای بزرگی که در طول بیشتر از ۷۰ سال صورت گرفته چه بوده و اگر زمانی دانش محیط زیستی نبود و دانش مبتنی بر توسعه پایدار وجود نداشت، چرا الان که این دانش هست این خطاها تکرار و بعد هم مرتب تشدید شد؟! در پاسخ به این خواهیم رسید که وجود فساد در کشور ما از مجموعه عواملی است که موجب تخریب حوضه کارون شده.»

وی به سد گتوند یکی از بزرگترین پروژه‌های تخریب محیط زیست در خوزستان اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «سد گتوند در سال ۱۳۷۳ قبل از کامل شدن مطالعات، از سوی هاشمی رفسنجانی افتتاح شد. چگونه میسر است که یک سد که هنوز مطالعات آن انجام نشده، افتتاح شود؟! تصمیم گرفته شد چون منافع گروه‌های مختلف تأمین می‌شد. ساخت سد کارون ۳ قبل از اینکه ببینند چه به سر مردم آن منطقه می‌آورد، تأیید شد. با طرح انتقال آب بین حوضه‌های بهشت‌آباد، یا طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌های کوه‌رنگ دو، کوه‌رنگ سه و یا انتقال آب از چشمه خدنگستان یا چشمه لنگان (بخشی از زیرحوضه دز-کارون) آب را به زاینده‌رود بردند. یا با پروژه قهرود که از سرچشمه‌های دز-کارون در محدوده لرستان و استان مرکزی است، آب را به قم بردند و سهم آب کارون را کم کردند. با نگاهی به مجموعه‌ی این عوامل می‌بینید که برای آنها، نه میراث فرهنگی اهمیت دارد نه محیط زیست و نه

مدیر مجموعه آبانگان توضیح می‌دهد: «ما در مجموعه آبانگان گزارشی در ارتباط با نقض حقوق بشر و بی‌عدالتی محیط زیستی در حوضه کارون تهیه کردیم که بعد جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران از ما خواست نسخه انگلیسی آن را کامل کنیم و به او بدهیم. در حقیقت این یک شروعی است که بتوانیم در مورد نقض گسترده حقوق بشر در بخش آب و محیط زیست با نهادهای بین‌المللی کار بیشتری انجام دهیم تا جمهوری اسلامی به خاطر نقش‌اش در نابودی منابع زیستی مجبور به پاسخگویی شود.»

کوثر ادامه می‌دهد: «هر سدی که ساخته می‌شود ممکن است امروز اثری منفی برجای نگذارد، اما می‌تواند آینده مردمان یک منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. سدی که مطالعات و ارزیابی اثرات محیط زیستی آن انجام نگرفته باشد، یعنی بدون مطالعه و تنها بر اساس دستور از بالا ساخته شده باشد، می‌تواند اثرات منفی بر محیط زیست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ یک منطقه بگذارد. بالادست و پایین‌دست بسیاری از مناطقی که بیشتر بسیار سبز و پرآب بودند، بعد از تلاش برای جمع‌آوری آب از طریق ساختن سدهای بزرگ، آنهم بدون مطالعه کافی، اینک خشک‌تر و بی‌سروسامان‌تر شده‌اند.»

این پژوهشگر در مورد پدیده ریزگردها و ارتباط آن با خشکسالی در استان خوزستان معتقد است: «بخشی از ریزگردها از محدوده آفریقا و عربستان و عراق وارد ایران می‌شوند که مدیریت آنها عملاً از دست ما خارج است؛ اما گرد و خاکی که از طریق هورالعظیم به سمت شهرهای خوزستان می‌رود، داستان جداگانه‌ای دارد که ناشی از دخالت‌های بشری است.»

وی در ادامه به آثار منفی کشت نیشکر در خوزستان و مصرف بالای آب این محصول اشاره می‌کند: «هرچند اسم «خوز» با نیشکر کاملاً مترادف است اما برخلاف این تصور، آنچه به صورت صنعتی در مناطق کشت نیشکر پرورده می‌شود آب بسیار زیادی مصرف می‌کند. نیشکر برای جایی مناسب است که بارندگی ۱۵۰۰ میلی‌متر به بالا داشته باشد در حالی که چنین بارندگی در استان خوزستان نداریم و بخش بزرگی از منبع آب کارون برای تولید شکر تلف می‌شود. آبی که برای سالم نگه داشتن محیط زیست لازم داریم، برای تولید شکر مصرف می‌شود. از سوی دیگر وقتی در پایان هر فصل، نیشکر را می‌سوزانند، آلودگی‌های زیادی تولید می‌شود. ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان بزرگ گازهای گلخانه‌ای باید به دنبال توقف این آلودگی باشد اما شاهدیم این منابع آلودگی یکی یکی بیشتر می‌شوند.»

نیک‌آهنگ کوثر با طرح این موضوع که مردم باید سهم بیشتری در تصمیم‌گیری برای اجرای پروژه‌ها داشته باشند معتقد است: «اگر قرار است پروژه‌ای اجرا شود، باید پیشاپیش اثرات محیط زیستی آن ارزیابی شود. باید دید که این پروژه بر روی مردم، اقتصاد و زیست‌مندان آن منطقه چه تأثیراتی خواهد گذاشت. این را هم در نظر بگیریم که اگر مثلاً یک سدی ساخته می‌شود و نزدیک به ۱۰۰ هزار درخت به زیر آب می‌روند، خودش یک ضربه بسیار بزرگ به محیط زیست آن منطقه وارد می‌کند و نه تنها به گیاهان و علوفه و درختچه‌ها بلکه به پرندگان، خزندگان، جوندگان و بسیاری از موجوداتی که در آن منطقه برای چرخه حیاتی سالم، لازم هستند، نابود می‌شوند. این تنوع زیستی وقتی در یک منطقه از بین می‌رود، زیست آن منطقه برای انسان‌ها خطرناک می‌شود. همچنین وقتی مثلاً یک سد بزرگ می‌سازند و نمی‌آیند جاده احداث کنند، باعث می‌شوند مردمی که از پیش برای رفت و آمد از یک پل به راحتی

آرای باطله برنده مطلق در بین نامزدها!

با وجود تبلیغات وسیع حکومت و مهندسی کامل سیرک انتخابات با طراحی و اجرای انواع ترفندها و تقلبات مختلف، همراه با تحریم حداکثری مردم در تمام حوزه‌های رأی‌گیری، آرای باطله از آرای تمام نامزدها بالاتر بود!



© کیشان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی



شکست رژیم یا پیروزی مخالفین؟ کدامیک به حقیقت نزدیک است؟



نیروهای سپاه و بسیج در راهپیمایی حکومتی

دچار یک رقابت هسته‌ای بی‌سابقه خواهد شد که در وهله اول کشورهای هم‌پیمان آمریکا، ترکیه، مصر، عربستان سعودی به آن خواهند پیوست و به نوعی «هژمونی» ایالات متحده را در منطقه به چالش خواهند کشید و از زیر چتر دفاعی آمریکا خارج خواهند شد، به ویژه عربستان سعودی که از لحاظ استراتژیک با وجود منابع سرشار سوخت‌های فسیلی و انباشت بی‌سابقه دلارهای نفتی، برای آمریکا حائز اهمیت فراوان است.

راه حل سوم که فرم قدرت از داخل و یا به نوعی کودتای رده‌های میانی سپاه علیه جناحی از قدرت در رژیم است، پیشتر درباره‌اش نوشته و خطرهای آن را بازگو کرده‌ام. قبلاً نیز توضیح داده‌ام که در فرآیند مرگ دیکتاتور این سناریو آماده برای اجرا است و حال با از دست دادن کامل مشروعیت نظام این پیش‌بینی می‌تواند حتی با زنده ماندن خامنه‌ای هم اجرا شود. مگر نه اینست که این سپاه است که هزینه بدنامی در عرصه بین‌الملل و کشته شدن رده‌های میانی و پایین خود را از جمله در جنگ اخیر خاورمیانه می‌پردازد در حالی که آخوندها در امن و امان به روضه‌خوانی بی‌خطر بر منابر مشغول‌اند و فرزندان‌شان در حال چپاول کشور هستند؟!

بجز رده‌های بالای سپاه پاسداران که به «بیت رهبری» نزدیک‌اند، رده‌های میانی تا حدی با این مشغله‌های فکری درگیرند. سناریوی کودتای سپاه یا در واقع کنار زدن ملایان و قدرت مذهبی را رهبران اپوزیسیون نباید دست‌کم بگیرند، زیرا آنها هم امکان‌ش را دارند و هم وسایل‌اش مهیاست. یک کودتا که با دستگیری تعدادی از روحانیون همراه بوده و سپس در دادگاه‌های انقلابی گوش به فرمان به جرم کشاندن کشور به منجلاب فساد و تباهی در طول ۴۵ سال محاکمه شده و اعدام می‌شوند و بقیه آنها یا خلع لباس شده و یا در بهترین حالت به شهر قم تبعید و در آنجا زمینگیر خواهند شد؛ همراه با یکسری «رفرم» مانند آزادی‌های فردی و عدم دخالت در زندگی شخصی مردم، آزادی پوشش و رفع محدودیت‌ها در اینترنت، که هیچکدام برای نظامیان هزینه چندانی ندارد ولی فریادهای شادی قشر خاکستری را ←

۱- بستن تمایش و سیرک انتخابات برای همیشه و روی آوردن به یک سیستم بسته مثل کره شمالی.

۲- دست به ریسک بزرگ زدن و با آزمایش یک مپب اتمی، کشورهای غربی را وادار کند که باید با رژیم وارد مذاکره شده و از تجربه سال‌های اخیر کره شمالی برای استمرار قدرت استفاده کند.

۳- همه مهم‌تر و از همه امکان‌پذیرتر رفرم و بازتوزیع قدرت در داخل که به نوعی با کودتای غیررسمی رده‌های میانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همراه خواهد بود. اما این راه‌ها تا چه اندازه امکان عملی دارند تا بتوانند رژیم را همچنان در قدرت نگه دارند؟

راه حل اول و احتمال تبدیل شدن به یک رژیم بسته شبیه به کره شمالی بسیار اندک است چرا که ایران یک اقتصاد آزاد مبتنی بر تجارت آزاد و بین‌المللی دارد که بدون این تجارت هم درآمد دولت به کلی از بین رفته و هم کشور دچار کمبود در اکثر حوزه‌ها از جمله صنایع نفتی و پتروشیمی و اتومبیل‌سازی و دامداری و صنایع غذایی شده و اساساً با اقتصاد کره شمالی که بر اساس autoarchia بنا شده کاملاً متفاوت و فرهنگ و دیسپلین رفتاری مردم آن ناحیه از دنیا کاملاً با مردم ایران تفاوت دارد و اگر رژیم اسلامی به دنبال این راه حل برود دچار شکست مفتضحانه‌ای خواهد شد و خیلی زود با شورش‌های مردمی باید دست و پنجه نرم کند. راه حل دوم یا اعلام اتمی شدن، رژیم را از آخرین برگ برنده برای چانه‌زنی با دنیا محروم می‌کند و از فرآیند آن روز نه تنها تمامی کشورهای دموکرات را در مقابل خود خواهد دید بلکه حمایت دوستانش روسیه و چین را نیز در صحنه بین‌المللی از دست خواهد داد و نتیجه آن انزوای کامل خواهد بود. هرچند از مدتی پیش زمزمه‌هایی شنیده می‌شود که به نوعی دولت بایدن به امید موازنه ژئوپلیتیک قدرت بین ایران و اسرائیل، ممکن است به این راه حل تن دهد. اگرچه کمتر کشور دموکراتیکی به یک رژیم حامی تروریسم یا سلاح اتمی می‌تواند اعتماد کند، به‌خصوص که از نوع مذهبی و فرقه‌ای هم باشد. گذشته از مسائل بین بین غرب و رژیم ایران، با اعلام اتمی شدن، منطقه خاورمیانه

● مردم ایران با در خانه ماندن نشان دادند که از این رژیم فریبکار و فاسد اسلامی عبور کرده‌اند ولی این به معنای بیرون آمدن و ریشه‌کن کردن رژیم با تظاهرات و اعتصابات نیست. نه به رژیم به معنی آری به مخالفین نیست!

● هنوز رژیم کارتهایی برای باقی ماندن پشت میز بازی دارد که اپوزیسیون برانداز باید با دقت آنها را تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه‌های واقع‌گرایانه از آنها بگیرد و صرفاً دچار خیالپردازی نشود؛ از تصمیم برای تبدیل کردن کشور به کره شمالی و یا اعلام اتمی بودن تا بازتوزیع قدرت توسط رده‌های میانی سپاه پاسداران و کنار زدن ملایان! مگر نه اینست که سپاه هزینه بدنامی در عرصه بین‌الملل و کشته شدن رده‌های میانی و پایین خود را از جمله در جنگ اخیر خاورمیانه می‌پردازد در حالی که آخوندها در امن و امان به روضه‌خوانی بی‌خطر بر منابر مشغول‌اند و فرزندان‌شان در حال چپاول کشور هستند؟!

● تا چند سال پیش تصور بازگشت طالبان در افغانستان و به نوعی معامله با آنها از طرف آمریکا از محالات تصور می‌شد ولی با سکوت و نوعی رضایت کشورهای دموکراتیک و سازمان‌های حقوق بشری به واقعیت پیوست! آنهم با این هدف که طالبان دیگر در کشورهای غربی حرکات ایدئولوژیک انجام نمی‌دهند و سدی در مقابل رشد القاعده خواهند بود. بهرام فرخی - بعد از تمایش سیرک انتخابات، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رژیم در بهترین وضعیت در شهرهای بزرگ به نتایج یک رقیمی و در روستاهای کشور نزدیک به بیست درصد در شمارش آرا دست یافته است.

وزارت کشور آخوندی برای وجه‌المصلحه قرار ندادن ولی فقیه و رهبر جهان اسلام این نتایج مفتضح را تا ۴۱ درصد بالا می‌کشد تا آبروی از دست رفته او را به نوعی بازگرداند. مردم ایران با در خانه ماندن نشان دادند که از این رژیم فریبکار و فاسد اسلامی عبور کرده‌اند ولی این به معنای بیرون آمدن و ریشه‌کن کردن رژیم با تظاهرات و اعتصابات نیست. نه به رژیم به معنی آری به مخالفین نیست!

حال اپوزیسیون دموکرات باید نشان دهد که می‌تواند خواسته‌های مردم را برآورده کرده و رهبری انقلاب دموکراتیک را در دست بگیرد.

البته نوعی ساده‌لوحی است اگر اپوزیسیون فکر کند که رژیم قافی‌ه را باخته و با دو دست حکومت را تقدیم مخالفان می‌کند. در طول ۴۵ سال این حکومت نکبت، رژیم اسلامی نشان داده که به هیچ پرنسیپی پایبند نبوده و برای بقای خود حاضر به قربانی کردن تمامی ارزش‌ها از جمله ایدئولوژی و خدمتگزاران و هم‌پیمانان خود نیز هست. این موضوع همین روزها در جنگ اسرائیل برای نابودی گروه‌های تروریستی به وضوح به چشم می‌خورد. نابودی هم‌پیمانان و دست‌نشانده‌های رژیم را با توجیهان مثل مصلحت نظام و حکمت اسلامی و زانو زدن در مقابل قدرت‌های جهانی را با جملاتی مثل نرمش قهرمانانه و جام زهر بیان می‌کنند. ولی هنوز رژیم کارتهایی برای باقی ماندن پشت میز بازی دارد که اپوزیسیون برانداز باید با دقت آنها را تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه‌های واقع‌گرایانه از آنها بگیرد و صرفاً دچار خیالپردازی نشود.

بعید نیست حال که رژیم متقاعد شده از مشروعیت کافی بر خوردار نیست، راه حل‌های زیر را در دستور کار قرار دهد:

بیانیه آمریکا در شورای حکام:

جمهوری اسلامی باید تمام ذخیره اورانیوم ۶۰ درصدی خود را «رقیق سازی» کند



بازدید علی خامنه‌ای از ماشین‌های سانتریفیوژ / خرداد ۱۴۰۲

اورانیوم غنی‌شده ۸۰ درصدی را در این تأسیسات شناسایی کرد. اقدامات ایران تنش‌ها را تشدید کرده و مرزهای بی‌سابقه‌ای را جابجا کرده است. ایران باید بجای تضعیف تضمین‌های اساسی آژانس، گام‌هایی برای ایجاد اعتماد بین‌المللی بردارد.»

بیانیه آمریکا در شورای حکام، یک روز پس از آن صادر شد که منابع دیپلماتیک گزارش دادند دولت جو بایدن از صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جلوگیری کرده است.

دیپلمات‌ها می‌گویند، ادامه حمله نظامی اسرائیل به غزه در پاسخ به حملات مرگبار «هفت اکتبر» حماس و همچنین نگرانی از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه، از دلایلی است که باعث شد آمریکا نخواهد با فشار آوردن برای صدور قطعنامه علیه رژیم ایران به خطر افزایش تنش با جمهوری اسلامی دامن بزند.

یک دیپلمات غربی در همین ارتباط گفته بود: «اگر شما در این شرایط به عنوان عضو از شورای حکام قطعنامه‌ای صادر کنید که یک پیام اشتباه باشد می‌تواند منجر به یک اشتباه محاسباتی شود، که بسیار خطرناک است.»

دیپلمات‌ها می‌گویند، «منطقه در وضعیت به شدت هشداردهنده قرار دارد. شما آتش‌بس یا قطعنامه‌ای در مورد غزه ندارید، ما چشم‌انداز هیچ نوع راه حل هسته‌ای نداریم و... آمریکا هم به سوی انتخابات ریاست جمهوری می‌رود.» برخی دیپلمات‌ها قبل از نشست شورای حکام گفته بودند که سه قدرت اروپایی که آخرین قطعنامه را بطور مشترک با ایالات متحده پیشنهاد کرده بودند و عموماً با هماهنگی واشنگتن عمل می‌کنند پیش‌نویس یک قطعنامه را تدوین کرده‌اند.

رویتز نوشت که سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تنظیم کرده‌اند اما واشنگتن ماه‌هاست که با صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت می‌کند.

● در این بیانیه که توسط لورا هولگیت نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خوانده شد آمده، «همانطور که در گزارش مدیرکل [آژانس] به روشنی آمده، با وجود کاهش بسیار اندک ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در ایران، فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی به شدت نگران‌کننده است.»

● در بخشی از این بیانیه آمده «ایران به توسعه برنامه هسته‌ای خود، نصب آبشارهای سانتریفیوژ پیشرفته و تولید اورانیوم بسیار غنی‌شده که هیچ هدف صلح‌آمیز معتبری برای آن ندارد، ادامه می‌دهد» اما اعلام نشده آمریکا در مقابل این اقدامات و در صورت بی‌اعتنایی جمهوری اسلامی به این دست بیانیه‌ها چه خواهد کرد.

ایالات متحده روز چهارشنبه ششم مارس (۱۶ اسفندماه) در بیانیه‌ای با محکوم کردن فعالیت‌های غیرمجاز اتمی جمهوری اسلامی خواستار «رقیق‌سازی» تمامی ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد و توقف کامل غنی‌سازی با این غلظت توسط ایران شد.

در این بیانیه که توسط لورا هولگیت نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خوانده شد آمده، «همانطور که در گزارش مدیرکل [آژانس] به روشنی آمده، با وجود کاهش بسیار اندک ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در ایران، فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی به شدت نگران‌کننده است. ایران به توسعه برنامه هسته‌ای خود، نصب آبشارهای سانتریفیوژ پیشرفته و تولید اورانیوم بسیار غنی‌شده که هیچ هدف صلح‌آمیز معتبری برای آن ندارد، ادامه می‌دهد. بگذارید واضح بگوییم: ما همچنان نگرانی‌های جدی در رابطه با ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران با غلظت بالا داریم. امروز هیچ کشور دیگری اورانیوم ۶۰ درصدی را برای هدفی که ایران ادعا می‌کند تولید نمی‌کند و اقدامات جمهوری اسلامی در تضاد با رفتار سایر کشورهای غیرهسته‌ای طرف قرارداد NPT است.»

در بخشی از این بیانیه تأکید شده، «ایران نه فقط بخشی از ذخایر ۶۰ درصدی خود بلکه باید تمام آن را رقیق‌سازی و تولید اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد را بطور کامل متوقف کند» با اینهمه نماینده آمریکا نکته تصمیم‌واشنگتن برای مقابله با تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی و بی‌اعتنایی به بیانیه‌هایی از این دست چه خواهد بود.

آژانس در گزارش اخیر خود اعلام کرد که جمهوری اسلامی ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی خود را از اوایل آبان حدود ۶/۸ کیلوگرم کاهش داده و به ۱۲۱/۵ کیلو رسانده است. این میزان اورانیوم غنی‌شده با این غلظت هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.

در بیانیه آمریکا همچنین آمده، «تصمیم ایران در ماه سپتامبر برای اخراج بازرسان مجرب آژانس بطور جدی بر فعالیت‌های راست‌آزمایی آژانس تأثیر گذاشته است. چنین اقداماتی عمیقاً در تضاد با مأموریت آژانس قرار دارد... این اقدام به دنبال تغییرات اعلام‌نشده در آبشارهای سانتریفیوژهای پیشرفته در فردو انجام شد که نقض آشکار تعهدات پادمانی ایران است و متعاقباً آژانس ذرات

→ در حمایت از آنها به آسمان خواهد رساند. با نمره قبولی گرفتن به عنوان یک رژیم نظامی مسئولیت‌پذیر در عرصه بین‌الملل و عدم دخالت در کشورهای دیگر و قطع دست و پای گروه‌های تروریستی و «محور مقاومت» و تضمین امنیت منطقه و کشورهای حاشیه خلیج فارس، مشروعیت خارجی را به تدریج به دست آورده و کشورهای غربی هم به تدریج و با گذشت زمان آن را به رسمیت خواهند شناخت. ایالات متحده آمریکا دهه‌ها با دولت‌های نظامی در پاکستان و ترکیه و مصر و آمریکای جنوبی همکاری کرده و هم‌اکنون نیز ابایی از همکاری با دولت السیسی در مصر ندارد.

تا چند سال پیش تصور بازگشت طالبان در افغانستان و نوعی معامله با آنها از طرف آمریکا از محالات تصور می‌شد ولی با سکوت و نوعی رضایت کشورهای دموکراتیک و سازمان‌های حقوق بشری به واقعیت پیوست! آنهم با این هدف که طالبان دیگر در کشورهای غربی حرکات ایدئولوژیک انجام نمی‌دهند و سدی در مقابل رشد القاعده خواهند بود. همه اینها از معجزات رئال پلئیتیک است که بعید نیست در مورد ایران هم اجرا شود.

از لحاظ اقتصادی نیز اگر اکنون رژیم ددمنش ایران در زیر چشم آمریکا به فروش نفت کشور به چین مشغول است و دولت بایدن واکنشی نشان نمی‌دهد و حتی با بازگرداندن پول‌های بلوکه شده به نوعی رژیم را تشویق هم می‌کند، چرا سپاه پاسداران باید چنین دغدغه‌ای به دل راه دهد؟! از همه مهم‌تر وجود قشر خاکستری در داخل است که در مقابل چنین سناریویی یا حامی آن خواهند بود و یا سکوت اختیار می‌کنند.

اولین کار اپوزیسیون خارج کشور برای مقابله با چنین سناریویی تقاضای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریستی کشورهای غربی است تا از مشروعیت آینده آنها کمی بکاهند و در عین حال نیروهای نظامی ارتش را تشویق به قرار گرفتن در کنار مردم کنند تا در دوران گذار کشور دچار هرج و مرج نگشته و تمامیت ارضی آن تهدید نگردد. هرچند تروریستی خواندن سپاه پاسداران از طرف کشورهای دموکراتیک با مشکلات متعددی مواجه است از جمله ترس از انجام عملیات تلافی‌جویانه در شهرهای اروپایی از طرف این نهاد و همدستان تروریست آن و مشکل دیگر که به نوعی سیاسی و دیپلماتیک است، مقام ولی فقیه به عنوان فرمانده عالی نیروهای مسلح کشور از جمله سپاه پاسداران که با این کار خامنه‌ای نیز در لیست تروریستی قرار گرفته و موجب قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با رژیم خواهد شد.

نزدیک به یکسال از شکست آنچه «منشور مهسا» خوانده شد، می‌گذرد و اپوزیسیون دموکراتیک و ملی‌گرا نتوانسته جایگاه خود را در رهبری اپوزیسیون تثبیت کند. وقت آن رسیده که نیروهای ملی‌گرا و ایراندوست، چه مشروطه‌خواه و چه جمهوریخواه دست به دست هم داده و برای نجات ایران از این رژیم و وقوع سناریوهای بالا اقدام عملی کنند و میدان عمل را به رژیم نسپارند.

نقش شاهزاده رضا پهلوی به عنوان شناخته‌شده‌ترین شخصیت سیاسی ملی‌گرا در عرصه بین‌الملل و هواداران فراوان وی در داخل کشور مسئولیت ایشان را در ایجاد جبهه‌ای متشکل از نیروهای دمکرات و ملی‌گرا برای پس گرفتن و نجات وطن از چنگال این ضحاک زمانه و طرفداران اندک ولی آدمخوارش دوچندان می‌کند.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

نامه وزارت بهداشت برای جلوگیری از واردات داروی بیماران «SMA»



وجود داشت، قطع شد و در این مدت تعداد مرگ و میر ما به شدت بالا رفت. مدتی بود که خانواده‌ها حتی دستگاهی هم برای بچه‌هایشان نمی‌خواستند؛ به این معنی که وضعیت ریه آنها هنوز حاد نشده بود و حتی فوتی هم نداشتیم. در حال حاضر تعداد زیادی از خانواده‌ها نیز برای دستگاهی تنفسی درخواست داده‌اند و وقتی بچه‌ها دستگاهی می‌شوند، یعنی وضعیت آن‌ها خیلی حاد شده است.»

در همین ارتباط رئیس اتاق بازرگانی تهران روز چهارشنبه ۹ اسفندماه با اشاره به مشکلاتی که در توزیع ارز وجود دارد گفته بود در صورت تداوم شرایط فعلی با کمبود دارو روبرو خواهیم شد. در حال حاضر تولید و توزیع برخی داروها مانند داروهای بیماری SMA متوقف شده است. دو سال بعد از دستور ابراهیم ریسی درباره واردات داروی بیماران مبتلا به دیستروفی عضلانی یا اس‌ام‌ای، پیچ و خم توزیع این دارو هنوز ادامه دارد و خانواده این بیماران از روند توزیع آن رضایت ندارند.

اس‌ام‌ای دو نوع داروی تزریقی و خوراکی دارد که نوع تزریقی آن به نام اسپینرازا هزینه بسیار بالایی دارد و پیش از دستور برای واردات این دارو، بسیاری از خانواده‌ها تلاش کردند با راه‌اندازی کمپین تامین مالی، هزینه خرید این دارو را که تا یک میلیارد تومان هم می‌رسد، تامین کنند.

در نهایت پس از سال‌ها پیگیری خانواده این بیماران و دستور رییس‌جمهوری، وزارت بهداشت این دارو را امرداد سال پیش وارد کرد تا به صورت آزمایشی و برای اثبات اثربخشی به بیماران تحویل داده شود. توزیع این داروها هم تحت نظر دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام می‌شد، اما در همین روند مدتی وقفه و مشکلاتی ایجاد شد.

خانواده این بیماران در دی‌ماه هم روبه‌روی وزارت بهداشت تجمع کردند تا وضعیت توزیع آن را پیگیری کنند. به گفته سعید اعظمیان نماینده خانواده بیماران مبتلا به اس‌ام‌ای، تقریباً ۵۰۰ بیمار در انتظار واردات دارو هستند، اما بخشی از این بیماران به دلیل دریافت نکردن دارو و وخیم شدن شرایطشان فوت می‌کنند. تقریباً در دو سال گذشته ۲۰ بیمار جان خود را از دست داده‌اند

شدن دارو و حاد شدن وضعیت‌شان فوت کردند. وی با اشاره به اینکه بیماران مبتلا به SMA به سه اولویت بندی تقسیم می‌شوند، توضیح داد: «در اولویت اول، کودکان زیر ۱۰ سال، اولویت دوم بیماران ۱۱ تا ۲۰ سال و در اولویت سوم، افراد ۲۰ سال به بالا قرار گرفتند. وزارت بهداشت گفت وقتی دارو بیاید به اولویت ۱ داده می‌شود و بعد اثربخشی آن‌را بررسی می‌کنیم. اما در نهایت بیشتر از ۶ ماه دارو داده نشد و بعد دارو را قطع کردند. حداقل دارو را یکساله توزیع نکردند و درمان بچه‌ها نصفه باقی ماند. هنوز داروی اولویت اول کامل داده نشده بود که دارو برای اولویت دوم برده شد. اما از بین بچه‌های اولویت دوم نیز به همه دارو داده نشد. از ۲۰۰ نفر به ۶۰ نفر دارو رسید و حتی درمان بیماران اولویت دوم نیز نصفه باقی ماند. ما حساب کردیم که اگر بخواهند «آمپول اسپینرازا» را به اولویت‌های دوم بدهند به هر بیمار ۲.۵ دوز بیشتر می‌رسد.»

حیدری با بیان اینکه سازمان دارو اعلام کرد که به ۶۰ نفر از بیماران اولویت دوم دارو داده، گفت: «این در صورتی بود که ما در انجمن فقط شنیده‌ایم یک نفر از بیماران اولویت دوم دارو گرفته و از هر خانواده‌ای در این‌باره پرسیدیم به ما گفتند دارو به آنها تعلق نگرفته است.»

مدیرعامل انجمن دیستروفی با اشاره به اینکه طی این اتفاق، خانواده‌ها از روز دوشنبه ۷ اسفند به مدت ۳ روز مقابل وزارت بهداشت و نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند، ادامه داد: «خانواده‌ها دوشنبه مقابل وزارت بهداشت رفته و آنها حتی حاضر نشدند با خانواده‌ها صحبت کنند و یا آنها را راه بدهند. خانواده‌ها وقتی دیدند تجمع مقابل وزارت بهداشت فایده‌ای ندارد، روز سه‌شنبه و چهارشنبه ۸ و ۹ اسفند، مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.»

مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران در ارتباط با وعده وزارت بهداشت درباره تولید دارو افزود: «این فقط یک بهانه برای قطع کردن داروها بود. وزارت بهداشت گفته دارو اثربخشی ندارد و دیگر نمی‌خواهیم وارد کنیم.»

حیدری تاکید کرد: «داروهای بچه‌های سن پایین که حساسیت بیشتری داشته و احتمال تحلیل رفتن ریه آنها

● رامک حیدری مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران: «دکتر یونس پناهی معاون تحقیقاتی وزیر، نامه‌ای به نهاد ریاست جمهوری زده و گفته دارو برای اولویت اول هیچ اثربخشی نداشته است. اما این در صورتی است که به گفته همه خانواده‌ها داروها اثر بخشی داشته و وضعیت بچه‌هایشان رو به بهبود بوده است.»

● مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران در ارتباط با وعده وزارت بهداشت درباره تولید دارو افزود: «این فقط یک بهانه برای قطع کردن داروها بود. وزارت بهداشت گفته دارو اثربخشی ندارد و دیگر نمی‌خواهیم وارد کنیم.»

حدود ۳ ماه از قول وزارت بهداشت و درمان برای توزیع دارو به بیماران «SMA» می‌گذرد، اما نه تنها دارویی توزیع نشده، بلکه اثربخشی داروها نیز از طرف «وزارت بهداشت» رد شده تا عملاً هیچ دارویی بین بیماران پخش نشود. به این ترتیب در حالی که طی اعتراض‌های خانواده‌های بیماران به آنها قول تولید و توزیع داروی ایرانی داده شده بود، اما نه داروی ایرانی تولید شده و نه شربت «ریس‌دیپلام» و آمپول «اسپینرازا» از داروهای حیاتی بیماران مبتلا به SMA نیز دیگر وارد نمی‌شود.

روز شنبه ۱۲ اسفندماه وبسایت «فراز» به نقل از رامک حیدری مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران نوشت: «دکتر یونس پناهی معاون تحقیقاتی وزیر، نامه‌ای به نهاد ریاست جمهوری زده و گفته دارو برای اولویت اول هیچ اثربخشی نداشته است. اما این در صورتی است که به گفته همه خانواده‌ها داروها اثر بخشی داشته و وضعیت بچه‌هایشان رو به بهبود بوده است.»

او در ادامه می‌گوید: «وزارت بهداشت گفت، داروی ایرانی تولید می‌کند؛ اما هنوز هیچ شرکتی حتی پیشنهاد ساخت دارو را به وزارت بهداشت نداده است. این فقط یک بهانه برای قطع کردن داروها بود. وزارت بهداشت گفته دارو اثربخشی ندارد و دیگر نمی‌خواهیم وارد کنیم.»

به گفته مدیرعامل انجمن دیستروفی در این یک ماه اخیر حدود ۱۰ نفر از کودکان اولویت اول فقط به دلیل قطع

نمایندگای برای تغییر در ایران



رژیم تأکید دارد. اما در مقابل یک ارتش منسجم سایبری از بات‌ها و ترول‌هایی که توسط وزارت اطلاعات رژیم و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) تشکیل شده‌اند، با هدف ایجاد هرچه بیشتر سردرگمی و شک درباره چشم‌انداز آقای پهلوی برای ایرانی آزاد و دموکراتیک، بطور دائم فعالیت می‌کنند. در حالی که هیچ حقیقتی در ادعاهای رژیم در این خصوص وجود ندارد. آقای پهلوی به یک سیستم جایگزین مبتنی بر تکتگرایی، سکولاریسم و حاکمیت مردم ایران متعهد است. چشم‌انداز او برای ایران پس از سقوط جمهوری اسلامی اساساً بر ارزش‌های لیبرال استوار است. او بر حق ایرانیان برای انتخاب نوع حکومت تأکید کرده و هرگونه تصویرسازی از خود را به عنوان پادشاه آینده رد کرده است. در عوض، خود را به عنوان یک «عامل تغییر» می‌بیند، کسی که ترویج‌دهنده سیستمی است که در آن اقتدار دولت از رضایت، مشارکت، فرصت‌های برابر و آزادی انتخاب شهروندان نشأت می‌گیرد.

نقش ایده‌آل آقای پهلوی در این زمان، خدمت به عنوان یک شخصیت ایجادکننده هم‌صدایی هم‌زمان میان مخالفان جمهوری اسلامی برای کمک به مردم ایران در جایگزینی رژیم دیکتاتور و فاسد کنونی با حکومتی سکولار و دموکراتیک با تکیه بر انتخابات آزاد و عادلانه است. او آماده است که با افراد یا گروه‌هایی که مورد اعتماد مردم ایران هستند و چشم‌انداز مشترکی برای ایران آزاد دارند، همکاری کند. بیانیه‌های عمومی او نشان می‌دهند که می‌خواهد در دوره گذار به عنوان یک «نماینده و عامل تغییر» برای رهایی ایران خدمت کند.

در این میان کمپین فریبکاری جمهوری اسلامی، بر چالش‌هایی که عاملان تغییر در ایران با آن روبرو هستند، می‌افزاید. آزادپخواهان ایرانی نباید اجازه دهند که رژیم آنها را از یکدیگر جدا و از مسیر خود منحرف سازد و به همین ترتیب، سیاستمداران غربی نیز دیگر نباید به فریب خوردن ادامه دهند. آقای پهلوی با استواری بر تعهد خود به ارزش‌های دموکراتیک و حاکمیت مردم ایران، به عنوان یک «عامل تغییر» می‌تواند با هماهنگ نمودن مبارزات سیاسی علیه رژیم، برای دستیابی به آینده‌ای در ایران تلاش کند که هم بازتاب‌دهنده اراده شهروندان در اداره حکومت باشد و هم ترویج‌دهنده صلح، امنیت و ثبات در منطقه و در جهان باشد. *بیژن کیان مقام ارشد سابق در دولت ایالات متحده که صلاحیت او دو بار توسط سنا تأیید شده و از مدیران «اندیشکده آوای آزادی»

*سام کرمانیان فعال و تحلیلگر سیاسی از «اندیشکده آوای آزادی»

● برای جلوگیری از اقدامات سیاسی هماهنگ توسط مخالفان، رژیم بطور سیستماتیک تفرقه و اختلاف را ترویج می‌کند. سازمان‌های طرفدار رژیم بطور مداوم تامین مالی می‌شوند، در حالی که برای جلوگیری از همصدایی هم‌زمان میان گروه‌های مختلف سیاسی علیه رژیم، اختلاف و درگیری ایجاد می‌شود.

● دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم نیز متعاقباً تلاش کرده‌اند تا با مطرح کردن آقای رضا پهلوی صرفاً به عنوان یک پادشاه دیکتاتور در آینده ایران، میان مخالفان تفرقه ایجاد کنند.

● آقای پهلوی بارها بر موضع خود به عنوان یک «عامل تغییر» برای کمک به گذار ایران از دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی به سوی یک حکومت دموکراتیک و آزاد تأکید کرده است. او به صراحت و روشنی تکرار کرده که تصمیم‌گیری برای انتخاب نوع حکومت در آینده، تنها به مردم ایران تعلق دارد. در چشم‌انداز او، ایران دموکراتیک باید بر پایه رقابت سیاسی آزاد و عادلانه و انتخابات واقعی بنا شود.

بیژن کیان و سام کرمانیان - طی چهار دهه گذشته، کشور ایران شاهد ناراضی‌رئوی روزافزون مردم از رژیم جمهوری اسلامی بوده است. مرکز ثقل این ناراضی‌ها، خواست مردم ایران برای تغییر رژیم و رد کامل جمهوری اسلامی و دیکتاتوری روحانیونی است که می‌خواهند به هر قیمتی در قدرت بمانند. رژیم جمهوری اسلامی، ایرانیان آزادپخواه را بزرگترین تهدید علیه خود می‌پندارد. دیکتاتوری آخوندی از طیف گسترده‌ای از روش‌های وحشیانه برای سرکوب مخالفت‌ها در داخل و خارج از ایران استفاده می‌کند. در داخل مرزهای کشور، اعدام، زندان و ارباب، روش رایج حکومت برای سرکوب مردم است. این رژیم ترس را تزییق و هر صدای مخالفی را خاموش می‌کند. فراتر از مرزهای ایران نیز رژیم از استراتژی‌های مشابهی مانند ترویج ارباب، ترور و ربودن مخالفان سیاسی برای خاموش کردن فعالان در دیاسپورای ایرانی استفاده می‌کند.

برای جلوگیری از اقدامات سیاسی هماهنگ توسط مخالفان، رژیم بطور سیستماتیک تفرقه و اختلاف را ترویج می‌کند. سازمان‌های طرفدار رژیم بطور مداوم تامین مالی می‌شوند، در حالی که برای جلوگیری از همصدایی هم‌زمان میان گروه‌های مختلف سیاسی علیه رژیم، اختلاف و درگیری ایجاد می‌شود. در این شرایط آشفته، شاهزاده رضا پهلوی معروف‌ترین، محبوب‌ترین و مورد اعتمادترین چهره پیشرو در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی است. نظرسنجی‌های انجام شده توسط گروه‌های مختلف از جمله گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان (گمان) و نظرسنجی ارفی (مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی) این ادعا را بارها تأیید کرده‌اند. دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم نیز متعاقباً تلاش کرده‌اند تا با مطرح کردن آقای رضا پهلوی صرفاً به عنوان یک پادشاه دیکتاتور در آینده ایران، میان مخالفان تفرقه ایجاد کنند. در مقابل، آقای پهلوی بارها بر موضع خود به عنوان یک «عامل تغییر» برای کمک به گذار ایران از دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی به سوی یک حکومت دموکراتیک و آزاد تأکید کرده است. او به صراحت و روشنی تکرار کرده که تصمیم‌گیری برای انتخاب نوع حکومت در آینده، تنها به مردم ایران تعلق دارد. در چشم‌انداز او، ایران دموکراتیک باید بر پایه رقابت سیاسی آزاد و عادلانه و انتخابات واقعی بنا شود. او بر ضرورت اقدام هماهنگ توسط مخالفان

→ امرداد امسال هم ۴۰۰ ویال داروی اسپینترازا وارد شد، اما تا اوایل آبان امسال توزیع نشده بودند و همین باعث شد خانواده‌ها دو روز روبروی وزارت بهداشت تجمع کنند.

در نامه‌ای که انجمن حمایت از بیماران اس‌ام‌ای به وزیر بهداشت داده شده است، هشدار دادند که چنانچه به مسائل پیشگیرانه توجه نشود، سالانه بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ بیمار جدید در کشور متولد خواهد شد؛ هزینه نگهداری از این بیماران بسیار بالا بوده و هزینه‌های درمانی سرسام‌آوری دارند. لزوم اطلاع‌رسانی درباره انجام غربالگری و آزمایش‌های مهم و به موقع، هزینه سنگین انجام آزمایش‌های ژنتیکی، کاستی در اطلاع‌رسانی درباره این بیماری، نبود برنامه دقیق برای پیشگیری از تولد نوزادان مبتلا به بیماری اس‌ام‌ای، نبود آمار دقیق مبتلایان، همچنین هزینه‌های بالای خدمات کاردرمانی، توانبخشی، روانشناسی، گران بودن ویلچر، لیفت و بالابر، مشکلات مربوط به رفت‌وآمد، ادامه تحصیل و جابه‌جایی بیماران از جمله مشکلات جدی دیگری است که خانواده‌ها و بیماران اس‌ام‌ای با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به گفته سعید اعظمیان مدیر عامل انجمن بیماران SMA «بیماران مبتلا به SMA در ایران تقریباً ۷۰۰ نفر هستند و در صورتی که به موقع درمان نشوند تقریباً قبل از دو سالگی فوت می‌کنند. البته بیماری در مرحله خفیف‌تر به تدریج پیشرفت می‌کند و بیمار به مرور بسیاری از توانایی‌های خود را از دست می‌دهد. بنابراین نیاز به کسی دارد که حتماً از او پرستاری و نگهداری کند. یعنی اغلب نمی‌توانند زندگی مستقلی داشته باشند.»

بیماران مبتلا به «آتروفی عضلانی نخاعی» (SMA) و خانواده‌هایشان در روزهای گذشته با وجود بارش گسترده برف در پایتخت سه تجمع اعتراضی در مقابل وزارت بهداشت و نهاد ریاست جمهوری برگزار کردند. این بیماران که با کمبود و گرانی دارو روبرو هستند تأکید کردند که «دارو، حق طبیعی همه بیماران اس‌ام‌ای است». آنها در دو تجمع اعتراضی روزهای گذشته روی پلاکاردهایی که در دست داشتند نوشته بودند «دارو حق طبیعی همه بیماران است و با جان انسان‌ها بازی نکنید.»

مهدی حیات غیبی خبرنگار ورزشی و بیمار SMA هم از هزینه‌های معال ماهیانه ۲۰۰ میلیون تومان برای تهیه داروی این بیماری خبر داده و گفته در کل کشور حدود هزار نفر به بیماری SMA مبتلا هستند. از سال ۲۰۱۷ داروی این بیماری در دنیا در حال توزیع است، اما در ایران متأسفانه به‌دست بیشتر بیماران نرسیده است. این خبرنگار گفته که «وزارت بهداشت پروتکلی نوشت و فقط به یک سوم بیماران دارو رسید. با اعتراض‌هایی که داشتیم دارو برای زیر ۱۱ سال توزیع شد اما داروی زیر ۱۱ سال هم قطع شد.»

به گفته مهدی حیات غیبی «۳ ماه پیش وزیر بهداشت و درمان وعده داد که ۲۲ بومن از داروی وطنی رونمایی خواهد شد و تا نوروز ۱۴۰۳ دارو در اختیار همه بیماران قرار می‌گیرد اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد.»

SMA کلمه اختصاری «Spinal Muscular Atrophy» و یا بیماری «وردینگ هافمن» است. در اثر این اختلال، ژن‌ها پروتئین کافی برای عملکرد طبیعی نورون‌های حرکتی در اختیار نخواهند داشت و منجر به از کار افتادن اعصاب و کوچکتر شدن آن‌ها می‌شود.

این بیماری ممکن است از دوران جنینی آغاز شود و تا بزرگسالی ادامه پیدا کند. وقتی دارویی به مبتلایان این بیماری نرسد، طی مرور زمان ریه آنها تحلیل رفته، بدن ضعیف‌تر شده و منجر به مرگ بیمار می‌شود.

یک گام تا اعدام؛ وکیل عباس دریس از ایرادات پرونده موکلش می‌گوید



عباس دریس

بودند پس از کشتار مردم در نيزراه‌های ماهشهر در یک پرونده‌سازی از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شدند. آنها در ابتدا به «قتل عمد» رضا صیادی از مأموران نیروی انتظامی متهم شدند اما بعد از اقدامی عجیب اتهام آنها تغییر کرد و به «محاربه، اخلال در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نویو» تبدیل شد. دادگاه انقلاب بر اساس اعترافات اجباری و زیر شکنجه عباس دریس مبنی بر تبراندازی و کشتن یک مأمور نیروی انتظامی او را به اعدام و برادرش را به اتهام «شرکت در قتل» به حبس ابد محکوم کرد. وکیل این زندانی سیاسی پیشتر تأیید کرده بود که اعترافات موکلش در وزارت اطلاعات انجام شده و او در دادگاه و در حضور قاضی اتهامات را رد کرده و گفته در جریان آنچه در نيزراه‌های ماهشهر رخ داده به کسی شلیک نکرده و کسی را نکشته است. اما دادگاه بی‌اعتنا به این موضوع و با تکیه بر اعترافات اجباری و زیر شکنجه‌ی این شهروند او را به اعدام محکوم کرد. عباس دریس (شلیشات) متولد سال ۱۳۵۹، متأهل و دارای فرزند است که تا پیش از بازداشت توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به کارگری مشغول بوده و سابقه فعالیت سیاسی نیز نداشته است. کفایه حزباوی همسر عباس دریس در زمان پیگیری پرونده همسرش پس از پیگیری‌های بسیار درباره پرونده او به نهادهای قضایی تهران مراجعه کرد و به او گفتند همسرش اعدام خواهد شد. کفایه حزباوی به دلیل فشارهای روحی دچار سکنه مغزی شد و پس از مدتی جان سپرد.

فرشته تابانیان در اینباره گفته بود که «به همسر عباس دریس در تهران به دروغ گفتند که حکم اعدام او صادر شده و او به دلیل عدم آگاهی حقوقی، تصور کرده که حکم صادر شده متأسفانه ظرف یک هفته به دلیل سکنه جان باخت.» کاربران ایرانی هفدهم آذرماه ۱۴۰۰ برای حمایت از این شهروند زندانی توفان توییتری به راه انداختند که طی آن کاربران با استفاده از هشتگ‌های #عباس_دریس، #اعدام_نکنید و #SaveAbbas خواهان لغو مجازات اعدام او شدند.

هم نتوانست دریس را از اجرای حکم اعدام برهاند و اعاده دادرسی نیز بی‌نتیجه ماند و در نهایت حکم اعدام با اتهام «محاربه» برای او صادر شد. فرشته تابانیان در بخش دیگری از این گفتگو، پرونده عباس دریس را «خاص» و «سیاسی» خوانده و گفته که «پرونده عباس دریس پرونده خاص است. این پرونده حقوقی بود و بر اساس قوانین حقوقی بررسی می‌شد، جای بحث داشت و می‌شد که حکم اعدام را لغو کرد. اما متأسفانه پرونده سیاسی است. البته ما تقاضای عفو موردی کردیم و امیدواریم که این تقاضای ما مورد تأیید قرار گیرد.» ماه گذشته اعلام شد که دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی عباس دریس از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ در ماهشهر را رد کرده و بدین ترتیب حکم «اعدام» این شهروند معترض تأیید شده است. پس از رد درخواست فرجام‌خواهی عباس دریس و تأیید حکم اعدام این شهروند از سوی دیوان عالی کشور، فرشته تابانیان اعلام کرد که برای موکلش تقاضای اعمال ماده ۴۷۷ را کرده و این درخواست در دست بررسی است. بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی، در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع و قانون اساسی تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، شعبی خاص از دیوان عالی که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصص می‌یابد، به پرونده رسیدگی و رأی قطعی را صادر می‌کنند. در جریان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ و در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۹ آبان در ماهشهر اعتراضات گسترده‌ای از سوی مردم به ویژه در شهرک «چمران» برگزار شد و مردم توانستند جاده خروجی ماهشهر را ببندند. مأموران جمهوری اسلامی معترضان را در نيزراه‌های نزدیک شهرک جراحی به رگبار بستند و مردم مسلح نیز به مقابله با آنها پرداختند. جمهوری اسلامی برای سرکوب شهروندان به سلاح‌های سنگین نظامی و دوشکا متوسل شد. به استناد برخی گزارش‌ها حدود ۱۰۰ شهروند در جریان این کشتار جان باختند. عباس دریس و برادرش که هر دو ساکن شهرک «چمران»

فرشته تابانیان گفته پزشکی قانونی اعلام کرد شکاف روی صورت «صیادی» که در اعتراضات کشته شده نشان می‌داد از فاصله نزدیکی به او شلیک شده؛ در حالی که «چشم‌های موکل بنده ضعیف است و با عینک هم نمی‌توانسته با این دقت شلیک کند.»

ماه گذشته اعلام شد که دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی عباس دریس از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ در ماهشهر را رد کرده و بدین ترتیب حکم «اعدام» این شهروند معترض تأیید شده است.

حکم اعدام عباس دریس شهروند بازداشت شده در اعتراضات سال ۹۸ در ماهشهر در دیوان عالی کشور تأیید شده و حالا او در یک قدمی اجرای حکم اعدام قرار دارد. وکیل عباس دریس به تازگی در یک گفتگو از ایرادهای پرونده و بی‌گناهی موکلش گفته است.

فرشته تابانیان وکیل عباس دریس در گفتگو با «دیده‌بان ایران» به ایرادات پرونده موکلش و دلایلی که نشان می‌داد او نمی‌تواند گناهکار باشد اما دادگاه به آنها توجه نکرده پرداخته است. به گفته فرشته تابانیان وکیل پایه یک دادگستری درباره ایرادهایی که حتی در در اعاده دادرسی و از سوی دیوان عالی کشور نیز مورد توجه قرار نگرفت، «یکی از ایرادات اقرارهایی بود که نزد مقام قضایی انجام نشده بود. در مورد دیگر به کارشناسی اسلحه اشاره کردیم. اسلحه در خانه همسایه کشف شده و ثابت نشد که اسلحه برای موکل بنده است در کارشناسی اسلحه اعلام شده بود که مشخص نیست شلیک از این اسلحه بوده، چون گلوله‌ای یافت نشده بود.»

او همچنین اشاره کرده که موارد درج شده در اسناد پزشکی قانونی نیز مورد توجه قرار نگرفته: «پزشکی قانونی اعلام کرده بود شکافی که در صورت شهید صیادی وجود داشته حاکی از آن است که از فاصله نزدیک‌تری به او شلیک شده است. از سوی دیگر چشم‌های موکل بنده ضعیف است و با عینک هم نمی‌توانسته با این دقت شلیک کند. متأسفانه هیچکدام از این ادله در دادگاه جواب نداد و حکم اعدام صادر شد.»

وکیل عباس دریس همچنین گفته که «سه مأمور نیروی انتظامی که همراه شهید صیادی بودند نیز شهادت دادند که ندیدیم از چه کسی و از کدام طرف شلیک کرده است. فقط دیدیم که به ایشان شلیک شد. متأسفانه هیچکدام از این ادله در دادگاه جواب نداد.»

او افزوده که «تمام دادنامه‌ها بر اساس اقرارهای اولیه عباس دریس و همسایه‌اش تنظیم شده است. بارها در دادگاه گفتیم که او در شرایط خاص انفرادی نگهداری شده و این اقرارها فاقد اعتبار است. در قانون نیز اشاره شده که اقرار تنها نزد مقام قضایی- قاضی یا بازپرس- قابل استناد است. در حالی که هیچکدام در مراحل بازپرسی و دادگاه اقراری از آقای دریس وجود ندارد.»

این وکیل دادگستری افزوده که خانواده رضا صیادی در جلسه‌ای با حضور دو خانواده- دریس و صیادی- و بزرگان طایفه لر و عرب استان خوزستان اعلام کردند که تقاضای قصاص نکرده‌اند و یکبار هم برای شکایت پای مادر شهید صیادی به دادگاه باز نشده است. برادر شهید صیادی در این جلسه به صراحت اعلام کرد که رضایت محضری به خانواده دریس می‌دهند تا بدون دریافت هیچ دیه‌ای دریس از اعدام رهایی یابد. اما این پادرمیانی ریش‌سفیدان و رضایت‌نامه

محکومیت شروین حاجی پور به زندان، ممنوع‌الخروجی، رونویسی کتاب‌های ایدئولوژیک و ساخت موزیک علیه آمریکا!



شروین حاجی پور

توضیح درباره این اثر اعتراضی، به بازداشت شروین توسط مأموران جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد و گفت با وجود بازداشت شروین، این ترانه با موضوع قدرتمند «زن زندگی آزادی» در سراسر جهان بازتاب پیدا کرد و شنیده شد. جیل بایدن با اشاره به اینکه این ترانه «الهام‌بخش» و «نوابی نیرومند و شاعرانه برای آزادی و حقوق زنان» است افزود که یک کمیته ویژه با بررسی بیشتر از ۱۳۰ هزار رای ارسال شده، ترانه «برای» را شایسته‌ی دریافت جایزه تأثیرگذاری در تغییرات اجتماعی دانسته است.

بر اساس اعلام «آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط» از ۱۱۵ هزار درخواست ثبت شده در کارزار اینستاگرامی و تیک‌تاکی «گرمی»، ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان خواهان اعطای جایزه ویژه این رویداد هنری بین‌المللی به ترانه «برای» اثر شروین حاجی پور شدند.

مجله تایم هم شروین حاجی پور را به عنوان یکی از ۱۰۰ شخصیت تأثیرگذار سال ۲۰۲۳ میلادی معرفی کرد. مجله «تایم» در فهرست «صد چهره تأثیرگذار سال ۲۰۲۳» افرادی در حوزه‌های مختلف سیاسی، هنری، سرگرمی، علم و کنشگری را معرفی کرد. در این فهرست نام شروین حاجی پور در کنار نیلوفر حامدی، الهه محمدی دو روزنامه‌نگار بازداشتی در اعتراضات جنبش ملی، به چشم می‌خورد.

شروین حاجی پور تا کنون صاحب ۳۳ ترانه، سه موسیقی متن، چهار مآهنگ، ۴۸ آهنگ منتشر نشده و سه آهنگ به عنوان هنرمند برجسته است. او پس از تست خوانندگی در «عصر جدید» در ۲ فروردین ۱۳۹۸ آهنگ «شاید بهشت» را که خودش نوشته بود اجرا و به عنوان اولین تک‌آهنگ خود بر روی تمامی پلتفرم‌های اجتماعی منتشر کرد و در بین نسل جوان داخل ایران مطرح شد.

گردآوری شده به دست خود را علاوه بر ارائه به واحد اجرای احکام، از طریق فضای مجازی به اسم خودش منتشر کند.

شروین حاجی پور خواننده ساکن ایران در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، پس از انتشار ترانه «برای» توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات ساری منتقل شد. او در تاریخ ۱۲ مهر همان سال، با قرار وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شد.

شروین حاجی پور توسط شعبه ۱۱ بازپرسی دادسرای ساری تفهیم اتهام شد. مجید کاوه وکیل او با انتشار مطلبی در صفحه شخصی خود اتهام مطروحه علیه موکل خود را «فعالیت تبلیغی علیه نظام و ترغیب و تحریک افراد به اعمال خشونت آمیز» عنوان کرده و نوشته بود که «همچنین به موجب قرار نظارت قضایی، دستور منع خروج شروین حاجی پور از کشور به مدت ۶ ماه صادر شده است.»

ترانه «برای» در میانه اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ و با الهام از متن توثیفات‌های کاربران ایرانی درباره اعتراضات منتشر شد. این ترانه با استقبال عمومی معترضان در ایران مواجه شد و در ۲۴ ساعت اولیه انتشارش نزدیک به ۴۰ میلیون بازدیدکننده داشت و پس از آنکه در صفحه اینستاگرام وی از دسترس خارج شد، هزاران بار بازخوانی، همخوانی و و به زبان‌های مختلف توسط هنرمندان و شهروندانی عادی از سراسر جهان بازنشر شده است. خوانندگان مشهوری چون راجر واترز نیز اثر «برای...» و خلاقیت شروین را ستوده‌اند.

شروین حاجی پور فوریه ۲۰۲۲ برای خلق ترانه «برای» برنده جایزه «گرمی» در بخش «ترانه‌های تأثیرگذار در تغییر اجتماعی» شد.

در این مراسم جیل بایدن همسر جو بایدن این جایزه را به آهنگ «برای» شروین حاجی پور اهدا کرد. جیل بایدن با

● شروین حاجی پور به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به هشت ماه زندان و به اتهام «اغوا و تحریک مردم به اغتشاشات به قصد بر هم زدن امنیت کشور» به سه سال حبس تعزیری محکوم شده است.

● از دیگر احکام او مطالعه و خلاصه‌نویسی دست‌نویس کتاب‌های «حقوق زن در اسلام»، «زن در آئینه جمال و جلال» است.

- «ساخت موسیقی درباره جنایات آمریکا علیه بشریت و جمع‌آوری نقض حقوق بشر از سوی دولت آمریکا در یک قرن اخیر» از دیگر احکام علیه این هنرمند است.

شروین حاجی پور هنرمند معترض و خواننده ترانه «برای» از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی به زندان و ممنوعیت خروج از کشور، خواندن کتاب‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و ساخت موسیقی علیه آمریکا محکوم شده است.

شروین حاجی پور ترانه‌سرا، آهنگساز و خواننده ۲۵ ساله که ترانه «برای» را در اوج اعتراضات جنبش ملی سال گذشته منتشر کرد، به سه سال و هشت ماه زندان، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و مطالعه کتاب‌هایی مانند «نظام حقوق زن در اسلام» محکوم شد. «ساخت موسیقی درباره جنایات آمریکا علیه بشریت و جمع‌آوری نقض حقوق بشر از سوی دولت آمریکا در یک قرن اخیر» از دیگر احکام علیه این هنرمند است.

شروین حاجی پور خواننده ترانه «برای» روز جمعه ۱۱ اسفند حکم صادر شده زندان و ممنوعیت خروج از کشور و احکام تبییی را که از سوی دادگاه انقلاب علیه‌اش صادر شده در حساب کاربری‌اش در اینستاگرام منتشر کرد.

بر اساس حکم صادره این هنرمند به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به تحمل هشت ماه حبس تعزیری و به اتهام «اغوا و تحریک مردم به اغتشاشات به قصد بر هم زدن امنیت کشور»، «با احتساب ایام بازداشت قبلی» به سه سال حبس تعزیری محکوم شده است. بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی سه سال حبس برای وی قابل اجراست.

در این حکم آمده «با توجه به اینکه دادگاه مجازات اصلی پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی را برای اصلاح مرتکب کافی ندانسته است»، او به «دو سال ممنوعیت خروج از کشور، جمع‌آوری دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگی، علمی و هنری و انتشار آن در فضای مجازی به نام خود، مطالعه و خلاصه‌نویسی کتاب قانون زن در اسلام و کتاب زن در آئینه جمال و جلال، به میزان سی صفحه هر یک به صورت مجزا و دستنویس جهت درج در پرونده و ارائه به واحد اجرا و انتشار آن در فضای مجازی و ساخت موسیقی درباره جنایات آمریکا علیه بشریت، جمع‌آوری نقض حقوق بشر از سوی دولت آمریکا در یک قرن اخیر و انتشار آن در فضای مجازی و شرکت در دوره‌های آموزشی مهارت رفتار و دانش در حوزه هنر، محکوم شده است.

بر اساس این حکم، حاجی پور مکلف شده تمامی مطالب

پدیده خودکشی و دیگرجشی سربازان؛ بی‌اعتنایی جمهوری اسلامی به اقدامات ضروری برای پیشگیری

پاسخ سوالات را انتخاب نمی‌کنند، زیرا از معافیت اعصاب و روان و به اصطلاح «کارت قرمز گرفتن» می‌ترسند. همچنین امکان بازرسی بدنی تعداد زیادی از سربازان وجود ندارد.» به عقیده این روانشناس باید از سربازانی که اسلحه هم دریافت می‌کنند تست‌های دوره‌ای روانشناسی گرفته شود اما مسئولان فقط به «خوداظهاری» سربازان اکتفا می‌کنند: «در برخی از پادگان‌ها سربازان یگان پاسدار اسلحه دریافت می‌کنند و لذا حساسیت مراکز مشاوره پادگان‌ها بر ایندسته از سربازان بیشتر است. به عبارتی دیگر هرچند وقت یکبار باید از سربازان یگان پاسدار، تست‌های روانشناسی گرفته تا وضعیت روان آنها سنجیده شود. اما در این موضوع نیز مبنای خوداظهاری سربازان است و سربازان باید خود به مرکز مشاوره مراجعه کرده و درخواست دریافت خدمات کنند.» او یکی از دلایل بروز موارد خودکشی و دیگرجشی در میان سربازان را فشار به سربازان در پست نگهداری ارزیابی کرده و گفته «به دلیل کم بودن تعداد سربازان برخی از مسئولین پادگان‌ها مجبور هستند نگهداری پاسدارها را افزایش دهند و این موضوع خود مسبب بسیاری از مشکلات در خصوص خودکشی و دیگرجشی سربازان است. نیاز است مسئولین مربوط عدالت را در نگهداری سربازان رعایت کند تا از شکل‌گیری چنین مشکلاتی پیشگیری شود. همچنین این افراد باید حداقل اطلاعاتی از مباحث روانشناختی داشته باشند تا در رفتار خود با سربازی که درگیر مسائل روانی هستند دقت بیشتری داشته باشند.»

این روانشناس با اشاره به طرح «مشاوریار» که در صورت اجرای درست می‌تواند نقش بازدارنده از بروز پدیده خودکشی یا دیگرجشی سربازان ایفا کند اشاره کرده و می‌گوید بر اساس این طرح باید سربازان با سواد بالاتر، آسیب روانی کمتر و مسن‌تر مراقب سایر سربازان باشند و در صورت مشاهده ناهنجاری در آنها به مرکز مشاوره اطلاع دهند. او افزوده که «این طرح اگر به درستی اجرا شود می‌تواند تبعات مثبت بسیاری زیادی داشته باشد، اما متأسفانه این طرح نیز ناقص اجرا می‌شود.»

در همین ارتباط کیهان لندن در گزارشی که مهر ۱۳۹۵ منتشر کرده بود نوشت: «خودکشی افراد در یک یگان نظامی تأثیر منفی زیادی بر روحیه یگان دارد، اما سرسختی و غرور نیروهای نظامی و ترس از اینکه اگر به دنبال مشاوره روانی باشند به جایگاه خدمتی آنها آسیب وارد شود از عمده دلایلی است که نظامیان را در پیشگیری از خودکشی با مشکل روبرو می‌کند.»

در این گزارش همچنین آمده بود: «در پادگان‌های جمهوری اسلامی بیشتر از آنکه روان‌شناسان و روانکاوان نقش مشاور روحی و روانی را داشته باشند، این روحانیون هستند که از طرف سازمان عقیدتی و سیاسی نیروهای مسلح در پادگان‌ها حضور دارند. حضوری که نه راه حل، بلکه خود بخشی از مشکل است.»

این گزارش در توضیح این مشکل چنین استدلال کرده بود: «به دلیل تحمیل آموزش‌های انقلابی و اسلامی، همچنان مذهب اصلی‌ترین روش در پادگان‌های جمهوری اسلامی برای ارتقاء روحی و روانی پرسنل مورد استفاده قرار می‌گیرد، اگرچه نه تنها بی‌نتیجه بوده بلکه چه بسا در گسترش ناراحتی‌های روحی و روانی تأثیر هم داشته



شد؛ و در سوم دی‌ماه ۱۴۰۲ در پایگاه «سپاه سلمان» زاهدان یک سرباز دیگر بر اثر تیراندازی جان خود را از دست داد. «کیهان لندن» در ویدئویی با عنوان «سربازگشی دستاورد جمهوری اسلامی» با توجه به گزارش‌هایی که در همین زمینه در این رسانه منتشر شده، به خودکشی و دیگرجشی سربازان در ایران پرداخته است. بر این اساس تنها از سال ۱۳۹۶ تا کنون (طی شش سال) بیشتر از شش مورد در مراکز نظامی سربازان به روی هم‌قطاران خود آتش گشوده‌اند. تعداد سربازهایی که در این مدت به این شکل کشته شده‌اند به حدود ۳۰ نفر می‌رسد.

روزنامه «اعتماد» اواخر بهمن‌ماه در یادداشتی درباره خودکشی سربازان نوشت: «اولین اقدام عاجل و فوری، غربالگری سربازان در بدو ورود به یگان‌های تابعه توسط روانشناس متبحر است.»

در این یادداشت عواملی چون سبک‌های تربیتی غلط، خانواده ازهم‌گسیخته، وجود برخی اختلالات روانی، زندگی عاطفی افراد، اعتیاد و شرایط ناهنجار فرهنگی و اقتصادی تحریک‌کننده، از جمله دلایل بروز خودکشی یا دیگرجشی سربازان وظیفه اعلام شده بود. یکشنبه ۱۳ اسفندماه روزنامه اینترنتی «فراز» در گفتگو با یک روانشناس که سابقه خدمت در مرکز مشاوره پادگان را دارد به ریشه‌ها و بسترهای پدیده خودکشی و دیگرجشی سربازان پرداخته است.

این روانشناس گفته «در ابتدای ورود سربازان به پادگان از آنها یک تست روانشناسی گرفته می‌شود؛ این تست که متشکل از ۲۰ الی ۳۰ سوال است بر خوداظهاری سربازان اتکا دارد. بر اساس این تست روانشناسی افرادی که وضعیت روانی حادی دارند و درگیر اختلالات افسردگی و افکار خودکشی هستند شناسایی می‌شوند و در ادامه در جریان بازرسی بدنی و بررسی تاتوها یا سابقه خودزنی شناسایی می‌شوند.»

او در ادامه گفته «اما در این خصوص مشکلی اساسی وجود دارد؛ اول اینکه معمولاً افراد در این تست‌ها به درستی

«کیهان لندن» گزارش داده از سال ۱۳۹۶ تا کنون (طی شش سال) بیشتر از شش مورد در مراکز نظامی سربازان به روی هم‌قطاران خود آتش گشوده‌اند که سبب کشته شدن حدود ۳۰ سرباز شده است.

روزنامه «اعتماد» نوشته اولین اقدام عاجل و فوری، غربالگری سربازان در بدو ورود به یگان‌های تابعه توسط روانشناس متبحر است.

یک روانشناس معتقد است باید از سربازانی که اسلحه هم دریافت می‌کنند تست‌های دوره‌ای روانشناسی گرفته شود اما مسئولان فقط به «خوداظهاری» سربازان اکتفا می‌کنند. کیهان لندن در گزارشی که مهر ۱۳۹۵ منتشر کرده بود نوشت: «خودکشی افراد در یک یگان نظامی تأثیر منفی زیادی بر روحیه یگان دارد، اما سرسختی و غرور نیروهای نظامی و ترس از اینکه اگر به دنبال مشاوره روانی باشند به جایگاه خدمتی آنها آسیب وارد شود از عمده دلایلی است که نظامیان را در پیشگیری از خودکشی با مشکل روبرو می‌کند.»

همچنین «در پادگان‌های جمهوری اسلامی بیشتر از آنکه روان‌شناسان و روانکاوان نقش مشاور روحی و روانی را داشته باشند، این روحانیون هستند که از طرف سازمان عقیدتی و سیاسی نیروهای مسلح در پادگان‌ها حضور دارند. حضوری که نه راه حل، بلکه خود بخشی از مشکل است.»

در حالی که آمار رسمی از خودکشی سربازان در پادگان‌ها در دست نیست، ولی حتی موارد رسانه‌ای شده نیز بیانگر افزایش آمار خودکشی در میان سربازان وظیفه است.

در یکی از آخرین موارد خودکشی سربازان وظیفه، یکی از سربازان حفاظت فیزیکی دادگستری شهرستان بم در استان کرمان پنجشنبه دهم اسفندماه در پست نگهداری با یک قبضه سلاح کلاشینکف به زندگی خود پایان داد.

بهنام جعفری‌زاده دادستان بم علت خودکشی این سرباز را «اختلافات شخصی» اعلام کرده و گفته «این سرباز پس از چند ساعت مرخصی ساعتی، به یگان خدمتی خود باز می‌گردد و پس از تحویل گرفتن پست در اتاقک نگهداری، در حالی که تنها بوده است اقدام به خودکشی می‌نماید.»

در مورد دیگری که ۲۳ بهمن‌ماه رخ داد یک سرباز وظیفه نیروی انتظامی در کرمان پس از مشاخره با فرمانده خود و مسئولان یگان‌های نظارتی، سلاح کمبری افسر جانشین را برداشته و در محوطه ستاد فرماندهی به سر خودش شلیک می‌کند. دو روز پیشتر و در ۲۱ بهمن‌ماه هم یک سرباز وظیفه در ساوجبلاغ دو نفر را به قتل رسانده و خودش نیز کشته شد.

در سیزدهم بهمن‌ماه هم یک سرباز وظیفه در کلاتری منطقه «حصار امیر» به اشتباه به یکی از کارکنان نیروی انتظامی شلیک کرد که باعث مجروح شدن یکی از کارکنان انتظامی شد اما سرباز وظیفه پس از این اقدام بلافاصله «در یک اقدام احساسی» به سمت خود شلیک کرد.

دوم بهمن ماه یک نفر از کارکنان وظیفه از سر پست نگهداری به داخل آسایشگاه مراجعه می‌کند و بلافاصله اقدام به تیراندازی به سمت سربازان که داخل آسایشگاه بودند، کرده و تعداد ۵ نفر از هم‌زمان وظیفه جانشان را از دست می‌دهند. از سوی دیگر اواخر آبان ۱۴۰۲ در تیراندازی یک سرباز در پایگاه بسیج «بشارتی» زاهدان یک سرباز وظیفه کشته

خودکشی یک سرباز در بم هنگام نگرهبانی؛ دادستانی: بررسی شد، اختلافات شخصی داشت!



یک سرباز در برجک نگرهبانی

به شدت افزایش پیدا کرده است که استان کرمان در صدر آن قرار دارد. یک سرباز وظیفه نیروی انتظامی در کرمان روز ۲۳ بهمن ماه پس از مشاجره با فرمانده خود و مسئولان یگان‌های نظارتی، سلاح کمری افسر جانشین را برداشته و در محوطه ستاد فرماندهی به سر خودش شلیک می‌کند.

در یک مورد دیگر ۱۳ بهمن ماه یک سرباز وظیفه در کلاتری منطقه «حصار امیر» به اشتباه به یکی از کارکنان نیروی انتظامی شلیک کرد که باعث مجروح شدن یکی از کارکنان انتظامی شد اما سرباز وظیفه پس از این اقدام بلافاصله «در یک اقدام احساسی» به سمت خود شلیک کرد. یک سرباز وظیفه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز یکشنبه اول بهمن ماه در آمادگاه مهماتی باغین کرمان با اسلحه به سمت دیگر سربازان شلیک کرد. در این تیراندازی پنج سرباز کشته و تعدادی زخمی شدند.

خدمت نظام وظیفه در ایران دو سال و اجباری است. گرچه شرایط خدمت سربازان با گذشته تا حدودی متفاوت شده و سختی‌هایی که سربازان در پادگان‌ها در چند دهه اخیر داشتند، تا حدی کمتر شده، اما سیستم آموزشی داخل پادگان‌ها تغییر زیادی نداشته است. دگرگونی‌های اجتماعی و تغییر فرهنگ نسل جدید نیاز به اصلاحات عمیق در پادگان‌ها را ضروری می‌کند اما نه درک و نه اراده و بودجه برای این کار موجود است.

خودکشی سربازان سه دلیل عمده دارد: مشکلات و بحران‌های روحی که در مراکز نظامی تشدید می‌شود، فقر و مصرف مواد مخدر که اغلب موارد دوم و سوم در اظهار نظرهای مقامات مسئول کمتر مورد اشاره قرار می‌گیرد زیرا شناخت آنها در مورد قشرهایی که با آنها سر و کار دارند کافی نیست. اینهمه در حالیست که رئیس دادگستری بم ساعاتی بعد از خودکشی این سرباز تأکید کرد: «حضور در انتخابات فریضه الهی است!» فشارهای سیاسی-ایدئولوژیک و مذهبی در پادگان‌ها و مراکز نظامی یکی دیگر از عوامل فشار بر پرسنل و سربازان وظیفه است.

● یکی از سربازان حفاظت فیزیکی دادگستری شهرستان بم در استان کرمان پنجشنبه دهم اسفندماه در سر پست نگرهبانی با یک قبضه سلاح کلاشینکف به زندگی خود پایان داد.

● بهنام جعفری‌زاده دادستان بم گفت، «این سرباز پس از چند ساعت مرخصی ساعتی، به یگان خدمتی خود باز می‌گردد و پس از تحویل گرفتن پست در اتاقک نگرهبانی، در حالی که تنها بوده است اقدام به خودکشی می‌نماید.»

● یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید: «دستورالعمل یگان‌های حفاظتی دادگستری در مورد سربازان نسبت به پادگان‌های ارتش و نیروی انتظامی متفاوت است و سربازان اگر در شیفت نگرهبانی نباشند در برخی مواقع اجازه خروج از یگان را دارند.»

● در ماه‌های اخیر موارد خودکشی سربازان در مراکز نظامی به شدت افزایش پیدا کرده است که استان کرمان در صدر آن قرار دارد.

● رئیس دادگستری بم ساعاتی بعد از خودکشی این سرباز تأکید کرد: «حضور در انتخابات فریضه الهی است!» فشارهای سیاسی-ایدئولوژیک و مذهبی در پادگان‌ها و مراکز نظامی یکی دیگر از عوامل فشار بر پرسنل و سربازان وظیفه است.

یکی از سربازان حفاظت فیزیکی دادگستری شهرستان بم در استان کرمان پنجشنبه دهم اسفندماه در سر پست نگرهبانی با یک قبضه سلاح کلاشینکف به زندگی خود پایان داد. بهنام جعفری‌زاده دادستان بم گفت، «این سرباز پس از چند ساعت مرخصی ساعتی، به یگان خدمتی خود باز می‌گردد و پس از تحویل گرفتن پست در اتاقک نگرهبانی، در حالی که تنها بوده است اقدام به خودکشی می‌نماید.»

این مقام قضایی مدعی شد، «بررسی آخرین مکالمه و پیام‌های تلفنی متوفی حکایت از اختلافات شخصی دارد.» وی افزود، «دادستانی، تحقیقات تکمیلی در این زمینه را آغاز کرده است و جسد وی نیز تحویل پزشکی قانونی جهت انجام مراحل قانونی شده است.»

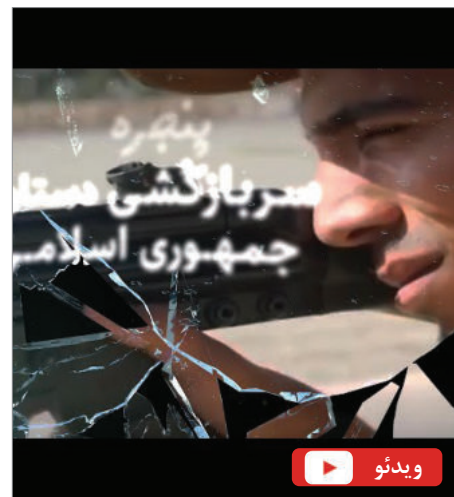
ادعاهای دادستان بم از چند نظر دارای ابهام است. نخست آنکه طبق اصول پادگانی، سرباز در روزی که به عنوان نگرهبان تعیین می‌شود به هیچ عنوان اجازه خروج از پادگان یا محیط نظامی را ندارد حتی اگر در ساعتی غیر از شیفت نگرهبانی باشد. یک نسخه از لوح نگرهبانی روزانه بطور معمول در اختیار دژبان پادگان‌ها یا مراکز مشابه قرار می‌گیرد و آنها ورود و خروج افراد را زیر نظر دارند و سربازی که اسمش به عنوان نگرهبان در لوح باشد به هیچ عنوان اجازه خروج از پادگان ندارد. یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید: «دستورالعمل یگان‌های حفاظتی دادگستری در مورد سربازان نسبت به پادگان‌های ارتش و نیروی انتظامی متفاوت است و سربازان اگر در شیفت نگرهبانی نباشند در برخی مواقع اجازه خروج از یگان را دارند.»

مسئله دوم ابهام در علت خودکشی سرباز است که ادعا شد به دلیل «مشکلات شخصی» بوده است. دادستان بم گفته آخرین مکالمه و پیام‌های تلفنی متوفی بررسی شده است. مشخص نیست پیام‌های تلفنی این سرباز از چه طریق بررسی شده! زیرا عموماً بردن تلفن همراه به داخل مراکز نظامی و حفاظتی توسط سربازان ممنوع است. در ماه‌های اخیر موارد خودکشی سربازان در مراکز نظامی

است. پیچیدگی‌های فکری و توقعات نسل‌های جدید و عقب ماندن مطالعات نهادهای مسئول از بهبود و اصلاح نظام آموزشی باعث شده مذهب و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (مرگ در راه اسلام و انقلاب) در پادگان‌ها نه تنها هیچ اثر مثبت نداشته باشد بلکه پادگان‌ها را به مراکز بی‌روح و مرده مبدل کرده که در ساده‌ترین تعریف از در و دیوار آن غم می‌بارد.

مصادق این مسئله، وضعیت پادگان‌ها در روزهای جشن و عزاداری تقویم است که بطور شاخص مراسم شادی و جشن کمتر در پادگان‌ها انجام می‌شود و عموم سربازان به مرخصی اعزام می‌شوند، اما مراسم عزاداری و سوگواری نه تنها به مناسبت‌های تقویمی بلکه بطور روزانه در قالب دعا و نیایش‌های سوگ‌آور از سوی امامان جماعت هر پادگان در سه وعده صبح، ظهر و مغرب در نمازخانه‌های پادگان‌ها طبق برنامه «سین» اجرا می‌شود. این یعنی پمپاژ «سنت سوگواری» به سبک انقلابی برجای مانده از حاکمانی که به نسل‌های قدیم تعلق دارند برای نسل جدید که در نهایت نشان داده «آموزه‌های آسمانی و اسلامی و انقلابی» دیگر ابزار مناسبی برای تولید روحیه و امید و پیشگیری از خودکشی و خودزنی نیست چه برسد به مبارزه برای اسلام و انقلاب! با گذشت هفت سال از گزارشی که به پدیده خودکشی سربازان وظیفه پرداخته بود، این مشکل با تلبهار شدن مشکلات زندگی اقتصادی و اجتماعی تعمیق و گسترش یافته است.

سربازکشی دستاورد جمهوری اسلامی



تنها از سال ۱۳۹۶ تا کنون (طی شش سال) بیشتر از شش مورد در مراکز نظامی سربازان به روی هم قطاران خود آتش گشوده‌اند. تعداد سربازهایی که در این مدت به این شکل کشته شده‌اند به حدود ۳۰ نفر می‌رسد.

یک سرباز وظیفه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی یکشنبه اول بهمن ماه در آمادگاه مهماتی باغین کرمان با انگیزه‌ای نامعلوم به سوی سربازان دیگر شلیک کرد که طی آن پنج سرباز کشته و تعدادی زخمی شدند.

اواخر آبان ۱۴۰۲ در تیراندازی یک سرباز در پایگاه بسیج «بشارتی» زاهدان یک سرباز وظیفه کشته شد. در سوم دی ماه ۱۴۰۲ در پایگاه «سپاه سلمان» زاهدان یک سرباز دیگر بر اثر تیراندازی جان خود را از دست داد و...

فریدون رهنما، انسانی یگانه در میان نانشان‌های زمانه (۱)

فیروزه خطیبی



اجرا می‌کرد.

وقتی بدون هیچ سرو صدایی از این طبقه ساکت و نیمه‌تاریک گذشتم و به طبقه سوم رسیدم وارد اتاق انتظار بزرگی شدم که زن جوانی با قیافه‌ای بشاش و مهربان پشت میز آن نشسته بود و مشغول خواندن کتابی بود که وقتی آن را روی میز گذاشت تا با من صحبت کند، دیدم پشت جلد آن نوشته «سوغ سیاوش»- شاهرخ مسکوب. کتابی که من تا آن زمان حتی اسم آن را هم نشنیده بودم. جلوی میز که رسیدم سلام و خودم را معرفی کردم. خانم متصدی که اسمش افسانه بود با خوشرویی از من استقبال کرد و با هم یک استکان چای خوردیم و مدتی حرف زدیم. فهمیدم این دفتر هم قسمتی از اداره پژوهش و تحقیقات و محل کار رئیس آن- فیلمسازی به نام «فریدون رهنما»- است. لازم به توضیح است که تلویزیون در آن زمان به علت امکانات مالی مناسب توانسته بود عده زیادی از فیلمسازان را جذب خود کند و در مدت کوتاهی تبدیل به یکی از مراکز مهم فیلمسازی در بخش دولتی بشود. تا قبل از انقلاب نزدیک به هزار فیلم کوتاه و بلند در تلویزیون ملی ایران ساخته شد که یکی از مهم‌ترین آنها برنامه‌های «ایران‌زمین» بود که بنیانگذار آن فریدون رهنما بود. اما از آنجا که رهنما در مدرسه سینمای تلویزیون ملی تدریس می‌کرد و همزمان مشغول فیلمبرداری فیلم تازه خود- «مادر ایران از پسرش بی‌خبر است»- بود کمتر به دفتر می‌آمد. آن روز افسانه به من توضیح داد که رهنما، اداره پژوهش و تحقیقات را به عنوان مرکزی برای ساخت و تولید فیلم‌های مستند پایه‌گذاری کرده و فیلمسازانی از وزارت فرهنگ و هنر را هم به همین منظور به تلویزیون آورده است. دو تن از اولین مستندسازانی که در تولید فیلم با رهنما و برنامه «ایران‌زمین» همکاری داشتند، همایون شهناز با فیلم «گذر اسماعیل براز» و ناصر تقوایی با فیلم «باد جن» بودند. آن روز من از اینکه بالاخره دوستی در ساختمان کوچک «نادر» پیدا کرده‌ام که می‌توانم ساعاتی از این روزهای خسته‌کننده را با او بگذرانم خوشحال شدم و از آن به بعد من و افسانه اغلب روزها، وقت ناهار را با هم در دفتر «پژوهش» می‌گذرانیدیم. هرچند در آن روزها هرگز مدیر «غایب از

کردم و مرد را که با خوشحالی به من و بعد دوباره به آسمان نگاه می‌کرد. دنبال جواب معقولی می‌گشتم که تا کسی از راه رسید اما قبل از اینکه فرصت حرکت پیدا کنم، مرد با عجله از من خداحافظی کرد و پرید روی صندلی عقب تاکسی که من نیم ساعت منتظر رسیدن آن بودم و پیش از آنکه بخواهم حرفی بزنم و یا اعتراضی کنم در را بست و به سرعت از آنجا دور شد. مدتی حیرت‌زده به این ماجرا فکر کردم تا بالاخره نیم ساعتی گذشت و کرایه‌ای که احتمالاً برای بردن آن مرد آمده بود سر رسید و مرا سوار کرد.

در آن زمان، روزهای طولانی کار در اداره جشن‌های شاهنشاهی که در اوج برگزاری این جشن‌ها محل رفت و آمد فیلمسازان خبری و مستندسازان پرشور و انرژی‌تحصیل کرده اروپا و آمریکا بود و حالا می‌رفت تا کم کم بساطش را جمع کند، برای من نوجوان که مجبور بودم برای گرفتن دیپلم دبیرستان تمام تابستان را به عنوان کارمند یک اداره دولتی کارآموزی کنم بی‌نهایت ملال‌آور بود. همین مسئله باعث شد تا کم کم نسبت به بخش‌های دیگر اداره و افرادی که در دو طبقه دیگر ساختمان کوچک «نادر» مشغول به کار و فعالیت بودند کنجکاو بشوم.

بالاخره یک روز وقت بیکاری تصمیم گرفتم به طبقات دیگر ساختمان سرک بکشم؛ از پله‌ها بالا رفتم. در طبقه دوم که «اداره پژوهش و تحقیقات» بود چند اتاق تو در تو را دیدم که در آنها صدها جلد کتاب و نشریات مختلف روی میزها و کتابخانه‌های چوبی که تا سقف می‌رسید انبار شده بود. من در آنجا کارمندی ندیدم و برخلاف اداره جشن‌ها که هنوز افراد در آن در رفت و آمد بودند، در فضای نیمه تاریک این طبقه سکوت مطلق برقرار بود. کمی دورتر در انتهای راهروی کوچک، در یکی از اتاق‌ها، متوجه مرد میانسال موقری با موهای پرپشت معجد شدم که پشت میز چوبی آبنوس رنگ در مقابل چندین کتاب و جزوه نشسته بود و چنان غرق مطالعه بود که اصلاً متوجه حضور من نشد. چندی بعد فهمیدم این مرد دکتر بهرام فره‌وشی پژوهشگر، ایران‌شناس و متخصص زبان‌ها و فرهنگ ایران باستان است که در آن زمان برنامه «فرهنگ ایران‌زمین» را نیز در تلویزیون تهیه و

● فریدون رهنما در خرداد ۱۳۰۹ در تهران و در یک خانواده سرشناس زاده شد. مادرش، زکیه حائری، نوه شیخ عبدالله مازندرانی (رحمت علیشاه) و پدرش زین‌العابدین رهنما، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار، نماینده مجلس شورای ملی و از سیاستمداران بنام دوران قاجار و پهلوی بود.

● در سال ۱۳۳۸ مجموعه اشعار او به نام «سروده‌های کهنه» در پاریس انتشار پیدا می‌کند. همزمان نخستین مستند کوتاه «تخت جمشید» را که نگاه شاعرانه‌ای در دل ویرانه‌های تخت جمشید، به دنبال سازندگی و شناخت هویت تاریخی ایرانی است می‌سازد که سال بعد در مرکز بین‌المللی فیلم پاریس به نمایش گذاشته می‌شود.

● رهنما پس از انتشار مجموعه «آوازه‌های رهایی» در سال ۱۳۴۶ در پاریس، به دعوت رضا قطبی، سرپرستی قسمت پژوهش را در سازمان تلویزیون ملی بر عهده می‌گیرد. با پشتیبانی او، مجموعه‌ای از فیلم‌های تجربی و مستند درباره‌ی فرهنگ و هنر ایران ساخته می‌شود.

«واقعیت‌جویی در جستجوی هویت گمشده ایرانی، ناسازگاری تاریخی و رابطه بین انسان امروزی و گذشته‌ای اسطوره‌ای...»

در آفتابگردان‌های ژاله‌بار امید راه می‌سپردم.

بارانی از داس بود.

جهان را قفل فراگرفته بود.

می‌خواستم خودم را در فضا رها کنم.

فضایی که می‌خواستم به گندم و چراغ بدل سازم

آوازی که از سرزمین‌ها برمی‌خاست

هممخوای زنجیرهایی بود که مردمان با خود می‌کشیدند...

(فریدون رهنما)

غروب یکی از روزهای آخر تابستان ۵۱ که در اداره جشن‌های شاهنشاهی تلویزیون ملی ایران در حال کارآموزی بودم، طبق معمول جلوی ساختمان «کوچه نادر» منتظر تاکسی کرایه‌ای بودم که مرد رنگ‌پریده میانسالی با قد متوسط، چشم‌های درشت و موهای کم‌پشت با کت اسپورت قهوه‌ای به تن و مقدار زیادی کاغذ و کتاب در دست، از همان در ورودی ساختمان با عجله خارج شد؛ به رسم ادب لبخندی به من زد و کمی دورتر در پیاده‌رو ایستاد. ساختمان نادر، یک ساختمان مسکونی و کمی بالاتر از محل «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» بود که طبقه اول آن به دفتر موقت اداره جشن‌های شاهنشاهی و دو طبقه دیگر آن به قسمت پژوهش و تحقیقات تلویزیون ملی اختصاص داده شده بود تا بعد از تکمیل ساختمان «جام جم» که روبروی کوچه نادر بود، به آنجا نقل مکان کند.

هنوز چند لحظه‌ای نگذشته بود که مرد در حالی که به اولین ستاره غروب که نور سفیدی آن را درخشان‌تر از همیشه کرده بود اشاره کرد و خطاب به من گفت: «ببینید چه درخششی داره. مثل ستاره شازده کوچولو. انگار یک نفر آن را نقاشی کرده و روی آسمان چسبانده. به نظر واقعی می‌آید.» من بارها این ستاره چشم‌کزن را در آسمان غروب تهران دیده بودم، اما تا آن روز به این صورت متوجه آن نشده بودم. اصولاً در آن روزهای نوجوانی و خودشیفتگی بیشتر «زمین‌محور» و غرق در دنیای کوچک اطراف خودم بودم و نه شناختی از جهان هستی و فلسفی داشتم و نه با کتاب «شازده کوچولو»، اخترک کوچک‌ش و عشقی که به یک گل سرخ داشت آشنایی داشتم. یکبار دیگر آسمان و آن ستاره براق را تماشا

فخرالدین اسعد گرگانی- شاعر قرن پنجم- نوشته بود آشنا ساخت، یا نصیب نصیبی که از سال ۱۳۴۸ به همراه برادرش بصیر نصیبی جریانی را در سینمای ایران آغاز کردند که به «جنبش سینمای آزاد ایران» معروف شد. نصیب در نویسندگی و کارگردانی بیش از ۳۰ فیلم مستند و تجربی در تلویزیون با رهنما همکاری داشت. با همایون شهناز که در همان دوران مشغول ساختن مجموعه تلویزیونی «دلبران تنگستان»، سریال تاریخی درباره مبارزه رئیس‌علی دلواری در منطقه جنوب کشور در مقابل امپراتوری انگلستان بود. با طاهره صفارزاده- شاعر و مترجم- که در آن زمان در اشعارش از «قبیله شعر» و «قصه‌های قساوت» می‌نوشت و بعدها- بعد از انقلاب اسلامی- شاید به خاطر ترجمه قرآن به دو زبان فارسی و انگلیسی- و شاید هم در پی «فهم الهی» یا هر چیز دیگر، به عنوان یک «شاعر مبارز» و «زن نخبه مسلمان» شناخته شد. با مهین اسکویی، یکی از معدود زنان بازیگر و کارگردان تئاتر آن دوران که از تئاتر «آناهیتا» و روش استانیسلاوسکی که در مسکو آموخته بود و بازیگری «متد» که به هنرجویانش یاد می‌داد برای ما می‌گفت. از محمدرضا فراهی شاعر جوانی که شعرهایش را در کافه نادری با الهام از مایاکوفسکی می‌سرود و آنها را در دفتر رهنما برای ما می‌خواند و پرویز زاهدی که از طریق کتابی به نام «از رمانتیسیم تا سوررئالیسم» به قلم حسن هنرمندی مرا با شاعر شوریده‌سری به نام آرتور رمبو آشنا ساخت. کتاب مجموعه‌ای بود برای آشنایی فارسی‌زبانان با شیوه‌های ادبی صد سال گذشته فرانسه و در مقدمه کتاب هم از قول آرتور رمبو نوشته شده بود: «شاعر باید روح خود را بجوید. همینکه روح خود را شناخت باید آن را پرورش بدهد تا در میان همگان، دانشمندی گرانقدر شود.»

این شعر هم در صفحه اول کتاب با خودنویس نوشته شده بود:

در عصرهای آبی تابستان،
پای به راه‌ها خواهم نهاد
تراشه‌های ذرت بر من خواهد نشست
و علف‌های خرد پاکوفته‌ام
چون رویایی،
پاهایم خنکای علف را می‌نوشد
و خود وای نمی‌نهد
تا باد سر برهنه‌ام را
در خود غرق کند ...

در آن زمان، این شخصیت عاصی و افسارگسیخته‌ی رمبو بود که بیش از هر چیز دیگر مرا شیفته او ساخت. روح سرگشته‌ای که در هیچ حجمی نمی‌گنجید و در هیچ ساختار بشری تعریف نمی‌شد. آن حس رهایی و آزادی. می‌خواستم همه چیز را درباره او بدانم و شعرهایش را بخوانم. همانجا بود که فهمیدم رمبو برای نخستین بار از طریق فریدون رهنما که اشعار او را از فرانسه به فارسی ترجمه کرد در ایران معرفی شد. به خاطر همین اشعار بود که شعرای نوپرداز ما توانستند در زمانی کوتاه از قید و بند شعر کلاسیک رها شده و آزادانه پرواز کنند. بیژن الهی از شاعران جریان موسوم به «شعر دیگر» در مقدمه کتاب «مجموعه اشراق‌ها»ی آرتور رمبو می‌نویسد به واسطه شعری که رهنما از رمبو برایش خوانده، به اشعار رمبو علاقمند شد و دست به ترجمه زد. از تاثیر رهنما بر دیگر مترجمان و شاعران آن نسل هم گفته شده که او در آشنایی شاملو با بزرگان ادبیات اروپا از جمله فدريكو گارسيا لورکا نقش مهمی داشته است. این فریدون رهنما بود که با چاپ کتاب و نوشتن مقدمه «قطعات»، شاملو را یاری داد تا رسماً راهش را از راه نیما جدا کند. در واقع رهنما از هواداران حرکت‌های مدرن و آوانگارد در حوزه ادبیات، سینما و تئاتر بود و تاثیر غیرقابل انکاری در معرفی شعر و اندیشه‌های مدرن اروپایی در ایران دهه سی و چهل داشت.

(ادامه دارد)

به شکلی واقعی و ملموس منجر شد. در آن روز ضمن مصاحبه با رهنما، مدتی هم درباره پرویز خطیبی حرف زدیم و من با تعجب متوجه شدم او با کارهای پدرم در رادیو آشنا است و حتی کارهای نمایشی و پیش‌پرده‌های او را هم از دوران نوجوانی دنبال می‌کرده است. تعجب از این جهت که در آن زمان ظاهراً دست‌اندرکاران تلویزیون نوپا و مدرن ایران که اتفاقاً رقیب سرسختی هم برای رادیو محسوب می‌شد، برنامه‌های سنتی و تا حدود زیادی مردمی رادیو ایران را نمی‌پسندیدند و در فکر ایجاد تغییرات و مدرنیزه کردن این برنامه‌ها بودند. همین مسئله تنش‌ها و دوقطبی شدیدی بین کارمندان دو نهادی که در واقع لازم و ملزوم همدیگرند به وجود آورده بود. به هر صورت وقتی رهنما فهمید ما در کوچه خلیلی خیابان دربند زندگی می‌کنیم مدتی هم درباره «گلاب‌دره» و جایی که او برای «تماشای گذر نور آفتاب از میان درختان لخت زمستانی» می‌رود صحبت کرد و به این صورت مصاحبه کوتاه ما به پایان رسید و یک هفته بعد من رسماً به استخدام قسمت پژوهش و تحقیقات تلویزیون ملی ایران درآمدم.

شغل تازه من عبارت بود از مطالعه و ماشین کردن پژوهش‌هایی که کارمندان این اداره از گوشه و کنار کشور تهیه می‌کردند تا یک روز از روی آنها فیلم‌های مستندی برای نمایش در تلویزیون ساخته بشود. مدت کوتاهی گذشته بود که رهنما یک نقش کوچکی هم در فیلم «پسر ایران از مادرش بی‌خبر است» به من محول کرد که در واقع اولین تجربه بازیگری‌ام بود. فیلم‌برداری در ساعات دیروقت شب در انجمن ایران و آمریکا انجام می‌شد و چون «رهنما» سناریوی فیلم‌هایش را صفحه به صفحه و در همان روز فیلم‌برداری به دست بازیگرانش می‌داد من کوچک‌ترین اطلاعی از داستان فیلم یا نقشی که بازی می‌کردم نداشتم. البته خیلی زود مشخص شد که نقش من در فیلم دیالوگی ندارد و من قرار است در صحنه‌ای از فیلم با همان شکل و شمایل کارمند اداری آن روزها وارد اتاق رئیس بشوم، سعی کنم به هیچوجه به دوربین نگاه نکنم و بعد از گرفتن امضا، با گردش به طرف دوربین از اتاق خارج بشوم. یعنی فقط چند لحظه کوتاه.

بعدها که قسمت پژوهش و تئاتر تلویزیون ملی ایران با هم ادغام شد، اداره ما هم به یکی از طبقات ساختمان اصلی «جام جم» منتقل شد. آنجا شغل من بررسی و خواندن صدها نمایشنامه تلویزیونی و صحنه‌ای بود که از گوشه و کنار کشور برای تولید در تلویزیون به این اداره ارسال می‌شد. بعد از گزینش اولیه، نسخه‌هایی از این نمایشنامه‌ها در اختیار شورای نمایش که اعضای آن را ایرج پیشکرا، پرویزصیاد، ایرج زهری و داوود رشیدی تشکیل می‌دادند قرار داده می‌شد تا در صورت واجد شرایط بودن به شکل تله‌تئاتر تلویزیونی تهیه و تولید شود. تجربه کار در دفتر فریدون رهنما، برای من نوجوان، تجربه کم‌نظیری بود که هرگز دوباره به آن شکل در زندگی حرفه‌ای‌ام تکرار نشد. از او که بیرون و درونش یکی بود و با همان روحیه شاعرانه، خلاق و روشن‌اندیشی خاص خودش قسمت پژوهش و تئاتر تلویزیون را هم اداره می‌کرد بسیار آموختم. همچنین از شخصیت‌های هنری و ادبی بی‌شماری که در آنجا گرد آورده بود که در واقع همان «روشنفکران» زمان ما بودند و ابعاد تازه‌ای از هنر و تفکر آزاد را در چهارچوب دفتر «پژوهش و تحقیقات» که «رهنما» در طبقه سوم ساختمان «نادر» امکان‌پذیر کرده بود تجربه می‌کردند. انگار آنها همچون رهنما می‌دانستند که «روح انسان تنها با هنر جلا پیدا می‌کند و زندگی مادی توهمی بیش نیست.»

من در دوران کوتاه کار در «پژوهش» از مصاحبت بسیاری از این روشنفکران بهره‌مند شدم. از مهین تجدد که مرا با نمایشنامه تازه‌ای که تحت تاثیر منظومه «ویس و رامین»

نظر، این دفتر را ملاقات نکرده بودم اما همانجا بود که برای اولین بار با آدم‌های منحصراً به فردی روبرو شدم که چه از نظر ظاهری و چه از لحاظ طرز فکر و برخورد با آدم‌های دیگری که تا آن زمان دیده بودم تفاوت داشتند. اغلب آنها شاعر، نویسنده، پژوهشگر و از چهره‌های روشنفکری آن زمان و یا از دوستان و پیروان افکار «رهنما» بودند.

لازم به توضیح است که در آن روزها، من هم مثل بسیاری از هم سن و سال‌هایم، بجز تماشای چند گالری نقاشی و خواندن اشعار فروغ فرخزاد و سیاوش کسری در برخی مجلات هفتگی، کوچکترین ارتباطی با جنبش‌های روشنفکری و هنری نداشتم و از سیاست بجز خواندن مجله «فردوسی» که شاگردمدرسه‌ها هم برای خرید آن جلوی کیوسک‌ها صف می‌کشیدند و تماشای اخبار دستگیری «خرابکاران چپ» در تلویزیون چیز دیگری نمی‌دانستم. در خانه ما کسی از سیاست حرف نمی‌زد. ما در خانه کتاب سیاسی نداشتم. روی کتابخانه شیشه‌ای پدرم یک قاب عکس رنگی بزرگ از روی جلد مجله «لایف» آمریکایی از جان اف کندی رئیس جمهور فقید آمریکا قرار داشت که دست‌هایش را بهم گره زده بود و چشم‌های آبی‌اش به نقطه نامعلومی خیره شده بود. توی گنجی لباس پدرم هم که من بعضی اوقات برای گرفتن پول توجیبی اضافی کفش‌هایش را واکس می‌زدم و آنجا ردیف می‌کردم، یک قاب کوچک فلزی با عکس سیاه و سفید رنگ و رو رفته‌ای از دکتر مصدق به داخل در گنجی چسبانده شده بود که من هرگز نفهمیدم چرا و هرگز سئوالی هم در این مورد نکردم. اصولاً دغدغه اصلی ما بچه‌های شمال شهر، تعقیب مد روز، گوش دادن به موزیک پاپ خارجی، موتورسواری، پارتنی‌های شبانه در زعفرانیه و دروس، عصرهای جمعه در کلوب آلمان‌ها و برج، پاتیناژ در قصریخ، و وقت‌گذرانی در چاتانوکا و بولینگ عبود بود.

حالا در ساختمان «نادر» تلویزیون ملی، من به اقلیم تازه‌ای پا گذاشته بودم. هر روز مشتاقانه به طبقه سوم می‌رفتم تا با این هنرمندان، شاعران و پژوهشگران و افکارشان که گاه بوی سیاست داشت بیشتر آشنا بشوم. این کنجکاو تا روزی که دوران کارآموزی‌ام به پایان رسید ادامه داشت و من که نهایتاً در پائیز سال ۱۳۵۲ به همراه خانواده‌ام به آمریکا مهاجرت کردم، در آن زمان تصمیم گرفتم برای شغل تنظیم‌کننده امور تحقیقات و پژوهش که بخشی از آن مطالعه این مطالب گردآوری شده بود تقاضای کار کنم. وقتی این موضوع را با افسانه در میان گذاشتم او از این فکر استقبال کرد و فوراً برایم قرار ملاقاتی با «آقای رهنما» گذاشت.

چند روز بعد وقتی وارد اتاقی که همیشه در آن بسته بود شدم تا مدیر «پژوهش و تحقیقات» با من مصاحبه کند، با تعجب دیدم «فریدون رهنما» همان مردی است که جلوی ساختمان اداره، ستاره نورانی غروب را به من نشان داد و بعد هم با تاکسی کرایه‌ای من از آنجا دور شد. وقتی مسئله تاکسی را با او در میان گذاشتم هر دو مدتی خندیدیم اما او که کوچکترین خاطره‌ای از آن غروب و ستاره چشمک‌زن سهیل نداشت به من گفت: «یادم نیست اما خندیدن شما مرا به یاد «فروغ» می‌اندازد.» من از این مقایسه شگفت‌زده شدم. اشعار فروغ را از همان سالی که در تصادف ماشین جان سپرده بود و آثارش ناگهان در همه مجلات هفتگی چاپ می‌شد خواننده بودم و با او همذات‌پنداری می‌کردم. این اشعار برای من نوجوان آن دوران، معنی و مفهوم زون بودن در یک جامعه مردسالار را به نمایش می‌گذاشت. بعدها با خواندن سه مجموعه «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» بود که جسارت قدم گذاشتن به قلمرو آزادی اراده برای تغییر ماهیت و نحوه تفکر فردی را پیدا کردم و با مجموعه «ایمان بی‌اوریم به آغاز فصل سرد» به استقلال فکری تازه‌ای رسیدم که در نهایت به جنبشی فمینیستی نه از بیرون و به صورتی شعارگونه، بلکه از درون و

عکاسان زن ایران و «جنبش مهسا»



از راست: سحر ساکی، گرداننده جلسه، مالو والاسا

زیاد و تحقیرکننده‌ای روبرو شد. به گفته سخنان - به نقل از خود هنگامه گلستان - یکی از مقامات وزارت ارشاد اسلامی به او توصیه کرده بود که بجای عکاسی در جبهه جنگ، در خانه آشپزی و نظافت کند.

سخنان در ادامه به محتوای اعتراضی در آثار متأخر شماری از عکاسان زن پرداخت. او در عین حال به آثار غالباً پیش از جنبش آزادیخواهی ۴۰۱ آنها و شماری دیگر از عکاسان زن پرداخت که حاوی مفاهیمی متفاوت مانند دگرپاشان جنسی و بی‌توجهی و تخریب محیط زیست در ایران هستند. سخنان در عین حال به هیچ وجه غافل از خصوصیات و ارزش‌های زیبایی‌شناختی و استعاره‌های موجود در آثار این عکاسان نبود.

وی در بخشی از سخنانش گفت که مطمئن نیست امروز جسارت زنان و عکاسان زن ایرانی مانند ماه‌های اولیه بلافاصله بعد از جنبش مهساست زیرا با سرکوب و خالی شدن خیابان‌ها و فروکش کردن نسبی جنبش، رژیم دوربین‌های متعددی را در سطح شهرها به منظور تحت نظر گرفتن مردم و زنان بی‌حجاب نصب کرده است. اکنون جریمه‌های سنگینی برای کسانی که قانون حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند در نظر گرفته شده که در صورت تکرار به مجازات‌هایی مانند مصادره ماشین می‌انجامد. بنابراین او می‌داند که آیا دنیایی که در کتابش به تصویر کشیده، به همان صورت مانده یا نه. یا به عبارت دیگر، او می‌خواهد بداند که با وجود محدودیت‌ها و فشارهای کنونی، آیا عکاسان زن و مرد به خود جرأت می‌دهند مرزهای این محدودیت‌های شدید کنونی را به چالش بکشند.

مالو والاسا به عنوان نمونه‌ی عکاسی اعتراضی در برابر قوانین ضد زن و حجاب اجباری در جمهوری اسلامی، از کارهای شیوا خادمی نام برد. شیوا خادمی در شهر مشهد بزرگ شده و سپس به تهران رفت و در آنجا با زنان و دخترانی آشنا شد که موهایشان را با رنگ‌های عجیب، مانند زرد و صورتی، رنگ کرده و بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر می‌شوند تا مقاومت خود و کنترل‌شان را

● هفته گذشته نشستی در ارتباط با عکاسان زن ایرانی در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن برگزار شد.

● در این نشست مالو هالاسا آکادمیسین و نویسنده فیلیپینی - اردنی‌زاده آمریکا و ساکن بریتانیا درباره کتاب «زن زندگی آزادی» خود سخنرانی کرد که لحظات تاریخی اعتراض را در آثار هنری عکاسان زن ایرانی به تصویر می‌کشد.

روز سه‌شنبه ۲۷ فوریه ۲۰۲۴ در سالن «خلیلی» دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، جلسه سخنرانی مصور مالو هالاسا آکادمیسین و نویسنده فیلیپینی - اردنی‌زاده آمریکا و ساکن بریتانیا برگزار شد. این جلسه در عین حال معرفی کتاب او با عنوان «زن، زندگی، آزادی» بود. در بخش نخست این برنامه، سخنان تعدادی از عکاسان زن ایرانی را که در جریان جنبش مهسا از نظر سیاسی و فرهنگی فعال‌تر شده بودند، و او در کتابش به آثار آنان پرداخته است، بطور مختصر معرفی کرد.

کتاب «زن، زندگی، آزادی» مالو والاسا لحظات تاریخی اعتراض را در آثار هنری عکاسان زن ایرانی به تصویر می‌کشد. این مجموعه خیره‌کننده حاوی عکس‌هایی از نمایش مد لباس غیرعقلی است که برگزاری آن در ایران امروز ممنوع است؛ حاوی تصاویر زنانی که با وجود پیامدهای بالقوه ویرانگر، موهای خود را در چالش با مقامات، به اشکال عجیب رنگ می‌کنند و در خیابان بدون حجاب ظاهر می‌شوند. این مجموعه در ضمن شامل عکس‌هایی از دگرپاشان جنسی است که در شرایط بدی در ایران بسر می‌برند. کتاب با ستایش قدرت هنر، تجلیل از زنانی است که رژیم سعی کرده آنها را به سکوت بکشاند ولی موفق نشده است.

موضوع اصلی سخنان آن بود که زنان عکاس با هنر خود به بازتاب اعتراض زنان پیشروی ایرانی در برابر رژیم



دو عکس از شیوا خادمی

بیشتر واداشته است. همین امر او را که قبلاً غیرسیاسی بوده از نظر سیاسی آگاه ساخته و جمله‌ای که سپیده رشنو در صفحه اینستاگرامش نقل کرده بود، نگاه او را بازتر کرده و چشم‌انداز او را تغییر داده است. رشنو نقل کرده بود که تنها چیزی که از خود آزادی زیباتر است، ایستادن برای آزادی است. ساکی گفت قبل از آگاهی از این نقل قول، در مفهوم آزادی ایستا و محبوس مانده بود و در شرایطی که با شدت گرفتن سرکوب و زندانی شدن معترضان احتمال اینکه ما آزادی را در ایران نبینیم، این جمله برایش الهام‌بخش بود و او را نسبت به اهمیت اقدام زنانی که اعتراض و مقاومت خود را نشان می‌دهند آگاه کرد.

ساکی گفت او تنها چند روز بعد از قتل مهسا امینی طرحی از وی بر دیواری در کاردیف کشیده است. این در حالیست که مقامات جمهوری اسلامی سعی کردند خبر قتل مهسا را از افکار عمومی پنهان نگه دارند. همین پنهانکاری رژیم ساکی را برانگیخت تا با نقاشی روی دیوار و در انتظار عمومی خبر این قتل را به میان مردم ببرد و آنها را آگاه سازد.

سحر ساکی گفت که نیمی از دوستان او در دنیای مجازی متشکل از زنان ایرانی و از دیگر کشورهای خاورمیانه هستند. بسیاری از این زنان و دختران به او گفته‌اند که از اینکه او به میراث فرهنگی‌اش می‌بالد آموخته‌اند. از نشانه‌های بالیدن سحر ساکی به میراث فرهنگی‌اش، تسلط او بر خطاطی است که کمک کرده در کارگاه‌های خطاطی زیادی در کاردیف تدریس کند.

در پایان، گرداننده جلسه از سحر ساکی پرسید که آیا فکر نمی‌کند که ناخودآگاه تحت تاثیر نقاشی‌های دیداری غول‌پیکری باشد که بر ساختمان‌های شهرهای ایران نقاشی شده‌اند. منظور نقاشی‌هایی است که می‌خواهند حضور قوی رژیم را در انتظار عمومی با قدرت هرچه تمام‌تر به نمایش بگذارند. سحر ساکی در پاسخ گفت که فکر نمی‌کند که اینها او را تحت تاثیر قرار داده باشند. انگیزه او برای نقاشی دیواری آشکار کردن پنهان‌شده‌ها است. او افزود مردم هیچ ارتباطی با نقل قول‌های عجیب و نامانوس روی این نقاشی‌ها برقرار نمی‌کنند و برای آنها هیچ معنایی در برنماید.

شرکت وسیع زنان در ایران الهام‌بخش او در این زمینه شد. سحر ساکی معتقد است که نقاشی روی دیوار و در محیط‌های عمومی ابزاری قوی و آشکار برای نشان دادن اعتراض است، زیرا مردم و حتی کسانی که نمی‌خواهند

بر بدن و ظاهر خود آشکارا نشان دهند. در این مجموعه دو عکس از شیوا خادمی که با موهای باز و با رنگ‌های نامتعارف دیده می‌شود. سخنران سپس از مه‌ری رحمین‌زاده نام برد که سردبیر



از عکس‌های معروف هنگامه گلستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

نقاشی تماشا کنند، آن را می‌بینند و این متفاوت از نمایشگاه رفتن و یا جستجو برای یافتن یک اثر هنری در فضای مجازی است. به همین دلیل نقاشی روی دیوار ابزاری قوی است. سحر ساکی ادامه داد که فعال شدن او در این رشته از نقاشی و طراحی با شروع حرکت فمینیستی در ایران همراه بوده است. او گفت که در کاردیف وقتی چند نقاشی دیواری خود را به نمایش گذاشته بود دو نقاش دیگر هم به او پیوستند و تعداد ۱۰ نقاشی دیواری کشیده شد که نقش بسزایی در آگاه ساختن بخشی از مردم کاردیف از وضعیت موجود در ایران داشت.

سحر ساکی گفت که پرداختن به نقاشی دیواری برای او جنبه یادگیری نیز داشته و او را به مطالعه و جستجوی

عکاس مجله «نداستان» در تهران است. روی جلد یکی از شماره‌های سال ۲۰۲۳، تصویر پشت سر زنی دارای موهای مجعد و تیره است که توسط خود رحمین‌زاده گرفته شده. این شماره مجله زمانی منتشر شد که گشت ارشاد قدرت‌نمایی مجدد خود را در خیابان‌های شهرها از سر گرفته و اعدام معترضان زندانی برای سرکوب جنبش آزادی در ایران شروع شده بود. در شماره‌ای دیگر، مه‌ری رحمین‌زاده تست‌های بارداری متعددی را در کنار هم روی جلد مجله گذاشته بود. رحمین‌زاده دانش‌آموخته سینماست و عکاس هنری و نیز فعال در زمینه عکاسی تجاری است که در ضمن در حوزه عکاسی منظره هم کار کرده است.

تهمینه منزوی عکاس پیشرو دیگریست که آثاری متفاوت خلق کرده است. عکس‌های او از دگرباشان جنسی و دیگر افشار فراموش شده در ایران جلب نظر زیادی کرده است. او در عمل به توصیه استادش که از او خواسته بود که مدتی عکس گل و منظره بگیرد، با این استدلال که نمی‌تواند نسبت به وضعیت مردم بی‌تفاوت باشد به بلوچستان می‌رود و از زنان زنگی عکس‌هایی می‌گیرد. زنگی‌ها نوادگان بردگان سیاهپوستی هستند که توسط تاجران عرب پیش از قرن نوزدهم به زور به ایران آورده شده بودند و در ایران امروز از قشرهای حاشیه‌ای و فراموش شده محسوب می‌شوند.

عکاس دیگری که نویسنده «زن، زندگی، آزادی» به آثارش پرداخت، پَرگُل اینالو بود که تصویرگر بی‌توجهی و بی‌تفاوتی نسبت به حفظ محیط زیست و تخریب آن در ایران است. در شماری از کارهای این عکاس تجهیزات قدیمی و زنگ زده نفت دیده می‌شود که از زوایای مختلف عکاسی شده‌اند.

بخش دوم این برنامه گفتگو با هنرمند تصویری و طراح جوان ایرانی و برنده جوایز بین‌المللی، سحر ساکی بود که در شهر کاردیف ولز زندگی می‌کند. او گفت هرچند او مدتی پیش از قتل حکومتی مهسا امینی شروع به نقاشی دیواری کرده بود ولی این واقعه و آغاز خیزش سراسری با



زنان بلوچستان از تهمینه منزوی

گزارش روزنامه سوئدی درباره فیلم مستند «کودکان کمپ اشرف» و حواشی آن



● روزنامه سوئدی «خبرهای امروز» به نقل از سارا معین کارگردان فیلم در مورد انگیزه‌اش برای تهیه این مستند می‌نویسد: «از آنجا که این موضوع وجهی جهانی دارد داستان خیلی جالبی بود؛ کودکانی که والدین جوان آنها با بلندپروازی‌های آرمانگرایانه یک جنبش مقاومت را پایه‌ریزی می‌کنند، اما راه‌شان با قربانی کردن فرزندان‌شان در پای یک رهبری فرقه‌ای پایان پیدا می‌کند.»

● این روزنامه سوئدی یادآوری می‌کند وقتی این فیلم مستند نخستین بار ۱۲ بهمن ۱۴۰۲ (۳۱ ژانویه ۲۰۲۴) در جشنواره فیلم گوتنبرگ به نمایش در آمد هواداران سازمان مجاهدین در میدانی در مقابل سینمایی که فیلم را نمایش می‌داد به اعتراض پرداختند. آنها ادعا می‌کردند این فیلم را رژیم ایران با هدف آسیب رساندن به مجاهدین تولید کرده است.

حنیف حیدرئزاد- ویسات روزنامه سوئدی «خبرهای امروز» (Dagens Nyheter) در مطلبی که روز پنجم مارس منتشر کرد، به فیلم مستند «کودکان کمپ اشرف» و حواشی آن پرداخته است. این روزنامه در معرفی فیلم می‌نویسد که مستندی در مورد چهار شهروند ایرانی‌تبار است که در دهه نود میلادی، زمانی که کودک بودند از سوی سازمان مجاهدین به سوئد فرستاده شدند.

این روزنامه می‌افزاید، در آن زمان پدر و مادران این بچه‌ها در «سازمان مجاهدین» بودند و این کودکان در «کمپ اشرف» که مرکز این سازمان در عراق بود نگهداری می‌شدند. به نوشته این روزنامه، «سازمان مجاهدین یک سازمان مسلح مذهبی ایرانی است که به لحاظ سیاسی در طیف چپ قرار می‌گیرد و بیشتر یک تشکیلات فرقه‌ای توصیف می‌شود. این سازمان تا سال ۲۰۰۹ از سوی اتحادیه اروپا در لیست گروه‌های تروریستی قرار داشت.»

روزنامه سوئدی «خبرهای امروز» به نقل از سارا معین کارگردان فیلم در مورد انگیزه‌اش برای تهیه این مستند می‌نویسد: «از آنجا که این موضوع وجهی جهانی دارد داستان خیلی جالبی بود؛ کودکانی که والدین جوان آنها با بلندپروازی‌های آرمانگرایانه یک جنبش مقاومت را پایه‌ریزی می‌کنند، اما راه‌شان با قربانی کردن فرزندان‌شان در پای یک رهبری فرقه‌ای پایان پیدا می‌کند.»

این روزنامه سوئدی یادآوری می‌کند وقتی این فیلم مستند نخستین بار ۱۲ بهمن ۱۴۰۲ (۳۱ ژانویه ۲۰۲۴) در جشنواره فیلم گوتنبرگ به نمایش در آمد هواداران سازمان مجاهدین در میدانی در مقابل سینمایی که فیلم را نمایش می‌داد به اعتراض پرداختند. آنها ادعا می‌کردند این فیلم را رژیم ایران با هدف آسیب رساندن به مجاهدین تولید کرده است.

وقتی از سارا معین در مورد این اعتراض و این ادعا سوال می‌شود، او پاسخ می‌دهد: «آن شب این فیلم برای اولین بار به نمایش گذاشته شد و بجز تیمی که در ساخت و درست کردن آن دست داشت کسی آن را ندیده بود. برای من خیلی تعجب‌آور است چطور آدم‌هایی که اصلاً فیلمی را ندیده‌اند، به نمایش آن اعتراض می‌کنند. به هر حال از مجاهدین تعجب نمی‌کنم چون آنها در برخورد با هر نگاه انتقادی به خودشان با چنین روش‌هایی واکنش نشان می‌دهند.»

گزارش در ادامه به نقل از مدیر جشنواره فیلم گوتنبرگ در مورد حواشی فیلم «کودکان کمپ اشرف» می‌نویسد:

«در شب افتتاحیه فیلم نمی‌دانستیم چه مشکلات امنیتی ممکن است پیش بیاید، می‌خواستیم در پایان برنامه، گفتگو با کارگردان و دیگر افراد به خوبی انجام شود، به همین دلیل در هماهنگی با آنها تعداد افراد انتظامات در سالن را افزایش داده بودیم چون نمی‌خواستیم کسی برنامه را بهم بزند. در چهار شبی که فیلم پخش شد همه چیز نسبتاً آرام بود.»

«خبرهای امروز» اضافه می‌کن که در شبکه‌های اجتماعی فیلمی از داخل سالن سینما دیده می‌شود که در پایان پخش فیلم تعدادی که به نظر می‌رسد از وابستگان سازمان مجاهدین هستند بسیار تند و پرخاشگرانه رفتار کرده و با اشاره به فیلم می‌گفتند: «دروغ» است. روزنامه به نقل از مدیر جشنواره فیلم گوتنبرگ می‌نویسد: «بر اساس نظر مامورین انتظامات در سالن، بحث و جدلی که در پایان اجرای فیلم بین تعدادی از تماشاچیان [وابستگان به مجاهدین] با دست اندرکاران فیلم انجام شده بود جنبه تهدیدکننده نداشته و بیشتر ناشی از برداشت‌های متفاوتی بوده است که طرفین از فیلم داشته‌اند.»

سارا معین کارگردان فیلم در این مورد می‌گوید: «داستان فیلم داستانی نیست که ادعای کسی در برابر حرف و ادعای کس دیگری قرار گرفته باشد. موضوع کودک‌سربازان [در سازمان مجاهدین] موضوعی اثبات شده است و این نقض قوانین بین‌المللی است. علاوه بر این، اسناد بسیاری هم وجود دارد که نشان می‌دهد صدها نفر از آن بچه‌ها با ادعاهای جعلی در خوابگاه‌هایی [در کشورهای مختلف اروپائی] نگهداری می‌شدند.»

مسئولیت سیاستمداران سوئدی

سارا معین داستان فیلم را «قطعه‌ای از داستان مهاجرت» می‌نامد و اضافه می‌کند: «اینجا شاید جزو اولین موج کودکان سوئدی بودند که به عنوان کودک‌سرباز به خارج از سوئد فرستاده شدند و این البته در دوران معاصر ما یک رسوائی

بزرگ محسوب می‌شود.»

این گفته کارگردان فیلم تأکیدی است بر مسئولیت سیاستمداران سوئد و دیگر کشورهای اروپائی که چگونه صدها کودک بدون سرپرست، بطور غیرقانونی وارد این کشورها شدند، برای سال‌ها بطور غیرقانونی و خارج از استانداردهای قانونی در خوابگاه‌های دستجمعی نگهداری شدند، به نام آنها از اداره‌های دولتی پول اخاذی شد و سرانجام نیز ده‌ها نفر از آنها باز هم بطور غیرقانونی از این کشورها خارج و برای سربازی به نزد سازمان مجاهدین در عراق فرستاده شدند. سیاستمداران کشورهای اروپائی در مورد این رسوائی بزرگ باید به شهروندان خود پاسخ دهند که چطور برای سالیان دراز چنین جرمی در کشور آنها در جریان بود، چرا آن زمان اقدام نکردند، چرا حالا حقیقت‌یابی نکرده و شفاف‌سازی نمی‌کنند و بالاخره اینکه سرنوشت آن چند صد کودک چه شد و الان چه می‌کنند؟

نمایش فیلم در جشنواره «تمپو» استکهلم

روزنامه سوئدی «خبرهای امروز» در پایان گزارش خود یادآوری می‌کند، فیلم مستند «کودکان کمپ اشرف» قرار است در روزهای ششم و هفتم مارس در جشنواره «تمپو» در استکهلم به نمایش درآید و از قول مدیر جشنواره استکهلم می‌نویسد: «با تجربه‌ای که از گوتنبرگ در مورد این فیلم داریم و در دو شبی که قرار است این فیلم پخش شود بر تعداد افراد انتظامات و اقدامات امنیتی اضافه کرده‌ایم، پخش فیلم حتمی است، افراد زیادی خواهند آمد و ما خودمان را برای اقدامات لازم آماده کرده‌ایم.»

آمادگی مدیران جشنواره فیلم استکهلم برای تأمین اقدامات ایمنی- امنیتی لازم جهت تضمین نمایش فیلم مستند «کودکان کمپ اشرف» نشان می‌دهد دفاع از آزادی بیان و سینمای آزاد ارزشی است که این جشنواره‌ها خود را به آن پایبند می‌دانند و حاضر نیستند به خاطر اقدامات تشنج‌آفرین یک گروه اسلامگرای فرقه‌ای از آن عقب‌نشینی کنند.

اقتصاد آشوب زده ایران؛ از دلار ۶۱ هزار تومانی تا گسترش فقر و افزایش تجمعات اعتراضی

کنترل‌ها بر بازار ارز در ایام انتخابات که قرار بود شاخص‌ها خوب نشان داده شود و ثباتی را در اقتصاد به نمایش بگذارند، چندان اینطور نشد.

به گفته این اقتصاددان انتظار می‌رفت که دولت بازار را با ابزارهای مختلف کنترل کند و نگذارد نرخ تغییر کند. وقتی انتخابات تمام شد نگرانی افزایش نرخ ارز وجود داشت و همین اتفاق هم افتاد. این نوسانات به بعد از عید هم می‌کشد و ما دوباره افزایش قابل توجهی در نرخ ارز خواهیم داشت. کسری بودجه نیز نوید یک جهش ارزی را می‌دهد و بازار رفتار مشخصی در رابطه با ارز نشان می‌دهد. رفتار بازار دقیقاً واقعیت اقتصاد است. اگر با این انتخابات انتظار آرامش اقتصادی را داشتند، الان در بازار وضعیت برعکس است و نشان از کاهش اعتماد سیاسی است.

بازار بورس نیز روزهای متلاطمی را پشت سر می‌گذارد. احمد اشتیاقی تحلیلگر بازار سهام معتقد است ابهاماتی که از ناحیه ترکیب مجلس دارد ایجاد می‌شود می‌تواند سبب بروز تلاطم‌هایی در بازار بورس شود. او گفته اینکه چه سیاستی را می‌خواهند در پیش بگیرند، مهم است.

این تحلیلگر بازار سهام گفته «آیا کماکان می‌خواهند سرکوب قیمتی و مسائل تعزیراتی را در پیش بگیرند یا اینکه نیم نگاهی نیز به اقتصاد بازار آزاد دارند؟ بعضاً در این گروه‌هایی که دارند بیشترین رای را می‌آورند مقولاتی مربوط به دلارزدایی و این مباحث مطرح می‌شود و اتفاقاً بازار از این ناحیه نیز نگران است. اگر این نگرانی برطرف شود بازار پتانسیل رشد بیشتری هم دارد.» اینهمه در حالیکه که دیگر گزارش‌ها از افزایش جمعیت فقیر در کشور حکایت دارند. وبسایت «اقتصاد۲۴» نیز دوازدهم اسفند ماه، در گزارشی با اشاره به «پرتگاه طبقاتی گسترده» در ایران، نوشت بود که «نیمی از جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق هستند.»

در این گزارش آمده بود «بر اساس آمارهای بانک جهانی، در سال ۲۰۱۱، حدود ۲۰ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر بودند؛ اما در سال ۲۰۲۱، بیش از ۲۸/۱ درصد جمعیت ایران، زیر خط فقر قرار گرفتند؛ این یعنی با فرض متوسط جمعیت ۸۰ میلیون نفری طی دهه اخیر، طی سال‌های ذکر شده، تقریباً ۶ و نیم میلیون نفر به افراد زیر خط فقر اضافه شده‌اند. خط فقر، همان شاخصی که به گواه برخی کارشناسان نرخ آن بیش از ۳۰ درصد است؛ به این معنا که بیش از ۳۰ درصد از مردم ایران که نزدیک به ۲۶ میلیون نفر را شامل می‌شود زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ یعنی تقریباً از هر سه ایرانی یک نفر زیر خط فقر قرار دارد و این، همان چهره ناعادلانه اقتصاد در ایران است که کمتر کسی است، با آن مواجه نشده باشد.»

همچنین بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۹۷، بین ۲۳ تا ۴۰ درصد از کل جمعیت ایران زیر خط فقر بسر می‌برند. طبق گزارش همین مرکز، در مهر ماه ۱۳۹۹ و بر اساس گزارش‌ها و رویکرد بی‌سابقه سقوط ارزش پول ایران، بیش از ۶۰ درصد کل جمعیت ایران زیر خط فقر رفتند. خط فقر در ایران در ۲۴ مرداد ۱۴۰۱، به حقوق ۲۰ میلیون تومان در ماه رسید.

روزنامه «شرق» چاپ تهران نهم اسفندماه با اشاره به وضعیت وخیم معیشتی مردم و راهکارهای ادعایی دولت جمهوری اسلامی در این مورد، نوشته بود که «به نظر می‌رسد فاصله چندانی با دریافت وام خرید موز، آرد یا شیر نداشته باشیم.»



و آمار تجمعات اعتراضی نیز هر روز افزایش پیدا کند. روز دوشنبه ۱۴ اسفند با تجمع شماری از بازنشستگان شرکت مخبرات دست‌کم در ۹ استان ایران و از جمله در شهرهای تهران، شیراز، رشت، خرم‌آباد، کرمانشاه، اهواز، سنجند، تبریز، و ارومیه تجمعات اعتراضی هفتگی خود را ادامه دادند. «اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست»، «سهامدار عمده حق ماهارو خورده»، «بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن»، «شرکت پردرآمد چه بر سر تو آمد»، «نه سرما نه گرما نیست جلودار ما»، «معیشت خواربار به روز باید دردد»، «کشور شده صدپاره، بخور بخور تو کاره» از جمله شعارهای بازنشستگانی است که به درآمدهای ناچیز و وضعیت معیشتی خود اعتراض دارند. اینهمه در حالیکه که چشم‌انداز وضعیت اقتصادی ایران در هفته‌ها و ماه‌های آینده نیز مثبت به نظر نمی‌رسد. بودجه سال ۱۴۰۳ پیشاپیش با کسری بسته شده و امیدی به تحقق درآمدهای گنجانده شده در لایحه وجود ندارد. از سوی دیگر برخی تحلیلگران معتقدند حضور افراد «تندرو» در مجلس دوازدهم که رأی‌گیری آن ۱۱ اسفند برگزار شد، سبب اتخاذ سیاست‌هایی خواهد شد که اثر مثبتی بر بازارها نخواهد داشت. قدرت امام وردی اقتصاددان درباره نوسانات ارزی در حاشیه انتخابات و افزایش قیمت ارز در روزهای گذشته گفته «خاطراتان باشد که نوسانات بازار ارز بطور مستقیم، بیشترین اثر را از انتظارات منفی تورمی می‌گیرد.» به گفته وی، «با توجه به این دوستانی که انتخاب شدند، بازار نگران است و این نگرانی که در بین مردم ایجاد شده که نمایندگان آینده به انتظارات تورمی و بی‌اعتمادی دامن می‌زنند؛ بازار نیز درگیر نوسان شده است. البته این نگرانی موقت است و شاید اگر افراد دیگری انتخاب می‌شدند که نگرانی در جامعه ایجاد نمی‌کردند، شاهد کاهش نرخ ارز بودیم.»

این اقتصاددان افزوده که «نکته دیگر در خصوص سیاست‌های دولت و بانک مرکزی است که تقریباً در این دو سال اخیر بازار را به شدت کنترل می‌کند. عملاً بازار ارزی وجود ندارد که اسم آن را بازار آزاد ارز بگذاریم. شدید بودن

● روز دوشنبه ۱۴ اسفند قیمت دلار به ۶۱ هزار تومان رسید. هر یورو در بازار آزاد ایران ۶۵ هزار و ۳۵۰ تومان، هر درهم امارات ۱۶ هزار و ۳۰۰ تومان و هر پوند بریتانیا ۷۶ هزار و ۳۰۰ تومان معامله می‌شود.

● چشم‌انداز وضعیت اقتصادی ایران در هفته‌ها و ماه‌های آینده نیز مثبت به نظر نمی‌رسد. بودجه سال ۱۴۰۳ پیشاپیش با کسری بسته شده و امیدی به تحقق درآمدهای گنجانده شده در لایحه وجود ندارد.

در آخرین روزهای سال خورشیدی وضعیت اقتصاد ایران پرتلاطم‌تر از گذشته است. قیمت‌ها در بازار ارز و طلا رو به افزایش است و تورم مواد خوراکی همچنان می‌تازد. آمارها از گسترش جمعیت فقیر در کشور حکایت دارد و در آستانه سال نو تجمعات و اعتراضات صنفی به مشکلات معیشتی افزایش یافته است.

قیمت‌ها در دو بازار طلا و ارز از روز شنبه دوازدهم اسفندماه و یک روز پس از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری بار دیگر صعودی شده است. قیمت دلار روز دوشنبه ۱۴ اسفند به ۶۱ هزار تومان رسید. هر یورو در بازار آزاد ایران ۶۵ هزار و ۳۵۰ تومان، هر درهم امارات ۱۶ هزار و ۳۰۰ تومان و هر پوند بریتانیا ۷۶ هزار و ۳۰۰ تومان معامله می‌شود.

در بازار طلا نیز قیمت‌ها همچنان افزایشی است. قیمت هر سکه طلا به ۳۵ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان رسیده و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۳ میلیون و ۶۳ هزار تومان قیمتگذاری شده است. قدرت خرید شهروندان نیز به سرعت در حال سقوط است بطوری که خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی نوشته اگر داده‌های تورمی بهمین کار قرار دهند و وزن ارقام در سید معیشت را واقعی در نظر بگیرند، حتماً رقم سید معیشت در کلانشهرهای کشور از ۳۰ میلیون تومان هم فراتر رفته است. این گزارش با اشاره به اینکه «۳۸ درصد اقلام خوراکی منتخب، در بهمین ماه تورمی بیشتر از تورم سالانه داشته‌اند» نوشته که «تورم ماهانه‌ی اقلام پروتئینی در بهمین ماه رکورددار است؛ داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در بهمین امسال، اقلام ماهی قزل‌آلا با ۲/۲ درصد، گوشت گوسفند با ۹/۲ درصد و کنسرو تن ماهی با ۲ درصد بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند.»

به گزارش «ایلنا» در این اوضاع، واقعیت تلخ این است که با حذف گوشت قرمز و سفید از سفره‌ی شهروندان تنگدست، «تخم مرغ» به تنها کالای پروتئینی آنها تبدیل شده است؛ کالایی که به گفته‌ی یک کارگر شهرداری ایرانشهر، «چند بار در هفته، در فهرست غذایی کارگران و طبقات کم‌درآمد کشور ظاهر می‌شود.»

این کارگر که مانند همکارانش سال‌هاست در انتظار مرتب شدن پرداخت حقوق و مزایای مزدی بسر می‌برد، با بیان اینکه «هر ماه که برای خرید می‌رویم، با سیدی خالی‌تر از ماه قبل به خانه برمی‌گردیم» به خبرگزاری «ایلنا» گفته که «بقای ما فقط با تخم مرغ میسر شده است، فقط نان و تخم مرغ؛ حیوانات هم در سال‌های اخیر به شدت گران شده، باید بگویم تخم مرغ هم گران است ولی راه دیگری برای بقا باقی نمانده...»

در چنین شرایطی طبیعی است که در آستانه نوروز شهروندان حقوق‌بگیر با مشکلات معیشتی زیادی روبرو باشند

باورنکردنی؛ جا ماندن دو ورزشکار ایرانی از رقابت‌های جهانی به دلیل «کوتاهی فدراسیون در نامه‌نگاری»!



فرزانه فصیحی، حسن تفتیان

مدال طلای دوی ۶۰ متر، مدال نقره «دوی ۴ در ۴۰۰ متر امدادی» مسابقات قهرمانی آسیا و مدال برنز «دو ۶۰ متر» مسابقات قهرمانی آسیا در سال ۲۰۱۸ میلادی، از جمله مدال‌های فرزانه فصیحی ملی‌پوش تیم دو میدانی ایران بوده است. همزمان در روز شنبه ۱۲ اسفندماه حسن تفتیان قهرمان دو سرعت ایران نیز در پستی در اینستاگرام از ارسال نشدن نامش برای مسابقات جهانی انتقاد کرده و پرسیده است: «چه کسی در ورزش پاسخگوی من است؟»

حسن تفتیان در ادامه با اشاره به عدم ارسال نام او به‌عنوان نماینده ایران به فدراسیون جهانی گفته است که آیا او «علاوه بر تمرین و تمرکز بر حضور موفق‌تر در این مسابقات می‌بایست جور کارهای انجام‌نشده اداری از سوی فدراسیون را هم بکشد؟» به نوشته حسن تفتیان «تمامی اهالی ورزش دنیا اعم از مسئول و ورزشکار و مربی و هوادار هزینه می‌کنند، مدیریت می‌کنند، تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند تا در مهمترین رویداد ورزشی رشته خود در جهان شرکت کنند و نتیجه بگیرند این رویداد در مسابقات دو و میدانی، قهرمانی جهان نام دارد که همه دوندگان دنیا به نوعی آرزوی شرکت در این میدان ورزشی را دارند. حال سوال من این است که چرا حسن تفتیان، در این رقابت‌ها شرکت نکرد؟»

این ورزشکار در ادامه نوشته که «آیا متولیان ورزش کشور تا کنون پیشرفت حسن تفتیان را نسبت به سال فعالیت با بزرگان سرعت دنیا مقایسه کرده اند که ببینید آیا حسن تفتیان از گول‌های سرعت چیزی کم دارد یا نه؟؟ من در ابتدای شروع کار و برنامه دادن به فدراسیون این مسابقات مهم را در برنامه تمرینی خود تا المپیک گنجانده‌ام و فدراسیون را از اهمیت شرکت کردن در این مسابقه و اردوی بعد از آن در مسیر رسیدن به هدف اصلی مطلع کردم. چرا باید دوندگانی که توانایی آنها از حسن تفتیان در دیگر کشورها کمتر است بیشتر از حسن تفتیان مورد حمایت قرار گیرند؟» وی افزوده که «متولیان ورزش کشور صدای مرا از باب درخواست حمایت بشنوند که چرا وقتی در توان خود می‌بینم که پرچم کشورم را در میادین مهم به احتزاز در آورم زمین‌هاش که بسیار پیش پا افتاده است همچون ثبت نام کردن و فرستادن نام من به عنوان نماینده ایران به فدراسیون جهانی هم فراهم نمی‌شود.» اینهمه در حالیست که مهدی مبینی سرپرست فدراسیون دو و میدانی گفته سرپرست فدراسیون درباره گلایه حسن تفتیان دیگر ملی‌پوش ایران که او هم مدعی اعزام نشدن به مسابقات جهانی شده، به خبرگزاری «تسنیم» گفته نام تفتیان در لیست نهایی که ۳۰ بهمن دادند، قرار نداشت و دعوتنامه برای او نیامده بود.

محمد مشهدی‌باری سرپرست دبیری فدراسیون دو و میدانی نیز در توضیحاتی «صادر نشدن ویزا» را دلیل عدم حضور فصیحی در قهرمانی جهان عنوان کرد: «مشکل ویزا داشت و صادر نشد. سفارت انگلیس باید ویزا را صادر می‌کرد که مشکلات خود را دارد. ما نامه زده بودیم که ممکن است ورزشکاران ما ورودی قهرمانی جهان بیاورند با ما همکاری کنید، اما گفتند تا دعوتنامه به اسم نیاید کاری انجام نمی‌دهیم. ورودی دیر آمد. حسن تفتیان که اصلا ورودی نگرفت. فکر می‌کنم فرزانه فصیحی هم ۲۲ بهمن ورودی گرفت که بچه‌ها ۲۵ بهمن به سفارت رفته بودند. سفارت به آن‌ها دو ماه بعد وقت داد. بچه‌ها از بین‌الملل وزارت ورزش کمک گرفتند، اما باز هم سفارت تاریخ را دو هفته بعد انداخته بود. این اتفاق افتاد و متأسفانه ویزا نیامد. او در واکنش به پست فرزانه فصیحی گفت: مسئله دیگری غیر از ویزا نبوده است.»

ساعاتی پس از انتشار این خبر تکاندنده، خبرگزاری «تسنیم» بعد از ظهر شنبه ۱۲ اسفندماه به نقل از مهدی مبینی سرپرست فدراسیون دو و میدانی از برکناری مسئول امور بین‌الملل این فدراسیون به دلیل «سهل‌انگاری» در پروسه اعزام فرزانه فصیحی خبر داد.

مهدی مبینی به «تسنیم» گفته که «استارت کار از دو ماه قبل خورد که ما چهار نفر به نام‌های مهدی صابری، حمیده اسماعیل‌نژاد، فرزانه فصیحی و حسن تفتیان را برای دریافت ویزا معرفی کرده بودیم، اما اعلام شد که بدون دعوت‌نامه حضور در مسابقات نمی‌توانیم اقدام کنیم. روز ۲۲ بهمن از ما خواستند یک نفر را معرفی کنیم که این حق فصیحی بود و ما نیز او را معرفی کردیم. دو روز بعد یعنی ۲۶ بهمن دعوت‌نامه آمد و مسئول امور بین‌الملل فدراسیون کارهای مربوطه را انجام داد. روز ۲۹ بهمن که مسابقه فصیحی هم در ایران تمام شده بود، او در لیست نهایی مسابقات جهانی اسکاتلند حضور داشت. مسئول امور بین‌الملل هم اقدام برای ثبت نام را انجام داد، اما برای ویزا خبر دادند که حداقل یک ماه طول می‌کشد.» سرپرست فدراسیون دو و میدانی افزوده که «امور بین‌الملل فدراسیون باید در همان روز ۱۳ فوریه یعنی ۲۴ بهمن به وزارت امور خارجه نامه می‌زد و پیگیری می‌کرد و به ما اطلاع می‌داد که احتمالش خیلی ضعیف است این اتفاق بیفتد. این تعلل از سوی امور بین‌الملل بوده و به نوعی یک کوتاهی صورت گرفته؛ چون اگر زودتر اعلام کرده بود ویزا در ایران صادر نمی‌شود، اقدام دیگری می‌کردیم و فصیحی را به صربستان می‌فرستادیم تا از طریق آنجا ویزا بگیرد و به اسکاتلند برود. سهل‌انگاری اتفاق افتاده که این اتفاق هزینه دارد و منجر به برکناری مسئول امور بین‌الملل شده است.»

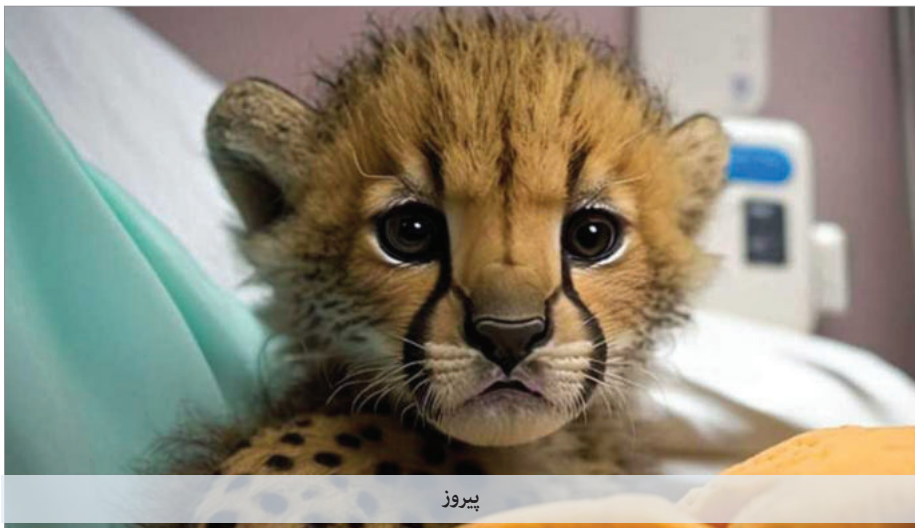
● فرزانه فصیحی که عنوان پرسرعت‌ترین زن آسیا را دارد در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرد که از شرکت در مسابقات جهانی باز مانده است.

● حسن تفتیان قهرمان دو سرعت ایران نیز در پستی در اینستاگرام از ارسال نشدن نامش برای مسابقات جهانی انتقاد کرده و پرسیده است: «چه کسی در ورزش پاسخگوی من است؟» دو قهرمان رشته دو و میدانی ایران به دلیل سهل‌انگاری و کوتاهی فدراسیون مربوطه از جمله در پاسخ به ایمیل و نامه‌نگاری از رقابت‌های جهانی جا ماندند.

فرزانه فصیحی و حسن تفتیان دو ورزشکار ایرانی هستند که در خبری باورنکردنی اعلام شده به دلیل کوتاهی فدراسیون در پاسخ به ایمیل‌ها و نامه‌نگاری‌های لازم از رقابت‌های جهانی جا مانده‌اند. فرزانه فصیحی که عنوان پرسرعت‌ترین زن آسیا را دارد در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرد که از شرکت در مسابقات جهانی باز مانده است.

فرزانه فصیحی در یادداشتی انتقادی از مسئولان ورزش کشور نوشت: «از یک مسابقه دیگه هم جا موندم؛ قهرمانی جهان... بدون اینکه خطایی کرده یا تقصیری داشته باشم. شاید درک ارزش حضور و سختی کسب ورودی مسابقات قهرمانی جهان برای عده‌ای قابل لمس نباشه اما من هیچوقت بابتش نه پاداش خواستم، نه حواله‌ای، نه حتی اینکه خربش رو تو سایت فدراسیون بزنن. بدون هیچ هیچ توقع و انتظاری، حتی به لوح تقدیر ساده.»

او در ادامه نوشته که «من تو سال‌های اخیر یاد گرفتم سطح توقعاتم رو تا حد زیر صفر پایین بیاوم و امروز با وجود این حجم از ناملایمی و نادیده گرفته شدن‌ها باز هم ادامه دادم. من فقط توقع داشتم تو آماده‌ترین سال ورزشی‌ام و بعد از رکورد شکنی برم با بزرگان جهان مسابقه بدم و کاری کنم که در تاریخ ورزش بی سابقه بوده؛ اما این اجازه به من داده نشد.» این ورزشکار افزوده که «دلایل دیگه برام مهم نیست که چرا این‌طور شد چون بار اول نیست و بار آخر هم نخواهد بود اما حالا پرچم ایران تو محل مسابقات نیست. از وقوع اتفاق بی سابقه در تاریخ ورزش کشور جلوگیری شد و ناراحت کننده‌ترین اتفاق اینک زحمات، تلاش و رویاهای یک ورزشکار زیر پاله شد. هیچ کاری از دستم بر نمی‌آید، چند روز ناراحتی می‌کنم، به خودم میام و ادامه می‌دم؛ این روتین ۱۵ سال سابقه ورزش من بوده.» ویسایت «ورزش سه» گزارش داده که فرزانه فصیحی که چند روز قبل موفق به کسب مدال طلای مسابقات دو و میدانی داخل سالن آسیا شد، حتی نامش در میان حاضران در رقابت‌های داخل سالن جهان در رشته ۶۰ متر قرار گرفت، اما به دلیل نرسیدن ویزا از این مسابقات بازماند.



پیروز

یک تکه پلاستیک «پیروز» را به کشتن داد

کند، چیزهایی یاد بگیرد، تحرک داشته باشد و غذا بخورد. پارک پردیسان جایی است که پرندگان مختلف از جمله کلاغ، زاغی و... نیز حضور دارند. این مقام مسئول در سازمان محیط زیست ادعا کرد: «یک تکه پلاستیک یا لاستیک کوچک آنجا وجود داشته که پیروز آن را خورده بود و در دریچه پیلور و درست جایی قرار گرفته بود که در اسکن نشان نمی‌داد و به‌رغم چند بار اسکن توسط بهترین متخصصان هم دیده نشد.»

ضمن آنکه آسیب‌ها و بیماری‌های قبلی نیز پابرجا بود. وی در ادامه توضیح داد: «سیستم گوارش، تنفس و کلیه‌های پیروز ضعف‌هایی داشت و از بدشناسی ما این تکه پلاستیک، پیروز را ضعیف کرد و کلیه‌هایش که از قبل بیمار بودند، از کار افتادند. تلاش شد تا کلیه‌هایش درمان شوند، تلاش آخر هم موفقیت‌آمیز بود اما مشکلات و عفونت‌هایی که در بدنش ایجاد شده بود با دانش دامپزشکی‌ای که ما داشتیم، باعث شد، نتوانیم او را نجات دهیم.»

با اینهمه در حالی که مسئولان سازمان محیط زیست با بی‌توجهی و اهمال‌کاری آخرین توله «ایران» را به کشتن دادند حالا مدعی شده‌اند که ژن پیروز را برای احیاء دوباره ذخیره کرده‌اند. معلوم نیست اگر پیروز به ادعای مسئولان اینهمه بیماری داشته، بطوری که «آنچه در ظاهر پیروز می‌دیدیم چیزی نبود که از نظر فیزیولوژی بدنی یوز باشد»، به چه دلیل پس از مرگ او موضوع احیاء ژن وی را مطرح کرده‌اند!

به گفته سرپرست مرکز ملی ذخایر ژنتیک و زیستی ژن برخی گونه‌های در حال انقراض مثل پیروز یوز معروف ایرانی و همچنین خرس بلوچی در مرکز ملی ذخایر ژنتیک و زیستی نگهداری می‌شود تا در شرایط لزوم احیا شوند. از جمعیت بزرگ یوزهای آسیایی در سایه بی‌کفایتی مسئولان جمهوری اسلامی در حال حاضر کمتر از ۴۰ قلاهد در ایران و حوالی سمنان زندگی می‌کنند.

به گفته معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست «فرصت بسیار کمی برای نجات یوزها از پرتگاه انقراض داریم و به نظر نمی‌رسد بیش از ۴ تا ۵ سال برای حفظ این گونه ارزشمند وقت داشته باشیم.»

علیرضا شهرداری تیمارگر پیروز که در تمام ماه‌های حیات وی هر روز و هر لحظه کنار پیروز بود، در نخستین سالگرد مرگ او نوشته است «بیست سال برای حفاظت یوزپلنگ هزینه شد و هر سال از سال قبل بدتر شد.»

او با ابراز نگرانی از وضعیت یوزهای ایرانی نوشت که جاده مرگ جان چندین یوز را گرفت و هنوز دام و دامدار و سگ گله در زیستگاه یوزپلنگ وجود دارند.

داشته که پیروز آن را خورده بود و در دریچه پیلور و درست جایی قرار گرفته بود که در اسکن نشان نمی‌داد و به‌رغم چند بار اسکن توسط بهترین متخصصان هم دیده نشد.»

اواخر سال ۱۴۰۰ بود که در اوج بی‌خبری از پروژه‌های حفاظت از یوز به یکباره خبر رسید که «ایران» در اسارت باردار شده است. در اردیبهشت ۱۴۰۱ از ایران سه پسر از طریق سزارین به دنیا آمد که دو توله از آنها در همان ماه اول به خاطر اشتباه‌های تیمارگر و نبود آمادگی لازم برای حفاظت از توله‌یوزها از بین رفتند و تنها پیروز باقی ماند.

با این حال تا روزی که در اسفند ۱۴۰۱ خبر رسید که پیروز به بیمارستان منتقل شده باز هم از سوی سازمان محیط زیست، هیچ اطلاع‌رسانی درباره مشکلات گوارشی او ارائه نشد تا اینکه پس از ۱۱ ماه پیروز نیز جان خود را از دست داد. پیروز که به نماد «امید» در ایران تبدیل شده بود، مرگش به دلیل بی‌کفایتی و سوء مدیریت جاری و مزمن در جمهوری اسلامی، با واکنش شدید مردم روبرو شد.

حسن اکبری در گفتگوی خود با «هم‌میهن» با اشاره به نبود تجربه در حوزه درمان و تیمار یوز توضیح داد: «تقریباً گاهی اوقات شب‌ها و روزهای زیادی تیمارگران یا دامپزشکان مجبور بودند بالای سر پیروز بمانند. پیروز ده‌ها مرتبه تا دم مرگ رفت و برگشت و هربار سیستم بدنش ناپایدار می‌شد. پیروز با مشکلات متعدد گوارش، ریه، استخوان‌بندی و اسکلت دست و پنجه نرم می‌کرد. آنچه در ظاهر پیروز می‌دیدیم چیزی نبود که از نظر فیزیولوژی بدنی یوز باشد.»

به گفته این مقام مسئول در سازمان محیط زیست، «این سازمان هم چیزی برایش کم نگذاشت، اما بدشناسی‌هایی آورد و در مراحلی که پیروز تقریباً از آب و گل بیرون آمده و به شرایطی رسیده بود که احساس کردیم زنده می‌ماند، ناگهان با غذا نخوردن و حالت نامساعدی مواجه شدیم که همیشه هم برای پیروز اتفاق می‌افتاد.»

وی اضافه کرد: «در همان اولین تماسی که تیمارگر با ما گرفت، موضوع احتمال مسدود شدن سیستم گوارش با پلاستیک را مطرح کرد و با همین پیش‌زمینه او را به بیمارستان بردیم، آنجا بیهوش و اسکن شد، اما چیزی مشاهده نشد و به پردیسان برگردانده شد.»

اکبری ادامه داد: «پیروز حالش مساعد نبود و مجدد بستری شد. طبق گزارش‌هایی که پاتولوژیست و کالبدگشایی اعلام کردند، به نظر می‌رسد که به دلیل خوردن یک تکه کوچک پلاستیک تلف شده است.»

به گفته وی کلیت موضوع این است که در وسط تهران در پارک پردیسان برای پیروز فضایی ایجاد شد تا در آنجا بازی

● روزنامه «فرهیختگان» با انتشار ویدیوی بازی کردن پیروز با یک تکه پلاستیک نوشته است: «یوزپلنگی که قرار بود نسل این حیوان ایرانی رو به انقراض را ادامه بدهد، در محیطی با احتمال آلودگی محیط زیستی بالا رها می‌شده و حتی وقتی پلاستیکی را به دهان می‌برد بجای احتمال وقوع خطر و منع او، از حیوان فیلم گرفته می‌شود.»

● حسین اکبری از مقامات مسئول در سازمان محیط زیست: «در همان اولین تماسی که تیمارگر با ما گرفت، موضوع احتمال مسدود شدن سیستم گوارش با پلاستیک را مطرح کرد و با همین پیش‌زمینه او را به بیمارستان بردیم، آنجا بیهوش و اسکن شد، اما چیزی مشاهده نشد و به پردیسان برگردانده شد.»

● در حالی که مسئولان سازمان محیط زیست با بی‌توجهی و اهمال‌کاری آخرین توله «ایران» را به کشتن دادند حالا مدعی شده‌اند که ژن پیروز را برای احیاء دوباره ذخیره کرده‌اند. معلوم نیست اگر پیروز به ادعای مسئولان اینهمه بیماری داشته، بطوری که «آنچه در ظاهر پیروز می‌دیدیم چیزی نبود که از نظر فیزیولوژی بدنی یوز باشد»، به چه دلیل پس از مرگ او موضوع احیاء ژن وی را مطرح کرده‌اند!

به تازگی ویدیویی از پیروز، توله یوز ایرانی که در ۹ اسفند ۱۴۰۱ جان خود را از دست داد، منتشر شده که بازی کردن او با یک کیف پلاستیکی در پارک پردیسان تهران را مانند یک گربه خانگی نشان می‌دهد! در حالی که هیچیک از تیمارگران و دامپزشکان پیروز مانع بازی او با آن تکه پلاستیک نشده‌اند. در همین حال معاون سازمان حفاظت محیط زیست مدعی شده است که بلعیدن پلاستیک، تنها دلیل مرگ پیروز نبوده بلکه مجموعه‌ای از بیماری‌ها منجر به مرگ این توله یوز ایرانی شد.

روزنامه «فرهیختگان» با انتشار ویدیوی بازی کردن پیروز با یک تکه پلاستیک نوشته است: «یوزپلنگی که قرار بود نسل این حیوان ایرانی رو به انقراض را ادامه بدهد، در محیطی با احتمال آلودگی محیط زیستی بالا رها می‌شده و حتی وقتی پلاستیکی را به دهان می‌برد بجای احتمال وقوع خطر و منع او، از حیوان فیلم گرفته می‌شود. اینهمه اهمال در حالی اتفاق افتاده بود که پیروز تنها توله باقیمانده از سه توله ایران، یوزپلنگ مادر بود که در بدو تولد هم به دلیل تیم پزشکی و دست زدن به بدنش بعد از عمل سزارین زودرس، از سوی مادر طرد شده بودند.»

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست روز ۱۲ اسفند به روزنامه «هم‌میهن» گفت: «در پارک پردیسان یک تکه پلاستیک یا لاستیک کوچک وجود

افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا در فردای «سیرک انتخابات»؛ دلار ۶۰ هزار تومان شد



تدوین «بسته ماندگاری پرستاران» به دستور خامنه‌ای با چاشنی سرکوب و تویخ پرستاران معترض!

● رئیس کل سازمان نظام پرستاری کشور با اشاره به مهاجرت دست‌کم سالانه ۲۷۰۰ پرستار از ایران، این روند را «زنگ خطری جدی برای نظام سلامت» ارزیابی کرده است. ● در روزهای گذشته و در حالی که نشست اعضای شورای عالی سازمان نظام پرستاری برگزار می‌شد، جمعی از پرستاران در شیراز و کرمانشاه تجمع کردند. ● دولت در حالی مدعی تدوین بسته «ماندگاری پرستاران» به دستور علی خامنه‌ای است که اعتراضات صنفی پرستاران با سرکوب و مجازات برای این قشر همراه بوده است.

وزارت بهداشت از «بسته ماندگاری پرستاران» برای جلوگیری از مهاجرت پرستاران از کشور رونمایی کرده است. پرستاران با مشکلات صنفی زیادی از جمله شیفت‌های اضافه‌کاری تحمیلی و دستمزدهای ناچیز روبرو هستند و دولت هیچ اقدامی برای حل مشکلات آنها انجام نداده است.

محمدتقی جهانپور رئیس کل سازمان نظام پرستاری کشور با اشاره به مهاجرت دست‌کم سالانه ۲۷۰۰ پرستار از ایران گفته «بسته ماندگاری پرستاران» در دست تدوین است. محمدتقی جهانپور تأکید کرده که طراحی و تدوین این بسته به دستور علی خامنه‌ای در دستور کار قرار گرفته است. رئیس کل سازمان نظام پرستاری کشور این سخنان را در نشست اعضای شورای عالی سازمان نظام پرستاری که دو روز پیش با حضور وزیر بهداشت برگزار شد مطرح کرد. محمدتقی جهانپور در این نشست مهاجرت گسترده پرستاران از کشور را «زنگ خطری جدی برای نظام سلامت» ارزیابی کرد.

تدوین بسته‌ای با عنوان «ماندگاری پرستاران» نخستین بار ماه گذشته مطرح شد. عباس عبادی معاون پرستاری وزارت بهداشت نیمه بهمن‌ماه امسال از طراحی این بسته توسط وزارت بهداشت خبر داده و گفته بود که این بسته بر ارتقای وضعیت معیشت و کرامت همکاران متمرکز دارد.

معاون پرستاری وزارت بهداشت افزوده بود که پیشنهادهای از جمله اصلاح فرمول محاسبه اضافه کار در آن ارائه شده است و بهبود اسکان همکاران پرستار نیز در این بسته در حال پیگیری است که شامل مسکن ملی و پانسیون‌های پرستاری است و ساخت پانسیون در ۳۱ منطقه آغاز شده است.

به گفته عباس عبادی در این بسته همچنین تسهیلاتی برای ادامه تحصیل همکاران پرستار در نظر گرفته شده که ارتقای شغلی داشته باشند.

فی‌شناسیم به تریخ قبای او برخورد و رو به کوه نهاده! کم جنبه!» اشاره داوود سوری به اظهارات احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی است که گفته بود «نرخ ارز در بازار آزاد را به رسمیت نمی‌شناسیم.»

در بازار بورس اما برخلاف هفته‌های گذشته شاخص مثبت بود و نمادها سبز شدند. شاخص کل بورس روز شنبه ۱۲ اسفندماه بیش از ۳۱ هزار واحد افزایش یافت و به رقم دو میلیون و ۸۶ هزار واحد رسید.

برخی تحلیلگران معتقدند دولت همه تلاش خود را به کار بسته بود که بازارهای ارز و طلا در روزهای منتهی به انتخابات یازدهم اسفندماه روندی آرام را پشت سر بگذارند اما با پایان انتخابات قیمت‌ها در این دو بازار صعودی شده است.

برخی دیگر از تحلیلگران نیز افزایش پرسرعت قیمت‌ها را ناشی از رأی آوردن نامزدان معروف به جبهه پایداری در تهران که از اصولگرایان تندرو هستند ارزیابی می‌کنند.

برخی از تحلیلگران تقاضای آخر سال بازار ارز را عامل مهم افزایشی شدن نرخ ارز می‌دانند و برخی دیگر نیز معتقدند که تشدید انتظارات تورمی توسط فعالان ارزی نیروی افزایشی اصلی بازار تهران است.

بازار بورس اما بیشتر تحت اختیار مافیاهای حکومتی است و به نظر می‌رسد تلاش شده بود در برابر افزایش قیمت‌ها در بازارهای ارز و طلا، این بازار سبز شود.

این در حالیست که همچنان مسائل سیاسی محرک قیمت‌ها در بازار ارز، مانند مواضع غرب علیه حوثی‌های یمن که از نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی به شمار می‌روند، پابرجا هستند.

از سوی دیگر بحران‌های اقتصادی کشور از جمله کسری بودجه و روی آوردن دولت به اقداماتی چون افزایش نقدینگی برار مهار این کسری ادامه دارد.

● قیمت هر یورو نیز از ۶۵ هزار تومان عبور کرد و قیمت هر درهم امارات به بیش از ۱۶ هزار و ۱۵۰ تومان رسید. قیمت پوند انگلیس نیز وارد کانال ۷۶ هزار تومان شده است.

● هر سکه طلا به ۳۵ میلیون تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار به مرز ۳ میلیون تومان رسیده است.

● دولت همه تلاش خود را به کار بسته بود که بازارهای ارز و طلا در روزهای منتهی به انتخابات یازدهم اسفندماه روندی آرام را پشت سر بگذارند اما با پایان انتخابات قیمت‌ها در این دو بازار صعودی شده است.

قیمت‌ها در بازار طلا و ارز ایران یک روز پس از برگزاری انتخابات با افزایش چشمگیری روبرو شد و قیمت دلار آمریکا به ۶۰ هزار تومان رسید.

از صبح روز شنبه ۱۲ اسفندماه و یک روز پس از برگزاری دو انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری قیمت‌ها در بازار آزاد ارز و طلا صعودی شد.

قیمت هر دلار آمریکا که در پایان هفته گذشته در کانال ۵۸ هزار تومان قرار داشت از صبح روز شنبه وارد کانال ۵۹ هزار تومان شد و تا بعد از ظهر شنبه به ۶۰ هزار تومان رسید.

قیمت هر یورو نیز از ۶۵ هزار تومان عبور کرد و قیمت هر درهم امارات به بیش از ۱۶ هزار و ۱۵۰ تومان رسید. قیمت پوند انگلیس نیز وارد کانال ۷۶ هزار تومان شده است.

قیمت‌ها در بازار طلا نیز صعودی بود بطوری که هر سکه طلا به ۳۵ میلیون تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار به مرز ۳ میلیون تومان رسیده است.

داوود سوری اقتصاددان در واکنش به روند افزایشی دلار و اوج گرفتن قیمت آن در بازار ایران، به کنایه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «از وقتی گفتند دلار را به رسمیت

کامل یک پرستار، رقم اضافه‌کاری تعیین شود، تا پرستاران راضی به انجام اضافه‌کار شوند و کمبود نیرو جبران شود.» ابراهیم آریا مقدم تأکید کرده که حتی آزمون استخدامی‌هایی هم که برگزار می‌شود، نمی‌تواند کمبود پرستاران را جبران کند. این آزمون‌ها معمولاً برای تبدیل وضعیت پرستارانی است که در قالب قراردادهای مختلف مشغول به کار هستند و کمتر برای جذب نیروی جدید است.

صفحه «پرستار» در شبکه «ایکس» که به بازتاب مسائل صنفی پرستاران می‌پردازد در مطلبی به اضافه‌کاری اجباری پرستاران و تعرفه دستمزد اندک آن اشاره کرده و این دستمزد را با دستمزد پرستاران در چند کشور مقایسه کرده است. بر اساس اطلاعات منتشر در این مطلب پرستاران در ایران در حالی به دلیل کمبود نیرو ناچار هستند بطور اجباری اضافه‌کاری کنند به ازای هر ساعت اضافه‌کاری اجباری تنها ۳۰ سنت درآمد دارند.

همچنین اضافه‌کاری اجباری پرستاران به «استثمار سیستماتیک پرستاران» توصیف و تأکید شده که مطابق

نیروهای باقی مانده به گونه‌ای افزایش یافته که پرستاری که تا سه ماه قبل، دو شیفت کاری داشت حالا مجبور به سه شیفت کاری است تا جای خالی همکاران خود را هم پر کند.»

محمدشرفی مقدم دبیرکل خانه پرستار نیز به تازگی از مجازات پرستاران معترض خبر داده و گفته بود که «هیئت تخلفات برخی از دانشگاه‌ها، برای پرستارانی که در اعتراضات صنفی شرکت کرده‌اند، پرونده ساخته‌اند و احکامی مثل ۶ ماه انضام خدمت صادر کرده‌اند.»

محمدشرفی مقدم با اعتراض به رویه‌ای که طی دهه اخیر بی‌سابقه بوده، گفته بود: «این چه حکمی است؟ چرا باید برای تجمع صنفی و شکایت به دریافتی ناچیز، حکم صادر کرد؟ ۶ ماه انضام از کار در شرایطی که با مشکل کمبود پرستار مواجهیم و مردم هر روز از این وضع آسیب می‌بینند، چگونه توجیه می‌شود؟»

کمبود پرستار در حالی که وزارت بهداشت اقدام به استخدام نیروی جدید نمی‌کند سبب افزایش فشار کار بر روی پرستاران شاغل شده است. از سوی دیگر تعرفه دستمزد

مشکلات صنفی پرستاران دامنه گسترده‌ای دارد اما وزارت بهداشت تا کنون به این مشکلات بی‌اعتنا بوده است. در روزهای گذشته و در حالی که نشست اعضای شورای عالی سازمان نظام پرستاری برگزار می‌شد، جمعی از پرستاران در شیراز و کرمانشاه تجمع کردند.

صدها پرستار دیروز، دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲، در مقابل دانشگاه علوم پزشکی شیراز تجمع کردند. به گزارش فعالان صنفی علت تجمع پرستاران «وضعیت شغلی و دستمزدی، پایین بودن تعرفه‌ها، اضافه‌کار اجباری پرستاری و وعده‌های توخالی مسئولان» بیان شده بود.

دولت در حالی مدعی تدوین بسته «ماندگاری پرستاران» به دستور علی خامنه‌ای است که اعتراضات صنفی پرستاران با سرکوب و مجازات برای این قشر همراه بوده است. روزنامه «اعتقاد» در گزارشی به این سرکوب‌ها از جمله «۶ ماه انضام از خدمت» پرداخته است.

در این گزارش که روز دوشنبه ۱۴ اسفندماه منتشر شده آمده که از ابتدای امسال، پرستاران در شهرهای مختلف کشور نسبت به اجرای ناقص و سلیقه‌ای قانون تعرفه‌گذاری



تجمع اعتراضی پرستاران، شیراز - ۱۴ اسفند ۱۴۰۲

قانون بهره‌وری، اضافه‌کار نباید اجباری باشد اما در بسیاری از مراکز درمانی به پرستاران اضافه‌کار اجباری می‌دهند. در این مطلب آمده که شاید مهم‌ترین چالش حرفه پرستاری در ایران بعد از کمبود نیروی انسانی، اضافه‌کاری اجباری پرستاران با حداقل دستمزد باشد. در چنین شرایطی و با کمبود پرستار در مراکز درمانی کشور، به ویژه در بیمارستان‌های دولتی از پرستاران خواسته می‌شود تا ساعات بیشتری را در محل کار حضور داشته باشند.

این مطلب افزوده نگاهی به وضعیت دستمزدی پرستاران در ایران نشان می‌دهد که پرداختی بابت یک ساعت اضافه‌کاری به هر پرستار، بین ۱۳ تا ۲۰ هزار تومان است. یعنی معادل ۳۰ تا ۵۰ سنت ارقمی که حتی بدون نیاز به مقایسه با رقم موجود در سایر کشورهای منطقه و جهان، غیر منطقی و بیشتر شبیه به یک شوخی به نظر می‌رسد.

در چنین شرایطی طبیعی است که پرستاران برای ادامه اشتغال در نظام درمانی ایران انگیزه نداشته باشند و از هر فرصتی برای مهاجرت به دیگر کشورها استفاده کنند تا هم کرامت انسانی آنها حفظ شود و هم دستمزدهایی عادلانه دریافت کنند.

پرستاران به ویژه در محاسبه اضافه‌کاری نیز عادلانه نیست. ماه گذشته دیوان عدالت اداری در کرمان، تهران و مشهد در مورد منع اضافه‌کاری اجباری به نفع پرستاران رأی صادر کرد و این حق را به پرستاران داد تا از انجام اضافه‌کار اجباری امتناع کنند. رأی دیوان البته صرفاً در تهران قطعی شده بود. در شهر مشهد و کرمان اما دانشگاه علوم پزشکی درخواست اعاده دادرسی کردند. ابراهیم آریا مقدم رئیس انجمن فوریت‌های پزشکی خراسان رضوی معتقد است که «بخش حقوقی دانشگاه [علوم پزشکی] برای آنکه زمان بخرد، اعاده دادرسی داده است. البته اعاده دادرسی رد شده اما باز هم مجدد روی آن اعاده دادرسی دادند. درواقع با اینکه خودشان می‌دانند در نهایت باید تن به این قانون بدهند، اما اطالهی دادرسی می‌کنند چون با مشکل کمبود نیرو مواجه هستند.»

این فعال صنفی کمبود نیروی پرستار را معضلی دانسته که سبب تحمیل اضافه‌کاری اجباری به پرستاران شاغل شده و توضیح می‌دهد: «وزارت بهداشت طی این سال‌ها، نیروی مورد نیاز جذب نکرده، و نمی‌تواند این کمبود را با نیروی ساعتی ۲۰ هزار تومان جبران کند. باید به اندازه‌ی حقوق

خدمات پرستاری و اضافه‌کار اجباری معترض بوده‌اند اما دولت به تازگی به جای اصلاح مشکلات و توجه به خواسته‌های پرستاران معترض، به توییح و تنبیه معترضان متوسل شده است.

یکی از پرستارانی که در تجمعات اعتراضی شرکت کرده به روزنامه «اعتقاد» گفته که «طی ۳ ماه اخیر حدود ۵ نفر از پرستاران این بیمارستان به دلیل پاسخو نبودن مسوولان، ترک کار کرده و استعفا داده‌اند و سه نفر از پرستاران هم درخواست استعفای خود را نوشته‌اند اما هنوز به مسوولان بیمارستان تحویل نداده‌اند.»

این پرستار گفته که «نحوه پرداخت‌ها طی ماه‌های اخیر به گونه‌ای بوده که هیچ تناسبی با قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری نداشته به این معنا که دریافتی پرستاران نسبت به دو سال قبل که از اجرای قانون خبری نبود هم، کمتر شده است.»

او افزوده که «حجم کار پرستاران طی ماه‌های اخیر به صورت اجباری افزایش یافته و با وجود استعفای حدود ۵ پرستار، مسوولان بیمارستان هیچ نیروی جدیدی به جای مستعفی‌ها جذب نکرده‌اند بلکه در عوض، حجم کار

«حفره آماری» در تجارت خارجی ساختار مافیایی و رانتی اقتصاد جمهوری اسلامی



● بررسی ارقام اعلامی گمرک ایران و چین در سال ۲۰۲۳ میلادی، حداقل ۱۴ میلیارد دلار اختلاف را نشان می‌دهد.
● تحریم نیز رانتهای چندصد میلیون دلاری برای «خودی»ها ایجاد کرده تا بتوانند زیر سایه ساختار غیرشفاف به بهانه دور زدن تحریم‌ها به سودجویی بپردازند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» از وجود یک «حفره آماری» در مقایسه آمارهای صادرات و واردات گمرک ایران و برخی شرکای تجاری خبر داده است. بر اساس این گزارش حضور شخص یا کشور ثالث در روند تجارت خارجی ایران به دلیل تحریم و ارز چند نرخ زمین‌ساز بروز فساد و آمارهای غیرواقعی و ساختگی در تجارت خارجی شده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» چاپ تهران در شماره امروز شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲ در گزارشی با عنوان «حفره در آمار تجارت» به آمارهای غیرواقعی و دستکاری شده در تجارت خارجی ایران پرداخته و عوامل و دلایل آن را مورد بررسی قرار داده است. در این گزارش آمده که مقایسه آمارهای صادرات و واردات گمرک ایران و برخی شرکای تجاری از یک حفره آماری قابل توجه پرده برمی‌دارد. بررسی ارقام اعلامی گمرک ایران و چین در سال ۲۰۲۳ میلادی حداقل ۱۴ میلیارد دلار اختلاف را نشان می‌دهد. همچنین بررسی آمارهای ارائه شده توسط گمرکات چین و بریتانیا در مورد تجارت با ایران، اختلافات قابل ملاحظه‌ای با ارقام گمرک ایران را نشان می‌دهد.

این دو کشور به عنوان نمونه‌هایی از سیستم سیاسی متمرکز (چین) و یک نظام مبتنی بر دموکراسی پارلمانی (انگلستان) انتخاب شده‌اند. گمرک چین، میزان صادرات ایران به این کشور در سال ۲۰۲۳ میلادی را ۴ میلیارد و ۵۸۰ میلیون دلار و میزان واردات ایران را ۱۰ میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار گزارش کرده است.

روزنامه دنیای اقتصاد در این گزارش به «سابقه طولانی آمارهای مخدوش» اشاره کرده و نوشته که بر اساس پژوهشی که عباس شاکری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی، در کتاب «مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران» منتشر کرده است، در حد فاصل سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳، در حدود ۴۶ میلیارد دلار کم‌اظهاری در آمار واردات ایران از چین وجود دارد. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۳، این اختلاف رقمی بیش از ۱۱ میلیارد دلار محاسبه شده است.

بر اساس پژوهش این عضو هیات علمی، در دهه ۸۰ شمسی نیز روند مشابهی مشاهده می‌شود. با مقایسه آمارهای گمرک ایران و امارات، در ۱۰ ساله مذکور ۴۳ میلیارد دلار بیش‌اظهاری در واردات از امارات و ۱۰ میلیارد دلار بیش‌اظهاری در صادرات به این کشور وجود دارد. بنابراین همان‌طور که مشخص است، مشکل اختلاف در آمارهای تجاری مربوط به یک دوره یا دولت خاص نیست و این مسئله به یک بیماری مزمن در اقتصاد ایران تبدیل شده است.

بخش دیگری از گزارش «دنیای اقتصاد» به ریشه‌ها و عوامل بروز اختلافات آماری پرداخته است. پدram سلطانی، عضو اتاق بازرگانی ایران، با اشاره به دلایل ساختاری این پدیده، گفته که «مسائلی وجود دارد که در همه دنیا باعث ایجاد اختلاف آماری می‌شود. نکته اول آن است که آمار صادرات هر کشوری بر مبنای نرخ فوب محاسبه می‌شود؛ نرخ که هزینه حمل و بیمه در آن منظور نشده است. در حالیکه در واردات محاسبه بر اساس نرخ CFR انجام می‌شود که در آن علاوه بر قیمت

توسعه تجارت ایران، هم در گفتگو با «دنیای اقتصاد» به معضل قاچاق کالا به عنوان یکی از ریشه‌های اختلال در آمار تجارت اشاره کرده و گفته که «این احتمال وجود دارد که برخی از کالاها به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده یا به کشور وارد شوند. علاوه بر این باید این نکته را در نظر گرفت که احتمال دارد در گمرک سایر کشورها نیز در برخی از موارد، ترتیبات قانونی رعایت نشود که این مسئله به نوبه خود باعث عدم تطابق آمار گمرک ایران و سایر کشورها خواهد شد.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» در این گزارش تأکید کرده که به نظر می‌رسد اختلاف بیش از ۱۴ میلیارد دلاری در آمار تجارت با چین، مهم‌ترین شریک تجاری کشور، را نمی‌توان تنها با مسائلی همچون تفاوت در ساختار گمرک ایران و چین توضیح داد. این اختلاف در رابطه با کشوری که از نظر سیاسی نیز به ایران نزدیک است به‌روشنی بیانگر غیررسمی شدن تجارت ایران است. بدیهی است زمانی که نزدیک به نیمی از ارزش تجارت ایران با چین در آمارهای چینی‌ها ثبت نشده، می‌توان فرضیه‌هایی همچون سهم بالای تجارت غیرمستقیم و مسائلی همچون بیش‌اظهاری در واردات و کم‌اظهاری در صادرات را پررنگ‌تر دانست.

در پایان آمده که سهم بالای تجارت غیرمستقیم باعث شده هزینه‌های زیادی به بازرگانان ایرانی تحمیل شود که این هزینه در نهایت به مصرف‌کنندگان نهایی منتقل می‌شود. علاوه بر این، سیاست ارز چندنرخ‌ی باعث شده عوامل انسانی در پروسه تجارت ایران نقش اساسی پیدا کنند. مساله کیفیت و استاندارد در تجارت تا حدی تفسیرپذیر است و ممکن است در روند ارزش‌گذاری اشتباهات انسانی تأثیرگذار باشد. این مسئله ممکن است رانتهای چندصد میلیون دلاری برای افراد سودجو ایجاد کند که در شرایط تحریمی، به اقتصاد کشور ضربه وارد می‌کند. همچنین این عدم شفافیت می‌تواند باعث شود که اختلال در آمار تجارت به بخش‌های دیگر همچون درآمد ناخالص داخلی و رشد منتقل شده و تصویر سیاست‌گذاران از وضعیت اقتصاد کشور را مخدوش کند.

کالا، هزینه حمل و بیمه نیز در آن لحاظ می‌شود. در مورد ایران که عمده صادرات مربوط به مواد خام است، هزینه حمل و نقل رقم قابل توجهی است.

پدram سلطانی در ادامه افزوده که «دلیل دیگر این است که در نظام‌های گمرکی بیشتر کشورها، برای هر گروه کالایی، بازه‌های نرخ مورد تأیید گمرک وجود دارد. بنابراین صادرکنندگان نمی‌توانند نرخ‌ی با اختلاف بیش از ۱۰ درصد از بازه مورد تأیید گمرک، کالای خود را اظهار کنند؛ بنابراین آنها مجبورند همین نرخ مصوب را اعلام کرده تا دچار مشکل نشوند، درحالی‌که ممکن است کشور مقصد نرخ متفاوتی را برای کالای مذکور تأیید کرده باشد.»

در این میان «تحریم» هم برای عده‌ای در داخل ایران به فرصتی تبدیل شده تا به راحتی امکان دستکاری آمارها را داشته باشند. محمدصادق قنادزاده معاون سازمان توسعه تجارت ایران با اشاره به ریشه‌های پدیده اختلاف در آمارهای تجاری گفته که «به دلیل تحریم‌ها، بازرگانان مجبورند واردات و صادرات را در دو مرحله انجام دهند و به همین دلیل اسناد واردات و صادرات در طی پروسه تغییر می‌کند. معاون سازمان توسعه تجارت ایران افزوده «نکته دیگری که به دلیل اختلاف در نرخ‌های ارز ایجاد می‌شود، کم‌اظهاری در صادرات و بیش‌اظهاری در واردات است که به نظر می‌رسد دلیل اصلی اختلاف در آمارهاست.»

به گفته محمدصادق قنادزاده «مسائل دیگر همچون اختلاف قیمت پایه گمرکی کالاها در ایران و سایر کشورها، مساله قاچاق و همچنین تجارت در بازارهای مرزی و واردات ته‌لنجی که در آمارهای منطقه آزاد ثبت می‌شوند، از دیگر دلایل این پدیده است.»

همچنین به نظر می‌رسد حتی در شرایط غیرتحریم نیز به دلیل حکومت مافیایی بر اقتصاد رانتهای ایران، عدم شفافیت اقتصادی وجود خواهد داشت و مسائلی چون قاچاق کالا توسط مافیاهای حکومتی، آمارها را مخدوش خواهد کرد. در همین رابطه ولی‌الله افخمی‌راد رئیس سابق سازمان

با وجود انکارها، گام جدید دولت برای حذف سهمیه بنزین دولتی

جمهوری چهاردهم قرار خواهد گرفت و با توجه به اثرات افزایش قیمت بنزین بر گرانی کالاها و تشدید مشکلات معیشتی مردم، تا کنون در دولت جمع‌بندی مشخصی برای زمان افزایش قیمت بنزین وجود نداشته است.

مقامات دولتی مانند کاظم عزیزی اما در اظهاراتی ضدونقیض افزایش قیمت بنزین را تکذیب می‌کنند. پس از انتشار خبر کاهش سهمیه بنزین آزاد، علی‌بهداری جهرمی، سخنگوی دولت در چند گفتگو ادعا کرد دولت هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت سوخت ندارد.

همزمان جلیل سالاری نسب مدیرعامل شرکت تولید و پخش فرآورده‌های نفتی در گفتگو با شبکه خبر صدا و سیما هرگونه تغییر در سهمیه و نرخ بنزین را تکذیب کرد و گفت قرار نیست هیچ تغییر دیگری در میزان سهمیه‌ها و یا قیمت بنزین در سال جاری داشته باشیم. او اما کاهش ۵۰ لیتری سهمیه سوخت سه هزار تومانی و دوره ذخیره سوخت سهمیه‌ای به حالت عادی پیش از کرونا، یعنی شش ماه بازگشته را تأیید کرد و از مردم خواست «هیچ نگرانی برای کارت سوخت نداشته باشند».

جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته نتوانسته در زمینه تولید و توزیع بنزین نیز مانند بسیاری دیگر از بخش‌های اقتصاد، اقدامات موثری انجام دهد. نتیجه این کم‌کاری، ایجاد ناترازی در بنزین بوده و مدت‌هاست که تولید بنزین در کشور خیلی کمتر از میزان مصرف است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در یک گزارش ناترازی بنزین در ایران را ۱۰ میلیون لیتر در روز برآورد و اعلام کرد که ایران سالانه سه میلیارد دلار بابت کسری بنزین زیان می‌بیند. این رقم معادل درآمد ایران از صادرات نفت طی یک ماه است.

این گزارش تأکید کرده بود که با تداوم وضعیت کنونی ایران در ۱۰ سال آینده باید ۲۵ میلیارد دلار، معادل نیمی از ظرفیت صادرات نفت را برای واردات بنزین هزینه کند؛ رقمی بزرگ که تأمین آن از توان حکومت خارج است.

ایران در حالیکه با منابع سرشار نفت می‌توانست یکی از بزرگترین تولیدکنندگان بنزین در جهان باشد حالاً در تأمین نیاز داخلی نیز ناتوان است و به واردکننده بنزین تبدیل شده است. در لایحه بودجه ۱۴۰۳ نیز موضوع واردات بنزین و گازوئیل بطور رسمی گنجانده شده است. وبسایت «بازار» گزارش داده مسئولان وزارت نفت از واردات بنزین به عنوان تهاتر فرآورده‌های نفتی یاد می‌کنند و آمار رسمی از میزان واردات ارائه نمی‌دهند، با این وجود برآورد می‌شود که در سال جاری چیزی بالغ بر حداقل یک میلیارد دلار صرف تأمین بنزین وارداتی شده است و پیش‌بینی می‌شود این رقم برای سال آینده از مرز ۲ میلیارد دلار عبور کند.

در نهایت به نظر می‌رسد دولت دیر یا زود افزایش قیمت بنزین را در دستور کار قرار خواهد داد. در همین رابطه علی سرزعی اقتصاددان معتقد است که «اگر افزایش قیمت بنزین که امری گریزناپذیر است امسال انجام شود بسیار بهتر از سال بعد است؛ زیرا امسال انتظارات تورمی پایین است و افزایش قابل توجه بنزین می‌تواند اثرات تورمی شدیدی داشته باشد.» علی سرزعی افزوده که «این نگرانی هست که سال بعد انتظارات تورمی بالاتر باشد و افزایش قیمت بنزین حتی به مقدار متوسط با کم انتظارات تورمی را با شدت بیشتری بالا ببرد. حتی اگر دولت جسارت افزایش قیمت بنزین به اندازه زیاد در سال جاری را ندارد، بهتر است افزایش جزئی را اجرا کند تا فضای ذهنی برای افزایش بعدی در سال بعد ایجاد شود.»



کارت‌های سوخت را کاهش داد و استفاده از کارت در جایگاه‌های سوخت را محدود کرد؛ اقدامی که به عقیده تحلیلگران گامی برای حذف سهمیه دولتی بنزین و افزایش قیمت سوخت در ایران است.

کاظم عزیزی در گفتگو با «هم‌میهن» گفته دولت فعلاً سیاست‌هایی غیر از افزایش قیمت سوخت را در دست اجرا دارد و توضیح داده که در حال حاضر راهکارهای غیر قیمتی از سوی سامانه هوشمند سوخت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در حال اجرا است و یکی از این سیاست‌ها، همین تعدیل سهمیه دوم کارت‌ها بوده است.

در نخستین روزهای بهمن‌ماه امسال دولت بدون اعلام قبلی و بطور ناگهانی سهمیه بنزین ۳۰۰۰ تومانی یا همان نرخ آزاد در کارت‌های سوخت شخصی را از ۱۵۰ لیتر به ۱۰۰ لیتر کاهش داد. همچنین ذخیره سهمیه بنزین ۱۵۰۰ تومانی که تا پیش از این، ۹ ماه و به‌میزان حداکثر ۵۴۰ لیتر بود، از این پس به ۶ ماه و حداکثر ۳۶۰ لیتر کاهش یافت.

چند روز بعد گزارش‌های غیررسمی از یک نرخ سوم برای بنزین با قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان خبر دادند. خبرگزاری «ایلنا» هم همزمان در هفته نخست بهمن گزارش داد که «دولت بعد از دو گام حفظ بنزین سهمیه‌ای و محدودیت بنزین ۳۰۰۰ تومانی در نظر دارد تا با ایجاد یک نرخ سوم مصرف بنزین بیشتر از سهمیه (مجموع یارانه‌ای و آزاد) را به نرخ گران‌تری به پرمصرف‌ها عرضه کند.»

در ادامه این گزارش آمده بود که «جمع‌بندی دولتی‌ها در فصل بهار به این صورت بود که بنزین نرخ سوم با قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان عرضه شود تا پرمصرف‌هایی که بیشتر از سهمیه یارانه و سهمیه آزاد در نظر گرفته شده به ازای هر خودرو مصرف دارند، مصرف مازاد خود را به نرخ ۸۰۰۰ تومان تهیه کنند.»

بر اساس گزارش «ایلنا» آنچه تا کنون سبب شده دولت افزایش قیمت بنزین را بطور رسمی انجام ندهد، نگرانی بابت مشارکت مردم در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی است که اسفندماه امسال برگزار می‌شود. همچنین دولت در سال آینده در آستانه انتخابات ریاست

● به گزارش روزنامه «هم‌میهن»، «پس از قطع کارت سوخت خودروهای فاقد بیمه و کاهش سهمیه ۳ هزار تومانی، قطع کارت سوخت خودروهای بدون معاینه فنی در دستور بررسی قرار گرفت.»

● معاون صنایع و انرژی ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور تأکید کرده با توجه به نرخ دلار آزاد امروز هر لیتر بنزین یک دلار یعنی معادل ۵۶ هزار تومان با قیمت فوب خلیج فارس فاصله دارد.

معاون صنایع و انرژی ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور از حذف سهمیه بنزین دولتی و افزایش قیمت آن به ۳ هزار تومان در آینده نزدیک و بر اساس سیاست‌گذاری دولت خبر داد.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی با عنوان «سناریوهای بنزینی ۱۴۰۳» نوشته «پس از قطع کارت سوخت خودروهای فاقد بیمه و کاهش سهمیه ۳ هزار تومانی، قطع کارت سوخت خودروهای بدون معاینه فنی در دستور بررسی قرار گرفت.»

کاظم عزیزی معاون صنایع و انرژی ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت کشور در گفتگو با «هم‌میهن» از سیاست‌های دولت برای مدیریت ناترازی بنزین خبر داده و گفته با توجه به نرخ دلار آزاد امروز هر لیتر بنزین یک دلار یعنی معادل ۵۶ هزار تومان با قیمت فوب خلیج فارس فاصله دارد.

کاظم عزیزی درباره ناترازی بنزین در ایران گفته که «در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ کنترل مصرفی ایجاد شد که ناشی از مدیریت بهینه نبود بلکه به دلیل شیوع کرونا و کاهش تقاضای سفر صورت گرفت. بلافاصله بعد از فروکش کردن کرونا جهش مصرف نیز اتفاق افتاد. در ۲ سال گذشته ۴۰ درصد به مصرف بنزین کشور اضافه شده است. قبل از کرونا ۸۰ میلیون لیتر در روز مصرف داشتیم. در دوران کرونا مصرف در این سطح تثبیت شده بود. البته در سال ۱۳۹۸ که دوباره سهمیه‌بندی سوخت اجرا شد و قیمت‌ها افزایش یافت، یک شوک کنترلی ایجاد شد و در ۲ سال بعد هم مصرف ثابت ماند. اما از سال ۱۴۰۰ مجدداً روند رشد ادامه پیدا کرد؛ بطوری که امروز متوسط مصرف روزانه بنزین به حدود ۱۲۰ میلیون لیتر در روز رسیده است. درحالی‌که تولید حدود ۱۱۵ میلیون لیتر در روز است و این یعنی شروع ناترازی بنزین!»

معاون صنایع و انرژی ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور معتقد است ناترازی کنونی بنزین در ایران با واردات قابل جبران است اما تأکید می‌کند که این تقاضا در حال افزایش است و در این سطح باقی نمی‌ماند.

او معتقد است «یکی از دلایلی که نتوانستیم مصرف را کنترل کنیم، قیمت است. قیمت بنزین نسبت به تورم ایجاد شده بسیار کاهش پیدا کرده است. امروز با توجه به تورم موجود، ۳ هزار تومان اصلاً عددی نیست که برای بنزین پرداخت می‌شود.»

این مقام ستاد مدیریت حل و نقل و سوخت کشور در حالی که مدعی شده دولت قصد ندارد قیمت بنزین را افزایش دهد گفته «در صورت حذف سهمیه دولتی، عملاً تغییرات قیمتی نیز اتفاق خواهد افتاد و مصرف‌کنندگان کل نیاز سوخت خود را باید با نرخ ۳ هزار تومان تأمین کنند.»

به گفته این مقام دولتی، «تغییر فرمول سهمیه سوخت در سامانه هوشمند در حال بررسی است و هنوز تصمیم نهایی برای آن گرفته نشده است.»

اینهمه در حالیست که دولت به تازگی سهمیه آزاد

اعتصاب و اعتراض کارکنان شرکت نفت فلات قاره همزمان با «سیرک انتخابات»



● خواسته معترضان حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، حذف سقف حقوق، عدم تفکیک مشاغل، پرداخت دستمزد و مزایای عقب‌افتاده و افزایش دستمزدها است.

● جمهوری اسلامی تلاش کرده بود تا روز جمعه یازدهم اسفندماه و همزمان با دو انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، خبر و حاشیه‌ای علیه حکومت نباشد.

کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاغل در منطقه عملیاتی لاوان امروز جمعه یازدهم اسفند و همزمان با برگزاری انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری اعتصاب و تجمع اعتراضی برگزار کردند. در شرایطی که جمهوری اسلامی همه تلاش خود را بکار بست تا روز جمعه یازدهم اسفندماه و همزمان با دو انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، خبر و حاشیه‌ای علیه حکومت نباشد اما کارکنان شرکت نفت فلات قاره در منطقه عملیاتی لاوان اعتصاب کردند. بر اساس گزارش‌ها، خواسته کارکنان اعتصاب‌کننده شامل «حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی»، «حذف سقف حقوق»، «عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی»، «پرداخت دستمزد و مزایای عقب‌افتاده» و «افزایش دستمزدها بر اساس ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت» است.

در ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت که در تاریخ نوزدهم اردیبهشت ۹۱ تصویب شده آمده که «نظام‌های اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و مزایای آن دسته از کارکنان شرکت‌های تابعه وزارت نفت که در واحدهای عملیاتی و تخصصی شاغل می‌باشند با رویکرد تقویت رقابت‌پذیری و سرعت بخشیدن به بهره‌برداری از میادین مشترک و حفظ نیروی انسانی متخصص تابع آیین‌نامه خاصی است که بدون الزام به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوطه و با پیشنهاد وزارت نفت و تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی

رئیس جمهور تهیه می‌شود و حداکثر ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب رئیس جمهور می‌رسد.» کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه عملیاتی لاوان پانزدهم دی‌ماه امسال نیز برای رسیدگی به مطالبات خود تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند. کانال «افکار نفت» پایگاه اطلاع‌رسانی مطالبات کارکنان رسمی صنعت نفت ایران امروز با اشاره به اعتصاب و تجمع اعتراضی کارکنان نفت فلات قاره در جزیره «لاوان» نوشته که «همکاران محترم مصادف با انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری با تجمع صنفی، مطالبات بی‌پاسخ خود را طلب کردند.»

کانال «افکار نفت» در این گزارش افزوده که «برکناری نفوذی‌ها و مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت بک-پی ماده ۱۰ و عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی» از مطالبات تجمع‌کنندگان بوده است.

براساس این گزارش، در سالیان اخیر، به موازات وخامت شرایط زندگی کارگران و دیگر مزدبگیران، اعتراضات صنفی بسیاری در مناطق مختلف ایران انجام شده و کارکنان شرکت نفت فلات قاره در مناطق گوناگون نیز همچون سایر صنوف اقدام به برگزاری تجمعات منظم هفتگی کرده‌اند.

کارکنان نفت در ماه‌ها و هفته‌های گذشته چند بار در مناطق عملیاتی و واحدهای پتروشیمی اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی و اعتصاب کردند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) پیشتر از تجمع اعتراضی شماری از کارگران شرکت‌های پیمانکاری در پالایشگاه‌های پنجم، ششم و نهم مجتمع گاز پارس جنوبی در روز پنجم اسفند خبر داده بود.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) همچنین اشاره کرده که کارگران ارکان ثالث نفت روز ۲۸ بهمن تجمعاتی در مقابل دفتر ریاست جمهوری در تهران، ساختمان مرکزی ملی حفاری در اهواز و همچنین دکلهای حفاری مناطق مختلف عملیاتی برگزار کردند.

محرومیت همراه با سیل و زلزله در استان سیستان و بلوچستان

● بیش از ۱۰ هزار نفر در حوادث ناشی از سیل و طغیان رودخانه‌ها در استان سیستان و بلوچستان آسیب دیدند. همچنین ۱۵۰۰ خانه تخریب شده و ۳۰۰ خانه نیز بطور کلی از بین رفته و نابود شده است.

● سیل در ۱۶ شهرستان و یکهزار و ۹۴۷ روستا جاری شده و همچنین ۱۷۸ روستا در جنوب سیستان و بلوچستان در محاصره سیل هستند و مسیرهای تردد به این روستاها عمدتاً بسته است.

● بیشترین خسارت سیل به بخش کشاورزی و دامپروری استان بوده و همچنین بر اساس برآورد اولیه تا کنون سیل در این استان ۲۲ هزار میلیارد ریال خسارت به زیرساخت‌های عمرانی وارد کرده است.

با گذشت چند روز از جاری شدن سیل در استان سیستان و بلوچستان همچنان شهروندان زیادی در انتظار کمک نهادهای مسئول هستند. در این میان زلزله‌ای ۵/۶ ریشتری بخش‌هایی از این استان را به لرزه درآورد.

بر اساس گزارش مرکز لرزه‌نگاری کشور بامداد امروز سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲ ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه و ۱۴ ثانیه، زلزله‌ای به بزرگی ۵/۶ در مقیاس ریشتر منطقه فوج در استان سیستان و بلوچستان را به لرزه درآورد.

این زمین‌لرزه در ۴۴ کیلومتری فوج، ۶۷ کیلومتری گلمورتی، و ۶۷ کیلومتری بنت در استان سیستان و بلوچستان رخ داده است. رسانه‌های داخلی تا ظهر سه‌شنبه گزارشی از خسارت‌های این زمین‌لرزه منتشر نکرده‌اند.

زلزله ۵/۶ ریشتری در استان سیستان و بلوچستان در حالی رخ داده که شهروندان این استان از یک هفته پیش درگیر سیلی ویرانگر هستند. از سوی دیگر سازمان هواشناسی از بروز موج جدیدی از بارش‌ها در این استان طی روزهای آینده خبر داده است.

از یکشنبه گذشته در پی بارش شدید باران سیلاب در مناطق جنوبی استان سیستان و بلوچستان جاری شد و در روز سه‌شنبه به اوج رسید. اکنون با گذشت یک هفته فعالان و مقامات محلی از وضعیت اسفناک شهروندان سیل‌زده گزارش داده و می‌گویند امداد رسانی به سیل‌زدگان به‌گندی صورت می‌گیرد.

محمد مهدی سجادی مدیرعامل جمعیت «هلال احمر» سیستان و بلوچستان اعلام کرده بیش از ۱۰ هزار نفر در حوادث ناشی از سیل و طغیان رودخانه‌ها آسیب دیدند. همچنین ۱۵۰۰ خانه تخریب شده و ۳۰۰ خانه نیز بطور کلی از بین رفته و نابود شده است.

گزارش‌ها از جاری شدن سیل در ۱۶ شهرستان و یکهزار و ۹۴۷ روستا خبر می‌دهند؛ همچنین ۱۷۸ روستا در جنوب سیستان و بلوچستان در محاصره سیل هستند و ←



سکونت نیست به وسایل ساده‌ای همچون پتو نیاز دارند. مردم شاید بتوانند بی‌غذایی یا کم‌غذایی را تحمل کنند اما واقعا سرما را نمی‌توانند کاری کنند.» او تأکید می‌کند، «بارش‌های روزهای پیش رو هم احتمالا شرایط را با توجه به وجود آب در مسیل‌ها و اراضی، بغرنج‌تر خواهد کرد.» اینهمه در حالیست که نهادهای مسئول با شهروندانی که جهت رساندن کمک‌های مردمی تلاش می‌کنند همکاری نکرده و از جمله ماشین‌های آنها به دلیل نداشتن بنزین از حرکت به سوی مناطق نیازمند بازمانده است.

در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی از همه ایرانیان درخواست کرد تا با توجه به وضعیت به هر شکلی که می‌توانند به هموطنان خود در مناطق سیل‌زده‌ی استان سیستان و بلوچستان کمک کنند.

وی در پیامی که دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲ منتشر شد نوشت: «طی روزهای گذشته در پی بارش‌های مداوم و سیل‌آسا، و سرریز شدن دست‌کم ۴ سد، و به دنبال آن نبود مدیریت بحران، مردم چندین شهرستان در جنوب استان سیستان و بلوچستان قربانی سیل شده‌اند، و فاجعه‌ای انسانی به ویژه در شهرستان دشتیاری رخ داده است. در اثر این سیل، صدها روستا، که اغلب از مناطق محروم‌تر و فقیرتر #سیستان و بلوچستان هستند و از امکانات خیلی ضعیفی برخوردارند، زیر آب رفته‌اند؛ جاده‌ها، پل‌ها و زیرساخت‌های برق و آب آشامیدنی سالم از بین رفته و محصولات کشاورزی و دام‌های مردم سیل‌زده و خانه‌های گلی‌شان نابود شده است.

با وجود الگوی تکراری سیل در #ایران، واکنش رژیم جمهوری اسلامی به این بحران در سیستان و بلوچستان، همچون بحران‌های مشابه دیگر، ترکیبی از بی‌اعتنایی، و ناکارآمدی و بی‌کفایتی ذاتی این رژیم بوده؛ بطوری که حتی از دادن سوخت به خودروهای شخصی که کمک‌های مردمی را به مناطق سیل‌زده می‌برند خودداری کرده است. در چنین شرایطی، از تکتک هم‌وطنان درخواست می‌کنم که به هر طریق ممکن به مردم سیل‌زده در #دشتیاری و دیگر نقاط سیستان و بلوچستان کمک کنند؛ که ما ملت ایران جز یکدیگر یار و یآوری نداریم.»

ندارد و الان دیگر کیسول گاز برای استفاده مردم وجود ندارد. مردم در سرما و آب در حال زندگی کردن هستند و همچنان با آبگرفتگی معابر و خانه‌ها مواجه هستند.»

دهیار یکی از روستاهای منطقه دشتیاری شهرستان چابهار نیز با انتقاد از مسئولان استانی و کشوری، کمک‌ها را پراکنده و ناکافی خواند و به وبسایت «انصاف‌نیوز» گفته که «با گذشت چند روز از وقوع سیل، رسانه ملی تازه از امروز شروع به اطلاع‌رسانی بیشتر درباره آن کرده است. یعنی از انتخابات فارغ شدن و بعد به سیل بلوچستان پرداختند.»

او با تأکید بر اینکه این شیوه برخورد مردم را سرخورده و دل‌سرد می‌کند گفته تخریب‌ها در استان خیلی گسترده بوده است: «در سفرنامه‌های ۱۰۰ سال پیش جهانگردان داخلی و خارجی به این منطقه، همشان گفته‌اند که بارش‌ها در این منطقه سیل‌آساست و به دلیل نوع خاک، باران به سرعت به روان‌آب تبدیل می‌شود اما در حالی که بیشتر از ۱۰۰ سال است مسئله را می‌شناسیم، هیچ فکری برای علاج آن نکرده‌ایم و هر بار که باران می‌آید، مردم روستاهای جنوب بلوچستان باید منتظر فاجعه باشند.»

این دهیار افزوده که «چند موسسه خیریه با درک معضلات استان سیستان و بلوچستان روی احداث آب‌بند و اجرای طرح‌های آبخیزداری متمرکز شده‌اند اما گستردگی منطقه و پراکندگی روستاها این تلاش‌ها را عقیم یا کم‌اثر کرده است. بنابراین برای حل معضل سیل باید بودجه‌های قابل توجهی در نظر گرفته شود تا پروژه‌های لایروبی نهرها، احداث آب‌بندها و طرح‌های دیگر آبخیزداری یکپارچه و همزمان اجرا شود.»

در این میان یک خبرنگار محلی به روزنامه «خراسان» گفته که «اگر هواشناسی یک هفته زودتر این شرایط را پیش‌بینی می‌کرد، برخی سدهای منطقه را دو سه روز زودتر می‌توانستند باز کنند که سطح سیلاب تا این اندازه به مناطق آسیب نرزد. متأسفانه این ناهمخوانی هواشناسی باعث شد، صدها همزمان با سیلاب باز شود و طبیعتاً دردی را آطور که باید نتوانست درمان کند.»

این خبرنگار افزوده که «در برخی مناطق سیل‌زده، هوا به شدت سرد است و بخشی از مردم که خانه‌هایشان قابل

مسیرهای تردد به این روستاها عمدتاً بسته است. مجید محبی مدیرکل بحران استانداری سیستان و بلوچستان اعلام کرده از وضعیت خسارت سیلاب در روستاهایی که همچنان در محاصره سیل هستند اطلاعی در دست نیست.

مجید محبی همچنین افزوده که «بر اساس برآورد اولیه تا کنون سیلاب در این استان ۲۲ هزار میلیارد ریال خسارت به زیرساخت‌های این استان وارد کرده است. عمده خسارت‌های وارده این مدت به زیرساخت‌هایی نظیر راه، کشاورزی و منازل مسکونی مربوط می‌شود که تیم‌های ارزیاب ستاد بحران سیستان و بلوچستان با حضور در مناطق درگیر سیلاب در حال بررسی برآورد دقیق این خسارت‌ها هستند.»

مدیرکل بحران استانداری سیستان و بلوچستان همچنین تأکید کرده که با توجه به تداوم بارندگی و هوای سرد در سیستان و بلوچستان شهروندان از سفرهای غیرضروری، فعالیت کوهنوردی، اسکان و تردد در حاشیه مسیل‌ها و رودخانه‌های فصلی خودداری کنند.

خسارت سیل به استان سیستان و بلوچستان روایت‌های دیگری هم دارد. از جمله محمد رضا سیدحسینی رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان گفته که بیشترین خسارت به ۱۸ هزار و ۹۹۳ هکتار از اراضی زراعی آبی، هزار و ۹۳۳ هکتار اراضی باغی، ۲۲۱ واحد گلخانه، ۳۰۰ واحد دامداری روستایی و عشایری، ۴۵ راس دام سبک و سنگین، ۱۵ کلنی زنبور عسل، ۲۷۱ حلقه چاه کشاورزی، ۵۰ دستگاه ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، ۱۱۵ رشته قنات، ۱۰۴ کیلومتر جاده بین مزارع و جاده عشایری، ۶۳ کیلومتر انتقال آب با لوله و کانال، ۸۴ بندسار و سازه آبخیزداری و ۵۹ باب استخر ذخیره آب در این بارندگی سیل‌آسا وارد شده است.

محمد توحیدلو فعال در زمینه توسعه اجتماعی سیستان و بلوچستان در گفتگو با وبسایت «فراز» از عدم دسترسی مردم روستای تلنگ به آب آشامیدنی خبر داده و گفته «بخش تلنگ قصر قند کاملا در محاصره سیل قرار گرفته است. به عبارتی چنان در این قسمت آب جاری شده است که خانه‌ها به یکدیگر دسترسی ندارند. آب آشامیدنی این منطقه از چاه و قنات تامین می‌شود، اما این چاه‌ها همه با گل مسدود شده‌اند و الان هیچ چاهی برای تامین آب مردم وجود ندارد. اگر همین چاه‌ها حتی ترمیم شوند بازهم مشکل لوله‌کشی‌های آب وجود دارد که تخریب شده‌اند.»

محمد توحیدلو با ارائه اطلاعاتی تکان‌دهنده گفته «ما الان داریم در خصوص یک بخشی صحبت می‌کنیم که آب آشامیدنی ندارد. سقف اکثر خانه‌هایی که کاهگلی هستند در حال تخریب است و داخل خانه‌ها آب جاری شده است. از دوشنبه تا الان مردم در این منطقه برای خوابیدن جایی ندارند. مردم به نان دسترسی ندارند، زیرا دستگاه نان‌پزی‌ها با برق کار نمی‌کند و تمام دکل‌های و تیرهای برق افتاده است. ما داریم در خصوص منطقه‌ای صحبت می‌کنیم که مردم به برق دسترسی ندارند و شارژ موبایل‌های مردم تمام شده و اینترنت کار نمی‌کند؛ لذا هیچ دسترسی اطلاعاتی به منطقه تلنگ وجود ندارد. مردم این بخش آذوقه ندارند، زیرا تمام مواد غذایی سوپرمارکت‌های محلی تمام شده است. کشاورزی مردم صد درصد از بین رفته است و مردم به غذا دسترسی ندارند. دام‌های مردم را آب برده است این در صورتی است که غذای مردم این منطقه از دام تامین می‌شود.» این فعال اجتماعی همچنین از عدم دسترسی مردم به وسایل گرم‌کننده با وجود سرما خبر داده و گفته «در جنوب استان سیستان و بلوچستان هیچ جا لوله‌کشی گاز وجود

اف‌بی‌آی در تعقیب دو مأمور جمهوری اسلامی متهم به توطئه علیه مقامات آمریکایی



مجید دستجانی فراهانی و محمد مهدی خانپور

اسلامی و متحدانش به شدت در خاک ایالات متحده فعال‌اند. در ماه اوت سال ۲۰۲۲، یکی از حامیان جمهوری اسلامی با چاقو به سلمان رشدی رمان‌نویس مشهور انگلیسی-آمریکایی در یک جشنواره ادبی در شمال ایالت نیویورک حمله کرد. وی به دنبال اجرای فتوای قتل او بود که روح‌الله خمینی در سال ۱۹۸۹ صادر کرده بود. وزارت دادگستری هنوز در حال بررسی است که آیا مهاجم لبنانی-آمریکایی مستقیم تحت دستور رژیم ایران اقدام به این عمل کرده یا نه. وزارت دادگستری آمریکا ژانویه گذشته سه تبعه جمهوری آذربایجان را به اتهام تلاش برای قتل مسیح علینژاد فعال حقوق زنان در نیویورک متهم کرد. مقامات قضایی آمریکا گفتند که آنها در سال ۲۰۲۱ به دنبال ربودن علینژاد بودند و قصد داشتند وی را با قایق تندرو به ونزوئلا منتقل کنند. در پایان این گزارش آمده، «به نظر می‌رسد [مقامات] تهران تقریباً در تمام عملیات‌های خود علیه ایالات متحده از جمله حملات نظامی و توطئه‌های ترور عمدتاً از طریق نیابتی‌ها اقدام می‌کنند. مقامات مجری قانون ایالات متحده به «سمافور» گفتند که آنها تصور می‌کنند تهران در هر حمله‌ای به مقامات دوره ترامپ این دکتین را حفظ خواهد کرد و به نظر می‌رسد فراهانی در همین راستا کار می‌کند. این مقامات گفتند که این می‌تواند اثبات این را که جمهوری اسلامی عامل این حملات است دشوار کند. برایان هوک نماینده سابق ایالات متحده در امور ایران، هفته گذشته در جلسه استماع کنگره گفت که معتقد است توطئه‌ها علیه او ادامه دارد و از مجریان قانون ایالات متحده برای محافظت از خودش تشکر کرد و گفت: «ای کاش در جایی می‌بودیم که این کارها لازم نمی‌بود.»

فراهانی و محمد مهدی خانپور اردستانی را به دلیل نقض حقوق بشر، توطئه علیه مقامات آمریکایی و مخالفان حکومت ایران تحریم کرد. مقامات جمهوری اسلامی در چهار سال گذشته بارها اعلام کردند انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی را خواهند گرفت. سلیمانی در ژانویه ۲۰۲۰ با دستور دونالد ترامپ اطراف فرودگاه بغداد در یک حمله پهپادی کشته شد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه بر ترامپ، افرادی مثل جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق ترامپ، مایک پمپئو وزیر خارجه وی و برایان هوک مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در دولت ترامپ را مقصر می‌دانند. دولت ایالات متحده در حال حاضر به دلیل شدت تهدیدات امنیتی، بطور شبانه‌روزی از این مقامات محافظت می‌کند. اف‌بی‌آی همچنین گفته است که مجید دستجانی فراهانی افرادی را برای «گرفت انتقام» کشته شدن سلیمانی و جهت انجام «فعالیت‌های نظارتی متمرکز بر اماکن مذهبی، تأسیسات و سایر مراکز در ایالات متحده» جذب می‌کند. حمایت دولت بایدن از اسرائیل در جنگ علیه حماس که توسط جمهوری اسلامی تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شود بطور قابل توجهی تنش‌ها را بین واشنگتن و تهران افزایش داده است. همزمان گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق سه سرباز آمریکایی در اردن را کشتند. وبسایت مؤسسه «سمافور» می‌نویسد «هر عملیات جمهوری اسلامی که منجر به کشته شدن یک مقام فعلی یا سابق آمریکا یا یک مخالف سیاسی در خاک آمریکا شود، می‌تواند از خط قرمزی عبور کند که واشنگتن را وادار به انتقام مستقیم علیه تهران کند.» شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد جمهوری

● پلیس فدرال آمریکا (FBI) دو مأمور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به نام مجید دستجانی فراهانی و محمد مهدی خانپور را در فهرست «افراد تحت تعقیب» خود در بخش تروریسم قرار داده است. ● در اطلاعیه FBI تأکید شده، که فراهانی به زبان‌های اسپانیایی، فرانسوی و انگلیسی صحبت می‌کند و اغلب بین ایران و ونزوئلا در رفت و آمد است. ● اف‌بی‌آی همچنین گفته است که مجید دستجانی فراهانی افرادی را برای «گرفت انتقام» کشته شدن سلیمانی و جهت انجام «فعالیت‌های نظارتی متمرکز بر اماکن مذهبی، تأسیسات و سایر مراکز در ایالات متحده» جذب می‌کند. ● در این گزارش آمده، «به نظر می‌رسد [مقامات] تهران تقریباً در تمام عملیات‌های خود علیه ایالات متحده از جمله حملات نظامی و توطئه‌های ترور عمدتاً از طریق نیابتی‌ها اقدام می‌کنند. مقامات مجری قانون ایالات متحده به «سمافور» گفتند که آنها تصور می‌کنند تهران در هر حمله‌ای به مقامات دوره ترامپ این دکتین را حفظ خواهد کرد و به نظر می‌رسد فراهانی در همین راستا کار می‌کند. این مقامات گفتند که این می‌تواند اثبات این را که جمهوری اسلامی عامل این حملات است دشوار کند.

پلیس فدرال آمریکا (FBI) دو مأمور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به نام مجید دستجانی فراهانی و محمد مهدی خانپور را در فهرست «افراد تحت تعقیب» خود در بخش تروریسم قرار داده است. وبسایت مؤسسه «سمافور» روز دوشنبه چهارم مارس (۱۴ اسفندماه) گزارش داد، پلیس فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی) در حال تشدید تلاش‌های خود برای تعقیب یک فرد ایرانی است که به گفته این نهاد امنیتی مأمور اطلاعاتی جمهوری اسلامی است و برای ترور مقامات فعلی و سابق آمریکایی، از جمله مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا برنامه‌ریزی کرده است. دفتر اف‌بی‌آی در میامی با انتشار یک اطلاعیه اعلام کرد، به دنبال اطلاعاتی درباره «مجید دستجانی فراهانی» یک فرد مظنون به عضویت در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است که «افراد را برای عملیات در ایالات متحده به خدمت گرفته است.» مشخص نیست این اطلاعیه را چرا دفتر اف‌بی‌آی در فلوریدا صادر کرده است. در این اطلاعیه تأکید شده که فراهانی به زبان‌های اسپانیایی، فرانسوی و انگلیسی صحبت می‌کند و اغلب بین ایران و ونزوئلا در رفت و آمد است. وزارت دادگستری ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ یک فرد ایرانی متهم به همکاری با کارتل‌های مواد مخدر مکزیکی برای ترور عادل الجبیر سفیر سابق عربستان سعودی در واشنگتن را در حالی که در رستورانی در جرج تاون مشغول صرف غذا بود، بازداشت کرد. ایالات متحده ۱۷ آذرماه گذشته، ده‌ها نفر از مقامات و عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی از جمله مجید دستجانی

والاستریت ژورنال: فشار جمهوری اسلامی به سودان برای ایجاد یک پایگاه نظامی دائمی در دریای سرخ



ناوگروه بیست و سوم نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی متشکل از ناوشکن «جماران» و ناو «بوشهر» در سودان لنگر انداختند / آذرماه ۱۳۹۱

ارتش جمهوری اسلامی نقش اساسی در رصد ترافیک کشتی‌ها در دریای سرخ داشت اما غربی‌ها ترجیح دادند اشاره‌ای به دخالت ارتش جمهوری اسلامی در پشتیبانی از حوثی‌ها نکنند. در نهایت حدود یک ماه پیش گزارش شد که کشتی بهشاد مورد حمله سایبری قرار گرفته است. این ناو پشتیبان اکنون هفته‌هاست در ساحل جیبوتی نزدیک پایگاه چین لنگر انداخته است.

مقامات غربی اوایل بهمن‌ماه ۱۴۰۲ اعلام کردند، رژیم ایران همزمان با جنگ فاجعه‌باری که توسط حوثی‌های یمن در دریای سرخ به راه انداخته، تعداد زیادی پهپاد تهاجمی نیز به ارتش سودان رسانده است.

آلن باسول مدیر پروژه شاخ آفریقا در اندیشکده گروه بین‌المللی بحران به بلومبرگ گفته بود، «هدف [رژیم] ایران از ارائه انواع پهپاد به ارتش سودان و سایر حمایت‌های مادی برای به دست آوردن یک متحد در آن منطقه است. به ویژه در امتداد دریای سرخ، که یک پیروزی بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، اما دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و غربی را به شدت نگران کرده است.»

مؤسسه «سمافور» اخیراً در یک گزارش نوشت، جنگ غزه شبکه متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی، موسوم به «محور مقاومت» را فعال‌تر از گذشته کرد. جمهوری اسلامی دهه‌هاست که برای تشکیل این ائتلاف تلاش می‌کند و یکی از اهداف آن نفوذ در آبراه‌های راهبردی خاورمیانه از جمله خلیج فارس، کانال سوئز و تنگه باب‌المندب است.

مقامات آمریکایی و خاورمیانه معتقدند، سودان جبهه دومی خواهد بود که بعد از یمن برای نیروی دریایی آمریکا و متحدانش در دریای سرخ مشکل ایجاد خواهد کرد.

طول ساحل کشور سودان با دریای سرخ حدود ۶۵۰ کیلومتر است که یک موقعیت استراتژیک محسوب می‌شود. تحلیلگران معتقدند، رژیم ایران قصد دارد با ایجاد یک پایگاه دریایی دائمی در ساحل دریای سرخ رفت و آمد کشتی‌ها به کانال سوئز و اسرائیل را رصد کند.

احمد حسن محمد مشاور اطلاعاتی فرماندهی نظامی سودان می‌گوید، «ایران به ارتش سودان پهپادهای انتحاری برای استفاده در جنگ داخلی علیه گروه‌های شورشی داده است و پیشنهاد کرده در صورتی که سودان مجوز استقرار این پایگاه را صادر کند، یک کشتی حامل هلی‌کوپتر در اختیار سودان قرار دهد.»

جمهوری اسلامی از کانال‌های مختلف تلاش می‌کند روابط با دولت سودان را افزایش دهد. در اوایل پاییز سال ۱۴۰۲ حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی با دعوت از علی‌الصادق علی وزیر خارجه سودان به تهران، پیشنهاد بازگشایی سفارتخانه‌ها را روی میز گذاشت.

روسیه از سال‌ها پیش طی یک توافق امنیتی اجازه دسترسی به بنادر سودان را دارد. مقامات غربی به ویژه آمریکایی‌ها فرماندهان ارتش سودان را زیر فشار قرار داده‌اند تا این توافق لغو شود. دسترسی جمهوری اسلامی به سواحل سودان امکان پشتیبانی اطلاعاتی و نظامی از شبه‌نظامیان حوثی را افزایش می‌دهد.

پس از آغاز حملات راکتی و موشکی حوثی‌ها در دریای سرخ، مقامات غربی هرچند با تأخیر اعلام کردند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اطلاعات مرتبط با کشتی‌های خارجی را در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد. هرچند پشتیبانی ناو «بهشاد» متعلق به نیروی دریایی

● به گفته یک مقام ارشد اطلاعاتی سودان، جمهوری اسلامی که با سوء استفاده از جنگ داخلی در سودان اقدام به ارسال پهپاد به این کشور کرده، اکنون تلاش می‌کند مقامات خارطوم را متقاعد کند تا در ازای ادامه ارسال تسلیحات، اجازه ایجاد یک «پایگاه دائمی» در ساحل دریای سرخ را دریافت کند، هرچند فعلاً این درخواست رد شده است.

● احمد حسن محمد، مشاور اطلاعاتی فرماندهی نظامی سودان می‌گوید، «ایران به ارتش سودان پهپادهای انتحاری برای استفاده در جنگ داخلی علیه گروه‌های شورشی داده است و پیشنهاد کرده در صورتی که سودان مجوز استقرار این پایگاه را صادر کند، یک کشتی حامل هلی‌کوپتر در اختیار سودان قرار دهد.»

● تحلیلگران معتقدند، رژیم ایران قصد دارد با ایجاد یک پایگاه دریایی دائمی در ساحل دریای سرخ رفت و آمد کشتی‌ها به کانال سوئز و اسرائیل را رصد کند.

روزنامه «والاستریت ژورنال» روز یکشنبه سوم مارس (۱۳ اسفندماه) گزارش داد که جمهوری اسلامی دولت سودان را تحت فشار قرار داده تا با ایجاد یک پایگاه دائمی نظامی در این کشور در ساحل دریای سرخ موافقت کنند.

به گفته یک مقام ارشد اطلاعاتی سودان، جمهوری اسلامی که با سوء استفاده از جنگ داخلی در سودان اقدام به ارسال پهپاد به این کشور کرده، اکنون تلاش می‌کند مقامات خارطوم را متقاعد کند تا در ازای ادامه ارسال تسلیحات، اجازه ایجاد یک «پایگاه دائمی» در ساحل دریای سرخ را دریافت کند، هرچند فعلاً این درخواست رد شده است.

بی خبری از زن جوانی که در اعتراض به سیرک انتخابات مقابل دوربین صداوسیما حکومت برهنه شد



● این زن جوان روز سه‌شنبه هشتم اسفندماه در اعتراض به انتخابات جمهوری اسلامی روسی و لباس بالاتنه‌اش را در پارک دانشجو در خیابان «ولیعصر» (پهلوی) و مقابل دوربین صداوسیما حکومت درآورد.

● گزارش‌هایی که طی سه روز گذشته منتشر شده نشان می‌دهد همچنان از هویت این زن جوان، نهاد بازداشت‌کننده و سرنوشت او اطلاعی در دست نیست.

● کاربران در شبکه «ایکس» در پی بازداشت این زن جوان هشتگ #دختر_خیابان_ولیعصر را نشر داده و خواستار مشخص شدن هویت و سرنوشت این زن جوان شده‌اند. زن جوانی که در اقدامی اعتراضی برای مخالفت با رأی‌گیری جمهوری اسلامی در خیابان «ولیعصر» (پهلوی) تهران با فریاد «رأی بی رأی، ما رأی نمی‌دهیم» روسی و لباس بالاتنه‌اش را مقابل دوربین صداوسیما حکومت درآورد، به شکلی خشونت‌آمیز بازداشت شد و از سرنوشت او خبری در دست نیست. کاربران در شبکه «ایکس» در پی بازداشت این زن جوان هشتگ #دختر_خیابان_ولیعصر را نشر داده و خواستار مشخص شدن هویت و سرنوشت این زن جوان شدند.

بر اساس گزارش‌ها یک زن جوانی که روز سه‌شنبه هشتم اسفندماه در اعتراض به انتخابات جمهوری اسلامی روسی و لباس بالاتنه‌اش را در «پارک دانشجو» در خیابان «ولیعصر» (پهلوی) و مقابل دوربین صداوسیما حکومت درآورد، با خشونت توسط مأموران حکومتی بازداشت شد.

وبسایت «رادیو فردا» در گزارشی اختصاصی به نقل از شاهدان عینی نوشته «دختر خیابان ولیعصر بین ۲۰ تا ۳۰ ساله و تقریباً لاغر بوده. موی بلند مش‌کرده داشته، قد او حدود ۱۶۰ سانت و شلوار لی به پا داشته است. آنها گفتند او در برابر دوربین صداوسیما در این مراسم با درآوردن روسی و لباس بالاتنه‌ی خود فریاد زده است: «رأی بی رأی، ما رأی نمی‌دهیم.» در این گزارش همچنین به نقل از یک دستفروش که شاهد ماجرا بوده آمده که «دختر روسی و لباسش را بالای سرش می‌چرخاند که چندین مأمور روی سر او ریختند و او را بردند.» یکی از شاهدان عینی نیز گفته که دو مأمور زن، چادرهای خود را روی زن جوان انداخته بودند و پنج مأمور مرد او را

موفقیت یک نوکیش مسیحی ایرانی در یک پرونده پناهندگی در دادگاه دادگستری اروپا

● یک نوکیش مسیحی ایرانی که در اتریش درخواست پناهندگی داده بود، پس از آنکه درخواست او رد شد، در یک درخواست مجدد، مسیحی شدن خود را دلیلی برای کسب پناهندگی عنوان کرد.

حنیف حیدرنژاد- دادگاه دادگستری اروپا (ECJ) در لوکزامبورگ روز پنجشنبه ۲۹ فوریه ۲۰۲۴ (۱۰ اسفند ۱۴۰۲) در ارتباط با پرونده یک ایرانی نوکیش مسیحی حکمی صادر کرد که به دلیل اهمیت آن می‌تواند در پرونده نوکیشان مسیحی ایرانی در همه کشورهای اتحادیه اروپا تأثیرگذار باشد.



یک نوکیش مسیحی ایرانی که در اتریش درخواست پناهندگی داده بود، پس از آنکه درخواست او رد شد، در یک درخواست مجدد، مسیحی شدن خود را دلیلی برای کسب پناهندگی عنوان کرد. اداره امور پناهندگی در اتریش پذیرفت که در نتیجه یک تغییر باور درونی، او یک ایماندار مسیحی است و در صورت اخراج به ایران نمی‌تواند آزادانه ایمان و آیین مذهبی خودش را زندگی کرده و در صورت بازگردانده شدن به ایران می‌تواند جان‌اش در خطر باشد. به همین دلیل به او اقامت تحت عنوان حمایت انسانی (نه موقعیت پناهندگی) اعطا کرد. ایرانی نوکیش مسیحی به این تصمیم اعتراض کرده و باور داشت که باید به او موقعیت «پناهندگی» تعلق بگیرد.

اداره امور پناهندگی اتریش استدلال می‌کند زمانی می‌توان به درخواست مجدد یک پناهجو به دلیل فعالیت‌های خارج از کشور (در اینجا مسیحی شدن)، موقعیت «پناهندگی» اعطا کرد که دلیل جدید او در امتداد فعالیت‌هایی

به سمت ون می‌کشیدند. بر همین اساس زن جوان در حالی که «موهای مش‌کرده و بلند و بدن تقریباً لاغرش» مشخص بوده، فریاد می‌زده که مأموران او را رها کنند. بر اساس این گزارش در جریان این بازداشت مأموران امنیتی با ماسک سیاه در محل حضور داشتند و مردم را تهدید می‌کردند که فیلمبرداری نکنند و از مکان دور شوند. آنها پس از این واقعه دستفروشان را نیز مجبور به ترک چهارراه «ولیعصر» کرده‌اند. گزارش‌هایی که طی سه روز گذشته منتشر شده نشان می‌دهد همچنان از هویت این زن جوان، نهاد بازداشت‌کننده و محل نگهداری و سرنوشت او اطلاعی در دست نیست. صفحه «دادبان» که مشاوره حقوقی به شهروندان معترض می‌دهد در همین ارتباط در شبکه «ایکس» نوشته که «همزمان با نزدیک‌تر شدن زمان برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در ایران، حساب‌های وابسته به نهادهای اطلاعاتی و امنیتی با انتشار اطلاعات کذب و دروغ، سعی در ترغیب شهروندان به شرکت در انتخابات با استفاده از ایجاد رعب و وحشت دارند. از جمله این اطلاعات دروغ، تهدید شهروندان به محرومیت آنها از خدمات عمومی و دولتی در صورت شرکت نکردن در انتخابات است.»

دادبان ادامه داده «این ادعا در حالی است که بر بنا بر قوانین موضوعه در ایران شرکت در انتخابات حق اختیاری همه شهروندان ایرانی واجد شرایط است و هیچ مقام و مرجعی نمی‌تواند این حق را از شهروندان سلب کرده یا آنها را ملزم به شرکت در انتخابات کند.»

کاربران در شبکه «ایکس» در پی بازداشت این زن جوان هشتگ #دختر_خیابان_ولیعصر را نشر داده و خواستار مشخص شدن هویت و سرنوشت این زن جوان شده‌اند.

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی وبلاگ‌نویس کشته شده توسط جمهوری اسلامی با انتشار هشتگ #دختر_خیابان_ولیعصر در «ایکس» نوشت «فرزندانه من من اطلاع دادند دو روز پیش دختری جوان حدوداً ۲۵ ساله با قدی حدوداً ۱۶۰ در چهار راه ولیعصر تهران در پاسخ به پرسش مزدوران صداوسیما خامنه‌ای با این عنوان که شما به چه دلیل در انتخابات شرکت می‌کنید؟ با قدرت اقدام می‌کند.»

سرهنگ رضا زارعی از فرماندهان «سپاه قدس» در حمله هوایی اسرائیل به بانیا سوریه کشته شد



تخریب یک ساختمان در بانیا پس از حمله هوایی اسرائیل

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن) نیز گزارش داد که بامداد جمعه ۱۱ اسفندماه سه انفجار مهیب شهر بانیا و حومه آن را لرزاند. این چهارمین حمله هوایی اسرائیل به سوریه طی ۴۸ ساعت گذشته بوده است.

کمتر سابقه داشته که اسرائیل به مقر سپاه پاسداران در بانیا حمله کند. این شهرک بندری عموماً حیاط خلوت سپاهی‌ها برای تفریح و گشت و گذار بوده است.

بعد از حمله مرگبار حماس به اسرائیل در «هفت اکتبر» موازی با عملیات ارتش این کشور در غزه کارزار ترور رهبران ارتش حزب‌الله، حماس و سپاه پاسداران آغاز شد. پس از آغاز این سلسله عملیات تلفات نیروهای «محور مقاومت» پهبادهای اسرائیل حتماً مقر نیروهایی را که در طبقات میانی آپارتمان‌ها مخفی بودند با موشک‌های هوشمند هدف قرار داد. بسیاری از این نیروها سوار بر اتومبیل بودند که مورد اصابت موشک قرار گرفتند. سیدرضی موسوی مسئول تدارکات سپاه قدس در سوریه، «حاج صادق» مسئول اطلاعات نیروهای قدس و چهار نفر از همراهانش و شمار زیادی از نیروهای «فاطمیون» و صالح العاروری نفر دوم حماس در هفته‌های اخیر توسط اسرائیل کشته شدند.

علی‌اکبر ولایتی مشاور عالی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در واکنش به حذف فرماندهان ارتش گروه‌های شبه‌نظامی که توسط جمهوری اسلامی تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شوند گفته بود که با این «ترورهای بزدلانه» جریان مقاومت اسلامی نه تنها متوقف نخواهد شد بلکه روز به روز قدرتمندتر و مقتدرتر می‌شود.

خرپرگزار رویترز ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۲ به نقل از چند منبع امنیتی گزارش داده بود استراتژی اسرائیل در حملات بعد از «هفت اکتبر» تغییر یافته و مرگبارتر شده و در تحمیل تلفات سنگین به حزب‌الله دیگر «محتاط» نیست و همچنین در حملات هوایی با بمباران سنگین سیستم‌های دفاعی و تسلیحاتی وابسته به [رژیم] ایران را در سوریه هدف قرار می‌دهد.

● در حمله نیروی هوایی ارتش اسرائیل به پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در شهر بانیا سوریه از جمله سرهنگ رضا زارعی از فرماندهان ارشد سپاه قدس کشته شدند.

● منابع حکومتی گزارش دادند «زارعی در حال انجام سرکشی از نیروها بود».

● شماری از طرفداران نظام ویدیویی منتشر کردند که نشان می‌دهد خبر کشته شدن سرهنگ زارعی را فردی به اسم تختی‌نژاد که پسرش «خلیل» یکی از کشته‌شدگان جنگ سوریه است به اطلاع خانواده زارعی رسانده است.

● در این ویدیو در حالی که خانواده زارعی مشغول گریه و زاری هستند، تختی‌نژاد تبلیغات حضور در انتخابات نمایشی را می‌کند!

در حمله نیروی هوایی ارتش اسرائیل به پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در شهر بانیا سوریه از جمله سرهنگ رضا زارعی از فرماندهان ارشد سپاه قدس کشته شدند.

منابع حکومتی گزارش دادند، «زارعی در حال انجام سرکشی از نیروها بود.» برخی منابع نزدیک به سپاه می‌گویند این پاسدار از منطقه یکم نیروی دریایی سپاه پاسداران به سوریه اعزام شده است.

بانیا شهر و بندری کوچک در استان طرطوس سوریه در ساحل دریای مدیترانه است که در ۵۵ کیلومتری جنوب بندر لاذقیه و ۴۰ کیلومتری شمال بندر طرطوس قرار دارد.

شماری از طرفداران نظام ویدیویی منتشر کردند که نشان می‌دهد خبر کشته شدن سرهنگ زارعی را فردی به اسم تختی‌نژاد که پسرش «خلیل» یکی از کشته‌شدگان جنگ سوریه است به اطلاع خانواده زارعی رسانده است. نیروهای سپاه قدس در سوریه به «مدافع حرم» شهرت دارند.

در این ویدیو در حالی که خانواده زارعی مشغول گریه و زاری هستند، تختی‌نژاد تبلیغات حضور در انتخابات نمایشی حکومت را می‌کند!

➔ باشد که ریشه در کشورش داشته است.

در روند رسیدگی‌های حقوقی به این پرونده، دادگاه عالی امور اداری اتریش از دادگاه دادگستری اروپا (ECJ) در لوکزامبورگ درخواست می‌کند تا این موضوع را در ارتباط با موازین اروپائی بررسی کرده و مشخص کند آیا حکم صادره در مورد این پرونده با موازین اروپائی همخوانی دارد یا نه. دادگاه دادگستری اروپا (ECJ) در لوکزامبورگ در حکم خود آورده است: اگر فردی با استفاده ابزاری، عمداً و با هدف گرفتن اقامت و پناهندگی فعالیت‌هایی انجام داده باشد، موقعیت پناهندگی بر اساس کنوانسیون ژنو (Flüchtlingeigenschaft im Sinne der Genfer Flüchtlingskonvention) به او تعلق نمی‌گیرد. فعالیت‌های عمدی برای اثبات یک ادعا جهت گرفتن پناهندگی، سوء استفاده از قوانین محسوب شده و نمی‌تواند مستوجب دریافت حق پناهندگی شود.

اگر فعالیت‌های انجام شده در خارج کشور، در این مورد مسیحی شدن، عمداً و با هدف گرفتن اقامت و پناهندگی انجام نشده باشد، در این صورت، او مستحق دریافت موقعیت پناهندگی بر اساس کنوانسیون ژنو می‌باشد، زیرا کنوانسیون ژنو بازگرداندن فردی را به کشورش که در آنجا آزادی و امنیت او، از جمله به دلیل باورهای مذهبی‌اش در خطر باشد، ممنوع می‌کند.

دادگاه در مورد ایرانی نوکیش مسیحی در حکم خود نتیجه می‌گیرد: از آنجا که در حکم اداره امور پناهندگی اتریش آمده است که این اداره «ایمان درونی» او را باور کرده است، نمی‌توان از سوء استفاده یا قصد عمدی او، با هدف



گرفتن پناهندگی سخن گفت، در نتیجه او شایسته دریافت موقعیت پناهندگی بر اساس کنوانسیون ژنو می‌باشد.

این حکم برای آندسته از پناهنجویان در کشورهای اتحادیه اروپا اهمیت دارد که در خارج از ایران مسیحی شده‌اند. قبولی پناهندگی بر اساس کنوانسیون ژنو بالاترین موقعیت پناهندگی است. در آلمان به این افراد اقامت سه ساله داده شده و به آنها پاس آبی تعلق می‌گیرد. ایندسته از قبول شدگان تحت شرایط خاصی می‌توانند بعد از سه سال اقامت نامحدود دریافت کنند و اگر شرایط لازم را نداشته باشند، بعد از پنج سال می‌توانند اقامت نامحدود دریافت کنند.

قبولی پناهندگی بر اساس کنوانسیون ژنو نسبت به دیگر قبولی‌های پناهندگی (به دلایل انسانی) امتیازاتی دارد. از جمله ارائه پاسپورت ملی (در اینجا پاس ایرانی و مراجعه به سفارت آخوندها) لازم نیست، امکان آوردن همسر و کودکان زیر سن قانونی وجود دارد و اجازه کسب و کار آزاد به فرد پناهنده داده می‌شود.

چند استان ایران جزو کانون‌های خودکشی در جهان «کودک‌همسری» و «فقر» از عوامل اصلی خودکشی کودکان



نگرفته است. تیغ دولبه فقر و سنت؛ یعنی ارزش‌ها حول مسئله تعصب، آبرو و ناموس وقتی با فقر ترکیب می‌شوند، ممکن است به خودکشی منجر شود. سنت و فقر لزوماً ایجاد خشونت نمی‌کند اما این دو در یک شرایط درهم‌تنیده اجتماعی تبدیل به خودکشی و خشونت می‌شود. چنین کودکی، سهمی از عاطفه و انتخاب ندارد و کاملاً مشخص است که این مسیر به آسیب منجر می‌شود.

شیوا دولت‌آبادی روانشناس نیز گفته که ۲۰ برابر خودکشی‌های منجر به مرگ، اقدام به خودکشی رخ می‌دهد، یعنی افرادی که دست به خودکشی می‌زنند اما موفق نمی‌شوند.

این روانشناس توضیح داده که «نجات‌یافتگان از خودکشی، درباره تکانه‌هایی صحبت می‌کنند. آنها می‌گویند که دچار هیجان‌های شدید و غیرقابل تحمل شده‌اند. شناخت اصطلاح درد روانی هم کمک‌کننده است. این درد هم مانند درد جسمی است، در این شرایط فرد می‌گوید که درد روانی شدید و غیرقابل تحملی را حس کرده است.»

او افزوده که برخی نجات‌یافتگان می‌گویند، تنها ۵ دقیقه پیش از اقدام به خودکشی، به آن فکر کرده‌اند و هیچ برنامه‌ای برای آن نداشته‌اند که این موضوع شرایط را بحرانی‌تر می‌کند.

شیوا دولت‌آبادی معتقد است که اقداماتی چون آموزش مهارت‌های زندگی، تحکیم روابط با نهادهای حمایتی، آموزش‌های عملی و... می‌تواند در پیشگیری از خودکشی موثر باشد.

این روانشناس با اشاره به خودکشی ۵ دانش‌آموز شامل یک‌پسر و ۴ دختر در آبدانان استان ایلام به فاصله ۵۰ روز، گفت: «دو نفر از این کودکان، دخترعمو بودند که یکی از آنها در مراسم جهلم آن یکی، خودکشی کرد. یعنی رفتاری الگوبرداری شده و نمادین. همه این کودکان نیز خود را خلق‌آویز کردند. آنچه بررسی وضعیت این خانواده‌ها نشان می‌داد، حکایت از فقر مادی و مشکلات حاد

میلیونی تقسیم می‌کنید، به رقم ناچیزی می‌رسید، اما وقتی در یک شهر یا استان تمرکز می‌کنید، متوجه می‌شوید که آنجا فاجعه است.»

او با اشاره به آمارهای خودکشی در این استان‌ها گفته «همه این شهرها در انزوای جغرافیایی قرار دارند، شاخص‌های توسعه در پایین‌ترین سطح قرار دارد و بالاترین آمار مهاجرفرستی، بیکاری و فقر در آنها دیده می‌شود. اگر ما هم بخشی از اهالی این مناطق باشیم و بخواهیم زندگی کنیم، یک راه بیشتر نداریم و آن اینکه، کنکور دهیم و وارد دانشگاه شویم.»

اردشیر بهرامی همچنین به مشکلاتی در سطح کلان کشوری اشاره کرده که سبب‌ساز انگیزه خودکشی می‌شوند و گفته «شهرهای استان تهران مانند ملارد، قدس، رباط‌کریم، شهریار، قرچک، ورامین، پیشوا و پاکدشت، بالاترین آمار خودکشی را دارند. چه اتفاقی افتاده که چهاردانه‌گه و اسلامشهر به اندازه ایلام خودکشی دارد؟ به عنوان مثال این آمار در استان ایلام، ۱۲ در ۱۰۰ هزار نفر و در چهاردانه‌گه، ۱۶ در ۱۰۰ هزار نفر است.»

این جامعه‌شناس معتقد است که «وقتی افراد به حاشیه شهرها مهاجرت می‌کنند، در یک ساخت ناهمگن اجتماعی قرار می‌گیرند. آنها تشکیل طایفه نمی‌دهند، فقط در کنار هم قرار می‌گیرند و دیگر کنشگری و آداب و رسوم ندارند. خودکشی فقط حاشیه‌نشینی و مهاجرت نیست، بلکه با ساختار نامتجانس شهرهای اطراف تهران هم در ارتباط است. مثلاً در پاکدشت چند نوع حاشیه‌نشینی داریم که با هم ترکیب می‌شوند.»

در این میان آمار بالای خودکشی افراد زیر ۱۸ سال در سال‌های گذشته و رسیدن سن خودکشی به سنین ۹ سال و ۱۰ سال نیز قابل توجه است. موضوعی که اردشیر بهرامی نیز به آن اشاره کرده و در توضیحاتی «کودک‌همسری» و ازدواج‌های اجباری را از عوامل خودکشی نوجوانان دانسته است: «این ازدواج‌ها در فضای اجتماعی خوبی صورت

یک جامعه‌شناس با اشاره به آمار بالای خودکشی در استان‌های ایلام، لرستان، کرمانشاه و خوزستان گفته همگی شاخص‌های توسعه در پایین‌ترین سطح دارند و بالاترین آمار مهاجرفرستی، بیکاری و فقر در آنها دیده می‌شود.

شهرهای استان تهران مثل ملارد، «قدس»، رباط‌کریم، شهریار، قرچک، ورامین، پیشوا و پاکدشت در استان تهران آمارهای بالایی در زمینه خودکشی دارند.

یک روانشناس می‌گوید برخی نجات‌یافتگان می‌گویند، تنها ۵ دقیقه پیش از اقدام به خودکشی، به آن فکر کرده‌اند و هیچ برنامه‌ای برای آن نداشته‌اند که این موضوع شرایط را بحرانی‌تر می‌کند.

آمار خودکشی در ایران طی سال‌های گذشته مرتب رو به افزایش بوده و بر اساس گزارش «هم‌میهن» استان‌های ایلام، لرستان، کرمانشاه و خوزستان به یکی از کانون خودکشی در جهان تبدیل شده‌اند. در حالی که در مرکز ایران و در استان تهران نیز هشت شهر با آمار بالای خودکشی دست و پنجه نرم می‌کنند.

روزنامه «هم‌میهن» چاپ تهران امروز چهارشنبه ۱۶ اسفندماه ۱۴۰۲ در گفتگو با فعالان حقوق کودک و کارشناسان، وضعیت خودکشی در کشور را مورد بررسی قرار داده است. این گزارش تأکید کرده که استان‌های ایلام، لرستان، کرمانشاه و خوزستان می‌توانند به عنوان کانون‌های اصلی خودکشی در دنیا شناخته شوند.

همچنین شهرهای استان تهران مثل ملارد، «قدس»، رباط‌کریم، شهریار، قرچک، ورامین، پیشوا و پاکدشت هم آمارهای بالایی در زمینه خودکشی دارند.

اردشیر بهرامی جامعه‌شناس و پژوهشگر گفته «استان‌های ایلام، لرستان، کرمانشاه و خوزستان را می‌توان به عنوان یکی از کانون‌های اصلی خودکشی در دنیا شناخت. شیوه بررسی فعلی در خصوص آمارهای خودکشی- که طبق آن به‌ازای هر صد هزار نفر این موارد بررسی می‌شود- نادرست است. وقتی جمعیت قربانیان خودکشی را بین جمعیت ۸۰

اسفندماه) نتایج نظرسنجی در مورد ۱۳ مورد از اصلی‌ترین تهدیدات بین‌المللی را منتشر کرد که طبق آن ۷۳ درصد از شرکت‌کنندگان، برنامه‌های اتمی کره شمالی را به عنوان تهدید اصلی آمریکا دانسته‌اند.

قدرت نظامی روسیه و چین و درگیری چین و تایوان و نگرانی از گسترش تروریسم بین‌المللی و درگیری بین کره شمالی و جنوبی بخشی از نگرانی‌های مردم آمریکاست. در بین شهروندان آمریکایی ۴۰ درصد درگیری میان کره شمالی و جنوبی را تهدید اصلی می‌دانند و کمتر از نیمی از مردم آمریکا (۴۹ درصد) گرمایش زمین را زنگ خطر می‌دانند.

بر اساس این نظرسنجی، از هر چهار نفر یک نفر گرمایش جهانی و تغییرات آب و هوا و حدود ۱۴ درصد ورود مهاجران غیرقانونی به آمریکا را تهدید اصلی می‌دانند.

حدود نیمی از آمریکایی‌ها (۵۲ درصد) در حال حاضر مناقشه اسرائیل و فلسطین را تهدیدی حیاتی برای منافع ایالات متحده می‌دانند، در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۲ حدود ۳۵ درصد بود. با این حال، سطح فعلی هنوز با نقطه اوج مطابقت ندارد. در سال ۲۰۰۴ حدود ۵۸ درصد از درگیری‌های آن دوران اسرائیل و فلسطین نگران بودند.

جمهوریخواهان و دموکرات‌ها درباره تهدیدات ناشی از گرمایش جهانی، مهاجرت و مسئله چین اختلاف نظر دارند. به عنوان مثال اکثریت در همه گروه‌های حزبی موافقت کردند که قدرت نظامی چین، برنامه تسلیحات هسته‌ای جمهوری

نظرسنجی «گالوپ»؛ اکثریت مردم آمریکا «تروریسم سایبری» و «توسعه تسلیحات اتمی رژیم ایران» را اصلی‌ترین تهدیدات می‌دانند

● بر اساس نظرسنجی مؤسسه «گالوپ» که هفتم مارس (۱۷ اسفندماه) بیش از سه چهارم آمریکایی‌ها «تروریسم سایبری (۷۹ درصد)» و «توسعه تسلیحات هسته‌ای رژیم ایران (۷۷ درصد)» را به عنوان اصلی‌ترین تهدیدات برای منافع حیاتی ایالات متحده می‌دانند.



اسلامی ایران و تروریسم بین‌المللی تهدیدهای حیاتی برای ایالات متحده هستند، اما این نرخ‌ها در میان جمهوریخواهان بسیار بالاتر از دموکرات‌ها یا مستقل‌ها است.

اکثریت بزرگی از جمهوریخواهان در مقابل بسیار کمتر از نیمی از دموکرات‌ها تهدیدات ناشی از ورود غیرقانونی مهاجران به ایالات متحده و قدرت اقتصادی چین را حیاتی می‌دانند. جمهوریخواهان و دموکرات‌ها همچنین دیدگاه‌های متفاوتی در مورد مناقشه چین و تایوان دارند، بطوری که اکثریت قاطع جمهوریخواهان در مقابل کمتر از نیمی از دموکرات‌ها می‌گویند که این یک تهدید حیاتی است. دموکرات‌ها (۶۳ درصد) بیشتر از جمهوریخواهان (۵۱ درصد) و مستقل‌ها (۵۰ درصد) درگیری روسیه و اوکراین را بحرانی می‌دانند. اما تفاوت عمده‌ای (۶۳ امتیاز) بین دیدگاه دموکرات‌ها و جمهوریخواهان در مورد جدیت گرمایش جهانی و همچنین بین دموکرات‌ها و مستقل‌ها (۳۶ امتیاز) وجود دارد.

● جمهوریخواهان و دموکرات‌ها درباره تهدیدات ناشی از گرمایش جهانی، مهاجرت و مسئله چین اختلاف نظر دارند. به عنوان مثال اکثریت در همه گروه‌های حزبی موافقت کردند که قدرت نظامی چین، برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران و تروریسم بین‌المللی تهدیدهای حیاتی برای ایالات متحده هستند، اما این نرخ‌ها در میان جمهوریخواهان بسیار بالاتر از دموکرات‌ها یا مستقل‌ها است.

● اکثریت بزرگی از جمهوریخواهان در مقابل بسیار کمتر از نیمی از دموکرات‌ها تهدیدات ناشی از ورود غیرقانونی مهاجران به ایالات متحده و قدرت اقتصادی چین را حیاتی می‌دانند.

بر اساس نظرسنجی مؤسسه «گالوپ» بیش از سه چهارم آمریکایی‌ها «تروریسم سایبری (۷۹ درصد)» و «توسعه تسلیحات هسته‌ای رژیم ایران (۷۷ درصد)» را به عنوان اصلی‌ترین تهدیدات برای منافع حیاتی ایالات متحده می‌دانند. وبسایت مؤسسه گالوپ روز پنجشنبه هفتم مارس (۱۷

تحصیلی و حمایت کم خانواده نداشت. در این اتفاق، برخی از تعارض بین‌نسلی گفتند، اما یکی از والدین که حاضر شده بود با خبرنگار محلی صحبت کند، گفته بود که حرف‌زدن مشکلی را حل نمی‌کند، وقتی کار و کارخانه نیست، امیدی هم نیست. بنابراین فضا برای این کودکان تنگ و ناامیدکننده بوده است. فضای زیبا و زندگی‌بخش در آن شهر نبوده است.»

در پی افزایش خودکشی دانش‌آموزان، کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ماه گذشته در مطلبی از «سونامی خودکشی دانش‌آموزان» نوشت. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان تأکید کرد که جهت برون‌رفت از این بحران آموزش و پرورش باید از نیروهای متخصص در حوزه روانشناسی و مشاوره بهره گرفته و با شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر، همچون مددکاری اجتماعی بتوانند با مداخله بهنگام این بحران را مدیریت کنند.

در همین ارتباط «کیهان لندن» اواخر دی‌ماه در سرمقاله‌ی خود به همین موضوع پرداخت و نوشت: طبق تعاریف بین‌المللی افراد زیر ۱۸ سال کودک به شمار می‌روند. نظام‌های حقوقی و قوانین مدنی و کیفری نیز در کشورهایی که حکومت‌های عادی دارند و حقوق بشر در آنها به درجات مختلف از کم تا زیاد رعایت می‌شود، بر همین اساس تنظیم می‌شوند. از این نظر، مسئولیت مدنی و کیفری کودکان نیز با بزرگسالان یکسان نیست.

وحید شریعت رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران نیز اول اسفندماه جاری به خبرگزاری «ایرنا» گفته که «مشاهدات میدانی نشان می‌دهد میزان خودکشی بطور کلی در کل جمعیت کشور افزایش پیدا کرده اما بطور خاص در بین دستیاران پزشکی این افزایش بسیار بیشتر از جمعیت عمومی است.»

به گفته رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران «نتایج تحقیقی که در سال ۱۴۰۱ بر روی تعدادی از رزیدنت‌ها انجام شده، نشان داد حدود ۳۰ درصد دستیاران پزشکی به خودکشی فکر کرده‌اند. مهم‌تر از نتایج این تحقیق تعداد دستیاران پزشکی هستند که خودکشی موفق [منجر به مرگ] داشته‌اند.»

او افزوده «آماري که سازمان نظام پزشکی اعلام کرده نشان می‌دهد در یک سال گذشته ۱۶ دستیار تخصصی خودکشی کرده‌اند؛ البته وزارت بهداشت حتما آمار دقیق‌تر و بیشتری دارد اما متأسفانه این آمار را محرمانه می‌دانند و اعلام نمی‌کنند.»

وحید شریعت همچنین با اعلام آمار خودکشی در کل اقبال و مقایسه آن با آمار خودکشی منجر به مرگ در میان رزیدنت‌ها گفته میزان «خودکشی موفق» در بین رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی حدود ۱۰ برابر جمعیت عمومی است.

رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران توضیح داده که «شاخص آمار خودکشی بر مبنای تعداد در صدهزار نفر در سال است. اگر آمار ۱۶ خودکشی موفق رزیدنت‌ها را در یکسال اخیر مینا قرار دهیم. با توجه به جمعیت حدود ۱۵ هزار نفری رزیدنت‌های کشور آمار خودکشی رزیدنت‌ها در ایران حدود ۱۰۰ در صدهزار نفر می‌شود. این آمار در جمعیت عمومی بر اساس آمار رسمی پزشکی قانونی ۶/۵ در صد هزار نفر است البته تخمین‌های غیررسمی این میزان را حدود ۱۰ در صدهزار نفر نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان برآورد کرد که میزان خودکشی موفق در بین رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی حدود ۱۰ برابر جمعیت عمومی است که بسیار بالا و نگران‌کننده است.»

سیل سیستان و بلوچستان؛ سوخت‌بران و فعالان مدنی بار دولت را به دوش می‌کشند



عبدالواحد نبوی عضو شورای یکی از روستاهای منطقه هم تأکید کرده که با نیم کیلو برنج و لوبیا مشکلات مردم حل نمی‌شود و اگر مسئولان واقعا می‌خواهند کمکی به مردم کنند باید بولدوز و تراکتور بیاورند و راه‌ها را باز کنند.

عبدالواحد نبوی گفته فقط آمده‌اند آب چند مدرسه را تخلیه کرده و رفته‌اند. او افزوده «امروز نیاز مبرم ما، خاک‌برداری زمین‌های کشاورزی‌ست؛ تراکتور و بولدوزر باید به ما بدهند؛ هیچکس نیامده ببیند ما واقعا به چی نیاز داریم، یک بولدوزر به روستا ندادند؛ حتی خسارات کشاورزی را برآورد نکرده‌اند. چاه‌های فاضلاب مردم هم خراب است و به امان خدا رها شده...»

امیر بلوچ هم تأکید کرده که «بیایند بولدوزر و لودر در اختیار مردم بگذارند تا لااقل خودشان آب‌بندها و زمین‌های کشاورزی را تعمیر کنند؛ بعد از این، این مردم چه باید بکنند؟ اگر زیرساخت‌ها را درست نکنند، مردم اینجا کلاً بیکار می‌شوند؛ اینجا شرکت و کارخانه نیست؛ راه نان درآوردن فقط کشاورزی دیم است؛ اگر این راه بسته شود، مردم باید با یارانه زندگی کنند؛ با یارانه نان خالی هم نمی‌شود خرید...»

با وجود اقدامات دیر هنگام و ناکافی مسئولان برای امدادسانی به سیل‌زدگان، فعالان مدنی حاضر در منطقه و سوخت‌برها بار بخشی از مسئولیت نهادهای حکومتی را بر دوش کشیدند و بیش از یک هفته است در مناطق مختلف سیل‌زده به کمک شهروندان شتافته‌اند.

محمد توحیدلو فعال مدنی حاضر در مناطق سیل‌زده در گفتگو روزنامه اینترنتی «فراز» با رد ادعاهای دولت درباره امدادسانی به سیل‌زدگان گفته «ای کاش از امدادسانی گسترده به سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان کلیپی منتشر شود تا ما نیز آن را مشاهده کنیم. اگر سوخت‌برها در سیستان و بلوچستان نبودند بسیاری از افراد از گشنگی جان خود را از دست می‌دادند. سوخت‌برها و مردم

غصه امروزان را بخوریم یا برای فردا زانوی غم به بغل بگیریم... ما مانده‌ایم و یارانه و دیگر هیچ...» این جملات را یکی از سیل‌زدگان به خبرنگار «ایلنا» گفته است. در گزارش تک‌انگنده خبرنگاری «ایلنا» از شرایط سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان آمده که «حالا حتی اگر امروز این مردم لقمه نانی برای خوردن و چند قوطی آب معدنی برای رفع عطش داشته باشند، که البته اینها هم در همه‌ی روستاها به خصوص مناطق دورافتاده‌تر یافت نمی‌شود و حکم کیمیا را دارد، نان فردا در تنور افتاده و کامل سوخته؛ اینجا دیگر شغل نیست، پول نیست؛ حتی جاده هم نیست...»

امیر بلوچ فعال مدنی منطقه دشتیاری درباره وضعیت مناطق سیل‌زده به «ایلنا» گفته «از روزی که سیل اول آمد، کل زیرساخت‌های کشاورزی از بین رفت؛ آب‌بندهایی که قبلاً با امدادهای مردمی درست شده بود، کلاً نابود شد؛ کشاورزی مردم بخش‌های مختلف مثل «هورکی»، «تلنگ» و «دشتیاری» به چشم بر هم زدن از بین رفت. کشاورزی این منطقه بیشتر دیم است؛ حالا زمین‌های کشاورزی به همراه کشت دیم در بیش از ۲۰۰ روستای منطقه‌ی ما خراب شده؛ جاده، چاه، مدرسه، همه چیز خراب شده...»

این فعال اجتماعی افزوده «زیرساخت‌های جاده‌ای خسارت بسیار دیده؛ در بعضی مناطق، جاده‌ی کنارگذری برای رفت و آمد باز کرده‌اند، اما مشخص نیست چه زمانی قرار است این جاده‌ها تعمیر اساسی شوند. پل‌ها همه شکسته...»

به گفته امیر بلوچ، دام‌ها هم کم و بیش از بین رفته‌اند و آنهایی که باقی مانده‌اند، غذا و علوفه ندارند.

این فعال مدنی تأکید کرده مردم حتی آب آشامیدنی سالم هم ندارند و در حالی که زیرساخت‌ها از جمله جاده‌ها نابود شده، طی روزهای گذشته تنها چند کیلو لوبیا یا برنج میان مردمی توزیع شده که همه زندگی‌شان در سیل از بین رفته است.

● «آب خوردن نداریم؛ ساده‌ترین نیازهای انسانی را نمی‌توانیم برآورده کنیم... همه چیز تخریب شده؛ نمی‌دانیم غصه امروزان را بخوریم یا برای فردا زانوی غم به بغل بگیریم... ما مانده‌ایم و یارانه و دیگر هیچ...»

● یک فعال مدنی می‌گوید اگر سوخت‌برها در سیستان و بلوچستان نبودند بسیاری از افراد از گشنگی جان خود را از دست می‌دادند.

● عضو شورای یک روستا: با نیم کیلو برنج و لوبیا مشکلات مردم حل نمی‌شود و اگر مسئولان واقعا می‌خواهند کمکی به مردم کنند باید بولدوزر و تراکتور بیاورند و راه‌ها را باز کنند.

بیش از یک هفته از سیل استان سیستان و بلوچستان می‌گذرد اما همچنان صدها خانه زیر آب است و چند صدهزار شهروند از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم هستند. روند امدادسانی به سیل‌زدگان به کندی و ناقص ادامه دارد و تازه رئیس دولت برای «سرکشی میدانی» راهی این استان شده است!

حدود ۱۰ روز پس از جاری شدن سیل در استان سیستان و بلوچستان، ابراهیم رئیسی امروز چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ «به منظور سرکشی میدانی از وضعیت سیستان و بلوچستان» راهی این استان شد.

سفر دیر هنگام ابراهیم رئیسی در ادامه بی‌تفاوتی مسئولان به سیل ویرانگری است که با بارش‌های یکشنبه هفته گذشته، ششم اسفند در این استان آغاز شد. بر اساس آنچه تا کنون اعلام شده ۱۶ شهر و حدود دو هزار روستا از سیل هفته گذشته دچار خسارت شدند؛ دست کم ۴۰۰ هزار شهروند در معرض عوارض ناشی از سیل قرار گرفته‌اند و همچنان حتی از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم هستند.

«آب خوردن نداریم؛ ساده‌ترین نیازهای انسانی را نمی‌توانیم برآورده کنیم... همه چیز تخریب شده؛ نمی‌دانیم

چند کشته و زخمی در انفجار تأسیسات «پالایشگاه نفت آفتاب» بندرعباس



از پالایشگاه آفتاب به عنوان «بزرگترین» پالایشگاه خصوصی ایران نام برده می‌شود

۳۲ ساله است با سوختگی ۷۱ درصد در بخش آی‌سی‌یو بستری است. دو نفر دیگر دچار سوختگی ۲۰ و ۲۵ درصد از ناحیه سر و گردن شده‌اند.

ساعاتی پس از اعلام خبر انفجار در «پالایشگاه بندرعباس» منابع رسمی داخلی وقوع آن را تکذیب کردند چرا که برخی خبرگزاری‌ها به اشتباه محل انفجار را «پالایشگاه بندرعباس» اعلام کرده بودند که با پالایشگاه «آفتاب» متفاوت است. علاوه بر شرکت پالایش نفت بندرعباس، دو مجموعه پالایشی دیگر شامل شرکت‌های نفت ستاره خلیج فارس و پالایش نفت آفتاب و شماری از شرکت‌های مرتبط با صنایع نفتی در غرب شهر بندرعباس فعالیت دارند.

علی مجتهدزاده مدیر روابط عمومی پالایشگاه بندرعباس در مصاحبه با «ایرنا» ضمن تکذیب آتش‌سوزی در این پالایشگاه افزود: «در پالایشگاه بندرعباس هیچگونه آتش‌سوزی رخ ن داده و فرایند تولید پالایشگاه کاملاً طبق روال گذشته در جریان است.»

وی خاطرنشان کرد: «این پالایشگاه آمادگی کامل دارد تا با به حداکثر رساندن تولید خود، بنزین مورد نیاز مسافران نوری را تأمین کند.»

«شانا» خبرگزاری شرکت نفت نیز در گزارشی نوشت: «پیش از ظهر امروز خبری اشتباه مبنی بر انفجار در یکی از کوره‌های پالایش نفت بندرعباس در برخی رسانه‌های جمعی منتشر شد، در حالی که دقایقی پس از آن روابط عمومی شرکت پالایش نفت آفتاب اعلام کرد که در زمان تعمیرات و رفع اشکال در یکی از کوره‌های این مجموعه پالایشی حادثه‌ای جزئی رخ داده است.»

پیش از این در ۱۹ تیرماه ۱۴۰۲ نیز یکی از مخازن این شرکت دچار آتش‌سوزی شده بود.

انفجار و آتش‌سوزی در تأسیسات نفت و پتروشیمی ایران به یک روال تبدیل شده است. تحلیلگران فرسودگی تأسیسات، عدم رعایت ایمنی، ضعف آموزش و علمی و خرابکاری را از جمله عوامل اصلی این وضعیت می‌دانند.

● در ادامه انفجارها و آتش‌سوزی‌های زنجیره‌ای در تأسیسات نفتی ایران، روز پنجشنبه ۱۷ اسفندماه وقوع یک انفجار مهیب در «پالایشگاه نفت آفتاب» در بندرعباس چند کشته و مجروح برجای گذاشت.

● منابع داخلی گزارش دادند یکی از کوره‌های این پالایشگاه دچار انفجار شده است. مسئول روابط عمومی شرکت نفت آفتاب بندرعباس اعلام کرد، علت انفجار «ایراد فنی در یکی از کوره‌ها بوده است.» خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی به نقل از همین منبع نوشت، «کوره یکی از بخش‌های در دست تعمیر این پالایشگاه دچار ایراد فنی شد.»

در ادامه انفجارها و آتش‌سوزی‌های زنجیره‌ای در تأسیسات نفتی ایران، روز پنجشنبه ۱۷ اسفندماه یک انفجار مهیب در «پالایشگاه نفت آفتاب» در بندرعباس چند کشته و مجروح برجای گذاشت.

منابع داخلی گزارش دادند یکی از کوره‌های این پالایشگاه دچار انفجار شده است. مسئول روابط عمومی شرکت نفت آفتاب بندرعباس اعلام کرد، علت انفجار «ایراد فنی در یکی از کوره‌ها بوده است.» خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی به نقل از همین منبع نوشت، «کوره یکی از بخش‌های در دست تعمیر این پالایشگاه دچار ایراد فنی شد.»

حبیب بهادری فرماندار بندرعباس می‌گوید، در این حادثه یک نفر فوت کرده و سه نفر مجروح شدند که حال یکی از آنان وخیم است. اما منابع غیررسمی می‌گویند آمار تلفات بیشتر از اینهاست.

مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان توضیح داد، «فرد فوت شده مردی ۳۸ ساله بوده که به دلیل انفجار مخزن کوره به دلیل جوشکاری جان خود را از دست داده است.»

گزارش شده است که سه نفر در بیمارستان «محمدی» بستری هستند که حال یکی از آنها وخیم است. وی که مردی

محلی‌ای که دسترسی به ماشین‌های آفرود دارند در حال جابجایی بارها و کمک رسانی به مردم هستند.»
پیشتر محمد کرمی استاندار سیستان و بلوچستان مدعی شده بود که «بلافاصله پس از بارندگی‌های اخیر مسئولان پای کار آمده و با خدمات‌رسانی به موقع، مشکلات ناشی از سیل را تا حد زیادی برطرف کردند.»

استاندار سیستان و بلوچستان در ادامه گفته بود که «خوشبختانه در بارندگی‌های اخیر و وقوع سیلاب هیچگونه تلفات جانی نداشتیم و تنها برخی راه‌ها مسدود شد. پس از ادامه یافتن بارندگی در شهرستان‌های قصرقند و نیکشهر سدها به دلیل حجم بارندگی زیاد در زمان کوتاه سرریز کرد. حدود ۱۶۰ تا ۲۶۰ میلیمتر بارندگی در هر یک از مناطق دشتیاری تا قصرقند را شاهد بودیم، اما باید بتوانیم علاوه بر مهار سیل، آب را ذخیره‌سازی کنیم.»

این در حالیست که مسدود شدن «برخی راه‌ها» در بخشی از مناطق به معنای قطع شدن ارتباط و دسترسی هزاران روستایی به دنیای بیرون از منطقه‌ای است که در سیل گرفتار شده است. برای نمونه شش هزار ساکن روستای «کاجو» در جوار رودخانه‌ای به همین نام از وقتی سیل آمده تا کنون به اینسوی رود دسترسی ندارند.

یکی از اهالی روستای «کاجو» به روزنامه اینترنتی «فراز» گفته که «به منطقه‌ای مانند کاجو اصلاً راه دسترسی وجود ندارد. رودخانه کاجو وحشی‌ترین رودخانه با شیب تند است که آب آن به مناطق پایین‌دستی می‌رسد. راه دسترسی به این روستا از بستر رودخانه می‌گذرد، اما در حال حاضر مردم راهی برای دسترسی به شهر ندارند. متأسفانه به مردم این منطقه کمک‌رسانی نشده‌است، چون راهی برای دسترسی به آنها وجود ندارد.»

این شهروند گفته «نزدیک شش هزار نفر در این منطقه سکونت دارند؛ اگر راه دسترسی به این روستا در طول این سال‌ها درست شده بود چنین مشکلاتی ایجاد نمی‌شد. چندین سال است پیمانکارها برای کار به این قسمت می‌آیند، اما متأسفانه کاری انجام نمی‌دهند. اگر برای این منطقه جاده آسفالت ساخته می‌شد، مردم درگیر چنین مشکلاتی نمی‌شدند. کل این منطقه چهل کیلومتر است، اما راه دسترسی‌ای به آن در این سال‌ها ساخته نشده است.»

بر اثر سیل سیستان و بلوچستان شهرهای شهرستان‌های نیکشهر، قصرقند، دشتیاری، چاپهار، کنارک، خاش، سیب و سوران، فوج، ایرانشهر، میرجاوه، دلگان، سراوان، زاهدان، نیمروز، سرباز و مهرستان، و همه روستاهای این مناطق دچار آبگرفتگی و خسارت شدند.

بر اساس آخرین آمارها دست‌کم ۲۰۰۰ میلیارد تومان خسارت ناشی از سیل هفته گذشته استان سیستان و بلوچستان بوده است. ۲ هزار کیلومتر راه و بیش از ۲۰۰ دستگاه پل آسیب دید. ۲۵ محور اصلی و فرعی بر اثر سیل مسدود شد و آسیب دیده است.

به ۱۸ هزار و ۹۹۳ هکتار از اراضی زراعی آبی و هزار و ۹۳۳ هکتار اراضی باغی، ۲۲۱ واحد گلخانه، ۳۰۰ واحد دامداری روستایی و عشایری، ۴۵ رأس دام سبک و سنگین، ۱۵ کلنی زنبورعسل، ۲۷۱ حلقه چاه کشاورزی، ۵۰ دستگاه ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، ۱۱۵ رشته قنات، ۱۰۴ کیلومتر جاده بین مزارع و جاده عشایری، ۶۳ کیلومتر انتقال آب با لوله و کانال، ۸۴ بند و سازه آبخیزداری و ۵۹ باب استخر ذخیره آب نیز خسارت وارد شده است.

بخش زیادی از تأسیسات آبی و همچنین شبکه برق و مخابرات نیز آسیب دیده اما رقم دقیق خسارت‌ها در این بخش هنوز اعلام نشده است.

سختگیری کویت در صدور ویزا برای بازرگانان ایرانی؛ «تاجران جدید امکان ورود به بازار کویت را ندارند»



بازاری در شهر کویت

● ابراهیم رئیسی اواخر آذرماه ۱۴۰۲ در گفتگوی تلفنی با شیخ مشعل الاحمد الجابر الصباح امیر کویت، ابراز امیدواری کرده بود که روابط دو کشور بیش از پیش ارتقاء یابد اما به نظر می‌رسد کویتی‌ها از پیامدهای این «ارتقاء» در روابط اقتصادی و معاملات تجاری با بازرگانان و تاجران ایرانی آگاهند.

● هانی فیصلی رئیس پیشین اتاق مشترک بازرگانی ایران و کویت در مصاحبه با ایلنا که ۱۱ اسفندماه منتشر شده، گفته است: «کویت هنوز در دادن ویزا به تاجران به ویژه تاجران ایرانی سختگیری زیادی دارد و به عبارت دیگر امکان ورود تاجران جدید به بازار کویت وجود ندارد و تنها ویزای تاجران که تا کنون در بازار این کشور فعالیت داشته‌اند تمدید می‌شود».

● ارزش تجارت جهانی کویت سالانه ۳۲ میلیارد تا ۵۳ میلیارد دلار است که سهم جمهوری اسلامی از تجارت با بازار کویت فقط حدود ۱۵۰ میلیون دلار است.

رئیس پیشین اتاق بازرگانی ایران و کویت می‌گوید، کویت هنوز در دادن ویزا به تاجران ایرانی سختگیری زیادی دارد و به عبارت دیگر امکان ورود تاجران جدید به بازار کویت وجود ندارد.

ابراهیم رئیسی اواخر آذرماه ۱۴۰۲ در گفتگوی تلفنی با شیخ مشعل الاحمد الجابر الصباح امیر کویت ابراز امیدواری کرده بود که روابط دو کشور بیش از پیش ارتقاء یابد اما به نظر می‌رسد کویتی‌ها از پیامدهای این ارتقاء در روابط اقتصادی و معاملات تجاری با بازرگانان و تاجران ایرانی آگاهند.

هانی فیصلی رئیس پیشین اتاق مشترک بازرگانی ایران و کویت در مصاحبه با ایلنا که ۱۱ اسفندماه منتشر شده، گفته است: «کویت هنوز در دادن ویزا به تاجران به ویژه

پس از انقلاب ۵۷ سدهای بزرگی ساخته شدند که حدود ۲ هزار اثر تاریخی را زیر آب برده‌اند

● علیرضا سرداری عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با اشاره به اینکه بیش از ۱۱۰ اثر تاریخی در سد «سیمره» واقع در استان ایلام غرق شد اضافه کرد: «این سد آثار شاخصی به علت موقعیت جغرافیایی مهم (مسیر راه‌ها و شاهراه‌های ارتباطی ایران و بین‌النهرین) داشت که از بین رفتند.» به گفته وی، آغاز ساخت این سد مربوط به دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و بهره‌برداری از این سد، مربوط به اواخر دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد است.

● «در مخزن «سد سیوند»، آثار باستانی مربوط به دوران پیش از تاریخ داشتیم. در سراسر زاگرس، استان فارس، خوزستان، کرمانشاه و... که محل‌هایی برای استقرارهای انسانی و کشاورزی بوده‌اند، سدهایی ساخته شده که این آبادی‌ها در دوران تاریخی را از بین برده‌اند. ساخت این سد، اطلاعات ما را در مورد دوره هخامنشی برای همیشه ناقص گذاشت. همچنین ساخت «سد مشمپا» در زنجان، شواهد تاریخی در مورد ارتباط مردم بین ایران در شمال غرب و فلات مرکزی ایران در دوران را از بین می‌برد.»

● یکی از جنجالی‌ترین پروژه‌های سدسازی که از آغاز پروژه احداث تا کنون به یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست محیطی و میراث فرهنگی کشور تبدیل شده، سد گنوند است که در مسیر رودخانه کارون و نزدیکی معدن نمک احداث شد و در اوایل بهره‌برداری، صخره نمکی بزرگی وارد دریاچه آن شد که موجب شوری آب رود کارون و باعث آسیب صدها هکتار زمین کشاورزی شد.

علیرضا سرداری عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با بیان این مطلب به وبسایت «رکنا» گفت: «در شرایطی که می‌توان مطالعات بسیاری در خصوص دوره‌های مختلف تاریخی محوطه‌های باستانی انجام داد، تپه‌ها و محوطه‌های باستانی که بقایای شهرها و روستاهای باستانی هستند و امکان جابجایی ندارند زیر میلیون‌ها مترمکعب آب غرق و نابود می‌شوند.»

وی با بیان اینکه همیشه اولویت در پروژه‌های عمرانی به ویژه سدسازی، با ساخت و تامین آب بوده است افزود: «صحبت از انجام مطالعات میراث فرهنگی همیشه در حاشیه قرار گرفته است.»

به گفته سرداری، «در بسیاری از مواقع محیط زیست توانسته است موفق شود و حق‌اش را بگیرد؛ ولی میراث فرهنگی تا ۲۰ سال پیش، مغفول مانده بود. بر روی بسیاری از سدهای کشور اصلاً مطالعات میراث فرهنگی انجام نشده است.»

وی با اشاره به اینکه بیش از ۱۱۰ اثر تاریخی در سد «سیمره» واقع در استان ایلام غرق شد اضافه

تاجران ایرانی سختگیری زیادی دارد و به عبارت دیگر امکان ورود تاجران جدید به بازار کویت وجود ندارد و تنها ویزای تاجران که تا کنون در بازار این کشور فعالیت داشته‌اند تمدید می‌شود.»

وی افزود، «کویت بر خلاف کشورهای حاشیه خلیج فارس به اقتضای سیاست‌های داخلی خود فضایی بسته و قوانین مخصوص به خود را دارد و نه تنها برای تجارت حتا برای گردشگری هم به خارجی‌ها ویزا نمی‌دهد.»

رئیس پیشین اتاق مشترک بازرگانی ایران و کویت ابراز امیدواری کرده رویکرد امیر جدید کویت گشودن درهای این کشور به ویژه برای کشورهای همسایه باشد.

به گفته وی، ارزش تجارت جهانی کویت سالانه ۳۲ میلیارد تا ۵۳ میلیارد دلار است که سهم جمهوری اسلامی از تجارت با بازار کویت فقط حدود ۱۵۰ میلیون دلار است.

عمده صادرات ایران به کویت «مصالح ساختمانی مانند گچ و سیمان» است. همچنین صنایع دستی، فرش و مبلمان هم در گروه کالاهایی قرار دارد که از ایران به کویت می‌رود اما به گفته فیصلی «حجم واردات کالا از مبدأ کویت به ایران بسیار ناچیز است.»

رئیس پیشین اتاق مشترک بازرگانی ایران و کویت یادآور شد، ایران به مردم کویت ویزا می‌دهد و کویتی‌های زیادی هستند که برای تجارت و گردشگری به ایران می‌آیند.

کویت یکی از اقتصادهای قدرتمند خاورمیانه است و دینار این کشور برخلاف ریال ایران یکی از پول‌های قوی دنیاست. متوسط درآمد سالانه کویتی‌ها حدود ۷۰ هزار دلار است.

درآمد ماهانه هر نفر در کویت بر اساس داده‌های وبسایت numbeo بطور میانگین دو هزار و ۷۵۰ دلار برآورد شده است. این وبسایت گزارش‌ها و آمارهای خود را به شکل آنلاین و با مشارکت کاربران جمع‌آوری می‌کند. متوسط درآمد ماهیانه ایرانی‌ها حدود ۲۶۵ دلار است.

بررسی انجام شده، شناسایی و ثبت مجموعه‌ای متشکل از آثار باستانی مهمی شامل محوطه‌ها، تپه‌ها، گورستان‌ها و آثار معماری است که تعداد ۳۵ مورد از آنها در معرض خطر به دلیل رطوبت ایجاد شده توسط سد این دریاچه، قرار دارند. آثار شناسایی شده در نقاط مختلف شامل دشت‌های کوچک میان‌کوهی، کنار رودخانه قزل اوزن و نهرهای فصلی، دامنه کوه‌ها، داخل تنگه‌ها و روی تپه‌ماهورها قرار داشتند.

در مهرماه ۹۲ نیز گزارشی از عملیات احداث سد «بالارود» در اندیمشک منتشر شد که خبر می‌داد محوطه باستانی بردپنیر متعلق به هزاره چهارم میلادی در معرض خطر آبیگری و عملیات ساخت و ساز سد قرار گرفته است. با اینکه مسئولان سد اعلام کرده بودند که خطر نفوذ آب به این محوطه باستانی صفر است اما متولیان میراث فرهنگی و کارشناسان این جمله را نوعی بی‌اعتنایی به محوطه بردپنیر دانستند. محوطه باستانی بردپنیر متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد است. این محوطه با اینکه در فهرست

میراث فرهنگی بیابند که بی‌فایده است. از طرفی، منابع مالی کافی برای پژوهش‌های باستان‌شناسی وجود ندارد. هیات‌های خارجی و باستان‌شناسان بین‌المللی هم به ندرت به ایران می‌آیند و این نشان می‌دهد نتوانسته‌ایم از این فرصت استفاده کنیم.»

یکی از جنجالی‌ترین پروژه‌های سدسازی که از آغاز پروژه احداث تا کنون به یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست محیطی و میراث فرهنگی کشور تبدیل شده، سد گتوند است که بر مسیر رودخانه کارون احداث شد. این سد که محمود احمدی‌نژاد آن را از افتخارات دولت خود ارزیابی کرده در نزدیکی معدن نمک احداث شد و در اوایل بهره‌برداری، صخره نمکی بزرگی وارد دریاچه آن شد که موجب شوری آب رود کارون و باعث آسیب صدها هکتار زمین کشاورزی شد. از سوی دیگر در نتیجه آبیگری سد گتوند که از سال ۹۱ آغاز شد، نزدیک به ۳۵ روستا در معرض خطر آبیگری قرار گرفتند. از این تعداد ۲۵ روستا طی دو مرحله آبیگری سد به زیر آب رفتند و آنطور که

→ کرد: «این سد آثار شاخصی به علت موقعیت جغرافیایی مهم (مسیر راه‌ها و شاهراه‌های ارتباطی ایران و بین‌النهرین) داشت که از بین رفتند.»

به گفته وی آغاز ساخت آن مربوط به دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و بهره‌برداری از این سد، مربوط به اواخر دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد است.

سرداری با بیان اینکه هنوز در سد «خرسان ۳» فرصت برای نجات آثار و محوطه‌های تاریخی وجود دارد، تاکید کرد: «در این سد، گورستان بزرگی به وسعت ۱۲ هکتار مربوط به چهار هزار سال پیش وجود دارد. آثاری از این محوطه به دست آمده که شواهد تمدنی آغاز تاریخی ایران و ارتباطات مردم بین شرق و غرب ایران را نشان می‌دهد. حفاری و کاوش در این گورستان، سال‌ها طول می‌کشد؛ چراکه اگر هر روز هم کار شود، تقریباً به ۱۰ سال برای ۵ تیم کاوش زمان نیاز است.»

او همچنین اشاره کرد که «در مخزن «سد سیوند»، آثار باستانی مربوط به دوران پیش از تاریخ داشتیم. در



سد سیمره / شهرستان بدره / استان ایلام

آثار ملی کشور به ثبت رسیده اما تا کنون هیچ بررسی باستان‌شناختی و ضوابط عرصه و حریم میراث فرهنگی را تجربه نکرده است و بخشی از این تپه متعلق به پیش از تاریخ در محوطه کارگاه سدسازی قرار گرفت و محل دفن پوی خاک سدسازان شد.

همچنین محوطه‌ای تاریخی در منطقه چم‌شیر گچساران کشف شد که قدمت آن به دوره ساسانی می‌رسد اما با این حال با آبیگری سد چمشیر در تابستان امسال این محوطه تاریخی هم به زیر آب رفت

در سال ۱۳۸۶ نیز شش سد آماده آبیگری شده بودند، سدهای سلمان فارسی در شیراز، سد کلان ملایر، کالیپوش در شاهرود، جره در رامهرمز خوزستان، سد کارون چهار در چهارمحال و بختیاری و گلابر در زنجان از جمله سدهایی بودند که در دریاچه آنها آثار باستانی و محوطه‌های تاریخی وجود داشتند و پس از آبیگری سدها، این محوطه‌ها غرق شدند. برای نمونه سد سلمان فارسی که در جنوب غربی شیراز واقع شده، محوطه‌هایی متعلق به دوران تاریخی، فراهخامنشی، ساسانی و پس از آن را غرق کرد.

فعالان میراث فرهنگی استان خوزستان اعلام کرده بودند ۱۰ روستای دیگر نیز در سومین مرحله از آبیگری غرق خواهند شد. همه این روستاها بازمانده از معماری بومی و دارای آثار و محوطه‌های تاریخی ارزشمند هستند. کارشناسان می‌گویند که هیچ گزارشی از بررسی، شناسایی و حتی کاوش‌های باستان‌شناسان از روستاها و محوطه‌های تاریخی در معرض خطر آبیگری اعلام نشده است.

سد «شفارود» نیز که در ۶ کیلومتری جنوب غربی رضوانشهر و ۶۵ کیلومتری رشت روی رودخانه شفارود در حال ساخت است تاییدیه ارزیابی محیط زیستی ندارد و در عین حال در پرباران‌ترین استان کشور در حال ساخت است که صدها هکتار از بهترین جنگل‌های باستانی هیرکانی را هدف تخریب قرار داده و پیش‌بینی می‌شود با ساخت آن ۹۳ هکتار جنگل تخریب، ۴۵۰ خانواده آواره و حداقل ۳ روستا تخلیه خواهد شد.

در آبان ماه ۹۳ دکتر لیلیا خسروی باستان‌شناس و پژوهشگر از کشف آثار متعلق به دوران تاریخی اشکانی در اطراف سد «مشمپا» خبر داد. به گفته این باستان‌شناس نتیجه

سراسر زاگرس، استان فارس، خوزستان، کرمانشاه و... که محل‌هایی برای استقرارهای انسانی و کشاورزی بوده‌اند، سدهایی ساخته شده که این آبادی‌ها در دوران تاریخی را از بین برده‌اند.»

عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور به ساخت «سد سیوند» نیز اشاره کرد و گفت: «ساخت این سد، اطلاعات ما را در مورد دوره هخامنشی برای همیشه ناقص گذاشت. همچنین ساخت «سد مشمپا» در زنجان، شواهد تاریخی در مورد ارتباط مردم بین ایران در شمال غرب و فلات مرکزی ایران در دوران را از بین می‌برد.»

سرداری با اشاره به اینکه در چین، ترکیه، سوریه و عراق، هنگام سدسازی زمانی برای مطالعه هیات‌های باستان‌شناسی در نظر گرفته می‌شود، افزود: «باستان‌شناسان از کشورهای مختلف در این مناطق حاضر می‌شوند و تا حد امکان کاوش می‌کنند و آثار را نجات می‌دهند. اما در ایران بعضی وقت‌ها در پروژه‌های سدسازی، حدود ۹۵ درصد پیشروی می‌کنند بعد یادشان می‌افتد که در یک زمان کوتاه، سراغ

جمهوری اسلامی دچار «تنهایی استراتژیک» شده!

علی اکبر صالحی وزیر خارجه دولت احمدی نژاد و رئیس سازمان انرژی اتمی در دولت حسن روحانی، در همایش سالانه «انجمن علوم سیاسی» پس از روضه‌ای طولانی درباره «جمهوریت» و «حقوق بشر» و «سیاست خارجی» اسلامی، اول گفت که رژیم «نه تنها» و «نه منزوی» است! بعد با مقایسه خودشان با آمریکا و روسیه و چین گفت: «ما در حال حاضر دچار تنهایی استراتژیک هستیم» چرا که جمهوری اسلامی «شیر انرژی خود را در اختیار دارد!»

این در حالیست که رژیم از یکسو با ایرانفروشی اخبارش را به روسیه و چین داده و از سوی دیگر به خاطر تحریم‌های آمریکا، اختیار «شیر انرژی» را نیز به قاچاقچیان سپرده!

پس از نتایج سیرک انتخابات بر اثر بایکوت توسط مردم، این روزها «مقامات سابق» مرتب در حال تحلیل درباره وضعیت نظام و شرایطی هستند که خودشان در شکل گرفتن آنها نقش دارند و معلوم نیست خطاب شکایت و آه و ناله و توصیه‌هایشان به کیست!

شاهزاده رضا پهلوی:

قدرت و تعداد ما بسیار بسیار بیشتر از نیروی سرکوب رژیم است

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی که یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ با اشاره به «سیرک انتخابات» و اتحاد مردم ایران در یک نافرمانی مدنی برای بایکوت آن منتشر شد نوشت:

«ما مردم ایران روز جمعه ۱۱ اسفند، با اتحادی کم‌نظیر، بزرگترین نافرمانی مدنی تاریخ خود را رقم زدیم. اینبار، اکثریت قاطع ما در کنار هم ایستادیم، و بجای همدستی با قاتلان عزیزانمان، بایکوت را انتخاب کردیم.

این فقط یک سکوت اعتراضی علیه رژیم ضدایرانی

شاهزاده رضا پهلوی:

ما ملت ایران جز یکدیگر یار و یآوری نداریم

در ارتباط با سیل ویرانگری که زندگی سراسر محرومیت را نیز در استان سیستان و بلوچستان با فلاکت بیشتر روبرو کرده، شاهزاده رضا پهلوی طی پیامی از شهروندان درخواست کرد که به یاری هموطنان خود بشتابند. در این پیام که دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲ منتشر شد آمده است:

«طی روزهای گذشته در پی بارش‌های مداوم و سیل‌آسا، و سرریز شدن دست‌کم ۴ سد، و به دنبال آن نبود مدیریت بحران، مردم چندین شهرستان در جنوب استان سیستان و بلوچستان قربانی سیل شده‌اند، و فاجعه‌ای انسانی به ویژه در شهرستان دشتیاری رخ داده است. در اثر این سیل، صدها روستا، که اغلب از مناطق محروم‌تر و فقیرتر #سیستان_و_بلوچستان هستند و از امکانات خیلی ضعیفی برخوردارند، زیر آب رفته‌اند؛ جاده‌ها، پل‌ها و زیرساخت‌های برق و آب آشامیدنی سالم از بین رفته و محصولات کشاورزی و دام‌های مردم سیل‌زده و خانه‌های گلی‌شان نابود شده است. با وجود الگوی تکراری سیل در #ایران، واکنش رژیم جمهوری اسلامی به این بحران در سیستان و بلوچستان، همچون بحران‌های مشابه دیگر، ترکیبی از بی‌اعتنایی، و ناکارآمدی و بی‌کفایتی ذاتی این رژیم بوده؛ بطوری که حتی از دادن سوخت به خودروهای شخصی که کمک‌های مردمی را به مناطق سیل‌زده می‌بردند خودداری کرده است. در چنین شرایطی، از تک‌تک هم‌وطنان درخواست می‌کنم که به هر طریق ممکن به مردم سیل‌زده در #دشتیاری و دیگر نقاط سیستان و بلوچستان کمک کنند؛ که ما ملت ایران جز یکدیگر یار و یآوری نداریم.»

وضعیت وخیم زرتشت احمدی راغب در پی اعتصاب غذا در زندان

زرتشت احمدی راغب زندانی سیاسی محبوس در زندان «قرل‌حصار» از دی‌ماه امسال در «اعتراض به اعدام‌ها و سپس اعتراض به پرونده‌سازی‌ها و آزاروآذیت‌های مقامات

یحیی رحیم صفوی:

عمق استراتژیک ما باید به پنج هزار کیلومتر برسد!

مشاور عالی علی خامنه‌ای می‌گوید، دریای سرخ و دریای مدیترانه نقاطی استراتژیک هستند و نیروهای دریایی و هوافضای سپاه باید بر این نقاط متمرکز شوند. پاسدار یحیی رحیم‌صفوی مشاور نظامی رهبر جمهوری اسلامی چهارشنبه ۱۶ بهمن‌ماه در یک سخنرانی در دانشگاه افسری سپاه عنوان کرده، «جمهوری اسلامی چاره‌ای جز عمق‌بخشی به دفاع و امنیت کشور ندارد؛ عمق دفاع استراتژیک ما دریای مدیترانه است و باید به پنج هزار کیلومتر افزایش یابد.»

میلیون‌ها کارگر در انتظار تعیین رقم حداقل دستمزد؛

دولت همچنان در برابر افزایش دستمزد مقاومت می‌کند

یک فعال کارگری می‌گوید موضع ما همان سید معیشت ۲۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است و با توجه به تورم ۴۶ درصدی، این عدد مبنای مذاکرات ما در شورای عالی کار خواهد بود. دولت با این توجیه که افزایش دستمزدها «تورمز» است به دنبال تعیین رقمی حدود ۲۰ درصد بیشتر از رقم حقوق در سال جاری است. برخی تحلیلگران معتقدند عدم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم و هزینه‌های زندگی، بستر ساز بروز اعتراضات گسترده‌تری از سوی حقوق‌بگیران در سال آینده خواهد بود.

با رد شکایت حمید نوری از سوی دادگاه عالی سوئد حکم حبس ابد وی قطعی شد

ایرج مصداقی زندانی سیاسی سابق و تحلیلگر مسائل سیاسی که در دستگیری حمید نوری و دادگاهی کردن وی به عنوان یکی از عواملان جنایت کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ خورشیدی نقش تعیین‌کننده داشت، چهارشنبه ۱۶



اسفند ۱۴۰۲ در ایکس اعلام کرد: «دادگاه عالی استکهلم امروز حکم دادگاه حمید نوری مبنی بر حبس ابد را تایید و شکایت او را رد کرد.» وی نوشت: «این پیروزی را به همه دادخواهان تریک می‌گویم.» حکم حبس ابد در بیشتر کشورهای اروپایی شامل ۲۰ تا ۳۰ سال زندان است که تحت شرایطی، زندانی در صورت تقاضا می‌تواند زودتر نیز آزاد شود مگر اینکه در حکم قطعی، این شرایط مشمول وی نشود.



زندان قرل‌حصار» اعتصاب غذا کرده است. این فعال سیاسی و آتش‌نشان اخراج شده، از امضاکنندگان نامه استعفا «علی خامنه‌ای» و «نه به جمهوری اسلامی» معروف به نامه ۱۴ نفر است که در سال‌های گذشته بارها بازداشت و زندانی شده است. او و رضا سلیمان‌زاده زندانی مشروطه‌خواه هفته‌گذاشته بیانی‌های مشترک درباره ضرورت تحریم انتخابات مجلس شورای اسلامی نوشتند و تأکید کردند: «نه به انتصابات فرمایشی حکومت!»



جمهوری اسلامی نبود، بلکه نقطه عطفی بود مهم در مسیر و شیوه مبارزه‌مان برای بازپس‌گیری ایران؛ باور به اینکه قدرت و تعداد ما بسیار بسیار بیشتر از نیروی سرکوب رژیم است.

من به تک‌تک شما که در این نافرمانی مدنی بزرگ همراه شدید، افتخار می‌کنم. بدانید که آنچه رقم زدید، چراغ راه پیش روی ماست.»

چند استان ایران جزو کانون‌های خودکشی در جهان؛ «کودک‌همسری» و «فقر» از عوامل اصلی خودکشی کودکان

یک جامعه‌شناس با اشاره به آمار بالای خودکشی در استان‌های ایلام، لرستان، کرمانشاه و خوزستان گفته همگی شاخص‌های توسعه در پایین‌ترین سطح دارند و بالاترین آمار مهاجرفرستی، بیکاری و فقر در آنها دیده می‌شود. شهرهای استان تهران مثل ملارد، «قدس»، رباط کریم، شهریار، قرچک، ورامین، پیشوا و پاکدشت در استان تهران آمارهای بالایی در زمینه خودکشی دارند. یک روانشناس می‌گوید برخی نجات‌یافتگان می‌گویند، تنها ۵ دقیقه پیش از اقدام به خودکشی، به آن فکر کرده‌اند و هیچ برنامه‌ای برای آن نداشته‌اند که این موضوع شرایط را بحرانی‌تر می‌کند.

حال را مفتضحانه خراب کرده‌اند و طرح برای «آینده شکوهمندتر» می‌دهند!

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش که پس از اینکه چند پیشنهاد ابراهیم رئیسی برای ریاست این وزارتخانه رد شدند، بر کرسی وزارت تکیه زده، یک راه حل بدیع ارائه داده تا «کشور آینده شکوهمندتری» داشته باشد؛ اوی بدون اینکه قصد شوخی داشته باشد گفته: «اگر کاری کردیم که سن دیپلم از ۱۸ به ۱۵ سال بیاید و بجای اینکه لیسانس در ۲۲ سالگی باشد به ۱۹ یا ۱۸ سالگی کاهش دهیم و سه سال را به قبل از دبستان الان اضافه کنیم و هزینه را آنجا انجام دهیم، حتما کشور آینده شکوهمندتری خواهد داشت!» با همین افکار احمقانه وضعیت مملکت را به جایی رسانده‌اند که هر سال ده‌ها هزار کودک و نوجوان از تحصیل باز می‌مانند و دارندگان دیپلم و لیسانس هم از کشور فرار می‌کنند!

واردات حدود ۲۰۰ هزار اتوبوس، تاکسی و موتورسیکلت چینی به ایران!

عبدالمطهر محمدخانی سخنگوی شهرداری تهران روز



واردات حدود ۲۰۰ هزار اتوبوس، تاکسی و موتورسیکلت چینی به ایران!

سه‌شنبه ۱۵ اسفندماه در یک جلسه کاری خبر داد که بر اساس قرارداد با چینی‌ها تا اواخر بهار سال ۱۴۰۳ بیش از ۲۵۰۰ دستگاه اتوبوس، ۲۷ هزار و پانصد تاکسی و ۱۵۰ هزار موتورسیکلت برقی از این کشور وارد ایران می‌شود. وی گفته هدف از این کار توسعه و بهبود وضعیت حمل و نقل عمومی است. تحلیلگران هشدار می‌دهند واردات این حجم وسایل نقلیه ضربات شدید به تولید داخلی ایران وارد می‌آورد.

راهکار همیشگی جمهوری اسلامی: کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!

«سازمان ملی مهاجرت» در ارتباط با صدور شناسنامه ایرانی برای فردی با تابعیت افغانستانی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «با توجه به انتشار گسترده شناسنامه فردی با تابعیت افغانستانی و ارتباط دادن این موضوع به طرح‌های سازمان ملی مهاجرت، به استحضار می‌رساند صدور این شناسنامه به هیچ‌کدام از طرح‌های این سازمان مربوط نمی‌باشد و حضور در طرح‌های سازمان، تابعیت ایرانی برای مهاجرین ایجاد نمی‌کند. ولی بالاخره یک سازمانی، نهادی، جایی، باید این شناسنامه را صادر کرده باشد یا نه؟!»

سردار سپاه به شهردارها: اگر می‌توانید کنسرت برگزار کنید، به ما بگویید!

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در عمل همه‌کاره‌ی کشور است و در هر جایی از سیاست و اقتصاد و فرهنگ حضور دارد، در کار برگزاری کنسرت‌ها هم دخالت می‌کند. سردار پاسدار سیاوش مسلمی فرمانده «سپاه ۲۵ کربلا» ی استان مازندران گفته است: اگر برخی شهرداران می‌توانند برگزاری کنسرت‌ها را با رعایت خط قرمزها به درستی انجام دهند به سپاه اعلام کنند؛ او گفت: «مجموعه فرهنگی سپاه کربلای مازندران می‌تواند این اقدامات فرهنگی را در شهرهای ساحلی انجام دهد!»

فونه‌ای از آرای واقعی مردم که «باطله» نامیده می‌شود!

در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ۱۴۰۰ که اصلاح‌طلبان هم شرکت داشتند، همراه با تحریم گسترده از سوی مردم، آرای باطله با رأی‌سازی برای رئیسی در جایگاه دوم قرار گرفت و عبدالناصر همتی که از سوی اصلاح‌طلبان حمایت می‌شد حتی از محسن رضایی هم کمتر رأی آورد و این جریان به «۳ درصدی»



نمونه‌ای از آرای واقعی مردم که «باطله» نامیده می‌شود!
جمعه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲

معروف شد. دو سال بعد، در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، همزمان با بایکوت که طبق آمار رسمی نیز دست‌کم ۶۰ درصد واجدان شرایط رأی‌دادن را شامل می‌شود، آرای باطله همچنان مقام خود را حفظ کرد و در حالی در جایگاه دوم قرار گرفت که با احتساب تحریم می‌بایست آن را در سکوئی نخست قرار داد. در آرای باطله هم هرچه فکرش را بکنید نوشته شده؛ از تف و لعنت علیه رژیم تا مشکلات معیشتی و کمبودها و قیمت نجومی اقلام خوراکی!

لغو کنسرت علیرضا قربانی به علت «مفسده با نوازنده زن»!

شهروندان: بی شرف! بی شرف!

در پی لغو کنسرت علیرضا قربانی که قرار بود روز دوشنبه ۱۴ اسفندماه در شهر اصفهان برگزار شود، شهروندانی که بلیت کنسرت را تهیه کرده بودند و تا آخرین لحظه هم از لغو کنسرت مطلع نشده بودند در برابر ماموران ستاد امر به معروف اصفهان شعار «بی شرف! بی شرف! بی شرف!» سر دادند و سپس با وجود حضور نیروهای امنیتی و تلاش آنها برای خارج کردن مردم از سالن انتظار، به همخوانی یکی از ترانه‌های این خواننده پرداختند. اعانتی پیش از آغاز کنسرت، ستاد «امر به معروف و نهی از منکر» استان اصفهان طی بیانیه‌ای به وزارت ارشاد نوشته بود: «مردم ارزشی اصفهان معتقد هستند که در این شهر شئونات ارزشی باید رعایت شود و با توجه به نظر علمای اصفهان و احتمال مفسده با نوازنده زن، این اجرا بدون نوازنده زن برگزار شود.»

نخستین جلسه دادگاه امیر تتلو برگزار شد

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی، صبح دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲ در نخستین جلسه رسیدگی به پرونده امیرحسین مقصدولو معروف به تتلو در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی افشاری، وکیل متهم و نماینده دادستان حضور داشتند و مادر و خواهر تتلو نیز حاضر بوده و در حاشیه دادگاه با وی ملاقات کردند.

نماینده دادستان ضمن خواندن کیفرخواست به تشریح «اقدامات مجرمانه متهم در فضای مجازی» پرداخت و درباره دستگیری وی توضیح داد که او در سال‌های ۸۶ و ۹۲ و ۹۵ در داخل کشور دستگیر شد؛ در سال ۹۷ به گرجستان رفت و در سال ۹۸ به ترکیه مهاجرت کرد و در آذرماه ۱۴۰۲ توسط پلیس ترکیه به مرز ایران منتقل و در هماهنگی با قوه قضاییه دستگیر شد.



نخستین جلسه دادگاه امیر تتلو برگزار شد

در زمان دستگیری وی در آذرماه رسانه‌های داخلی نوشتند که «شکات خصوصی این خواننده غیرمجاز شکایت‌های متعددی در دستگاه قضایی علیه وی ثبت کرده بودند؛ مهم‌ترین شکات این فرد نوجوانان زیر ۱۸ سال و خانواده‌هایشان هستند.» تتلو که زمانی عکس خندان او و ابراهیم رئیسی خرساز شده بود، بر اساس گزارش‌های رسانه‌های داخلی از جمله به «فساد و فحشا بین جوانان و نوجوانان» متهم است.



عکس هفته | هشتم مارس روز جهانی زن